خوشه های خورشید

با زائران در سوریه



نویسنده : سید محمد طاهر مدرسی

بسم الله الرحمن الرحیم

خوشه های خورشید درسوریه

نویسنده:

محمدطاهر مدرسی

ناشر چاپی:

ولایت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خوشه های خورشید درسوریه

مشخصات کتاب

سرشناسه: مدرسی، سیدمحمدطاهر، ۱۳۳۷

عنوان و نام پدیدآور: خوشه های خورشید در سوریه/ سیدمحمدطاهر مدرسی.

مشخصات نشر: مشهد: ولایت، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۳۰۴ ص.

شابک: ۹۷۸ ۹۶۴ ۶۱۷۲ ۰۶ ۷

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان دیگر: خوشه های خورشید: با زائران در سوریه.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۹۹ ۳۰۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: خوشه های خورشید: با زائران در سوریه.

موضوع: زیارتگاههای اسلامی سوریه.

موضوع: زیارتنامه ها .

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۹ خ۳۶م/BP ۶/۲۶۳

رده بندی دیویی: ۷۶۵/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۳۴۱۵۲

ص: ۱

اشاره

أَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

وَ عَجِّل فَرَجَهُم

ص: ۲

مرکز پخش: خیابان خسروی نو بازار بزرگ فرش انتشارات ولایت

تلفن: ۲۲۲۱۳۱۷ ۰۹۱۵۱۵۷۶۰۰۳

ص: ۳

هدیه به ساحت قدس پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم

و اهل بیت علیهم السلام و والدین و حق داران.

نویسنده: سیّدمحمّدطاهر مدرّسی

ص: ۴

توجه!

خواهران و برادران فرهنگ پرور ما، در انتظار سه جلد کتاب:

۱- ارمغان خانواده (ارمغان۲)

۲- ارمغان تربیت (ارمغان ۳)

۳- همگام با فرشتگان در عتبات (کتاب مهم و تحقیقی)

از مطالعه :

۱- زمزم نور ... (برای مشاوره و راهنمایی در خدمت خواهم بود)

۲- ارمغان ازدواج (ارمغان۱) برای انتخاب همسر، داماد و عروس و نیز برنامه های ازدواج و نامزدی مفید است.

۳- دستور و وصیت ... (وصیت در امور واجبه واجب است.)

۴- خوشه های خورشید در سوریه (کتاب حاضر)

غفلت نشود، لطفا یکبار مطالعه فرمایید (فهرست را نگاه کنید)

با قرآن مجید و کتاب بایست انس گرفت.

ص: ۵

در این کتاب می خوانید:

ص: ۶

فهرست مطالب

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

ص: ۱۰

ص: ۱۱

ص: ۱۲

ص: ۱۳

ص: ۱۴

ص: ۱۵

ص: ۱۶

ص: ۱۷

ص: ۱۸

ص: ۱۹

پیشگفتار:

ألحَمدُ لله الَّذی هَدانَا بمُحَمَّد المُختارِصلی الله علیه و آله وَ الصَّلاهُ وَ السَّلامُ عَلَی سَیِّدِ الأَبرارِ وَ آلِهِ الأَطهارِ وَ ذُرِّیَّتِهِ الأَخیارِ علیهم السلام وَ لَعنَهُ اللهِ عَلَی أَعدائِهِم الغاصِبینَ وَ الأَشرَارِ.

حمد و سپاس خدای راکه کائنات را در شعاع وجود خورشید نبوّت، پیامبر رحمت و ختم رسالت۹ آفرید. (لَولَاکَ لَما خَلَقْتُ الأَفْلاکَ) و افتخار خلافت اللهی را به بشر عنایت فرمود زیرا منصب خلافت و امامت جز از ناحیه او نخواهد بود «إِنّی جَاعِلٌ فِی الأَرضِ خَلیفَهً»(۱)

و برای رسیدن به اوج کمال لایق بشری و هدایت آنان پیامبرانی را فرستاد که از حضرت آدم تا محمّد مصطفی۹ پرچمداران وحی

۱- - البقره: ایه ۳۰

ص: ۲۰

بوده اند و بر بلندای سیر تکاملی این خط، کامل ترین دین (اسلام) و جامع ترین کتاب (قرآن) را به وسیله آخرین سفیر سرافرازش سید و سرور انبیاء۹ فرستاد که تا رستاخیز برای جهان و جهانیان پایدار باشد.

(وَ مَا أَرسَلنَاکَ إِلَّا رَحمَةً لِلعَالَمِینَ)(۱)

آن گاهی که به حکمت بالغه حق، خط رسالت و نبوت پایان پذیرفت پاکانی از دودمان ختم رسولان۹ را تحت عنوان ولایت و امامت مقرر داشت که بدون تردید امامت، همسان نبوت امری است الهی وجز ذات هستی بخش آن را نتوان انتخاب کرد ، آن گونه که به خلیلش فرمود: (إِنّی جَاعِلُکَ لِلنّاسِ اِمَاماً...) (۲)

آری انتخاب رسولان و امامان از جانب اوست (اَللّهُ أَعلَمُ حَیثُ یَجعَلُ رِسَالَتَهُ) (۳)

و چه ارزنده است این انتخاب و چه اهداف والایی در این انتخاب مورد نظر است. انتخاب معصومان شایسته از ذریه طیبه (ذُرِّیةً بَعضُهاَ مِن بَعضٍ) به منظور پاسداری از مکتب وحی، حِراست از آرمان های پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم، رهبری جامعه، حفظ ارزش ها، اجرای

۱- - الانبیاء /۱۰۷

۲- - البقره: ۱۳۳

۳- - آل عمران: ۳۴

ص: ۲۱

مقرّرات الهی، تفسیر کتاب آسمانی، برقراری حکومت عدل نبوی و... خواهد بود؛ زیرا پس از پیامبر صل الله علیه و آله و سلم تنها آنان مقام والای مرجعیت دینی را خواهند داشت که اگر خداوند خورشید آسمان رسالت را به سوی خود فراخواند، اشعه تابناک خورشید منظومه عصمت در دوازده برج هستی با ولایت تکوینی جهان شمول و در عمق باورهای باورمندان ولایت تشریعی سعادت گستر را فروزان ساخت تا برای بشریت بل کائنات نه تنها راهنما که راهگشا، راهبر، نورافکن و میزان حق مدار باشند.

«وَالسَّمـاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ المِیزَانَ»(۱) خداوند، آسمان وجود پیامبر صل الله علیه و آله و سلم را به بلندای جوار قرب خود بالا برد و میزان وجود أمیرالمؤمنین علی علیه السلام (و فرزندانش) را جایگزین کرد.

از این روست که استوانه های دوازده گانه اشعه هدایت گر خورشید نبوت و ولایت که ازسرچشمه جوشان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و زهرای اطهرعلیها السلام الگو گرفته اند (لَقَد کَانَ لَکُم فی رَسُولِ اللهِ اُسوَةٌ حَسَنَةٌ)(۲) ، سراپرده دین و دین مداران را استوار نگه داشته و از پرتو آن، هاله های نور افشان، جهان را در آغوش گرفته اند، زیرا تنها از اهل او، ذریه او و دودمان او هستند که خداوند آنان را پاک و بی آلایش قرار داده است (إِنَّمَا یُرِیدُ اللهُ لِیُذهِبَ عَنکُمُ الرِّجسَ أَهلَ البَیتِ

۱- - الرحمن: ۶

۲- - الاحزاب: ۲۱

ص: ۲۲

وَ یُطَهِّرَکُم تَطهِیراً)(۱) تا بی نقص و بی آلایش در پناه دین، قرآن، علم لدنی، عصمت و ولایت، جهان را اداره و جهانیان را رهبری کننـد و خـدا جویانِ مکتب قرآن نیز موظّفنـد تا به شـهر دانش نبوی از در علوی گام نهنـد و حکمت های نبوی را از زبان علوی که جانشـین بحق اوست بشنوند !(أَنَا مِیزَانُ الحِکمَهِ وَ عَلِیٌ لِسَانُهُ) (أَنَا مدینه العلم و علیٌ بابُها)(۲) و بحق امانت دار دو امانت بزرگ نبیّ خاتم صلی الله علیه و آله و سلم باشند که تا ورودی چشمه زلال کوثر هم از یک دیگر جدا نخواهند شد.

! (إِنّی تَارِکٌ فِیکُم الثَّقَلَینِ کِتَابَ اللهِ وَ عِترَتِی أَهلَ بَیتِی وَ إِنَّهُمَا لَن یَّفتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الحَوضَ) (۳)

دستور خلل ناپذیر خداوند این است که دین و قرآن را از اهل آن (پیامبر صل الله علیه و آله و سلم و أهل بیتش علیهم السلام) باید فرا گرفت (فَاسئَلُوا اَهلَ الذِّکرِ إِن کُنتُم لَاتَعلَمُونَ)(۴) و (أهلُ البَیتِ أَدرَی بِمَا فِی البَیتِ) و مسلّم است که اهل بیت علیهم السلام بسان استوانه های اشعه خورشید نبوّت اند که خود و خوشه های آن ها جهان را در چشم انداز شان تابناک ساخته اند، آری همان خوشه های خورشید نبوّت و امامت (امام زادگان شایسته و ذریه و نسل نبوی و علوی) اند که در هر سرزمینی، در هر

۱- – الاحزاب: ۳۳

۲- – کنزالعمال: ۳۲۹

۳- – مستدرک الصّحیحین : جلد۳/۱۴۸.

۴- – النحل: ۴۳

ص: ۲۳

افقی و در هر مرقد و مضجعی با جلوه خدایی تابیده اند تا نور افشان های فرا راه دین مداران خداجو و دلباختگان مکتب آسمانی و اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله و سلم باشند. و تا باورمندان، شیعیان و پیروان شان از نور بیان، از سیره سعادت گستر و از زیارت مراقد درخشان آنان بهره ها ببرند و درس ها بگیرند.

زیرا آنان انوار خدائی اند که نه تنها خاموش نشده اند بلکه درخشش روز افزون داشته اند (وَ اللهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوکَرِهَ الکَافِرُونَ) (۱) و نه تنها فراموش نشده اند که پرچم های حق مظهر و مناره های عدالت محور و حرم های حقیقت منظرشان از هرکوی و برزنی استوانه هایی از نور شده اند که از خاک تا به افلاک و فراتر از منظومه شمسی رفته اند (فِی بُیُوتٍ اَذِنَ اللهُ اَن تُرفَعَ وَ یُذکَرَ فِیهَا اسمُهُ) (۲)

و نه تنها حرم امن الهی و حرم مطهّر نبوی صلی الله علیه و آله و سلم ، که نجف، کربلاء کاظمین، سامرا و خراسان از نظر فیزیکی مطلع خورشید نبوّت و امامت شده اند، و شعاع آنان زمین و زمان را در هم نَوَردیده است. آنگاه خوشه های خورشید، افق های عراق، ایران، مصر، افغانستان، سرزمین شام، سرزمین های عربی، آسیای مرکزی و شبه قاره هند و... را در برگرفته و مایه هدایت، سعادت و برکت شده اند.

«خورشید یکی و نور او هر طرف است.»

۱- - الصف: ۸

۲- - النور:۳۶

ص: ۲۴

چشم انداز کتاب حاضر خوشه های خورشیدی است که در سرزمین شامات «سوریه» یا «دمشق» پرتو افکنده اند، همان ها که غروب فیزیکی و طلوع معنوی داشته انـد و بدون تردید این خوشه ها از همان شاخه های شـجره طیبه طوبی و عطیه ویژه از کوثر خداوندی است (إِنَّا أَعطَینَاکَ الکَوثَرَ...)(۱) آری، از نسـل او و مصـادیق ذوی القربی هسـتند که مـودّت به آنـان مزد رسـالت و کمـال دیـانت معرفی شده است. (قُل لَا أَسئَلُکُم عَلَیهِ أَجراً إِلَّا المَوَدَّهَ فِی القُربَی) (۲)

مودّتی که به شـعار بسـنده نخواهـد شـد و مرحله تکـاملی محبّت عملی آن از عمق جان و باور سالم در ابعاد زنـدگانی متبلور و ثمر آفرین باشـد. و بـایست از پلکـان معرفت، عقیـده، ایمـان، اطـاعت، عشق ورزی، و زیـارت آنـان (در زنـدگی و پس از ارتحال شان) صعود کرد تـا به این باور رسـید که نتایـج پربار مودّت خانـدان رسالت از آن امّت و اوج کمال آنان خواهـد بود. آن گاه به هـدف نهـایی که همان رسـیدن به خـدا باشـد از راه این مودّت ناب خواهـد بود. (قُل مَا أَسئَلُکُم عَلَیهِ مِن أَجرٍ إِلَّا مَن شَآءَ أَن یَتَّخِذَ إِلَی رَبِّهِ سَبِیلاً) (۳)

۱- - الکوثر: ۱

۲- - الشوری /۲۳

۳- - الفرقان /۵۷

ص: ۲۵

که آنان نه هدف بلکه وسیله اند و راهگشا به سوی خالق یکتا. (وَ ابتَغُوا إِلَیهِ الوَسِیلَهَ) (۱)

آری رفتن به حرم های آنان، زیارت آنان، دعای آنان، شفاعت شان، فراگرفتن دانش و حکمت آنان، شناختن حرم ها و مراقد آنان، زنـده کردن فرامین آنان، رونق دادن آثارشان، توسـعه فرهنگ آنان، بار سـفر بسـتن برای دیدار و زیارت آنان و زنده کردن سـیره و سنت آنـان همه و همه وسـیله هـایی هسـتند برای به دست آوردن رضـای خـدا و رسـیدن به کمـال لاـیق انسـانی که همه چیز از آن خداوند است و ما بنده او...

آری منظور اوست، معبود اوست، (إِیَّاکَ نَعبُدُ وَ إِیَّاکَ نَستَعِینُ) و پرسـتش جز او شـرک و گناه نابخشودنی است (وَ قَضَی رَبُّکَ أن لَاتَعبُدُوا إِلَّا إِیَّاهُ وَ بِالوَالِدَینِ إِحسَاناً) (۲)

و به یقین مسلمانان خداجو از راه اطاعت و پیروی از پیام آور وحی به او خواهند رسید، (قُل إِن کُنتُم تُحِبُّونَ اللهَ فَاتَّبِعُونِی یُحبِبکُمُ اللهُ ...)(۳) طرح محبّت و عشق ورزی بنـده به خدا و پیامبر صل الله علیه و آله و سـلم، مخروطی است حیات آفرین و سـعادت گستر که در تداوم آن پیشوایان معصوم و امامان برحق و فراتر از آن دودمان رسالت و اهل بیت عصمت علیهم السلام

۱- - المائده / ۳۵

۲- - الاسراء /۲۳.

۳- - ال عمران/ ۳۱.

ص: ۲۶

را نیز در بر خواهـد داشت و همه به امر خـدا و برای رسـیدن به خداونـد است. کلّیه امـور عبـادی واجب (نمـاز، روزه، حـج، جهـاد، خمس، زکات و...) و امور عبادی مستحب (ذکر، دعا، صدقه ، عیادت مریض، زیارت کعبه، زیارت پیامبر صل الله علیه و آله و سلم، زیارت امامان، زیارت ذریه پیامبر صل الله علیه و آله و سلم و زیارت اصحاب متدیّن و اخلاصمند رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم، همه و همه قُربَهً إلَی الله و برای کسب رضای خداوند است. (قُل إنَّ صَلَاتِی وَ نُسُکِی وَ مَحیَایَ وَ مَمَاتِی لِلَّهِ رَبِّ العَالَمِینَ ...) (۱)

چشم انداز نتیجه

در نتیجه این که اگر ما به زیارت حضـرت زینب علیها السلام می رویم، اگر مرقد رقیه، ام کلثوم، سرهای شهدا و امام زادگان علیهم السـلام و برخی از اصـحاب رسول خـدا صـل الله علیه و آله و سـلمرا زیـارت می کنیم برای رضـای خداونـد است؛ زیرا آنان لایق و خـدمت گزاران دین بوده اند و زیارت مؤمنان از سـنّت حسـنه رسول خدا صل الله علیه و آله و سـلم است که در بقیع رفته و در حق مؤمنین دعا می فرمود و افزون بر آن امام زاده های متدیّن همانند حضـرت زینب علیها السلام حق ویژه ای بر مسلمانان عالم دارند. و درباره زیارت ذریه پیامبر صل الله علیه و آله و سلم روایاتی آمده است که در این جا به ذکر یک روایت بسنده می شود:

۱- - الانعام/ ۱۶۲.

ص: ۲۷

! عن رسول الله ۹:«مَن زارَنی اَو زارَ أَحَداً مِنْ ذُرِّیَتِی زُرتُهُ یَومَ القِیامَهِ فَأَنقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا»

- پیامبر خدا صل الله علیه و آله و سلم: « هرکس مرا یا یکی از ذرّیّه و فرزندان مرا زیارت کند روز قیامت او را زیارت می کنم و از هول و هراس آن روز نجاتش می دهم.»

ص: ۲۸

فصل اول آشنایی با سوریه

اشاره

ص: ۲۹

فصل اول آشنایی با سوریه

در این فصل بر اساس نیاز و تقاضای زائران به معرفی اجمالی سرزمین سوریه پرداخته شده است تا راهگشایی برای زائران و پژوهشگران باشد.

۱/۱- جغرافیای طبیعی سوریه

سوریه آن گونه که درجنگ های خانمان برانداز صلیبی در خطّ مقدّم جبهه بوده است، بعد از آن نیز همواره در برابر رژیم غاصب و اشغالگر صهیونیستی در خطّ مقدّم جبهه قرار داشته و دارد و مبارزات شجاعانه این ملّت رشید برای مسلمانان جهان به ویژه اعراب مایه افتخار و سربلندی است.

ص: ۳۰

۲/۱- مساحت سوریه:

کشور سوریه با ۱۸۰/۱۸۵ کیلومتر مربع مساحت، هشتاد و سوّمین کشور جهان است و در کنار دریای مدیترانه در جنوب غربی قاره آسیا قرار دارد.(۱)

۳/۱- جمعیّت سوریه

طبق آخرین آمار، کشور سوریه دارای ۴۸۵/۱۷۸/۲۰ نفر به عنوان شصت و سوّمین کشور جهان و از مهم ترین کشورهای اسلامی عربی در خاورمیانه به شمار می آید.

مردم سوریه ۵۰ ٪ در شهرها زندگی می کنند. ملّت سوریه حدوداً ۹۱ ٪ مسلمان و ۹ ٪ غیر مسلمان می باشند و از نظر نژادی از قومیّت های ترک، عرب، کُرد و مهاجر تشکیل شده اند. دین رسمی این کشور اسلام است و نیز مردم سوریه ۷۰ ٪ اهل سنّت، ۱۵ ٪ علوی ۶ ٪ شیعه، ۵ ٪ مسیحی و بقیه یهودی، دَروَزی و غیره می باشند.

۴/۱- همسایگان سوریه

در سابق سوریه، فلسطین، اردن و لبنان به نام شام یا شامات یاد می شد؛ امّا فعلاً با نام های جغرافیایی سیاسی خاص خوانده می شوند. از این لحاظ همسایگان سوریه عبارتند از: ترکیه (در شمال)، اردن (در

۱- - گیتا شناسی

ص: ۳۱

جنوب)، عراق (در شرق و جنوب شرقی)، لبنان (در غرب) و فلسطین اشغالی (در جنوب غربی) .

۵/۱- وضعیت آب و هوای سوریه

سوریه در کناره های جنوب غربی خود آب و هوایی معتدل و مرطوب (مدیترانه ای) دارد و در سایر نقاط، گرم و خشک است. بلندترین ارتفاع این سرزمین از سطح دریا ۲۸۱۴ متر است.

۶/۱- رود های سوریه

رود های فُرات، عِفرین، عاصی، خابور و دجله از مهم ترین رودهای سوریه به حساب می آیند و رود فرات با ۶۹۶/۲کیلومتر طولانی ترین رود سوریه است که نیمی از آن در عراق و نیمی در ترکیه جاری می باشد.

۷/۱- صنایع ، معادن و منابع سوریه

از مهم ترین صنایع این کشور، پالایش نفت، نساجی، سیمان، پوشاک، صنایع دستی و موادغذایی است. معادن و منابع آن عبارتند از: نفت، گاز طبیعی، منگنز، سرب، فسفات، گچ و... .

ص: ۳۲

۸/۱- نظام سیاسی سوریه

کشور سوریه با عنوان رسـمی (جمهوری عربی سوریه) توسط آقای بشّار أسد به عنوان رئیس جمهور اداره می شود. این کشور در سال ۱۹۲۰م بـا رأی «جـامعه ملـل» تحت قیمـومیّت فرانسه قرارگرفت و در جنـگ جهـانی دوّم توسّـط نیروهـای مشـترک انگلیسـی و فرانسوی اشـغال شد و در سال ۱۹۴۲م به اسـتقلال رسید و در سال ۱۹۷۰م حافظ أسـد با کودتا در این کشور به قـدرت رسـید و به عنوان رییس جمهور مادام العمر انتخاب گردید. در سال ۲۰۰۰م حافظ أسد رحلت کرد و فرزندش بشّار أسد زمام امور را در دست گرفت .

۹/۱- اطلاعات عمومی کشور سوریه

دین رسمی: اسلام.

نظام سیاسی: جمهوری.

رئیس جمهور: بشّار أسد.

زبان رسمی : عربی.

واحدپول : لیر سوری.

مساحت: ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع.

جمعیت: ۴۸۵/۱۷۸/۲۰ نفر .

ص: ۳۳

۱۰/۱- نام گذاری شام

جغرافی دانان عرب نام شام را بر این سرزمین گذاشته اند درباره دلیل و وجه نام گذاری آن چهار توجیه مطرح شده است:

۱- بعضی بر این باورند که قومی از کنعان در این سرزمین ساکن شده اند (فَتَشائَمُوا إِلَيهَا) لذا شام گفته شده است .

۲- عدّه ای می گویند که اهل یمن به آن سرزمین روآوردند (تشاءُم) لذا شام نامیده شده است.

۳- یک عدّه گفته اند که به علّت زیاد بودن قریه ها و روستاها در نزدیک یکدیگر، این سرزمین، « شام » نام گذاری شده است.

۴- برخی بر این عقیده اند که در شام مردم به رنگ های مختلفی بوده اند مثل سیاه، سفید، زرد و سرخ. این منطقه شام خوانده شده است؛ چون خال بدن انسان را شام می گویند.(۱)

۱۱/۱- نام گذاری سوریه

سرزمین شام در دوران های سابق به نام سوریه خوانده می شد که فعلاً این نام فراگیر و رسمی شده است.

دلیل نام گذاری شام به سوریه یا ریشه تاریخی و ملّی دارد و یا ریشه دینی. اما ریشه تاریخی این است که در هنگام تسلّط آشوریان بر این سرزمین اطلاق شده است و در زبان «سامی» سین و شین به طور

۱- - احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم: ۱۴۰، و اماکن زیارتی سیاحتی : ۲۶

ص: ۳۴

یکسان به کار می رفته است (آشوری = آسوری) « که در اثر کثرت استعمال توسط اعراب حرف « آ » حذف شده و حرف « ه » تلفّظ شده است.»

نام سوریه برای نخستین بار در اثر « هرودوت » استعمال شده است که بر لبنان شرقی اطلاق می شده است.(۱) و از دوران یونانی ها به بعد برای تمام منطقه این نام نهاده شد.(۲) و امّا ریشه دینی این که گاهی به پیروان کنیسه قدیم، سوریه یا کنیسه سریانیه (کاتولیک) گفته می شده است. (و این نام از کنیسه به منطقه استعمال شده است) که نام خاص بر عام در اثرکثرت توجه و کثرت استعمال اطلاق گردیده است.

۱۲/۱- سوریه در آیینه تاریخ

سوریه با پیشینه ۵۰۰۰ ساله و تحوّلات مهمّ تاریخی و سیاسی یکی از کشورهای تمدّن خیزی است که همواره در تحوّلات جهانی و منطقوی دستخوش حوادث حیرت انگیزی بوده است.

۱- - خطط الشام : ۱/۴۷ ، الشام الحضاره: ۲۲ و ۲۳.

۲- - الشام فی صدر الاسلام :۴۰

ص: ۳۵

این سرزمین پیش از میلاد بارها به تصرف مصریان، آشوریان، بابلیان و ایرانیان درآمد.(۱) و پس از آن سلوکی ها، ساسانی ها و رومی ها (بیزانس) در آن سرزمین حکومت کردند.(۲)

در قرن هفتم میلادی (قرن اول هجری) با نور تابناک اسلام این خطّه روشن گردید و به دست مسلمین فتح شد.

۱۳/۱- سوریه پس از اسلام

اشاره

از آن جایی که سوریه جزء قلمرو روم شرقی (بیزانس) شده بود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می خواست روم را از فیض اسلام بهره مند سازد، لذا در زمان حیات خویش تصمیم گرفت که آن سرزمین را بدون جنگ و درگیری در قلمرو اسلام درآورد؛ لذا دو طرح عملی را روی دست گرفت: (و این در زمانی بود که سرزمین حجاز در پناه اسلام از صلح و صفا و آرامش بهره مند شده بود).

۱- پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نامه تبلیغی را برای فرمانروای مرزی شام که دست نشانده قیصر بود فرستاد تا زمینه رشد اسلام فراهم شود. امّا متأسفانه وقتی سفیر پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم به دهکده «موته» رسید یکی از مأموران مرزی او را دستگیر و از هدفش آگاه شد وبیرحمانه او را به

۱- - تاریخ بلاد الشام: ص ۵۰. الشام الحضاره ۱۲۰ و۱۴۰.

۲- - المعجم القطر العربی السّوری : ج ۱۰/ ص ۲۴.

ص: ۳۶

شهادت رسانید. این اوّلین شـهید مرز شامات بود و بسیّار برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ناگوار بود لذا مسلمانان را برای انتقام خون او دعوت فرمود.

۲- نبی مکرّم اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم گروهی از معلّمـان قرآن را برای تبلیغ اسـلام و آموزش قرآن به سـرزمینی در همان منطقه اعزام کرد. سپاه تبلیغ با مخالفت ناگهانی مواجه شدند و متأسـفانه در مقابله با مهاجمان به شـهادت رسیدند جز یک نفر که با تن مجروح، جـان به سـلامت برد و خبر را به پیـامبر صل الله علیه و آله و سـلم رسانیـد.(۱) این دو حادثه جانگـداز وتحرّکات مرزی رومیان علیه مسـلمانان، پیامبر صل الله علیه و آله و سلم را برآن وا داشت تا با جهاد مقدّس و نشان دادن قدرت اسلام، آنان را مواجه با شـکست کند و انسان های در بند و سرزمین های تاریخی را با قدرت اسلام نجات بخشد، از این رو طرح جنگ موته و تبوک را شخصاً پی ریزی کرد و... (۲)

جنگ موته

به منظور سـرکوبی مزاحمانِ تبلیغِ اسـلام و قرآن و برای نجات انسان های زیر سلطه امپراطوری روم، پیامبر خدا صل الله علیه و آله و سلم فرمـان جهـاد را صـادرکرد و سه هزار سـپاه رزمنـده را تحت فرمانـدهی جعفر بن ابی طالب علیهما السـلام و معاونان او زیـد بن حارثه و عبدالله بن رواحه، سامان

۱- – طبقات ابن سعد: ۲/۹۲ و تاریخ اسلام /۲۷۸

۲- – تاریخ اسلام /۲۷۸

ص: ۳۷

بخشید و فرامین بسیار ارزنده را در بیانیه خویش ایراد فرمود و تا منطقه «ثَنیَهُ الوِدَاع» سپاه را مشایعت کرد.(۱)

در این جنگِ نابرابر سپاه اسلام در منطقه « موته » فداکاری فوق العاده کردند و حضرت جعفر طیار علیه السلام به شهادت رسید. سپس معاونانش به ترتیب جام شهادت را سرکشیدند، اما توانستند که فرمانده سپاه روم و عدّه ای کثیری از سربازان دشمن را به خاک هلاکت بیاندازند، گرچه سپاه اسلام نتوانست به پیروزی چشم گیری نایل آید اما این غزوه زمینه نفوذ به سرزمین شام را برای مسلمانان فراهم ساخت و سپاه صد هزار نفری قیصر روم، شجاعت، ایثار و شهادت طلبی لشکر اسلام را به نظاره نشستند و دانستند که روزی سپاه اسلام این سرزمین را فتح خواهندکرد.

جنگ تبوک

تلخی جنگ «موته» و شهادت جعفر طیار علیه السلام، پیامبر صل الله علیه و آله و سلم و مسلمانان را بیشتر مصمم به جهاد علیه رومیان کرد. این بار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با یک بسیج عمومی و نمایش بزرگ نظامی خود شخصاً تصمیم گرفت که در این جنگ شرکت کند تا مرزهای اسلامی را از وجود دشمنان پاک سازی و مردم آن سامان را نجات دهد.

۱- – مغازی واقدی: ۲/۵۵۷

ص: ۳۸

با توجه به شرایط سیاسی و نظامی، پیامبر صل الله علیه و آله و سلم، حضرت علی علیه السلام را رسماً در مدینه جانشین خود قرار داد و خود با سی هزار نفر مجهّز به مرز روم حمله کرد. گرچه این بار نیز سپاه اسلام به پیروزی نظامی نایل نیامد زیرا جنگ صورت نگرفت، اما نتایج پربار و چشم گیری نصیب مسلمانان شد که برخی از این قرار است:

۱- به نمایش گذاشتن قدرت مسلمانان در عرصه های نظامی و سیاسی.

۲- چهره های مؤمن و منافق شناسایی شدند و منافقان افزون بر تخریب، در جنگ هم شرکت نکردند.

۳- تثبیت جانشینی أمیرالمؤمنین علیه السلام در عمل با بیان حدیث منزلت که حجت قاطع ولایت، امامت وجانشینی بود از جانب پیامبر اسلام.۹

۴- گردن نهادن فرمانروایان مرزی به دستورات اسلام و پرداخت جزیه به حکومت اسلامی و دریافت امان نامه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (با این طرح صلح آمیز نقشه های قیصر و امیران دست نشانده اش فرو ریخت تا اندیشه نبرد با مسلمانان را در سر نپرورانند.)

۵- به فرمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ، مردم «دَومَه الجَندل» خلع سلاح شدند و دژ «اکیدر» تسخیر شد و فرمانروای مسیحی آن به

ص: ۳۹

پرداخت جزیه به حکومت اسلامی گردن نهاد بدون آن که خونی ریخته شود.

۶- سرانجام در مدت بیست روز که مرزهای مهم روم و شامات تحت کنترل سپاه اسلام و پیامبر صل الله علیه و آله و سلم بود، از سپاه قیصر خبری نبود و پیامبر صل الله علیه و آله و سلم پس از گرفتن چندین پیمان از فرمانروایان مرزی آنان و اعزام هیئت هایی به اطراف با سرافرازی به مدینه بازگشت که داستان های شگفت انگیزی دارد. امّا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همواره به فکر فتح شامات و به فکر تحقّق فتح امپراطوری روم بود و بسیار دقیق زمینه سازی می کرد تا آن که سپاه اسامه را در حسّاس ترین زمان تشکیل داد.(۱)

سپاه اسامه

رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم در مرحله سوّم در سال یازدهم هجری در حالی که مریض بود تصمیم فتح شامات را گرفت و با دست مبارک خود پرچمی برای اسامه بن زید که جوان نورس و لایقی بود، بست و به او چنین دستور داد: «به نام خدا و در راه خدا نبرد کن. با دشمنان خدا پیکار نما. بر اهالی اُبنأ (۲) حمله ببر...» (۳)

۱- - برگرفته از تاریخ اسلام : ۳۱۴، سیره ابن هشام: ۲/۵۲۵.

۲- - انبا به ضمّ همزه ، جزئی از سرزمین بَلَقا در نزدیکی موته و در سوریه قرار دارد.

۳- - تاریخ اسلام /۳۱۴.

ص: ۴۰

آن گاه که پیامبر صل الله علیه و آله و سلم فرمان جهاد را با قاطعیّت صادر کرد به بزرگان صحابه مکرراً فرمان داد که به این سپاه شامل شوند و به روم حمله کنند اما ... .

خلاصه آن که سپاه اسامه در اردوگاه، ۱۶ روز ماند و به خاطر مریضی پیامبر خدا صل الله علیه و آله و سلم و سرپیچی برخی از بزرگان صحابه از دستور پیامبر صل الله علیه و آله و سلم اعزام سپاه اسامه به تأخیر افتاد تا آن که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به سوی حق پروازکرد سپس جامعه ی اسلامی به سوگ آن سروَر و تحوّلات سیاسی گرفتار شدند، پس از آن خلیفه اول اعزام سپاه اسامه را پیگیری و جهت فتح روم اعزام کرد.(۱)

۱۴/۱- فتح شامات و جنگ یرموک

سرانجام در زمان خلافت ابی بکر بن ابی قحافه لشکر اسلام (سپاه اسامه) به رومیان حمله کرد و درگیری شدیدی که صورت گرفت لشکر اسلام بر رومیان پیروز شد و این پیروزی داغ های جنگ موته را مداوا کرد. سپس خلیفه اول با یک بسیج عمومی وبه منظور فتح چهار نقطه حسّاس (حُمص، دمشق، اردن و فلسطین) چهار سپاه را سرو سامان داد و اعزام کرد. سرانجام سپاهیان اسلام سرزمین شامات را فتح کردند که این جنگ در تاریخ بنام «یرموک» ثبت شده است. در این

۱- - طبقات ابن سعد: ۲/۱۹۰-

ص: ۴۱

جنگ از مسلمانان سه هزار نفر و از رومیان ۱۴۰ هزار نفر کشته شدند.(۱)

در تاریخ فتح دمشق و شام در بین مورخین اختلاف نظروجود دارد. برخی سال سیزدهم هجری، تعدادی سال چهاردهم وعدّه ای سال هفدهم دانسته اند.(۲)

۱۵/۱- نخستین حاکم شام

نخستین حاکم دمشق و شام پس از فتح آن سرزمین از سوی خلیفه دوم (عمر بن خطاب) یزید بن ابی سفیان تعیین شد و پس از مرگ او برادرش معاویه بن ابی سفیان حاکم مطلق العنان شام شد.(۳)

۱۶/۱- تحولات مهمّ سیاسی سوریه

سوریه در دوره های معاصر دستخوش تحولات عجیبی شد که به برخی اشاره می شود:

۱- سوریه در سال ۱۷۹۹ م، پس از فتح مصر، توسط ناپلئون بناپارت به اشغال فرانسه در آمد سپس با استقلال نسبی مصر، سوریه، بار دیگر به دولت عثمانی واگذار شد.

۱- - الفتوح: ۱/۸۰ و۱۱۹، فتوح الشام :۲۰

۲- - دکترقائدان: اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه : ۲۹

۳- - همان و فتوح الشام : ص۵۰.

ص: ۴۲

۲- در سال ۱۸۶۰ م ، فرانسه تحت عنوان کمک سلطان عثمانی با اشغال نظامی بیروت که در آن زمان جزء سوریه بود به این کشور راه یافت.(۱)

۳- در سال ۱۹۱۴ م که دولت عثمانی در جنگ جهانی اول وارد شد، عرب ها برای به دست آوردن استقلال دست به فعّالیّت زدند امّا همزمان زمینه ایجاد دولت یهودی در فلسطین نیز فراهم گردید.

۴- پس از پایان یافتن جنگ جهانی اول و شکست دولت عثمانی، امیر فیصل بن حسین (همان که بعدها پادشاه عراق شد) از سوی کنگره مردم سوریه به پادشاهی برگزیده شد و مرکزیّت سیاسی دمشق تثبیت گردید.(۲)

۵- در سال ۱۹۲۰م با رأی جامعه ملل سوریه و لبنان زیر سلطه فرانسه قرار گرفت.

۶- در سال ۱۹۲۶م لبنان از سوریه تجزیه و کشوری جداگانه ایجاد شد و تا سال ۱۹۳۰م و ۱۹۳۲م مذاکرات و کشمکش ها ادامه یافت تا سرانجام برای تأسیس سوریه مستقل توافق شد، اما منطقه اسکندرون از پیکر سوریه جدا و به ترکیه واگذار شد، که این امر احساسات ضدّ فرانسوی را شدّت بخشید.(۳)

۱- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه : ۳۰.

۲- - تاریخ السوریه (۱۹۱۸- ۱۹۰۸)

۳- - اماکن زیارتی ص ۳۰.

ص: ۴۳

۷- در جنگ جهانی دوم که فرانسه پایگاه هایی در سوریه داشت، شکست خورد و آلمانی ها موفق شدند سوریه را به تصرّف خود در آورند و در سال ۱۹۴۱م نیروهای انگلیس و فرانسه، سوریه را اشغال کردند، سپس ژنرال کاترو، فرمانده نیروهای فرانسوی، سوریه را به عنوان جمهوری مستقل اعلام کرد و «شیخ تاج الدین حسنی» رئیس جمهور آن شد.

۸- در سال ۱۹۴۳م خروج سربازان خارجی از سوریه آغاز شد و استقلال این کشور بیشتر تثبیت شد و «شکری الغوتلی» به عنوان رئیس جمهور سوریه انتخاب گردید.(۱)

۹- سال ۱۹۴۸م سوریه در جنگ اعراب و اسرائیل شرکت کرد.(۲)

۱۰- از ۱۹۴۹م تا ۱۹۵۴م کودتاهای متعدّدی در سوریه واقع شد.

۱۷/۱- حافظ اسد و سوریه

در دوره های اخیر نیز کشور سوریه همواره با کودتاهای سبک و سنگین دست به دست می شد مثل کودتاهای سال های ۱۹۶۱م تا ۱۹۶۶م تا سرانجام در سال ۱۹۷۰م ژنرال حافظ اسد با کودتا، زمام امور را تا آخر عمرش به دست گرفت و با ارتحال او در سال ۲۰۰۰ میلادی

۱- - اماکن زیارتی ص ۳۰.

۲- - الاستراتیجیات العسکریه ... بیروت ۱۹۹۱ م.

ص: ۴۴

فرزندش بشّار اسد تاکنون به عنوان رئیس جمهور، این کشور را اداره می کند.

۱۸/۱- سرزمین شام و روایات

اشاره

گاهی در سخنرانی ها و بیانیه ها و گاهی در نوشتارها، روایاتی درباره عظمت شام مطرح می شود اما تاجایی که تحقیق به عمل آمده است، اکثر روایاتی که درباره ی فضایل شام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است، بی اساس و جعلی است. [عدّه ای می خواستند شام را در برابر مدینه منوره و کوفه با امتیازات ساختگی مطرح و عَلَم کنند] و مسلّماً این یکی دیگر از سوغات های حدیث سازی دوران های ستم بار است .

فرهنگ سوزی

همواره افراد وارسته و با فرهنگ، فرهنگ سازی و فرهنگ پروری کرده اند اما انسان های باطل گرا، غارت گران فرهنگ بوده اند؛ وقتی که تمدّن اسلامی ارزیابی شود این نتیجه به دست می آید که دو چیز خانه اسلام را خراب کرد: ۱- حدیث سوزی، یعنی فرهنگ سوزی، ۲- حدیث سازی، یعنی ساختن فرهنگ قلّابی و دروغ بستن بر خدا و پیامبر صل الله علیه و آله و سلم؛ بنابراین باید در روایات دقت کرد و

ص: ۴۵

با معاییر و ضوابط درایه و رجال عمل کرد که مبادا به دام روایات اسرائیلی گرفتار شد.

۱۹/۱- واژه دمشق و نام های آن

« دمشق » یا « دماسکو» واژه ای ست که در اصل، آرامی، سریانی یا کلدانی قدیم مطرح شده است و با نام «تمسقو» یا «دماسکو» در پانزده قرن پیش از میلاد ثبت شده است و دمشق به معنای سرعت نیز گفته شده است.(۱)

شهر دمشق با نام های گوناگونی در تاریخ به ثبت رسیده است همانند: باب الکعبه، عین الشّرق، فسطاط المسلمین (خیمه مسلمانان) بیت رامون عذراء، امّا اوّلین نام آن «جَلِقُ» گفته شده است که منصوب است به جیرون بن سعد بن عاد بن ارم بن سام بن نوح که در قرآن مجیدآمده است « إرَمَ ذاتِ العِماد ... » (۲)

۲۰/۱- دمشق در آیینه تاریخ

شهر دمشق که از قدمت پنج هزار ساله قبل از میلاد برخوردار است، از شهرهای تمدن آفرین و تاریخ ساز به شمار می آید. ملّت های زیادی در این سرزمین ساکن بوده اند مانند: لودی ها، آرامی ها،

۱- - مجتمع مدینه دمشق : ۱/۶۷ .

۲- - الفجر، ۷.

ص: ۴۶

فینیقی ها، ... آشوری ها، بابلی ها، مادها، ایرانی ها، یونانی ها، رومی ها، ترک ها، کُردها و... (۱)

۲۱/۱- نخستین بنیان گذار دمشق

درباره ی بانی این شهر در تاریخ اختلاف زیاد به چشم می خورد. برخی گفته اند که دماشق بن قالی بن مالک بن ازفخشد بن سام بن نوح و یا یقضان بن عامر، بانی این شهر بوده است و بعضی بیور اسف را بانی این شهر دانسته اند.

برخی می گویند که حضرت نوح پس از طوفان اوّلین شهری را که ساخت دمشق بود. بعضی دیگر ضحاک، عاد بن عوض، اسکندر، غلام حضرت ابراهیم بنام دماشق، برخی حضرت سلیمان یا دمشق بن قاین ... یا دماشق بن نمرود بن کنعان را بانی این شهر دانسته اند.(۲)

در برخی از روایات آمده است که فرزندان ارم بن سام بن نوح به نام های «دماشق، فلسطین، ایلیا و حمص» بودند هر کدام آن برادران شهر یا ولایتی را بنا کردند و به نام خودشان نام گذاری نمودند. (۳)

۱- - تاریخ بلاد شام : ۵۳.

۲- - تاریخ بلاد شام : ۲/۱۱۳ ، ریاض السیاحه : ۱/۴۱۷.

۳- - تاریخ بلاد شام :۱/۴۱۹ .

ص: ۴۷

۲۲/۱- باغ ارم و بهشت شدّاد!

امّا بیشتر مورّخان بر این عقیده اند که «ارم بن سام بن نوح علیه السلام» دمشق را بنا کرد و باغ زیبایی در آن ایجاد کرد که ضرب المثل بوده و به نام باغ ارم مشهور شد و «شداد بن عاد» درآن بناهای حیرت انگیزی ساخت و گفته شده است که شدّاد در همین سرزمین طرح بهشت و دوزخ را ریخت که در قرآن مجید ازآن یاد شده است.(۱) «إرَمَ ذاتِ العِمادِ. الَّتی لَمْ یُخْلَق مِثْلُها فِی البِلادِ.»(۲) بعدها این شهر را اسکندر مقدونی تخریب کرد و آزَر عموی حضرت ابراهیم علیه السلام که وزیر نمرود هم بوده است بر اساس برخی روایات آن شهر را دوباره ساخت و گفته شده است که دمشق ۳۱۴۵ سال پس از آفرینش زمین ساخته شد، و بعضی می گویند که هفت هزار سال پس از آن بوده است و حضرت ابراهیم علیه السلام پنجاه سال پس از بنای دمشق در همان سرزمین به دنیا آمده است که بر اساس تاریخ در مغاره کوه تا ۱۳ سالگی زندگی کرد. آن گاه به امر خدا برای هدایت مردم در بین جامعه قدم گذاشت و در برابر طاغوت زمانش نمرود و بت پرستی مبارزه کرد و تا قلب آتش نمرود به پیش رفت، امّا خدا او را نجات بخشیده به والاترین مقام رسانید.

۱- - اماکن زیارتی ... ۴۲ .

۲- - الفجر: ۷ و ۸ مروج الذهب : ۱/۱۱۳ . و العرب فی الشام: ۱۴۰۸ .

ص: ۴۸

۲۳/۱- درهای تاریخی دمشق

بـا توجه به اهمّیّت نظامی و سیاسـی دمشق، حاکمان ممالیک دیوارهایی از شـرق تا غرب آن به طول ۱۵۰۰ متر و از شـمال تا جنوب آن به طول ۷۵۰ متر ساختند و برای این شهر ۱۰ باب (دروازه ی ورودی و خروجی) گذاشتند با این نام ها :

۱- باب توما در شمال شرقی شهر.

۲- باب شرقی که در شرق شهر واقع شده است.

۳- باب الفرادیس در شمال که به باب العماره نیز شهرت داردو در کنار حرم حضرت رقیه واقع شده است.

۴- باب الصغیر (کوچک) در جنوب.

۵- باب السلام در شمال.

۶- باب الفرج در شمال.

۷- باب کیسان در جنوب شرقی شهر.

۸- باب الجناز یا باب النصر یا باب دارالسعاده در غرب.

۹- باب الحدید که از آهن ساخته بودند.

۱۰ - باب الجابیه در غرب دمشق.(۱)

۱- - برگرفته از الاثار التاریخیه فی دمشق و اماکن زیارتی و سیاحتی در دمشق.

ص: ۴۹

۲۴/۱- دمشق در پنجه حوادث تلخ پس از فتح

اشاره

پس از فتح سرزمین شامات در دهه دوّم هجری توسط سپاه اسلام این سرزمین و به خصوص شهر دمشق تحوّلات مهمّی را شاهد بوده است، سرآغاز آن این که در سال ۴۱ ه ق، معاویه پس از صلح با امام حسن علیه السلام دمشق را مرکز خلافت خود قرار داد و ۲۰ سال امارت و ۲۰ سال خلافت معاویه در همین سرزمین بود. پس از معاویه، جنایت های سه گانه یزید و... تاریخِ این سرزمین را سیاه و تاریک کرد:

الف – نخستین جنایت یزید

بعد از معاویه، یزید بن معاویه زمام حکومت را به دست گرفت و مرتکب جنایات خطرناکی شد، نخستین و بزرگترین جنایت یزید بن معاویه که روی تاریخ را سیاه کرد، به شهادت رساندن سید جوانان اهل بهشت، فرزند پیامبر صل الله علیه و آله و سلم، حضرت امام حسین علیه السلام و یاران آن حضرت و به اسارت بردن خاندان پیامبرِ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بود.

ب – دوّمین جنایت یزید، یورش به مدینه منوّره

دوّمین جنایت وحشیانه و ضدّ انسانی یزید، لشکرکشی آن جرثومه فساد به حرم پاک نبوی صلی الله علیه و آله و سلم ، جنگ خانمان سوز حرّه، تخریب مدینه منوره و قتل عام یاران و اصحاب رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم در آن مرکز وحی، و شکستن حرمت حرم پیامبر صل الله علیه و آله و سلم و مدفن پاکان خاندان

ص: ۵۰

وحی بود که به فرماندهی مسلم بن عقبه (مسرف) [نمونه ی دیگری از شمر و عمر بن سعد...] صورت گرفت.

ج – یزید و به آتش کشیدن خانه توحید

اشاره

افزون بر جنایت های دیگر، سومین جنایت بزرگ یزید بن معاویه لشکرکشی به مکه مکرّمه، شکستن حرمت حرم امن الهی، به آتش کشیدن قبله ی مسلمانان عالم و کشتار مردم مسلمان در سرزمین وحی بود که پس از به هلاکت رسیدن یزید آن جنگ پایان پذیرفت .

گفتنی است که پس از هلاکت یزید فرزندش معاویه دوم چهل روز حکومت کرد؛ سپس با خواندن خطبه عجیبی رسماً خود را خلع کرد و بر فراز منبر بر جد و پدر خود لعن نموده و از کردار آنان بیزاری جست او در حالی که به شدت گریه می کرد به پیشنهاد مروان بن حکم جواب رد داد، پس از آن تا مدت بیست و پنج یا چهل روزکه زنده بود در حال گریه و زاری بود تا آن که در سن بیست و دو سالگی درگذشت بعضی گفته اند که او را با زهر کشتند .

قربانی خلافت خیالی

وقتی که جنازه معاویه دوم را برای نماز حاضر کردند پسرعم پدرش (ولید بن عتبه بن ابی سفیان) به طمع خلافت، نماز جنازه خواند، تا تکبیر دوم نماز را گفت، او را با ضربتی کشتند، آنگاه کس دیگری

ص: ۵۱

بر او نماز خوانـد، به گفته مورخین مشـهور او را در باب الصّغیر به خاک سپردنـد، اما فعلاً در باب الصـغیر مقبره ای به نام او مطرح نیست بلکه در جنوب مسجد اموی در داخل کوچه قبری به نام او وجود دارد و مردم به زیارتش می روند.

[بر خلاف معاویه بزرگ که حتی اگر از مردم شام آدرس قبرِ او سؤال شود پاسخ نمی گویند.]

پس از حکومت معاویه دوم و کناره گیری شجاعانه او، خلافت به خاندان مروانیان رسید.

خلاصه آن که مرکز حکومت آل ابی سفیان وآل مروان، دمشق بود و این سرزمین شاهد تحولات شگفت انگیزی بوده است.

۲۵/۱- سرآغاز حکومت آل مروان

پس از آن که حکومت خانـدان ابی سـفیان پایان پذیرفت با طرح هایی که ریخته شد خلافت به آل حَکَم منتقل شد، نخستین خلیفه اموی، مروان بن حکم بود و این حکومت و خلافت تا زمان مروان حمار به مـدت «هزار ماه» ادامه یافت و در تمام این مـدّت دمشق، مرکز حکومت و خلافت آنان بوده است.

ص: ۵۲

۲۶/۱- سرآغاز حکومت بنی عباس

در روز یکشنبه بیست و هفتم ذیحجه سال ۱۳۲ ه ق مروان حِمار کشته شد و دولت ظلم و بیداد بنی اُمیّه منقرض گردید و پس از آن دولت سفّاح بنی عباس با پایه های ظلم و ستم استقرار یافت.

آنگاهی که ابوالعباس عبدالله سفاح جامه خلافت در برکرد آن قدر از بنی امیه کشت که حساب آن را جز خدا نمی داند و دستور داد که قبرهای بنی امیه را شکافتند و مردگان آنان را درآورده سوزانیدند.

غرض این که در سال ۱۳۳ه ق مرکز حکومت و خلافت از دمشق به عراق انتقال یافت.(۱)

سپس شام به عنوان یکی از ولایت ها درآمد و خلفای عبّاسی همواره والیانی به آن جا می فرستادند تا آن که احمد بن طولون در سال ۲۶۴ ه ق دمشق را از تسلّط عبّاسیان خارج ساخت. (۲)

۲۷/۱- دمشق و سردمداران آن

شهر تاریخی دمشق در تحوّلات مهم سیاسی، نظامی و اجتماعی توسط مصریان، فاطمیان، قرامطه وحشی، سلجوقیان، صلیبیان، زنگیان، ایّوبیان، مغولان و عثمانیان بارها و بارها اشغال شده است. عده ای از حاکمان قتل عام و تخریب را در پیش گرفتند و تعدادی هم آبادانی و

۱- - تحفه ذوی الالباب ... ج ۱ / از ۳۱۳ به بعد.

۲- - مجتمع مدینه دمشق : ۱/۶۸.

ص: ۵۳

ترقی و رفاه را به ارمغان آوردند و هر کدام آنان به قدر توان و اندیشه خود تاریخ ساختند (چه زیبا و چه زشت).

در تمام تحوّلات حیرت انگیز سرزمین شام از جنایت پیشگان ستمگر و بیدادگران مُفسد و خون ریز جز بدنامی، چهره زشت، تاریخ ننگین و خاطرات وحشت زا چیزی بیاد نمانده است و قبرهای شان مزبله های متعفن و مایه عبرت و نفرت شده و دودمان شان از صفحه ی تاریخ محو شده اند. (إنَّ شَانِئَکَ هُوَ الأَبتَرُ)

۲۸/۱- درخشش روز افزون حقیقت

قابل توجه است که از دودمان رسالت و امامت، خوشه های خورشید حقیقت و اشعه تابناک آن نه تنها فراموش نشده اند که پُرفروغ تر در زمین و زمان درخشیده اند و مرقدهای پاک شان کعبه دل های مؤمنان و پناهگاه درماندگان و زیارتگاه حق جویان قرار گرفته اند که از نمونه های بارز آن عقیله ی بنی هاشم، یادگار زهرای أطهر علیهما السلام، دخت پیامبر صل الله علیه و آله و سلم، حضرت زینب کبری علیها السلام است و همچنین کودک دل شکسته ی حسین، حضرت رقیه علیهما السلام و سرهای به نیزه رفته تا کوفه و شام، امام زادگان و ذریه ی پاک از کوثر رسالت و... هستند که مرقدهای شان همانند خورشید و ماه نور افشانی می کنند تا در پرتو آن ها چهره باصفای حقایق همواره نمایان باشد و انسان های

ص: ۵۴

باورمند و با معرفت به زیارت آنان بشتابند و پیوندشان را با حق محکم تر کنند.

در این فصل، هدف شناخت سرزمین و جغرافیا نبوده است و نه سیاست ها و تحوّلات اجتماعی بلکه منظور آشنایی با سرزمینی است که چه گنج هایی را در سینه دارد به قول معروف گنج در ویرانه است و یا به تعبیر دیگر چشم به صدف دوخته ایم تا به گوهرهای گران بهای آن دست پیدا کنیم.

آری هر صدفی که گوهرهای دردانه دودمان رسالت و ولایت را در بر گرفته اند به خود می بالند که گَرد قدم گوهر بر آن نشسته و یا اشعه تابناک خورشید بر او تابیده است.

اینک در دوّمین فصل کتاب به مقصد اصلی دست یازیده از عمق جان توجه باور پرور زائران را به گوهر نبوت و امامت، حضرت زینب کبری علیها السلام جلب خواهیم کرد تا با معرفت و شناخت بیشتر به زیات شان رهسپار شوند؛ زیرا زیارت مبتنی بر معرفت است و این گونه زیارت است که وسیله مقدّس برای به دست آوردن رضای خداوند یکتا و بی همتا است.

ص: ۵۵

فصل دوم: سیمای حضرت زینب علیها السلام

اشاره

ص: ۵۶

فصل دوم: سیمای حضرت زینب علیها السلام

در این فصل درباره شخصیت حضرت زینب علیها السلام و بیان زیارت و حرم آن حضرت مطالبی هر چند فشرده و مختصر ارائه خواهد شد.

۱/۲- طلوع خوشهخورشید

در سال ششم هجری در روز پنجم جمادی الاولی در شهر مدینه منوره سوّمین فرزند در خانه زهرا و علی علیهما السلام چشم به جهان گشود که نه تنها این خانواده بلکه بنی هاشم و حتی مؤمنین مدینه را غرق سُرور و شادمانی کرد.

اولین کسی که بشارت ولادت این دختر را به امیرالمؤمنین علیه السلام داد امام حسین علیه السلام بود که در آن زمان دو بهار از عمر شریفش می گذشت.

! با چهره بشاش و لبان پر تبسّم محضر پدر آمد و عرض کرد:

« پدرجان ! مژده که خداوند خواهری به من داد.»

ص: ۵۷

ناگهان دید چشـمان پدرش پر از اشک شد که حسـین علیه السلام را نیز گریان ساخت. آن حضرت سبب گریه اش این گونه شرح داد:

« پسرم! تو با این خواهرت تاریخ کربلا را خواهی ساخت. »

سپس پـدر و پسـر به نزد زهرا علیهـا السـلام آمدنـد و ولاـدت زینب علیهـا السـلام را به صـدیقه طاهره علیها السـلام تبریک گفتنـد، درحالی که آثار اندوه در چهره حضرت علی علیه السلام پیدا بود.(۱)

۲/۲– نام گذاری حضرت زینب علیها السلام

ولاـدت حضـرت زینب علیها السـلام در زمانی واقع شـد که پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم در سـفر بود حضـرت زهرا علیها السـلام به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نام گذاری نوزاد را پیشنهاد کرد. !حضرت فرمود: «من هرگز بر حبیبم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پیشی نمی گیرم.»

وقتی که رسول اکرم ۹از سـفر برگشت طبق معمول به خانه حضرت زهرا علیها السلام تشریف آورد و از ولادت اوّلین دختر «علی و زهرا علیهما السـلام» آگاه شد و نام گذاری نوزاد با آن حضـرت در میان گذاشته شد، اما آن حضرت فرمود: ! «فرزندان فاطمه علیها السلام فرزندان منند، ولی نام آنان را خدا تعیین می کند.»

۱- - ناسخ التواریخ : ۴۵ و سیمای حضرت زینب : ۳۵.

ص: ۵۸

در این هنگام حضرت جبرئیل علیه السلام نازل شد، سلام و تهنیت خدا را به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان او ابلاغ کرد و عرض نمود:

! «سَمِّ هذهِ المَولُودَهَ زَینَبَ علیها السلام .» ثمَّ أخبَرَهُ بِما یَجری عَلَیها مِنَ المَصائِبِ فَبَکی وَ بَکی النَّبِیُ۹، ثُمَّ قالَ: «مَن بَکی مَصائِبَ هذِهِ البِنتَ کانَ کَمَن بَکی عَلَی الحَسَنِ وَ الحُسَینِ علیهما السلام» .

- « این نوزاد را زینب نام گذاری کنید. » سپس از مصائب آینده زینب خبر داد و گریه کرد، حضرت رسول۹ نیز گریه نمود.

! آن گاه پیامبر صل الله علیه و آله و سلم فرمود: « هر کس بر زینب علیها السلام گریه کند گویا بر برادرانش حسن و حسین علیهما السلام گریه کرده است(۱) »

۳/۲- لقب های حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام دارای القاب فراوانی است که برخی از شهرت بیشتری برخوردار بوده که عبارتند از:

۱- عقیله بنی هاشم ۲- عقیله الطّالبین

۳- العقیله ۴- عالمه غیر معلِّمه

۵- العالمه ۶- العارفه

۷- الفاضله ۸- الکامله

۹- الصدیقه الصغری ۱۰- الموثّقه

۱۱- الفهیمه ۱۲- عابده آل علی علیهم السلام

۱- - زینب الکبری: ۱۷ و سیمای زینب کبری :۳۶ .

ص: ۵۹

۱۳- علیا مخدّره ۱۴- راضیه

۱۵- عفیفه ۱۶- صابره

۱۷- الکبری یا زینب الکبری ۱۸- عمّه سادات

۱۹- کاروان سالار حسین ۲۰- شیر زن کربلا و...

۴/۲- کنیه های حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام با کنیه های زیادی خوانده شده است که عبارتند از:

۱- ام کلثوم = ام کلثوم کبری

۲- ام عبدالله

۳- ام الحسن

۴- ام المصائب و ...

۵/۲- زینب علیها السلام و ریشه خانوادگی

بدون تردید یکی از برترین امتیازات شخصیتی انسان، اصل و نسب و ریشه خانوادگی اوست بخصوص آن که از خاندان وحی و دودمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم باشدکه در بیان زیبای خاتم النبیّین۹ به صراحت بیان شده است.

ص: ۶۰

! عن جابر قال: سمعتُ عُمَرَ بنَ الخَطّاب، یَقُولُ: سَمِعتُ رسول الله۹ یقول: «یَنقَطِعُ یَومَ القِیامَهِ کُلُّ سَبَبٍ وَ نَسَبٍ إلاّ سَبَبِی وَ نَسَبِی(۱)»

جابر می گوید: از خلیفه دوم شـنیدم که می گفت: من از پیامبر صل الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: « در روز رستاخیز هر سبب و نسبی منقطع است جز سبب و نسب من. »

! عن رسـول الله۹ : «فاطمهُ بَضـعَهٌ مِّنّی یَقبِضُـنی ما یَقبِضُـها وَ یَبسُـطُنی مَا یَبسُـطُها وَ إنَّ الأَنسابَ یَومَ القِیامَهِ تَنقَطِعُ غَیرَ نَسَبی وَ سَـبَبِی وَ صِهرِی(۲)»

- پیامبر صل الله علیه و آله و سلم : «فاطمه علیها السلام پاره وجود من است. با من مرتبط است هرکه با او مرتبط باشد، و مرا رها می کند هرکه او را رها کند و در روز قیامت همه انساب منقطع خواهد بود غیر نسب و سبب و داماد من.»

بنابراین حضـرت زینب علیها السـلام از اصل و نسب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است که در دنیا و آخرت از این امتیاز و ویژگی برخوردار است.

! عن الحسن بن علی المجتبی علیه السلام :«إِنَّکِ حَقاً مِنَ شَجَرَهِ النُّبُوَّهِ وَ مِن مَعدِنِ الرِّسالَهِ»(۳)

۱- - حلیه الاولیاء لابی نعیم : ۷/۳۱۴ .

۲- - مستدرک الصحیحین ج ۳ /۱۵۸ .

۳- - فروغ تابان کوثر : ۷۶

ص: ۶۱

- امام حسن مجتبی علیه السلام خطاب به زینب : « به راستی که تو از درخت نبوت و معدن رسالت هستی.»

۶/۲- زینب علیها السلام در دوران کودکی

حضرت زینب کبری علیها السلام دوران کودکی خویش را در دامن مادرش صدیقه طاهره علیها السلام و گاه در آغوش نبی مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و در آغوش گرم پدرش علی و برادرانش حسن و حسین علیهما السلام سپری می کرد، اما به شهادت تاریخ علاقه فوق العاده زینب علیها السلام به امام حسین علیه السلام حیرت انگیز بود تا آن پایه که با دور شدن از حسین علیه السلام صدای آن کودک دلداده، به گریه بلند می شد وقتی که حسین علیه السلام را می دید از گریه آرام می شد و به چهره اش چشم می دوخت، این دلبستگی اعجاب انگیز، حضرت زهرا علیها السلام را وادار کرد که به محضر پیامبر صل الله علیه و آله و سلم موضوع را گزارش دهد، ! آن حضرت در جواب او با آه سوزناک فرمود: « ای دخترم ، این دختر با حسین رازها دارد و در سفر کربلا هزاران درد و رنج را تحمّل خواهد کرد. (۱) »

۱- - ر، ک به سیمای زینب کبری (س) : ۴۰ – ۳۹ .

ص: ۶۲

۷/۲– زینب علیها السلام و پرورشگاه وحی

حضرت زینب علیها السلام جز از مربّیان وحیانی از کسی دیگر دانش نیاموخت که امام سجاد علیه السلام او را عالمه غیر معلّمه خواند. ! «أنتِ بِحَمدِ اللهِ عالِمَهٌ غَیرُ مُعَلِّمَهٍ وَ فَهِیمَهٌ غَیرُ مُفَهِّمَهٍ.»(۱)

دانش سرشار و حیرت زای آن حضرت چکیده ای از دانش لَدُنی بود که از برترین مربّیان وحیانی (پیامبر أکرم، أمیرالمؤمنین، فاطمه أطهر، إمام حسن مجتبی و إمام حسین علیهم السلام) فرا گرفت.

۸/۲– پرتوی از دانش زینب علیها السلام

!«... إلتَفَتَ إلی زَیْنَبَ علیها السلام وَ کانَتْ عَلی یَسارِهِ وَ العَبّاسُ عَن یَمِینِهِ فَقالَت: یا أبَتاه! أتُحِبُّنا؟ قالَ: نَعَم یا بُنَیَّ، أولادُنا أکبادُنا، فَقالَت: یاأبَتاهُ ، حُبّانِ لایَجتَمِعانِ فِی قَلبِ المُؤمِنِ، حُبُّ اللهِ وَ حُبُّ الأوْلادِ وَ إن کانَ لابُدَّ فَالشَّفَقَهُ لَنا وَ الحُبُّ لِلّهِ خالِصاً.»(۲)

- [روزی حضرت علی علیه السلام نشسته بود] ... زینب علیها السلام در سمت چپ پدر و عباس علیه السلامدر سمت راست او نشسته بودند، امام متوجه زینب علیها السلام شد. زینب علیها السلام عرض کرد: «پدرجان! ما را دوست داری؟» - امام فرمود: «آری فرزند عزیزم! فرزندان ما [همچون] جگرهای ما هستند.» زینب علیها السلام گفت: «دو دوستی، دوستی خدا و دوستی فرزندان

۱- - سفینه البحار: ۱/۵۵۸

۲- - مستدرک الوسائل : ۲/۶۳۵ .

ص: ۶۳

در دل انسان مؤمن یک جا جمع نمی شوند، ناگزیر دلسوزی و مهر ورزی از آنِ ما و دوستی خالص از آنِ خدا باشد.» [این بیان حضرت زینب علیها السلام چه قدر زیبا و دلنشین است که یک جلوه توحیدی را به نمایش گذاشته است؛ آری او عالمه غیر معلّمه است]

۹/۲- زینب علیها السلام در سوگ خورشید

حضرت زینب علیها السلام از چهار سالگی سنگین ترین لباس سوگواری را در بر کرد. نخستین شال عزایی که زینب علیها السلام به سر انداخت در سوگ بهترین جهانیان حضرت پیامبر صل الله علیه و آله و سلم جدّش بود، سپس در سوگ مادر، همانند شمع گداخت، و پس از سالیانی در عزای شهید محراب أمیرالمؤمنین علیه السلام نشست و چهارمین مصیبت جانکاه که زینب علیها السلام را به سوگ نشانید، مصیبت جگرگداز سبط اکبر، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام بودو بدون تردید هیچ مصیبتی با مصیبت امام حسین علیه السلام قابل مقایسه نیست. (لایَومَ کَیَومِکَ یا أباعَبدِالله) که حضرت زینب علیها السلام از آغاز تا انجام نه تنها کاروان انقلاب را همراهی که رهبری کرد و تلخی های طاقت فرسایی را جرعه جرعه سرکشیده و با پایداری حیرت انگیز هر چه سوخت، ساخت تا انقلاب حسینی را جهانی و پایدار ساخت. ورنه انقلاب با امام حسین علیه السلام درکربلا تا ابد می ماند و لگد مال سُم اسبان ستمگران شده با آن حضرت دفن می شد.

*** کربلا در کربلا می ماند، اگر زینب علیها السلام نبود ***

ص: ۶۴

۱۰/۲- حضرت زینب علیها السلام و ازدواج

آن گونه که نام حضرت زینب علیها السلام از زبان مبارک پیامبر صل الله علیه و آله و سلم اعلام شد ازدواج او نیز از بیان وحیانی رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مطرح شد. در تاریخ آمده است در زمانی که هنوز حضرت زینب علیها السلام کودک بود، ! روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فرزندان حضرت علی علیه السلام و جعفر نگاه کرد و فرمود: «بَناتُنَا لِبَنِينَا و بَنُونَا لِبَناتِنَا »(۱)

- پیامبرمکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم : « دختران ما برای پسران ما و پسران ما برای دختران مایند.»

هنگامی که حضرت زینب علیها السلام به سن ازدواج رسید، خواستگاران فراوانی داشت اما أمیرالمؤمنین علیه السلام به آنان جواب رد داد و با توجه به فرمایش پیامبر صل الله علیه و آله و سلم زینب علیها السلام را به ازدواج عبدالله بن جعفر طیار علیهما السلام که مادرش اسماء بنت عمیس بود و از حضرت زینب علیها السلام پنج سال بزرگتر بود با مهرالسنه و شرط ضمن عقد در آورد. شرط این گونه بود:! «... أن لایَمْنَعَها مَتی أرَادَتِ السَّفَرَ مَعَ أَخِیهَا الحُسَین علیه السلام»(۲)

- امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام: «هرگاه زینب علیها السلام قصد سفر با برادرش حسین علیه السلام را کرد از سفرش جلوگیری نشود. »

۱- - وسائل الشیعه : ۱۴/۴۹ و مناقب ال ابی طالب : ۳/۳۰۵ .

۲- - زینب الکبری : ۹۵ و سیمای زینب : ۵۳ .

ص: ۶۵

۱۱/۲- زینب علیها السلام مادر شهدا

در تاریخ ثبت شده است که عبدالله شوهر حضرت زینب علیها السلام مریض بود و به کربلا نرفت اما اجازه داد که پسرانش در رکاب حسین علیه السلام جهاد و فداکاری کنند.

لذا حضرت زینب علیها السلام با ایثار و فداکاری اعجاب انگیز، فرزندان خویش را در راه خدا و در رکاب امام به قربانگاه فرستاد و آنان در کربلا به شهادت رسیدند در این باره سه گونه روایت در تاریخ ثبت شده است :

۱- از حضرت عبدالله بن جعفر طیار علیهما السلام در کربلا دو فرزند به نام های عبیدالله که مادرش حوصاء دختر حفصه بن ثقیف بود و عون که مادرش حضرت زینب علیها السلام بود، به شهادت رسیدند ...(۱)

۲- از عبدالله بن جعفر علیهما السلام، دو فرزند به نام های محمد و عون، که مادرشان حضرت زینب علیها السلام بود در کربلا شهید شدند، قاتلان آنان به ترتیب «عامر بن نهشل» و «عبد الله قطنه» بودند.(۲)

۳- از عبدالله چهار فرزند به نام های اسماعیل، عبیدالله، عون و محمّد در کربلا در رکاب فرزند پیامبر صل الله علیه و آله و سلم امام حسین علیه السلام شهید

۱- - مقاتل الطالبین : ۶۱ ، الطبقاب الکبری :۵/۱۲۴ و ۱۴۵، ناسخ التواریخ : ۲/۳۲۲ ، اسدالغابه : ۳/۱۳۳ و...

۲- - تاریخ ابن اثیر: ۴/۷۴ ، ینابیع الموده : ۳۴۳ ، تنقیح المقال : ۲/۳۵۵ و...

ص: ۶۶

شدند.که مادر اسماعیل، عون و محمد، حضرت زینب علیها السلام بود و مادر عبیدالله، حوصاء.(۱)

به هر حال زینب علیها السلام مادری است که فرزندانی تربیت کرد و سرانجام در رکاب فرزند رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم شهید و افتخار تاریخ شدند.

۱۲/۲- حضرت زینب علیها السلام چند فرزند داشت ؟

در تعداد فرزندان حضرت زینب علیها السلام تاریخ نگاران اختلاف نظر دارند به این شرح:

۱- ابن عنبه نویسنده عمده الطالب، او را بدون فرزند دانسته است. [این نظریه ضعیف است.]

۲- عدّه ای برای آن حضرت سه پسر ودو دختر به نام های جعفر اکبر، عون اکبر، علی، ام کلثوم و امّ عبدالله ذکر کرده اند.

۳- بیشتر تاریخ نگاران گفته اند که حضرت زینب چهار پسر و یک دختر به نام های «علی، عون، محمد، عباس و ام کلثوم» داشت.

۴- برخی از مورّخین گفته انـد: فرزنـدان حضـرت زینب علیها السـلام عبارتنـد از: عون، یا عون اکبر، عبـدالله، محمـد، عباس، علی، جعفر اکبر، ام کلثوم و ام عبدالله.

۱- - تنقیح المقال : ۱/۱۳۸ ، مقاتل الطالبین ۸۳ و عمده الطالب: ۳۶ .

ص: ۶۷

منشأ اختلاف، ممکن است که نام های متعدد برای یک نفر، یا تشابه نام ها و یا مشتبه شدن فرزندان با فرزندان حوو باشد، یا ممکن است که بعضی از فرزندان کوچک به حساب نیامده باشند.

۱۳/۲- زینب علیها السلام جانشین مادر

حضرت زینب علیها السلام از برترین مادر قدم به عالم گذاشت مادری که به عنوان پاره وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مادر پدر و... از زبان وحی معرفی شده است.

! عن الإمام الصادق علیه السلام: «طُوبَی لِمَن کانَت اُمُّهُ عَفِیفَهً»(۱)

- امام صادق علیه السلام: «خوشبخت و سعادتمند کسی است که مادرش پاکدامن و از گوهر باصفای عفّت برخوردار باشد.»

زینب علیها السلام با بهره مندی از ویژگی های مادر، رسالت او را در خانه و نسبت به حسن و حسین علیهما السلام به عهده گرفت.

! آنگاهی که زهرا علیها السلام در بستر بیماری قرار داشت به دختر پنج ساله اش این گونه وصیت کرد:«... هرگز از دو برادرت جدا مشو، پیوسته با آنان باش و از آن ها نگهداری کن و برای آنان بجای من مادر باش...»(۲)

۱- - بحارالانوار: ۵/۲۸۵

۲- . بطله کربلا: ۳۳- سیمای زینب کبری/۴۵

ص: ۶۸

[آری زینب علیها السـلام این رسالت را به بهترین وجه انجام داد. از خانه زهرا علیها السلام وسروسامان دادن آن خانه تا هم آغوش رنج های امیرالمومنین، امام حسن و امام حسین علیهم السلام وتا کربلا وکوفه و شام و...]

۱۴/۲- زینب علیها السلام در دانشسرای تفسیر

حضـرت زینب علیها السـلام که از سرچشـمه جوشان رسالت و از مکتب زلال وحی دانش فرا گرفته بود؛حـدودا چهار سال درمدینه منوره برای زنان مـدینه تفسـیر قرآن راتدریس می کرد ونیز به تقاضای زنان کوفه حوزه درس تفسـیر رادرکوفه دایرنمود، رونق روز افزون این دانشسرا، زن و مرد را متوجه دانش، کمال، فصاحت و بلاغت آن یادگار زهرا علیها السلام کرد.

روزی أمیرالمؤمنین علیه السـلام با خبر شد که دخترش زینب علیها السـلام نخستین آیه سوره مریم علیها السـلام «کهیعص» را تفسـیر می کند، فرمود:

! « یانُورُ عَینِی! سَـِمعتُکِ تُفَسِّرین «کهیعص» فَقَالَت: نَعَم. فَقَال علیٌ علیه السـلام : هذا رَمزٌ لِمصِـیبَهٍ تُصِیبُکم عِترهَ رَسُول اللهِ۹، ثمَّ شرَحَ لَها المَصائِبَ فَبَکَت بُکاءً عَالِیاً »(۱)

- ای نور دیـده! شـنیده ام برای بـانوان کوفه تفسـیر «کهیعص» را بیـان می کنی؟ عرض کرد: بلی، علی علیه السـلام فرمود: این کلمه رمزی است

۱- - ریاحین الشریفه :۳/۵۷- سفینه البحار: ۱/۵۵۸- خصایص زینبیه: ۲۷- و سیمای زینب:۶۹ و...

ص: ۶۹

بر مصیبت شما اهل بیت پیامبر خدا صل الله علیه و آله و سلم آنگاه مصیبت های کربلا را برای دخترش تشریح کرد، و حضرت زینب علیها السلام با صدای بلند گریه سر داد...

۱۵/۲- جایگاه زینب در علم رجال

حضرت زینب علیها السلام که در دامن و آغوش اصحاب کساء و خاندان وحی پرورش یافته است، یکی از برجسته ترین راویان حدیث به شمار می آید، او از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، أمیرالمؤمنین، صدیقه کبری، حسنین علیهم السلام ، ام سلمه، اسماء و... احادیث و روایات فراوانی نقل کرده است، امام سجاد علیه السلام، ابن عباس، عبدالله بن جعفر علیهما السلام، فاطمه صغری علیها السلام و... از حضرت زینب علیها السلام احادیثی را روایت کرده اند.

افزون بر علمای شیعه، دانشمندان و محدّثین نامدار اهل سنّت به علم، کمال، تقوی، جایگاه مبارزاتی، فصاحت، خردمندی و عظمت معنوی حضرت زینب علیها السلام اتفاق نظر دارند.(۱)

۱۶/۲- زینب علیها السلام و رسالت عاشورا

آن گونه که قبلاً اشاره شد رسالت حضرت زینب علیها السلام در انقلاب عاشورای حسینی علیه السلام در آفرینش خاندان رسالت به دست قدرت

۱- - شرح ابن ابی الحدید: ۱۶ ذیل نامه ی ۴۵ بحث فدک - تنقیح المقال: ۳/۷۹- سفینه البحار: ۱/۵۵۸ - اعلام النساء : ۲/۹۱- اعلام الوری : ۲۰۴ .

ص: ۷۰

خالق هستی رقم خورده بود، اما این رسالت به طور مستقیم و مستقل از روز عاشورای سال ۶۱ هجری به سنگینی کوه ها و گستردگی اقیانوس ها آغاز شد، و جز حضرت زینب علیها السلام توان تحمل آن را کسی نداشت، این رسالت ابعاد گوناگونی داشت، معرّفی شخصیت و موقعیت امام حسین علیه السلام و یاران او، معرفی رستاخیز عاشورا، معرفی آرمان ها و اهداف انقلاب عاشورا، پاسداری از ارزش های انقلاب، ترویج و دفاع از ولایت، حفظ جان حجّت خدا،«امام سجّاد علیه السلام»، سرپرستی زنان و دختران در کاروان اسیران کربلا، دفاع از حیثیت و جان آنان و... و از همه مهم تر مبارزه با ستم و ستمگران و معرفی چهره های شیطانی آنان.

حضرت زینب علیها السلام این رسالت را فوق العاده و فراتر از تصور انسان های عادی ایفا کرد و تاریخی ساخت که تاریخ نگاران، سیاستمداران، متفکران بلکه تمام بشریت را در تمام اعصار به حیرت و اعجاب واداشت.

اولین نمونه این رسالت این بود که با دنیایی از شهامت در گودالی قتلگاه آمد و با خون گلوی حسین علیه السلام پیشانی خود را رنگین کرد آنگاه دو دست مبارك را زیر پیکر حسین علیه السلام برد و کمی او را بلند کرد و رو به آسمان کرد و از عمق جان گفت:

ص: ۷۱

! « أَللّهُمَّ تَقَبَل مِنّا هَذا القَلِیلَ مِنَ القُربانِ(۱) »

- « بارالها! این قربانی کم را از ما (آل محمّد۹) قبول فرما » .

از این شهامت دختر علی علیه السلام دوست و دشمن شگفت زده و مبهوت ماندند و بی اختیار اشک می ریختند.

آری رسالتی که این گونه آغاز شـده بود تا آخرین لحظات زنـدگانی او ادامه یافت و بحق، عالی و قهرمانانه درخشـید و رسالتش را به کمال رسانید.

۱۷/۲- درخشش زینب علیها السلام در خطبه های آتشین

معلوم شد ز بهر ملل آن مرام پاک

زان خطبه ای که خواند عیان زینب حسین (۲)

بدون تردید تبلور شخصـیت انسان در پرتو بیان والای او است اگر بخواهیم شخصـیت و شهامت حضرت زینب علیها السلام را مورد مطـالعه قرار دهیم بـایست به خطبه هـای آتشـین او دقّت کنیم، بـا توجّه به شـرایط حسّـاس زمـانی، مکـانی، اجتماعی و جوّ سیاسـی، حضرت زینب علیها السلام خطبه هایی را که در کوفه و شام در مجلس ابن زیاد و یزید ایراد کرد، کاخ های ستم را متزلزل و قاتلان فرزندان رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم و دستگاه یزیدیان را رسوا کرد.

۱- - بحار: ۴۵/۵۴ ، زینب الکبری : ۷۵

۲- - از سروده های شهید سید اسماعیل بلخی

ص: ۷۲

خطبه های آن حضرت از نظر ادبیات، محتوا، استد لال منطقی و... در سطحی است که اندیشمندان جهان را به حیرت واداشته است. تفسیر و ارزیابی خطبه های عالمانه ی حضرت زینب علیها السلام کتاب جداگانه ای می خواهد و در توان این مختصر نیست.

۱۸/۲– زینب علیها السلام و حفظ جان امام سجاد علیه السلام

یکی از بـارزترین و برجسته ترین رسـالت زینب علیها السـلام حفظ جان حجّت خـدا، امام زین العابـدین علیه السـلام بودکه مراحل بسیار حسّاس و گوناگونی ثبت تاریخ شده است :

۱- در آن لحظه که خیمه هـای اهـل بیت پیـامبر صل الله علیه و آله و سـلم را در روز عاشورا آتش زدنـد، به فرمان امام سـجاد علیه السـلام اطفال و زنان پا به فرار نهادند، و امام سـجاد علیه السـلام روی بستر بیماری قرار داشت زینب او را از شـعله های آتش نجات داد.

! حمید بن مسلم می گوید: «رَأَیتُ اِمرَأهً أَلقَت نَفسَها عَلَی النَّارِ فَجَائَت بِجَسَدٍ کَأَنَّهُ مَیِّتٌ وَ رِجلاهُ تَجُرَّانِ عَلَی الَارضِ ... (۱)»

- زنی را دیـدم که خود را در میان خیمه آتش گرفته، انداخت و پیکری را بیرون آورد که شبیه میّت بود و پاهایش به زمین کشـیده می شد.

۱- - ناسخ التواریخ شرح حال زینب (س) : ۲۵۳ .

ص: ۷۳

۲- در همان حال شمر متوجّه امام سجاد علیه السلام شد و شمشیر از کمر کشید که حضرت را به شهادت برساند، حضرت زینب علیها السلام امام را در برگرفت و علی گونه فریاد زد: ! «... نمی گذارم او را بکُشید، مگر آن که من پیش از او کشته شوم...(۱) »

۳- در روز یازدهم محرم که امام سجاد با اهل بیت علیهم السلام به قتلگاه آورده شدند و امام سجاد علیه السلام بدن های بی سر و لباس حسین علیه السلام و یارانش را دید نزدیک بود روحش پرواز کند، !حضرت زینب علیها السلام به سویش شتافت و گفت: «مَالِی تَجُودُ بِنَفسِکَ یا بَقِیّهَ جَدِّی وَ أبِی وَ أخِی ... »

- ای یادگار جدّ و پدر و برادرم چرا با جان خود بازی می کنی؟

! امام فرمود: «عمه! گویا آنان ما را مسلمان نمی دانند؟! (چون دفن کردن جنازه مسلمان واجب است) (حضرت زینب علیها السلام با اشاره به حدیث ام ایمن، امام را دلداری داده جان مبارک او را از خطر نجات داد ...) »(۲)

۴- در مجلس ابن زیاد، پس از گفت و شنود آن ملعون با امام سجاد علیه السلام و سخنان منطقی آن حضرت، ابن زیاد فریاد زد: ببرید او را گردن بزنید چنان جرأتی پیداکرده که مرا جواب می گوید.

۱- - سیمای زینب کبری: ۱۱۴ .

۲- - ر، ک ناسخ التواریخ : ۲۵۹ .

ص: ۷۴

زینب علیها السلام با شهامت تمام علی بن الحسین علیهما السلام را در بر گرفت و فرمود: ای پسر زیاد! تو تصمیم داری تمام عزیزان مرا بکشی و از فرزندان علی علیهم السلام کسی را باقی نگذاری، اگر تصمیم داری او را بکشی اول مرا بکش (تا زنده ام نخواهم گذاشت او را به قتل برسانی).

ابن زیاد به شدّت تحت تأثیر قرار گرفت با صدای بلندگفت: عَجَباً لِلرَّحِم ...

وا عجبا از این رحِم و قرابت، گویا زینب دوست دارد با برادر زاده اش یک جا کشته شود! دست از او بردارید.(۱)

آری زینب وارث شایسته زهرا علیها السلام است، آن گونه که زهرا علیها السلام از ولایت دفاع کرد و حجت خدا «أمیرالمؤمنین علیه السلام» را حفظ کرد، حضرت زینب علیها السلام نیز امام زمان خویش را حفظ نمود.

زیارت این بانوی عظیم الشأن وظیفه ای است مقدّس و سعادتی است والا و پاداشی است بزرگ و ارزنده .

۱۹/۲- زینب علیها السلام در محراب عبادت

اشاره

حضرت زینب علیها السلام که در برترین پرورشگاه وحیانی، دینی، ایمانی و عبادی و در دامان عصمت پرورده شده بود همانند مادرش زهرا علیها السلام زینت محراب عبادت بود. او که جدّش پیامبر صل الله علیه و آله و سلم در عبادت سرآمد بود و در اثر عبادت پاهای مبارکش ورم کرده بود و به

۱- - بحار: ۱۱۷/۴۵ و ناسخ التواریخ : ۳۲۶ و لهوف : ۶۹

ص: ۷۵

پاسخ همسرش که گفت: شما نیاز به عبادت ندارید ... ! فرمود: «أَوَلَم أَکُون عَبداً شَکُوراً»(۱) (آیا بنده سپاسگزار خدا نباشم؟)

و او که پـدرش امیرالمؤمنین علیه السـلام هر شب هزار رکعت نماز می خواند و غرق در عبادت بود و هرگز حتی در تهاجم عمومی جنگ «لیله الهریر» نماز شبش ترک نشد.

او که مادرش زهرا علیها السـلام ، تا طلوع فجر در محراب عبادت خویش به پرستش و نیایش می پرداخت و پاهایش متورّم شده بود و نیز برادرانش امام حسن و امام حسین علیهما السلام که در عبادت همانند سایر کمالات الگو بودند. بدون تردید در عبادت سرآمد بلکه برترین الگو بود و تا آن میزان مورد توجه بودکه !امام حسـین علیه السـلام در حسّاس ترین لحظه وداع آخرش در روز عاشورا می فرماید: «یا اُختاهُ لاتُنسِینی فِی النّافِلَهِ اللَّیلِ(۲)»

- « ای خواهرم [زینب] مرا در نماز نافله شب فراموش مکن. »

! از فاطمه صـغری دختر امام حسـین علیهما السـلام روایت شده است که می فرماید: «... و أما عَمَّتی زینبُ علیها السـلام فَإِنهَّا لَم تَزَل قَائِمَهً فِی تِلکَ اللَّیلَهِ ...» (۳)

۱- - سفینه البحار : ۱/۴۲

۲- - ریاحین الشریفه : ۳/۶۲، زینب کبری : ۳۵

۳- - ریاحین الشریفه : ۳/۶۳.

ص: ۷۶

- «... و اما عمّه ام زینب علیها السلام در شب عاشورا در محراب عبادتش پیوسته مشغول عبادت و راز و نیاز با خداوند بود و از او یاری می طلبید. در حالی که تمام چشم ها در این شب گریان و دل ها پریشان بودند.»

! عن الإمام السجاد علیه السلام :«مَا تَرَکَت تَهَجُّدَهَا طُولَ دَهرِهَا حَتَّی لَیلَهَ الحَادِی عَشَر مِنَ المُحَرَّم.(۱)»

- امام سجاد علیه السلام: «[زینب کبری علیها السلام] هرگز در عمرش نافله شب را ترک نکرد حتی شب یازدهم محرم (شام عاشورا) با آن مصائب طاقت فرسا و ناگوار.»

روش خواندن نمازهای نافله

از نظر اسلام و فرهنگ أهل بیت علیهم السلام نمازهای نافله را در حال اختیار هم می توان ایستاده، نشسته، در حال راه رفتن و حتی خوابیده خواند اما ثواب ایستاده دو برابر می باشد، خاندان رسالت علیهم السلام از جمله حضرت زینب علیها السلام اهمّیّت ویژه به نافله ها می دادند و همواره نمازهای نافله را ایستاده برگزار می کردند .

! از امام سجاد علیه السلام روایت شده است: «زینب علیها السلام در طول سفر شام هرگز نماز نافله شب خود را ترک نکرد و با تمام غم ها و

۱- - ریاحین الشریفه : ۳/۶۳.

ص: ۷۷

گرفتاری های فراوان، آن را به موقع انجام می داد، اما شبی دیـدم که عمّه ام نماز شـبش را نشسـته می خوانـد! از علّت آن پرسـیدم، فرمود: سه روز است که در اثر گرسنگی دچار ضعف شده ام!!! »

! سپس امام سـجاد علیه السـلام می فرماید: «عمّه ام سهم نان خود را به بچّه ها تقسیم کرده بود، زیرا در هر روز فقط یک قرص نان به ما می دادند.(۱)»

بدون تردید الگو قرار دادن این شخصیت، راهی است به سوی تکامل اساسـی و سـعادت جاوید و زیارت او افزون بر پاداش فراوان، وسیله ای است برای خود سازی فردی و اجتماعی.

۲۰/۲- زینب علیها السلام ، ذریّه ی طیّبه

اشاره

ذُرِّیه عبارت است از: فرزندان کوچک و گاهی به کوچک و بزرگ نسل و فرزندان اسـتعمال می شود این کلمه (ذُرِّیَه) مفرد اسـت اما معنای جمعی دارد و جمع آن ذراری و ذُرِّیات است.(۲)

کلمه ذریه و مشـتقات آن «۳۲» بـار درقرآن آمـده است که در بیشترین موارد دربـاره انبیاء و فرزنـدان شان است و در یک مورد در دعای حضرت زکریای پیامبر علیه السلام ذرّیه طیبه آمده است که مصداق

۱- - زینب بنت الامام : ۱۷ ، زینب الکبری: ۶۳ وسیمای زینب : ۷۵.

۲- - مفردات راغب کتاب ذال: ۱۸۳

ص: ۷۸

خارجی آن حضرت یحیی علیه السلام قرار گرفت.«... رَبِّ هَب لِی مِن لَّدُنکَ ذُرِّیهً طَیبَهً ...»(۱)

و در جای دیگر درباره ذریه و دودمان حضرت ابراهیم علیه السلام و بنا به قولی ذریه حضرت نوح علیه السلام، می فرماید:«... وَ مِن ذُرِّیتِهِ داوُدَ وَ سُلَیمَانَ ... وَ زَکَرِیا وَ یَحیَی وَ عِیسَی وَ إِلیاسَ ...»(۲)

نکته قابل توجه و دقّت این است که خداوند ذرّیّه و دودمان حضرت ابراهیم علیه السلام را بیان فرموده است و علی رغم اندیشه های عامه مردم و تاریخ نگاران حضرت عیسی علیه السلام را به عنوان فرزند و ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام (و به قولی از فرزندان نوح علیه السلام) گفته است با آن که می دانیم تنها از طرف مادر به آن ها مربوط است و نتیجه می گیریم که فرزندان دختر نیز به عنوان فرزند خواهند بود. از این رو یازده امام بر حق شیعیان که فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام اند از فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم شمرده می شوند زیرا آنان فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام هستند.

یکی از مسایل مهم و قابل توجه که در دائره عقاید و علم کلام جا باز کرد و در تحولات سیاسی، فراز و نشیب هایی را پیمود و حتی در زمان ائمه اطهار علیهم السلام بارها مطرح شد این مسئله بود که فرزندان أمیرالمؤمنین که از فاطمه زهرا علیهما السلام به دنیا آمده اند نسل به نسل «ذُرِّیهً

۱- - ال عمران: ۳۸

۲- - الانعام: ۸۵ - ۸۴

ص: ۷۹

بَعضُها مِن بَعضٍ» بدون تردید و با دلیل روشن قرآن عظیم الشأن فرزندان پیامبر مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هستند.

در تفاسیر معتبر فریقین و در منابع مهم احادیث این مسئله مطرح شده است که برخی به این شرح است:

۱- !از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: « خداوند متعال در قرآن مجید نسب عیسی علیه السلام را که از طرف مادر به ابراهیم علیه السلام منتهی می شود به عنوان ذریه (فرزند زاده) بیان کرده است، آنگاه آیه ۸۴ و ۸۵ سوره انعام را خواند(۱) : «وَ مِن ذُرِّیتِهِ... وَ یحیی وَ عِیسَی...»

۲- همانند این استدلال را یحیی بن معمر در برابر جلّاد تاریخ حجاج بن یوسف ثقفی کرد و گفت به دلیل این آیه امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند.(۲) [نقل به مضمون]

۳- فخر رازی از مفسرین بزرگ اهل سنت می گوید: این آیه دلالت دارد که حسن و حسین علیهما السلام از ذریه پیامبر صل الله علیه و آله و سلم اند؛ زیرا خداوند عیسی علیه السلام را از ذریه ابراهیم علیه السلام شمرده است با این که تنها از طریق مادر به او مربوط می شود.(۳)

۱- - بحار: جلد ۶۵/۹۱ و جلد۹۳/۲۴۳، تفسیر عیاشی : جلد۱/۳۶۷

۲- - همان ... و تفسیر الدر المنثور: ۳/۲۸، ق- تفسیر ابن کثیر:۲/۱۶۰-

۳- - تفسیر کبیر «فخر رازی» ۱۳/۶۶.

ص: ۸۰

۴- نویسنده «المنار» از علمای اهل سنّت بعد از نقل کلام «فخر رازی» می گوید: در این باب حدیثی از ابی بکر، خلیفه اول از شخص پیامبر صل الله علیه و آله و سلم نقل شده است که ! آن حضرت به امام حسن علیه السلام اشاره کرد و گفت: «إِنَّ إِبنی هذا سَیِّدٌ» (این پسرم سید و سرور است) پیامبر صل الله علیه و آله و سلم به صراحت کلمه پسرم را به کار برد.(۱)

سپس اشاره می کند: به همین جهت مردم اولاد و فرزندان فاطمه زهرا علیهم السلام را فرزندان رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم و عترت و اهل بیت آن حضرت می دانستند.(۲)

نتیجه ی مهم

با این بیان کوتاه روشن شد که فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام نسل به نسل و در صدر آنان امام حسن و امام حسین علیهما السلام، زینب، ام کلثوم و محسن علیهم السلام فرزندان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هستند. اگر مؤمنان به زیارت حضرت زینب علیها السلام و یا برخی از امام زاده ها می روند، به زیارت ذریه طیبه و فرزندان رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم مشرف می شوند. آنان که جَدّی چون پیامبر صل الله علیه و آله و سلم، پدری چون علی ، مادری چون زهرا و جدّه ای چون خدیجه کبری علیهم السلام دارند و افزون بر ریشه خانوادگی پاک و شجره طیبه، شخصیت حضرت زینب علیها السلام و فداکاری های او برای

۱- - صحیح بخاری: جلد ۳/۱۶۹ و ۱۷۰ و جلد ۴ صص: ۱۸۴ و ۲۱۶ و جلد ۸/۹.

۲- - تفسیر نمونه: ۵/۴۰۹.

ص: ۸۱

اسلام و برای به ثمر رساندن انقلاب حسینی می طلبد که انسان های باورمند به زیارتش بشتابند و از زیارتگاه او و سایر امام زادگان کسب فیض کنند.

۲۱/۲- عمران کیست؟

اشاره

عنایت دارید که نام پدر حضرت موسی علیه السلام و پدر حضرت مریم علیها السلام هر دو عمران بود. در قرآن عظیم الشأن در سه مورد نام عمران آمده است و یک سوره هم به نام آل عمران نازل شده است، در تمام موارد منظور از عمران، پدرحضرت مریم علیهما السلام است نه پدر حضرت موسی علیه السلام از آن میان آیه ۳۳ آل عمران «إِنَّ اللَّهَ اصطَفَی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إبرَاهِیمَ وآلَ عِمرَانَ عَلَی العَالَمینَ. ذُرِّیهً بَعضُها مِن بَعضٍ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلیمٌ.»(۱)

همانا خدا، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران علیهم السلام را بر جهانیان برتری داد؛ آن ها فرزندان (و دودمانی) بودند که (از نظر پاکی و تقوی و فضیلت) بعضی از بعضی دیگر گرفته شده بودند و خداوند شنوا و داناست.

۱- - ال عمران: ۳۳-۳۴.

ص: ۸۲

برگزیدگان آل ابراهیم و آل عمران علیهم السلام

در این جا توجه به چند نکته مناسب است:

۱- کلمه آل از اهـل گرفته شـده است، و آل به نزدیکان افراد بزرگ گفته می شود اما اهل معنای وسیعی دارد، و آل به افراد انسان اضافه می شود اما اهل به زمان، مکان و ... اضافه می گردد؛ مثل اهل فلان مملکت...

۲- در آیه مذکور منظور بیان برخی از برگزیدگان است که از دودمان ابراهیم و عمران هستند، نه تمام برگزیدگان. (اثبات شئ نفی ماعدا نمی کند.)

۳- در آیـه یـاد شـده منظـور ایـن نیسـت کـه تمـام دودمـان ابراهیم و عمران برگزیدگاننـد، بلکه منظـور این است که برخی از آنـان برگزیده هستند.

۴- آن چه از روایات به دست می آید و از خود آیه استفاده می شود این است که این آیه دلیل بر عصمت پیامبران و امامان است. (۱)

۵- این آیه نه تنها به افراد نزدیک زمانی و مکانی دودمان ابراهیم و عمران علیهم السلام دلالت دارد بلکه تا قیام قیامت افراد شایسته از نسـل و ذریه آنان را در بر می گیرد. بنابراین، پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم و امامان دوازده گانه از مصادیق مسـلم آن خواهند بود؛ در این باره دلایل فراوانی وجود دارد که این مختصر گنجایش آن را ندارد.

۱- - تفسیر نمونه: ۲/۵۲۰.

ص: ۸۳

۲۲/۲- تحقیق در مدفن حضرت زینب علیها السلام

اشاره

از دیدگاه تاریخ درباره مدفن و مرقد حضرت زینب علیها السلام سه نظریه مطرح شده است:

۱- مدینه منورّه در «بقیع» .

۲- مصر- قاهره، در محله «قنطره السباع» در«حمراء القصوی».

۳- سوریه- دمشق، در «زینبیه».

بررسی نظریات سه گانه:

درباره نظریات سه گانه نیاز به بحث و استدلال گسترده است اما در این نوشتار به بررسی فشرده بسنده می شود:

الف - مدفن حضرت زینب علیها السلام در مدینه

برخی از مورّخین اسلامی بر این باورند که حضرت زینب پس از انقلاب کربلا و دوران اسارت ،در مدینه منوره در اثر مریضی که عاید حالش شد وفات کرد و در قبرستان مشهور و بنام این شهر (بقیع) به خاک سپرده شد و حتی برخی همانند علامّه بیرجندی بر این نظریه ادّعای اجماع کرده است.

اما با دقّت و ارزیابی تاریخی روشن می شود که این نظریه یک نظریه استصحابی و غیر قابل قبول است؛ زیرا مورخان مشهور حجاز و مدینه درباره مدفن حضرت زینب علیها السلام در بقیع حتی اشاره ای هم نکرده اند. محلّ ولادت دلیل محل دفن نخواهد بود. و اگر حضرت

ص: ۸۴

زینب علیها السلام در بقیع دفن می شد بدون تردید محل دفن او مشخص و دارای علامت و آثار می بود، مگر شهرت حضرت زینب علیها السلام از دختران و عمه های پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم یا از ام البنین و حلیمه سعدیه کمتر است؟!.

بنابراین حضرت زینب بنت علی علیه السلام در مدینه وفات نکرده و آثاری از مرقد او در بقیع وجود ندارد.

[البته برخی از دختران دیگر أمیرالمؤمنین علیه السلام که به نام زینب صغری علیها السلام بوده است در آنجا دفن شده است که خیلی مشهور نبوده است .]

ب- زینب در مصر- قاهره «قنطره السباع» در «حمراء القصوی»

اشاره

برخی از مورّخان مرقد و مدفن حضرت زینب علیها السلام را در مصر، در قاهره دانسته اند چنان چه ابوالحسین یحیی بن الحسن عبیدلی (متوفای ۲۲۱ ه ق) در کتاب اخبار الزّینبات صفحه ۱۱۰ گفته است.

این نظریه نیز همانند نظریه اول بی اساس است؛ زیرا دلائلی را که عبیدلی بیان کرده است با شواهد تاریخی روشن و موثق در تضادّ جدّی است، چون عبیدلی می گوید: زینب علیها السلام علیه بنی امیه و یزید تبلیغ می کرد.حاکم مدینه نامه ای به یزید نوشت و یزید دستور تبعید آن حضرت را داد، و زینب با تنی چند از زنان بنی هاشم علیهم السلام به مصر رفت و مورد استقبال مسلمه بن مخلد، حاکم مصر قرار گرفت و آن حضرت را به خانه خود جا داد و مدّت یازده ماه و نیم از او پذیرایی

ص: ۸۵

کرد و چون رحلت نمود خودش برای زینب نماز میت خواند و در خانه خود «حمراء القصوی» دفن کرد.

ارزیابی نظریه یحیی بن الحسن عبیدلی

با ارزیابی تاریخی می توان به دست آورد که این نظریه از جهاتی بی پایه و غیر قابل قبول است:

۱- بیان تاریخی عبیدلی از نظر سند و محتوی مورد قبول نیست؛ زیرا عبیدلی این موضوع را از ابن عساکر و ابن طولون نقل کرده است و منبع آنان چند روایت تاریخی است که از نظرسند ضعیف و غیر قابل اعتماد است، زیرا راویان آن ها مجهول هستند و درکتاب های «رجال» و «تراجم» مطرح نشده اند.

۲- اگر حضرت زینب علیها السلام تبعیدی یزید بود چگونه مورد استقبال «مسلمه بن مخلد انصاری» فرماندار و حاکم دست نشانده یزید در مصر قرار گرفت. مگر حاکم مصر همان منافق مشهور نیست؟ که به علی علیه السلام بیعت نکرد و در صفین علیه آن حضرت وارد جنگ شد.

۳- زینب که آن همه ظلم و جور از یزید و یزیدیان دیده بود چگونه به خانه حاکمِ یزید وارد شد و مدّت یازده ماه و نیم در آن خانه زندگی کرد ؟!!

۴- زینب علیها السلام که همسر نامداری چون عبدالله بن جعفر علیهما السلام را داشت چگونه بدون همسرش و با چند زن به مصر رفت ؟!!

ص: ۸۶

۵- اهل بیت علیهم السلام در آن بُرهه از تاریخ در مصر از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند؛ زیرا آن مردم طرفدار بنی اُمیه بودند، مسلماً حضرت زینب علیها السلام آن جا را انتخاب نمی کرد.

۶- از همه مهم تر این که ده ها مورخ مشهور مصری که درباره مقابر صحابه در مصر، زینب هایی که در مصر دفن شده اند و حتی از ورود افراد مشهور به مصر به تفصیل سخن گفته اند، چرا درباره وارد شدن، ارتحال و دفن شدن حضرت زینب علیها السلام دختر أمیرالمؤمنین علیه السلام چیزی بیان نکرده اند و حتّی اشاره ای هم نداشته اند.

اسامی برخی از مورّخان مهمّ مصری

تاریخ نویسان مهمّ مصری که درباره مدفن حضرت زینب علیها السلام دخت علی علیه السلام در مصر چیزی بیان نکرده اند فراوانند که به ذکر چند نفر در این نوشتار بسنده می شود:

۱- ابومحمد حسن بن ابراهیم بن ذولاق لیثی مصری (م۳۸۷ه ق) صاحب ولاه مصر [ایشان به صراحت نوشته اند : اوّلین کسی که از اولاد علی علیهم السلام داخل مصر شد «سکینه دختر إمام سجاد علیهما السلام» بود که تفاوت تاریخ آن واضح است.]

۲- قاضی سلامه قضاعی (م ۴۵۳ ه ق) صاحب انیس الزائرین.

۳- شمس الدین انصاری مصری (م۸۱۴ ه ق) نویسنده «الکواکب السیاره فی ترتیب الزیاره» که درباره مراقد مصر نوشته است، نام های

ص: ۸۷

همه زنانی که زینب نام داشته اند (حدود یازده تن) و در مصـر دفن شده اند را با تمام خصوصیات تاریخی آنان بیان کرده است اما نامی از زینب کبری دختر امیرالمؤمنین علیه السلام نبرده است. حتی ایشان در صفحه ۳۴۲ کتاب شان نوشته اند: یک نفر از فرزندان [بدون واسطه] علی علیهم السلام در مصر از دنیا نرفته است.

۴- شمس الدین سخاوی (م۹۰۲ ه ق) مؤلف زینبات [ایشان نظریه مؤلف کتاب الکواکب السیاره را تأیید کرده است(۱)]

۵- عبدالرحمن سیوطی (م ۹۱۱ ه ق) نویسنده دُرّالسحابه فیمن دخل مصر من الصّحابه، ایشان به تفصیل درباره آمدن اصحاب به مصر سخن گفته و از حضرت زینب دختر علی علیهما السلام سخنی به میان نیاورده اند.(۲) و ...

فشرده مطلب این که مرحوم «شیخ محمد حسنین سابقی» از تعداد ۳۵ نفر از علمای مشهور شیعه (از آن میان علامه سید شرف الدین، شیخ عباس قمی، محمد حسین کاشف الغطا، آیت الله سید محسن حکیم، آیت الله خویی و...) و ۱۵ نفر از علمای مهم اهل سنت نقل کرده است که حضرت زینب کبری دختر أمیرالمؤمنین علی علیهما السلام در مصر نرفته است.

۱- - الخطط التوفقیه ف ج ۵ صفحه ۱۰.

۲- - در السحابه ... ۱۹-۷.

ص: ۸۸

و این دانشمند می گوید: کتاب اخبار زینبات از «یحیی بن حسن عبیدلی اعرجی متوفی ۲۲۷ ه ق» نیست بلکه از تألیفات «شرف الدین ابی علی حسینی عبیدلی مصری» است که در قرن پنجم هجری قمری بوده است، تشابه در لقب باعث اشتباه شده است.(۱)

چند نکته مهم و قابل توجه

درباره نرفتن حضرت زینب علیها السلام به مصر دلائلی ارائه شد. افزون بر آن، چند نکته دیگر نیز قابل دقت است:

عنایت دارید که راوی این روایت عبدالله بن ایوب انصاری است که متن سخنان ایشان این گونه بیان شده است: «زنی را دیدم که بسیار زیبا بود. صورت او مثل خورشید می درخشید. درباره اش سؤال کردم، گفتند: زینب دختر أمیرالمؤمنین علیهما السلام است سوگند به خدا در زیبایی نظیر او را ندیده ام. گویی پاره ماه بود.» با توجه به این بیان به چند نکته بایست توجه داشت:

۱- زینبی که قد و قامت او را نامحرمان ندیده بودند جز در دوران اسارت، چگونه صورت او پیدا بوده که با آن خصوصیات، نامحرمان، در مصر او را دیده باشند!.

۲- خود راوی، زینب علیها السلام را نشناخته و از افراد دیگر سؤال نموده است و آنان، او را زینب دختر علی علیهما السلام معرّفی

۱- - برگرفته از کتاب مرقد العقیله زینب و با کاروان شام.

ص: ۸۹

کرده اند که شاید به حدس و گمان سخن گفته باشند و یا واسطه های نسبی را حذف کرده باشند و نواده امام علی علیه السلام را دختر آن حضرت معرّفی کرده باشند.

۳- در سخنان راوی، دقّت باید کرد که درباره زیبایی زینب علیها السلام سخن گفته است. می دانیم که زینب دختر امام علی علیهما السلام در مصائب جانسوزِ کربلا مویش سفید و به طور شگفت انگیزی پیر و خمیده شده بود، تا جایی که همسرش عبدالله بن جعفر علیهما السلام او را نشناخت. [بیان راوی با مصداق خارجی در تضاد است.]

بنابراین روشن شد که نظر عُبیدلی مخالف نظر مهم ترین مورّخان مصری است و از دلائل متقن بهره ای ندارد.

نتیجه ی نظریه ی دوم

با بحث و بررسی تاریخی به این نتیجه می رسیم که حضرت زینب کبری علیها السلام دختر أمیرالمؤمنین علیه السلام اصلاً به سرزمین مصر نرفته است و نظریه برخی از مورّخان که مرقد و مدفن آن حضرت را در مصر قلمداد کرده اند، بی اساس است.

ص: ۹۰

حرم و بارگاه مصر از کدام زینب است ؟

با توجه به آن چه گفته شد، اگر مرقد و مدفن حضرت زینب کبری دختر امام علی علیهما السلام در مصر نیست، آن حرم و بارگاه باشکوه که مردم به نام حضرت زینب علیها السلام دختر أمیرالمؤمنین علیه السلام زیارت می کنند متعلق به چه کسی است؟.

از شواهد تاریخی به دست می آید که شاید آن مرقد متعلّق به حضرت زینب دختر یحیی بن متوج بن الحسن بن الحسن بن علی امیرالمؤمنین علیهم السلام باشد. و در برخی از نسخ گفته شده است: زینب بنت یحیی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن أبی طالب علیهم السلام است که به همراه عمّه اش «نفیسه» دختر «حسن علوی» به مصر رفت و در همان جا رحلت کرد و او کسی بود که پدرش مدّتی امیر مدینه بود.(۱)

منشاء اشتباه

در این که زینب دختر یحیی بن الحسن به نام زینب کبری دختر امیرالمؤمنین علیهما السلام در مصر مشهور شده است سه امر منشأ این برداشت بوده است:

۱- تشابه اسمی که هر دو بنام زینب از اهل بیت علیهم السلام بوده اند.

۲- حذف شدن سلسله انساب باعث شده است که نوه به جای دختر بلا واسطه مشهور شود.

۱- - ریاحین الشریفه : ج۳/۳۶.

ص: ۹۱

۳- شهرت و شخصیت فوق العاده حضرت زینب کبری علیها السلام باعث شده است که مردم آن زینب را به جای این زینب در نظر بگیرند و به مرور ایام به نام آن بانوی بلند آوازه مشهور شود.

۲۳/۲- خوشه خورشید در دمشق (زینب در زینبیه)

مهم ترین محقّقان و مورّخان شیعه از جمله میرزا حسین نوری، علامه بحرالعلوم، شیخ عبّاس قمی، حسون بن زینی حسینی، علامه حسنین سابقی و... و نیز برخی از تاریخ نگاران اهل سنت، از آن میان ابن جبیر، عزالدین محمد صیادی شافعی، ابن حورانی، ابن بطوطه و... بر این عقیده و باورند که حضرت زینب دختر امیرالمؤمنین علیهما السلام در سرزمین شام در قریه «راویه دمشق» (زینبیه فعلی) به خاک سپرده شده است و مرقد و حرم فعلی متعلق به آن بانوی با عظمت اسلام می باشد.(۱)

فعلاً زینبیه به عنوان یک مرکز مهم معنوی و علمی از درخشندگی ویژه ای برخوردار است و «حوزه علمیه زینبیه» یکی از حوزه های مورد توجه پیروان اهل بیت علیهم السلام در جهان شیعه است.

[با توجه به متون مهم تاریخی، این نظریه که حضرت زینب علیها السلام در شام مدفون است و حرم فعلی حرم آن حضرت می باشد، تأیید می شود. و الله العالم]

۱- - بر گرفته از: نفس المهموم : ۲۹۷ ؛ الرحله ، زیارات الشام: ۱۳۳ و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه : ۵۳.

ص: ۹۲

۲۴/۲- ویژگی های حرم حضرت زینب علیها السلام

اشاره

حرم آن حضرت که بنای فعلی آن بیش از یک صد سال سابقه دارد، در هفت کیلومتری شرق دمشق قدیم قرار دارد؛ این حرم دارای صحن بزرگ مربعِ مستطیل است که شبستان ، گنبد و ضریح در وسط آن قرار دارد و چهار در ورودی دارد. برخی از ویژگی های حرم مذکور به این شرح است:

۱- حرم دارای گنبد طلا است که توسط مؤمنان ایرانی طلا کاری شده است و نیز توسعه های اخیر و تزیینات حرم مطهر از سوی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است .

۲- دو مناره کاشی کاری در دو طرف گنبد قرار دارند.

۳- مساحت صحن، حرم و مراکز مربوطه، دَه هزار متر مربع می باشد.

۴- در صحن های حرم «۱۱۴» اتاق برابر «۱۱۴» سوره قرآن ساخته شده است.

۵- در قسمت شرقی صحن حرم، مصلای زینبیه توسط ایران اسلامی و با طرح و تدبیر آیه الله فهری زنجانی ساخته شده است .

۶- ضریح نقره ای حرم زینت بخش داخل آن می باشد.

۷- گنبد حرم دارای هشت ستون کاشی کاری شده می باشد.

ص: ۹۳

- نکته جالب و قابل توجه

برخی از اندیشمندان چون علّامه سید محسن امین عاملی، ابن حورانی و... حرم حضرت زینب را به ام کلثوم خواهر کوچک او منتسب دانسته اند که این نظر غیر قابل قبول است و منشأ اشتباه این است که دو دختر أمیرالمؤمنین علیه السلام به نام های زینب کبری و زینب صغری علیهما السلام خوانده می شدند و بنا به قول عده ای از مورخان «علامه سید محسن امین» ، چهار دختر حضرت علی علیه السلام به نام ام کلثوم نام گذاری شده بودند که حضرت زینب علیها السلام همسر عبدالله بن جعفر طیار علیهما السلام، و همسر مسلم بن عقیل و همسر عبدالله اصغر بن عقیل علیهم السلام نیز با کنیه ام کلثوم بوده اند.(۱)

در برخی از تواریخ آمده است که :

«رقیه دختر صهباء» (ام کلثوم) همسر مسلم بن عقیل علیهم السلام ،

«زینب صغری» همسر محمد بن عقیل علیهم السلام ،

«نفیسه» (ام کلثوم صغری) همسر عبدالله اکبر بن عقیل علیهم السلام ،

دختران أمیرالمؤمنین علیه السلام هستند که از غیر حضرت زهرا علیها السلام بوده اند، و درباره تعداد فرزندان به ویژه دختران أمیرالمؤمنین علیهم السلام اقوال مختلفی مطرح شده است که به آن اشاره می شود.

۱- - اعیان الشیعه : ج۳ / ۴۸۵

ص: ۹۴

- خلاصه نظریات درباره فرزندان علی علیه السلام:

مورّخین درباره فرزندان حضرت أمیرالمؤمنین علی علیه السلام نظریات گوناگونی ارائه داده اند که فشرده آن ها از این قرار است:

۱- تعداد فرزندان آن حضرت ۲۷ تن [جز محسن شهید علیه السلام] بوده اند ؛ ۱۷ دختر و ۱۰ پسر.

۲- اگر محسن علیه السلام شهید به حساب گرفته شود مجموع فرزندان آن حضرت ۲۸ تن (۱۱ پسر و ۱۷ دختر) می شوند.

۳- مجموع فرزندان أمیرالمؤمنین علیه السلام بدون حضرت محسن علیه السلام، ۳۶ تن (۱۸ دختر و ۱۸ پسر) بوده اند.(۱)

۴- حضرت أمیرالمؤمنین علیه السلام دارای ۳۸ فرزند بوده است به شمول «محسن» شهید از حضرت زهرا علیهما السلام و دختری بنام «رفسه» از مادری به نام محیاه دختر امرء القیس که در کودکی رحلت کرد. [این نظریه را ابن شهر آشوب نیز بیان کرده است.]

بر این اساس حضرت علی علیه السلام ۳۸ فرزند (۱۹ پسر و ۱۹ دختر) داشته اند.(۲)

با توجه به تعدد دختران أمیرالمؤمنین علیهم السلام و نام ها یا لقب ها و کنیه های مشترک و مشابه اختلاف نظرهایی در تاریخ دیده می شود

۱- - منتهی الامال : ۳۵۳ .

۲- - برگرفته از منتهی الامال از صفحه ۳۵۱- ۳۵۵ و برخی کتب تاریخی دیگر .

ص: ۹۵

که با تحلیل تاریخی و دقت در نظریات ابهامات فراوانی روشن خواهد شد.

(در کتاب «همگام با فرشتگان» که درباره زیارت های سرزمین عراق نوشته ام تحقیق بیشتری درباره همسران و فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام صورت گرفته است ...)

۲۵/۲- حضرت زینب علیها السلام و سفر دوم به شام

با توجه به بررسی کوتاه تاریخی روشن شد که مرقد مطهّر و مدفن منوّر حضرت زینب علیها السلام در شام و دمشق است، حال باید دید که علّت سفر دوم حضرت به شام چه بوده است. در این باره نیز نظریاتی از مورّخین جلب توجه می کند:

۱- تعدادی بر این باورند که در اثر تهاجم وحشیانه سپاه خون آشام یزید به مدینه منوره و هتک حرمت حرم نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و کشتار مردم مدینه و فجایع شرم آوری که مرتکب شدند؛ حضرت زینب طاقت تحمّل دیدن این شهر را نداشت لذا با همسرش عبدالله به شام هجرت کرد و در آن جا مریض شد و به سوی حق پرواز کرد و در همان جا دفن شد.

۲- عدّه ای گفته اند که حضرت زینب علیها السلام با تمام توان در مدینه منوره علیه بنی امیه، بویژه یزید و ابن زیاد تبلیغ می کرد و فجایع آنان را با منطق رسایی که داشت به مردم مدینه

ص: ۹۶

می گفت، حکم تبعید ایشان صادر شده بود لذا ایشان با همسـرش به شام هجرت کرد [البتّه عدّه ای می گویند که به مصر تبعید شد که این موضوع قبلاً بیان شد.]

۳- امّا بیشتر محقّقان فرموده اند که عبدالله بن جعفر علیهما السلام شوهر حضرت زینب علیها السلام در شامات بویژه دمشق مزارع و بـاغ هـای فراوانی داشت و در مـدینه قحطی شـده بود، عبـدالله که آدم بخشـنده ای بود، تصـمیم گرفت به شامات همراه خانواده اش هجرت کرده از باغ های خود استفاده کند و به نیازمندان هم مثل همیشه کمک هایی داشته باشد، وقتی که به دمشق آمدند حضرت زینب علیها السـلام از نظر جسمی مریض شد و از نظر روحی هم که مصائب جانسوز عاشورا، و رنج های اسارت را تداعی می کرد، بیماری حضرت را شدیدتر ساخت تا آن که مرغ روحش به سوی رحمت حق پرواز کرد و آن سرزمین، افتخار میزبانی پیکر پاک او را به دست آورد و امروزه میلیون هـا زائر باورمنـد و بـامعرفت از فیض زیـارت آن پرچمـدار انقلاب عاشورای حسـینی بهره منـد می شوند. مرحوم علامه بزرگ شیخ بهایی رحمه الله همین نظریه را پسندیده اند.(۱)

بعیـد نیست که همه این عوامـل و علل و حتی عوامل دیگری هم سـبب هجرت حضـرت زینب علیها السـلام به شام شـده باشـند تا با درخشش

۱- - ریاحین الشریفه: ج۳ /۳۷ .

ص: ۹۷

خورشید وجود او ظلمتکده های حکومت اموی تحت الشّعاع قرار گرفته رخت بربندند.

«جَاءَ الحَقُّ وَ زَهَقَ البَاطِلُ إنَّ البَاطِلَ کَانَ زَهُوقاً»(۱)

۲۶/۲- زیارت حضرت زینب علیها السلام

یکی از برجسته ترین مطالبی که در کتاب حاضر مورد توجه است، زیارت حضرت زینب علیها السلام است.

او به عنوان یکی از برترین بندگان شایسته خداوند، یکی از قوی ترین جهادگران در برابر سردمداران ظلم و ستم و بیداد، یکی از دانشمندان مکتب توحید، یگانه انسان رسالت به دوش انقلاب بی مانند حسین بن علی علیهما السلام، مهم ترین مدافع امامت و ولایت، مفسّر و حافظ کتاب آسمانی، فرزند زهرا و علی علیهما السلام و از همه مهم تر، ذریه و فرزند پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ، تربیت شده دامن وحی و... است؛ بدون تردید زیارت آن حضرت یکی از عبادات و وسیله تقرّب به خدای سبحان است، و نیز زیارت او و همه امام زادگان دین مدار و خدا محور به عنوان ذریه پیامبر صل الله علیه و آله و سلم دارای اجر و پاداش فراوانی است. در این باره روایاتی وجود دارد که به برخی اشاره می شود.

۱- – الاسراء : ۸۱

ص: ۹۸

! عن رسول الله۹ : «مَن زَارَنی اَو زَارَ اَحداً مِّن ذُرِّیَتی ...» که در مقدمه کتاب حاضر بیان شد.

! عن زید الشَّحّام: «قلت لِابی عبدالله علیه السلام: مَا لِمَن زَارَ اَحداً مِّنکُم؟ قال: کَمَن زَارَ رَسُولَ الله۹»(۱)

- زید شحام: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پاداش کسی که یکی از شما را زیارت کند، چیست؟ فرمود: مثل کسی است که رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم را زیارت کرده باشد.»

! و فی حدیث طویل عن رسول الله۹:«... وَ مَن زَارَ الحَسَن وَ الحُسَین علیهما السلام فَکَاَنَّمَا زَارَ عَلِیاً علیه السلام، وَ مَن زَارَ ذُرِّیتَهَما فَکَاَنَّمَا زَارَهُمَا»(۲)

- پیامبر صل الله علیه و آله و سلم در یک روایت طولانی فرمود: «... هر کسی که مرا بعد از وفاتم زیارت کند مثل آن است که فاطمه زهرا علیها السلام را زیارت کرده باشد، و کسی که فاطمه علیها السلام را زیارت کند گویا مرا زیارت کرده است و هر که علی بن ابی طالب علیه السلام را زیارت کند، گویا فاطمه علیها السلام را زیارت کرده است و کسی که حسن و حسین علیه السلام را زیارت کند، گویا علی علیه السلام را زیارت نموده است، و هر کسی که

۱- – الکافی: ۴/۵۷۹/۱، التهذیب: ۶/۷۹/۱۵۷

۲- – بحارالانوار:۹۷/۸۹ و بشاره المصطفی:۱۳۹

ص: ۹۹

ذریه، دودمان و فرزندان آنان [حسن و حسین علیهما السلام] را زیارت کند مثل آن است که آن ها را زیارت کرده باشد.»

در این روایت زیارت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و أمیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان و ذریه آنان به منزله یک زیارت کامل و جامع عنوان شده است؛ آری آنان یک نورند و یک خورشید که هر اشعه آن به اصل همان منظومه بر می گردد و می توان با زیارت هر کدام آنان به فیض کامل نائل شد.

این روایت برترین سند زیارت دودمان رسالت و امامت است. [کور باد چشم کسانی که از نور خورشید خاندان پیامبر صل الله علیه و آله و سلم بی بهره اند و بریده باد زبان آنانی که می گویند نباید به زیارت امام زادگان رفت!!!]

اذن دخول و زیارت نامه ی حضرت زینب علیها السلام در صفحه ی ۲۶۶ کتاب حاضر موجود می باشد

۲۷/۲- در شعاع خوشه خورشید (مراقد مهمّ کنار حرم)

در مدخل درِ غربی حرم حضرت زینب، سمت راست داخل اتاق سه قبر وجود دارند:

۱- مرقد «علّامه سید محسن امین عاملی» متوفای ۱۳۷۱ هجری از علمای معروف شیعه در سوریه که خدمات فراوانی به مکتب اهل بیت علیهم السلام انجام داده و برای گسترش شیعه در آن سرزمین خدمات

ص: ۱۰۰

شایانی داشته اند. کتاب معروف اعیان الشیعه از تألیفات آن بزرگوار است.

۲- مدفن حضرت آیه الله سید حسین یوسف مکی عاملی متوفای ۱۳۹۷ هجری از علمای برجسته شیعه .

۳- قبر دختر میرزا تقی بهبهانی.(۱) قابل یادآوری است که یک قبرستان کوچکی نیز در جوار حرم حضرت زینب علیها السلام قرار دارد که برخی از مؤمنان در آن جا به خاک سپرده شده اند.(۲)

تا این جا درباره عقیله بنی هاشم علیها السلام عمه بزرگ سادات عظام سخن گفته شد و عاجزانه اعتراف می کنم که بیان ها و قلم ها عاجزتر از آن است که بتوان درباره آن اقیانوس مواج، حقّ مطلب را ادا کند و من نیز با اظهار عجز و ناتوانی به آنچه که ضروری پنداشتم بسنده کردم و سپس خواستم درباره عمه کوچک سادات، رقیه مظلومه علیها السلام در فصل جداگانه، پژوهش گونه ای را ارائه دهم.

۱- - تحقیقات میدانی.

۲- - تحقیقات میدانی.

ص: ۱۰۱

فصل سوم : سیمای حضرت رقیه علیها السلام

اشاره

ص: ۱۰۲

فصل سوم : سیمای حضرت رقیه علیها السلام

در این فصل به طور فشرده درباره حضرت رقیه بنت الحسین علیهما السلام مطالبی ارائه خواهد شد. امید آن که برای پژوهشگران، اهل منبر، مداحان، زائران آن حرم نور افشان و باورمندان پرورش یافته مکتب اهل بیت علیهم السلام سودمند باشد.

۱/۳– دمشق و دوّمین زیارتگاه

اشاره

یکی از زیارتگاه های مشهور شام که پس از زیارت حضرت زینب علیها السلام مورد توجه ویژه قرار دارد مرقد و حرم حضرت رقیه دختر خردسال امام حسین علیهما السلام است، او که در جمع اسیران بود در پنجم ماه صفر۶۱ ه ق با دیدن رنج های فراوانِ اسارت در شهر شام در خرابه ای درکنار «باب الفرادیس» در سنّ چهار سالگی به طور سوزناک و غمبار چشم از جهان فرو بست و در همان مقبره عمومی «باب الفرادیس» (العماره فعلی) غریبانه و با اشک و آه اسیران به خاک

ص: ۱۰۳

سپرده شد امروزه حرم و بارگاه او زیارتگاه شیفتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام است. (۱)

[آن چه بیان شد مشهور است و در کتاب های فراوانی مطرح شده است؛ اما این مطلب نیاز به تحقیق عمیق دارد.]

تذکّر قاطع و جدّی

شایسته است که پژوهشگران، سخنوران و تاریخ نگاران، زود به قضاوت نپردازند و با توجه به اظهار نظرِ یک یا چند تاریخ نگارِ هرچند مشهور، آن نظر را قطعی و غیر آن را مردود قلمداد نکنند، بلکه مناسب است که نظریات را ذکر و در صورت لزوم دید، نظر و برداشت خود را ارائه دهند.

امّا باید توجه داشت که تاریخ، اجتهادی و استنباطی نیست؛ بلکه یک امر واقع شده است که بستگی به کثرت معلومات انسان و اعتبار مدارک و اسناد دارد نه به اصول، فروع و قواعد استنباطی. و همان سان که اجتهادی نیست، تقلید پذیر نیز نخواهد بود.

۱- - چکیده ای از معالی السبطین ج ۲/۱۷۰ ، منتخب التواریخ : ۳۴۰، شفاء الصدور : ۲۵۹ و کتاب حسین کیست : ۲۹ .

ص: ۱۰۴

۲/۳- تحقیق درباره حضرت رقیه علیها السلام

درباره حضرت رقیه علیها السلام از دیدگاه تاریخ ناگزیر از تحقیق بیشتر خواهیم بود.

برترین روش تحقیق اساسی این است که بدانیم امام حسین علیه السلام چند فرزند و با چه نام هایی داشته اند.

در این باره نظریات گوناگونی مطرح شده است که به برخی با رعایت اختصار پرداخته می شود .

۱- شیخ مفید رحمه الله و برخی دیگر بر این باورند که امام حسین علیه السلام چهار پسر و دو دختر داشت . که عبارتند از:

۱- علی بن الحسین الأکبر علیهما السلام (امام سجاد علیه السلام)

۲- علی بن الحسین الأصغر علیهما السلام (علی أکبر علیه السلام)

۳- جعفر بن الحسین علیهما السلام

۴- عبدالله بن الحسین علیهما السلام

۵- سکینه بنت الحسین علیهما السلام

۶- فاطمه بنت الحسین علیهما السلام(۱)

۱- - برگرفته از کشف النعمه، منتهی الامال ج۱/۸۵۳ به بعد و مختصر تاریخ دمشق ج۹/۱۷۴ و کتاب نسب قریش : ۵۹ ،

ص: ۱۰۵

۲- تعـدادی از مورّخان برای امام حسـین علیه السـلام پنج پسـر و دو دختر گفته اند که در این صورت علی اصـغر علیه السـلام را نیز ذکر کرده اند.(۱)

۳- عدّه ای از تاریخ نگاران و از آن میان ابن شـهر آشوب، ابن خشاب برای امام حسـین علیه السلام شش پسر و سه دختر ذکر کرده اند که محمّد، علی اصغر و زینب علیهم السلام را اضافه کرده اند.(۲)(شاید رقیه لقب همان زینب باشد)

۴- علامه حائری در کتاب معالی السـبطین علیهما السـلام ذکر کرده است که برخی ماننـد محمد بن طلحه شافعی و عده ای دیگر از علمای اهل سـنت و شـیعه برای امام حسـین علیهم السـلام ده فرزند (شش پسر و چهار دختر) نوشته اند آنگاه می نویسد: دختران آن حضـرت عبارتنـد از: سـکینه، فاطمه صـغری، فاطمهکبری و رقیه علیها السـلام . [در این بیان رقیه ذکر شـده است اما نام زینب نیامده است که احتمال می دهدکه رقیه لقب زینب باشد. و الله العالم]

۵- در کتاب معالی السبطین مکرراً از رقیه نام برده شده است از جمله: «... وَ بِنتُهُ الْاُخرَی رُقَیه وَ قالَ الحَمرَاوِیُّ فی کِتابِ النَّفَحاتِ :«وَ کَانَت لِلحُسَینِ علیه السلام بِنتٌ تُسَمّی رُقَیه علیها السلام وَ اُمُّها

۱- - برگرفته از کشف النعمه، منتهی الامال ج۱/۸۵۳ به بعد و مختصر تاریخ دمشق ج۹/۱۷۴ و کتاب نسب قریش : ۵۹ ،

۲- - برگرفته از کشف النعمه، منتهی الامال ج۱/۸۵۳ به بعد و مختصر تاریخ دمشق ج۹/۱۷۴ و کتاب نسب قریش : ۵۹ ،

ص: ۱۰۶

شاه زنان بِنتُ کَسرَی خَرَجَت مَعَ أبیها الحُسَینِ علیه السلام مِنَ المَدینَهِ حِینَ خَرَجَ وَ کانَ لَها مِنَ العُمرِ خَمسُ سِنین ...»(۱)

- «... و دختر آن حضـرت رقیه علیها السـلام است، و حمراوی در کتاب نفحات بیان داشـته است: امام حسـین علیه السلام دختری به نام رقیه داشت که مادرش شاه زنان بود و همراه پدرش از مدینه خارج شد و آن دختر پنج سال عمر داشت...»

در ادامه می گوید: «فَهؤلاءِ الثَّلاثَهِ خَرَجنَ مَعَهُ، سکینه و فاطمَه الکُبرَی و رُقیه و امَّا رقَیهُ فَقَد تُوُفِّیت بِالشّامِ کَما ذَکَرنا فِی مَحَلِّهِ...»(۲)

این سه دختر با امام حسـین علیه السـلامخارج شدنـد که سـکینه و فاطمه کبری و رقیّه علیهم السـلام باشـند، و اما رقیّه در شام رحلت کرد، آن گونه که در جای آن یادآوری کردیم ... .

[در موارد یاد شده و برخی از موارد دیگر نام مقدس حضرت رقیه علیها السلام به صراحت بیان شده است که سبب اطمینان زائران و مبلّغان و... خواهد شد.]

۶- برخی از تاریخ نگـاران دیگر نیز مثـل شـیخ علی بن عیسـی اربلی در کتاب کشف النعمه به نقل از کمال الـدین بن طلحه تعـداد فرزندان امام حسین را ده تن گفته اند (شش پسر و چهار دختر) اما سه دختر به نام های زینب ، سکینه و فاطمه را نام می

۱- - معالی السبطین :۲/۲۱۴.

۲- - معالی السبطین :۲/۲۱۴.

ص: ۱۰۷

برد و از بردن نام چهارمی ساکت است. [ممکن است که لقب زینب رقیه باشد و ممکن است نام دختر چهارمی رقیه باشد.(۱)]

اضافه می شود که تعداد کثیری از نسب شناسان به نام سه دختر از امام حسین علیه السلام اشاره کرده اند.(۲)

۳/۳- حضرت رقیه علیها السلام = زینب بنت الحسین علیه السلام

باتوجه به آن چه در معالی السبطین و برخی ازکتب تواریخ به چشم می خورد می توان به این نتیجه رسیدکه لقب زینب دختر امام حسین رقیه بوده است و این احتمال قوی است؛ زیرا برخی از فرزندان ائمه علیهم السلام دارای دو اسم و سه اسم بوده اند چنانچه در تاریخ آمده است که نام دیگر سکینه آمنه یا اُمیمه بوده است.(۳) (بنابراین احتمال می رود که نام اصلی رقیه علیها السلام ، زینب باشد و به رقیه مشهور شده باشد) و

۱- - برگرفته از کشف النعمه ، منتهی الامال ج۱ /۸۵۳ به بعد. مختصرتاریخ دمشق ج۹/۱۷۴ ، کتاب نسب قریش : ۵۹ .

۲- - دلائل الامامه : ۷۴، الفصول المهمه فی معرفه الائمه : ۱۸۸ دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه ج۱/۲۵ و...

۳- - منتهی الامال ج ۱/۸۵۴ ، معالی السبطین : ۲/۱۷۰.

ص: ۱۰۸

برخی از مورّخین گفته اند که رقیه علیها السلام به نام فاطمه صغیره نیز خوانده شده است .(۱)

۴/۳- برخی از کتب قدیم و نام رقیه علیها السلام

در نتیجه پژوهش درباره حضرت رقیه به این سؤال برمی خوریم که جز در برخی ازکتب قدیم نام رقیه در بین فرزندان امام حسین علیه السلام ذکر نشده است. پاسخ این پرسش را به این صورت می توان ارائه داد :

۱- اگر این نام در برخی از کتب نیامده است، در بعضی دیگر از کتب شیعه و سنّی این نام (رقیه بنت الحسین علیهما السلام) آمده است آن گونه که قبلاً بیان شد.

۲- ذکر نکردن، دلیل نبودن نیست، ممکن است به دلائلی از ذکرِ نام رقیه خودداری یا غفلت شده باشد.

۳- ممکن است که با داشتن دو یا چند نام و یا داشتن نام اصلی و لقب از ذکر نام اصلی غفلت شده باشد، چنان چه بیان شد که رقیه با لقب زینب و یا با نام فاطمه صغیره خوانده می شد.

۴- ازآن جائی که رقیه علیها السلام با وضع دردناکی در خرابه شام جان داد و مایه سرافکندگی دودمان بنی امیه شد، تاریخ نگاران آن زمان جرأت بیان آن واقعه دردناك را نداشتند؛ لذا این نام و تاریخ تا حدودی در خفا مانده است.

۱- - گزیده ستاره درخشان / ۲۹.

ص: ۱۰۹

۵- چون رقیه درکودکی (از سه سال تا پنج سال) از دنیا رفت و شهرت زیادی نداشت ممکن است به عنوان یک امر جزئی، برخی از مورّخین از بیان آن غفلت کرده باشند.

۶- با توجه به کمبود امکانات، و غرض ورزی ها و جوسازی دشمنان، همواره اختلاف نظر در بین مورخین وجود داشته است، بنابراین نمی توان با عجله به قضاوت نشست و نفی و اثبات کرد.

در نتیجه این که در زیارت، در تجلیل و در سوگواری حضرت رقیه علیها السلام مستند ما برخی از تاریخ ها، نظریه ها و شهرت است که قبلاً مطرح شد. و افزون بر آن سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (متوفی ۱۲۹۴ ق) در کتاب «ینابیع الموده» و عبدالوهاب بن احمد شافعی مصری، مشهور به شعرانی (متوفی۹۷۳ ق) در کتاب «المنن» و آیت الله میرزا هاشم خراسانی (متوفی۱۳۵۲ ق) در نوشته های خود به نام رقیه و بعضی از حوادث مربوط به آن حضرت، اشاراتی کرده اند.(۱)

۵/۳- نام رقیه علیها السلام در بیان امام حسین علیه السلام

در پژوهش تاریخی درباره نام حضرت رقیه علیها السلام مطلب جالبی جلب توجه می کند که شخص امام حسین علیه السلام در موارد مختلفی نام مبارک رقیه علیها السلام را به زبان آورده است، که برخی از این قرار است:

۱- - به نقل از کتاب با کاروان شام :۹۵

ص: ۱۱۰

۱- !روز عاشورا، در آن لحظه حساس که امام حسین، امام زین العابدین علیهما السلام را به عنوان حجّت خدا معرّفی کرد دست او را گرفت و با صدای بلند و رسا فرمود : «یا زینبُ و یا اُمَّ کلثوم و یا سَکینَهُ و یا رُقَیَّهُ و یا فاطمهُ، إسْمَعنَ کلامی و اعْلَمنَ أنَّ ابْنی هذا خَلیفَتی عَلَیکُم، وَ هُو إمامٌ مُفتَرضُ الطّاعهِ. ثُمَّ قال لَهُ یا وَلَدی بَلِّغ شِیعَتی عَنِّی السَّلامَ فَقُل لَهُم: إنَّ أبِی مَاتَ غَرِیباً فَانْدُبوهُ ومَضَی شَهِیداً فَابکُوهُ»(۱)

- امام حسین علیه السلام فرمود: «ای زینب ... ای رقیه و ای فاطمه سخنم را بشنوید و بدانید که فرزندم علی جانشین من برشما است و او امام واجب الإطاعت است، سپس به او فرمود : فرزندم ! از من به شیعیانم سلام برسان و بگو: پدرم غریبانه به شهادت رسید، بر او سوگواری و گریه کنید.»

۲- ! امام حسین علیه السلام درآن وداع جانسوز روز عاشورا این گونه فرموده است : «ثمّ نادی یا اُمّ کلثوم و یا سکینه، و یا رقیه و یا عاتِکه و یا زَینب ؛ یَا أهلَ بَیتِی عَلَیکُنَّ مِنِّی السَّلامُ» «آنگاه فریاد برآورد:ای ام کلثوم، ای سکینه، ای رقیه، ای عاتکه، ای زینب و ای اهل بیت من، من نیز رفتم خدا حافظ(۲)» در این بیان امام و روایت نیز نام رقیه با این کیفیت مطرح شده است.

۱- - فرهنگ جامع سخنان امام حسین ترجمه ی علی مؤیدی : ۵۴۲ و معالی السبطین : ۲/۳۲ و فی الدمعه ...

۲- - ینابیع الموده : ۳۴۶ و احقاق الحق : ۱۱/۶۳۳ .

ص: ۱۱۱

۳- ! در مقتل ابی مخنف به این ترتیب آمده است : «ثُمَّ نَادَی یَا اُمَّ کُلثُوم وَ یَا زَینَب وَ یَا سَکینَهُ وَ یَا رُقَیَّهُ وَ یَا عَاتِکَهُ وَ یَا صَفِیهُ عَلَیکُنَّ مِنِّی السَّلَامُ.»(۱)

۴- ! آنگاهی که امام حسین علیه السلام اشعار «یَا دَهرُ اُفٍّ لَکَ مِن خَلِیلِ... » را در روز عاشورا ایراد فرمود ؛ حضرت زینب علیها السلام و اهل حرم فریاد به گریه و ناله برداشتند حضرت آنان را به صبر و شکیبائی سفارش نموده این گونه خطاب کرد :

«... قال: یا اُختاهُ یا امّ کلثوم و أنتِ یا زینبُ و أنتِ یا رُقَیّهُ وَ أنتِ یافاطمهُ، و أنتِ یا رُبابُ، اُنظُرنَ إذَا أنَا قُتِلْتُ فَلاتشَقَّقْنَ عَلَیَّ جَیْباً و...»(۲)

سپس فرمود: «ای خواهرم ای ام کلثوم ... و تو ای رقیه... وقتی من کشته شدم، گریبان پاره نکنید و سیلی به صورت نزنید و سخنی که خدا راضی نیست نگویید.»

غرض این که نام حضرت رقیه علیها السلام در این چند مورد طبق این روایات از زبان شخص امام حسین علیه السلام نیز مطرح شده است.

۶/۳- زیارت حضرت رقیه علیها السلام

با عنایت به آن چه که بیان شد و نیز شواهد دیگر می توان با اطمینان به آن حرم نور باران مشرف شد و کودک معصوم، اسیر،

۱- - مقتل ابی مخنف قم منشورات الرضی : ۱۳۱ . و فرهنگ جامع سخنان .. صفحه ۵۴۶ .

۲- - لهوف سید بن طاووس ترجمه ی عقیقی بخشایشی .

ص: ۱۱۲

ستمدیده، یتیم و شلاق خورده از ذریه طیبه رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم، علی مرتضی، فاطمه زهرا علیهما السلام را به نام رقیه بنت الحسین علیه السلام زیارت کرد و از فیوضات معنوی آن بهره مند شد.

و بایست توجه داشت که وسواس ، شک و تردید و بی اعتنایی به شعائر دینی، انسان را به پرتگاه هلاکت و سقوط سوق خواهد داد و نیز خوش باوری بدون مدرک و دلیل .

۷/۳- ارتحال جانسوز حضرت رقیه علیها السلام

اشاره

مشهور است که حضرت رقیه دختر امام حسین علیهما السلام درخرابه شام بادیدن سرمبارک پدرش جان سپرد،این مطلب درکتب تاریخ و مقاتل بیان شده است که به ذکر برخی با رعایت اختصار بسنده می شود:

۱- در کتاب معالی السبطین به نقل ازمنتخب طریحی و...آمده است :

«إنَّهُ کَانَت لِلحُسینِ علیه السلام بِنتٌ صَغِیرَه یُحِبُّها و یُحِبُّهُ وَ قیلَ کَانَت تُسمّیُ رُقَیه و کَان لَهَا ثَلاثُ سِنینَ ...»

- دختر کوچکی از حسین علیه السلام بود که آن حضرت او را دوست داشت و او نیز پدرش را دوست می داشت وگفته شده است که نام او رقیه بود و سه سال عمر داشت و همواره از فراق پدر گریه می کرد تا آن که شبی پدرش را به خواب دید وقتی از خواب بیدار شد ! فریاد می زد:«اِیتُونِی بِوَالِدِی وَ قُرَّهِ عَینِی» (پدرم و روشنی چشمم را بیاورید)

ص: ۱۱۳

آنگاه که سر مبارک امام را آوردند سر پدر را در آغوش گرفت. آن قدر ناله زد تا غش کرد. وقتی او را حرکت دادند دیدند که از دنیا رفته است ... (۱) [این بود فشرده بیان معالی السبطین]

۲- در کتاب کامل بهائی، مورخ مشهور عماد الدین حسن بن علی بن محمد طبری که معاصر مرحوم طوسی بود مطلبی شبیه آنچه در معالی السبطین آمده است ذکر کرده است اما نام آن دخترِ امام حسین علیه السلام را نیاورده است.(۲)

۳- محدّث وارسته مرحوم شیخ عبّاس قمی رحمه الله نیز همین مطلب را بیان نموده است.(۳)

۴- عبدالجبار بن زین العابدین الشکوئی مؤلف کتاب مصباح الحرمین نیز این تاریخ را با تفصیل و ذکر نام رقیه بیان کرده است.(۴)

۵- در کتاب منتخب التواریخ ضمن بیان واقعه سوزناک وفات حضرت رقیه علیها السلام به طور تفصیل این گونه نوشته است : «آن دختری که در خرابه شام از دنیا رحلت کرد و شاید اسم شریفش رقیه بوده است ... (۵)»

۱- - معالی السبطین ج ۲ /۱۷۱-۱۷۰ .

۲- - کامل بهایی . ۲/۱۷۹ (نگارش سال ۶۷۵ ه ق)

۳- - منتهی الامال : ج۱/۸۰۷-۸۰۸ انتشارات هجرب ، ۱۳۷۴ .

۴- - مصباح الحرمین : ۳۷۱ .

۵- - منتخب التواریخ باب ۵/۲۹۹ .

ص: ۱۱۴

۶- مطالب زیادی درباره رحلت حضرت رقیه علیها السلام در خرابه شام از زبان ام کلثوم، حضرت زینب علیهما السلام و... به مناسبت هایی ثبت تاریخ شده است از جمله آن که حضرت زینب علیها السلام پس از بازگشت از سفر شام، مصیبت های ناگوار آن سفر غمبار را که برای زن های مدینه بیان می کرد، ! فرمود: «بدانید که فوت رقیه علیها السلام در خرابه شام کمرم را شکست و قدّم را خم و مویم را سفید کرد.» زنان مدینه با شنیدن آن سخنان جانکاه اشک می ریختند و فریاد می کشیدند .(۱)

حضرت رقیّه علیها السلام را چند ساله گفته اند؟

درباره عمر حضرت رقیه علیها السلام نیز در بین تاریخ نگاران اختلاف وجود دارد که سه ساله، چهارساله و یا پنج ساله بوده است .

از مجموع نتیجه بحث های مطرح شده به این نتیجه خواهیم رسید که دخترکوچکی از امام حسین علیهما السلام در خرابه شام با وضع دلخراشی جان سپرده است که به نام رقیه مشهور است و مرقد او یکی از زیارتگاه های معروف و دارای کرامت شگفت انگیزی است که برخی تاکنون به دست نشر سپرده شده است. اما این که چند ساله بوده اند سه گونه روایت وجود دارد که نیازمند تحقیق بیشتر است و این مختصر گنجایش آن را ندارد. [به احتمال قوی که از چهار سال بیشتر نداشته است.]

۱- - ناسخ التواریخ : ۵۰۷ .

ص: ۱۱۵

۸/۳– حرم حضرت رقیه علیها السلام در آیینه تاریخ

حضرت رقیه علیها السلام که در مقبره عمومی کنار خرابه، مظلومانه دفن شده بود در مرور زمان همانند اشعه تابناک خورشید درخشید و حرم و بارگاه او مورد توجه حق پویان قرار گرفت. و در طول تاریخ، دلباختگانِ حقیقت با افتخار در ساخت و ساز آن حرم سهیم شدند که در این نوشتار به برخی اشاره می شود:

۱- سلاطین ایوبی نخستین کسانی بودند که برای حضرت رقیه علیها السلام مقبره ای زیبا، گنبد، حرم و بارگاه ساختند. از آن جایی که این مرقد در داخل مسجد رأس الحسین واقع شده بود، به صورت مسجد و مقبره به روش خاصی ساخته شده است.

۲- این حرم در سال ۱۱۲۵ ه ق بازسازی شد.

۳- در سال ۱۳۲۳ ه ق آن حرم توسط صدر اعظم ناصرالدین شاه (علی اصغر خان امین السلطان) بازسازی مجدد و تزیین شد.(۱)

۴- در سال ۱۳۵۰ ه ش که بنا بود حرم توسعه داده شود حجت الإسلام آقای شیخ نصرالله خلخالی برخی از منازل اطراف را خریداری کرد، اما عده ای از آنان راضی به فروش نشدند، لذا موضوع به تعویق افتاد تا آن که در سال ۱۳۶۳ حجت الإسلام آقای فهری زنجانی نماینده ولی فقیه از طرف جمهوری اسلامی ایران با هماهنگی مقامات سوریه به این امر موفق شدند و حرم را بسیار جالب و زیبا توسعه

۱- – اعیان الشیعه : ۷/۳۴ .

ص: ۱۱۶

دادند. [نویسنده در سال ۱۳۷۵ ه ش موفق به زیارت آن هر دو عمه باعظمت سادات شد. آرزومندم که با ایمان و معرفت بارها مخلصانه مشرف شوم. إن شاء الله]

۵- فعلاً حرم حضرت رقیّه علیها السلام در مجموع حدود چهار هزار متر مربع مساحت دارد (اعم از حرم ، شبستان و فضای باز) .

۶- در داخل حرم، دوازده ستون از سنگ سفید مرمر وجود دارد که گنبد را نگه داشته اند.

۷- در سال ۱۳۷۲ ه ش ضریح بسیار جالبی توسط چهل نفر از هنرمندان اصفهانی برای مرقد حضرت رقیه علیها السلام ساخته شد که ضریح قبلی در داخل آن قرارگرفته است. [خداوند به آنان سعادت هر دو جهان را عنایت فرماید.]

۸- در مجموع معماری این حرم، به شکل هنرمندانه از نوع معماری ایرانی اسلامی است که شعائر دینی در آن تعظیم شده است.

۹- در کنار ضریح، مسجدی قرار دارد که محور معنویت و جایگاه مهم برای راز و نیاز با خداوند است.

۱۰- دیواره های حرم وگرداگرد سقف حرم، با کاشی کاری تزیین شده است که آیات کلام نور و آثار فرهنگ اسلامی روح و روان انسان را نوازش می دهند(۱) .

۱- - اماکن زیارتی وسیاحتی . ۵۷ تا ۵۹ . و تحقیقات میدانی .

ص: ۱۱۷

۱۱- در قسمت شمالی حرم رقیه علیها السلام مسجد جامع اموی قرار دارد که در فصل جداگانه ای به معرفی و تحقیق پیرامون آن خواهیم پرداخت. إن شاء الله .

۱۲- گرچه با توسعه های اخیر و افزودنِ صحن های جدید حرم، به شکل مدرن درآمده است، اما در آینده ای نه چندان دور از بازسازی و بهسازی دیگری ناگزیر خواهد بود.

۹/۳- مرقد حضرت رقیه علیها السلام در نگاه عامّه

درباره حرم حضرت رقیّه علیها السلام و ویژگی های آن، اندیشمندان محترم اهل سنّت نیز سخنانی گفته اند که به بیان یک مورد بسنده می شود.

دانشمند بلند آوازه عبد الوهّاب بن احمد شافعی مصری، مشهور به شعرانی (متوفای سال ۹۷۳ ه ق) در کتاب المنن باب دهم آورده است :

نزدیک مسجد جامع دمشق بقعه و مرقدی وجود دارد که به مرقد حضرت رقیه دختر امام حسین علیهما السلام معروف است. بر روی سنگی واقع در درگاه این مرقد چنین نوشته شده است:

! «هَذَا البَیتُ بُقْعَهٌ شُرِّفَت بِآلِ النَّبِیِّ۹ وَ بِنْتُ الحُسَینِ الشّهید، رُقَیَّه علیهما السلام».

ص: ۱۱۸

(این خانه مکانی است که به ورود آل پیامبر صل الله علیه و آله و سلم و دختر امام حسین علیه السلام ، حضرت رقیه علیها السلام شرافت پیدا کرده است(۱))

۱۰/۳- مرقد حضرت رقیه علیها السلام و امر عجیب

مرحوم آیت الله حاج میرزا هاشم خراسانی (متوفای سال ۱۳۵۲ ه ق) در کتاب منتخب التواریخ می نویسد: عالم جلیل، شیخ محمد علی شامی از علمای نجف به من فرمود: جد بلاواسطه مادری من «سید ابراهیم» دمشقی که نسبش به سید مرتضی علم الهدی می رسد و سن شریفش از نود سال افزون بوده است سه دختر داشتند اما پسر نداشتند ؛ شبی دختر بزرگش، حضرت رقیه دختر امام حسین علیهما السلام را در خواب می بیند که می گوید به پدرت بگو به والی بگوید که میان قبر و لحد من آب افتاده است، تا والی قبر مرا تعمیر کند. اما سید از ترس حضرات اهل تسنن ترتیب اثر نمی دهد و دو شب دیگر به ترتیب دو دختر دیگر سید ابراهیم همین خواب را می بینند اما پدرشان به والی یا کسی دیگر یادآوری نمی کند. در شب چهارم خود سید ابراهیم، حضرت رقیه علیها السلام را درخواب می بیند که با عتاب می گوید: «چرا والی را خبر دار نکردی ؟» سید صبح آن شب نزد والی رفت و خوابش را بیان کرد. والی به علما و صلحای شام اعم از شیعه و سنی امر کرد که غسل کنند و لباس های پاکیزه در بر کنند. به دست هرکسی قفل

۱- - سرگذشت حضرت رقیه : ۵۳ ومعالی السبطین : ۲/۱۷۱ .

ص: ۱۱۹

مرقد رقیه باز شد همان کس قبر را نبش و پیکر را بیرون بیاورد تا مرقد مطهر تعمیر شود.

علما و صلحای شیعه و سنی با کمال آداب غسل کردند و لباس های پاکیزه در برکردند. قفل به دست هیچ کدام باز نشد اما به دست سید ابراهیم باز شد. سپس که به حرم مشرف شدند، هرکس که کلنگ به قبر می زد کارگر نمی شد تا آن که سید ابراهیم کلنگ را بر قبر زد. قبر کنده شد. وقتی که حرم را خلوت کردند و لحد را بازکردند دیدند که بدن آن مخدره با کفن صحیح و سالم است اما آب زیادی در داخل لحد جمع شده است.

سید ابراهیم پیکر آن طفل را از قبر بیرون آورد و سه شب و روز روی دست خود نگه داشت؛ تنها در موقع نمازش آن بدن مبارک را روی پارچه و چیزی نظیف قرار می داد و در آن سه شب و روز سید ابراهیم، ذکر خدا بر لب و اشک در چشمان داشت و سید نیاز به نان وآب و تجدید وضو در آن سه روز پیدا نکرد. در موقعی که می خواستند آن بدن پاک را دوباره دفن کنند، سید ابراهیم دعا کرد و از خدا پسر خواست، در همان سن پیری ذات لایزال هستی بخش پسری برای او مرحمت فرمود که نام او را سید مصطفی گذاشتند.

والی شام که از طرف سلطان عبدالحمید عثمانی بود، تفصیل آن ماجرا را برای او نوشت، لذا سلطان عبدالحمید عثمانی تولیت زینبیه، حرم حضرت رقیه، حرم ام کلثوم و سکینه را به سید ابراهیم واگذار

ص: ۱۲۰

کرد و بعد از سید ابراهیم، سید مصطفی، سپس پسرش سید عباس متولی این اماکن شریفه شدند.

آیت الله حاج میرزا هاشم خراسانی می گوید : شاید این قضیه در حدود سال ۱۲۸۰ ه ق واقع شده باشد.(۱)

۱۱/۳- داستانی عجیب تر

مؤید این داستان، داستان حیرت زای دیگری است که ثبت شده است. مرحوم آیت الله سید هادی خراسانی می نویسد:

روی پشت بـام خوابیـده بودیم که ناگهـان مـار، دست یکی از خویشـان مـا را گزیـد. هرچه مـداوا کردیم مؤثر واقع نشـد. آخرالامر جوانی به نام سـید عبـدالامیر نزد ما آمـد وگفت: کجای دست او را مار گزیـده است؟ چون محل مارگزیـدگی را به او نشان دادیم، بلافاصـله دستی به آن موضع گـذاشت، درد کاملاً خوب شد، آن گاه گفت: من نه دعایی دارم و نه دوایی؛ تنها کرامتی است که از اجداد ما به ما رسیده است؛ هر سمّی که از زنبور یا عقرب و یا مار باشد اگر آب دهان یا انگشت به آن بگذاریم خوب می شود .

جهت و دلیلش این است که جـدّ ما در شام موقعی که آب به قبر شـریف حضـرت رقیه علیها السـلام افتاد، بـدن حضـرت رقیه علیها السلام را سه شب و

۱- - منتخب التواریخ میرزا هاشم خراسانی انتشارات علمیه اسلامیه : ۳۸۸ .

ص: ۱۲۱

روز روی دست خود گرفت تا قبر شریف او را تعمیر کردند. و از آن جا این اثر در خود و اولادش نسلاً بعد نسل مانده است(۱) .

۱۲/۳- باز اعجاب انگیز

شیخ محمد مهدی حائری در کتاب معالی السبطین جلد دوم صفحه ۱۷۱ داستان آب افتادن به قبر و لحد حضرت رقیه علیها السلام را به طور خلاصه آورده است و ! این گونه بیان کرده اند:

[وقتی که می خواستند بدن آن طفل را از قبر بیرون کنند تا قبر را تعمیر کنند] « ... هیچ کسی از هیبت او نتوانست وارد قبر شود تا آن که از اهل البیت سیدی که می گفت فرزند مرتضی است، وارد قبر شد و بدن را در پارچه ای پیچید و بیرون آورد، و او دختر کوچکی بود که به سن بلوغ نرسیده بود «وَكَانَ مَتنُهَا مَجرُوحاً مِن كَثرَهِ الضَّربِ» «و پشت آن دختر از اثر زدن، مجروح و داغدار بود ...»(۲)

[از این بیان به دست می آید که بدن آن نازدانه کاملاً صحیح و سالم بوده است و عجیب آن که در بدن او زخم ها، جراحت ها وآبله ها آن قدر شدید و زیاد بوده که بعد از صدها سال هم به وضوح پیدا بوده است. «اللهمَّ العن أعداء آل محمّد و ظالمیهم و منکری فضائلهم»]

۱- - کرامات ومعجزات خراسانی : ۹ .

۲- - معالی السبطین : ۲/۱۷۱ .

ص: ۱۲۲

۱۳/۳- حضرت رقیه علیها السلام و کرامات اعجاب انگیز

اشاره

در طول تاریخ از فیوضات معنوی وکرامات حیرت آورِ حضرت رقیه، علیها السلام شیعیان بالخصوص و مسلمانان بالعموم و فراتر از آن حتی غیر مسلمانان بهره ها گرفته اند؛ اما متأسفانه از آن همه کرامت های تاریخی و روح افزا جز اندکی ثبت و منتشر نشده است .

در این نوشتار توجه مبلغان و زائران را به ذکر برخی از کرامات آن طفل معصوم جلب می کنم.

حجت الإسلام والمسلمین شیخ محمود شریعت زاده خراسانی در نامه تاریخی دوم جمادی الثانیه ۱۴۱۸ ه ق دو کرامت از حضرت رقیه علیها السلام را نوشته اند که با اختصار بیان می شود:

الف - نجات زن و فرزند یک مرد یهودی

مداح اهل بیت (حاج نیکویی) یکی از خدّام حرم رقیه علیها السلام که خود از برادران اهل تسنن بوده اند نقل می کند :

« در زمانی که اطراف حرم حضرت رقیه علیها السلام را توسعه می دادند و خانه ها را خریداری می کردند، مردی که یهودی یا نصرانی بود، حتی به دو برابر و نیم قیمت هم حاضر نشد خانه اش را بفروشد. صاحب خانه می گوید: بعد از مدتی که همسرم را جهت وضع حمل به بیمارستان بردم پزشک گفت: پسر و مادر هر دو در معرض خطر می باشند؛ من همسرم را در بیمارستان گذاشته خود آمدم به درِ حرم

ص: ۱۲۳

رقیه علیها السلام و به او متوسل شدم و گفتم: اگر نجات و شفای همسر و فرزندم را از خدا گرفتی خانه ام را به تو تقدیم می کنم.

پس از توسل، برگشتم به بیمارستان، دیدم همسرم فرزندش را در بغل گرفته روی تخت نشسته و هر دو سالم اند.

همسرم گفت: کجا رفتی؟ گفتم: کاری داشتم. گفت: نه، رفتی به دختر امام حسین علیهما السلام متوسّل شدی! گفتم: از کجا می دانی؟

زن گفت: من، در حال زایمان که از شدت درد گاهی بیهوش می شدم، دیدم دختر بچه ای وارد اطاق بیمارستان شد و به من گفت: ناراحت نباش، ما سلامتی تو و فرزندت را از خدا خواستیم، فرزند شما هم پسر است. به شوهرت سلام برسان و بگو اسم او را حسین بگذارد! گفتم: شما کی هستید؟ گفت: من رقیه دختر امام حسین علیهما السلام(۱) .

ب - شفا یافتن یک زن مسلمان

کرامت دوم این که از زبان حجت الاسلام حاج شیخ علی ربانی خلخالی نوشته اند: روزی در حرم حضرت رقیه علیها السلام مصیبت آن نازدانه را می خواندم که صدای غش کردن خانمی همراه با گریه شدیدِ اطرافیان به گوش رسید. بعد از مجلس آن خانم را نزد من آوردند و او به من گفت : من دارای سه فرزند هستم و به بیماری قلبی مبتلا هستم. دکترها جوابم کرده اند به طوری که ناامید شدم.

۱- - گزیده ی ستاره درخشان شام ، فصل چهارم : ۹۵ .

ص: ۱۲۴

به شوهرم گفتم: مرا به حرم حضرت رقیه علیها السلام ببر. سومین روز است که در اینجا هستم. دیشب خواب دیدم دختر بچه ای برگ سبزی را برایم داد و گفت: این را بخور خوب خواهی شد. گفتم شما کی هستید؟ گفت: من رقیه دختر امام حسین علیهما السلام هستم، از خواب بیدار شدم. به حرم آمدم که شما روضه می خواندید، همان دختر را در بیداری دیدم که همان برگ سبز را به من داد که اطرافیان همه دیدند. من تحمل نتوانستم بی اختیار بی هوش شدم و الآن حالم بحمدالله خیلی خوب است.(۱)

ج – گاهواره کوچک

کرامت سوم که در این جا قابل ذکر است داستان حاج صادق متقیان مشهدی است که در سال (۱۴۱۷ه ق) اتفاق افتاده است و خلاصه اش این است که دختر ایشان تا شش سال بعد از ازدواج از نعمت فرزند بی بهره مانده بود. وقتی که آقای متقیان می خواهد به سوریه برود، همسرش گاهواره کوچکی را به آقای متقیان می دهد که آن را به ضریح حضرت رقیه علیها السلام ببندد و توسل کند تا دخترشان بچه دار شود. آقای متقیان می گوید آن گاهواره را به ضریح رقیه علیها السلام بستم. وقتی که به ایران آمدم، همسرم دخترش را به آزمایشگاه برد معلوم شد که توسل به حضرت رقیه علیها السلام حاجت مان را داده و جواب

۱- - گزیده ی ستاره درخشان شام ، فصل چهارم : / ۹۷ .

ص: ۱۲۵

مثبت بود. [گاهواره خصوصیتی نـدارد منظور توسل است.در دین اسـلام خرافات وجود ندارد.کسانی که اسـباب بازی در حرم رقیه می برند، یا در زیارت ها پارچه و نخ می بندند، یا شـمع روشن می کنند و...؛ آنان جدّا یا جاهل اند و یا خرافاتی... و باید با جهل و خرافات مبارزه کرد.]

و نیز صدها مورد که این جزوه گنجایش آن ها را ندارد. همانند:

«شـفا یافتن حجت الاسلام حاج میرزا علی محدث زاده فرزند محدث بزرگ شیخ عباس قمی رحمه الله با توسل در تعقیب نماز ظهر و ذکر مصیبت حضرت رقیه علیها السلام در عالم خواب توسط حجت الاسلام آقا مصطفی طباطبایی قمی... (۱)»

و «مثل حاجت گرفتن و نجات یافتن زن فرانسوی با توسل به حضرت رقیه علیها السلام و نذر کردن دو قالیچه خوب و قیمتی(۲) . »

و «مثل شـفا یافتن دختر فلج مسیحی لبنانی با توسل مادرش به حضرت رقیه علیها السلام (۳)» به نقل از سید عسکر حیدری. درود بر رقیه علیها السلام .

بر لوحهٔ زرین دل آرا صلوات

بر گنبد و گلدستهٔ والا صلوات

بر گنج که در گوشهٔ ویرانه نهان شد

یعنی به رقیه علیها السلام گل طاها صلوات

۱- - گزیده ی ستاره درخشان شام ، فصل چهارم : ۷۵ .

۲- - کتاب توسلات یا راه امید داران ص ۱۶۱ .

۳- - گزیده ی ستاره ی درخشان : ۸۴

ص: ۱۲۶

زیارت نامه حضرت رقیه علیها السلام در صفحه ی ۲۷۴ کتابِ حاضر موجود می باشد.

دو نکته قابل یادآوری

۱ –شایسته است که زائران در حرم حضرت رقیه علیها السلام به امام حسین علیه السلام نیز سلام و عرض ارادت کنند زیرا طبق برخی گفته ها، سر آن حضرت در همان ناحیه (ولو) موقتا دفن شده است.

۲ –در نزدیکی مقام حضرت رقیه علیها السلام به فاصله پانصد متریِ سوق العماره، مسجد الاقصاب (= مسجد القصب) قرار دارد که در این مکان سرهای حجر بن عُدی و یارانش دفن شده اند. نام های هفت تن از شهدای «مرج عذراء» در کتیبه بالای آن اتاق موجود است. شایسته است که زائران باورمند از فیض والای زیارت آنان بهره مند شوند. (زیارت نامه شهدا در صفحه ی ۲۸۲ کتاب حاضر.)

ص: ۱۲۷

فصل چهارم - زیارتگاه های باب الصغیر

اشاره

ص: ۱۲۸

فصل چهارم – زیارتگاه های باب الصغیر

در فصـل اول دربـاره سوریه و در فصـل دوم دربـاره شخصـیت عقیله بنی هـاشم علیهم السـلام ، حضـرت زینب علیها السـلام و حرم مطهرش مطالبی به طور فشـرده بیان شد و در فصل سوم درباره حضـرت رقیه علیها السـلام و حرم نور افشان او به طور خلاصه سخن گفته شد .

در این فصل درباره حرم هایی از ذریه پیامبر و علی علیهما السلام و مراقد مقدس دیگر، در باب الصغیر دمشق خواهیم پرداخت.

قبرستان باب الصغیر

اشاره

در دوران های بسـیار دور در اطراف شـهر های مهم دیوار و حصارهایی جهت حفاظت از دشمنان می کشیدند. برای شهر دمشق به خاطر حسّاسیت آن دو دیوار درست کرده و در وسط هر دو دیوار خنـدق کنـده بودنـد و این شـهر در اطراف خود ده در ورودی و خروجی داشت که یکی از آن درهـا معروف بود به بـاب الصـغیر؛ زیرا از سـایر درهـا کوچـک تر بود و فاصـله بـاب الصـغیر با باب الفرادیس ۷۵۰ متر بود.

ص: ۱۲۹

در بـاب الصّغیر، مقبره مهم شـهر دمشق قرار دارد و در آن مقبره خوشه هـایی از خورشـید نبوت و امـامت به خـاك افتاده انـد [امام زادگان و...] که تابش نورشان از خاك تا به افلاك بلکه روان های شـیفتگان دودمان خاندان وحی را روشن و تابناك ساخته است و نیز در این قبرستان شخصیت های مهم دینی، علمی و تاریخی به خاك سپرده شده اند.

بدون تردید از همه مهم تر مدفن سرهای مقدس و مبارك شهدا و برخی از دودمان خاندان رسالت و شخصیت های مهم و قابل قدر از اصـحاب اخلاص مند رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم است که در این مقبره قرار دارند. به توفیق خداوند به طور گـذرا به معرفی آن ها پراخته خواهـد شـد. اما نخست بایـد توجه کرد که ماجرای مدفن سـرهای شـهدای کربلا چگونه است؟ برای روشن شدن مطلب شایسـته است که پیش از بیان مدفن سـرهای شهدا درباره تعداد شهدای کربلا و نحوه انتقال سرهای آنان به شهر شام مطالبی به طور فشرده ارائه شود.

الف – تعداد شهدای کربلا

یکی از مسائل مهم و قابل توجه از دیدگاه تاریخ، عدد شـهدای سـرافراز کربلاست. در این باره تاریخ نگارانِ شـیعه و سـنی نظریات گوناگونی را بیان داشـته انـد که از ۷۲ تن تا ۱۹۰ و تا ۳۱۳ تن که در کربلا به شـهادت رسـیده انـد ثبت تاریـخ شده اند. در کتاب همگام با

ص: ۱۳۰

فرشتگان که درباره زیارت های سرزمین عراق نوشته ام به این موضوع بیشتر پرداخته ام.

ب- سرهای شهدا در سفر کوفه و شام

تاریخ نگاران تعداد سرهای شهدا را که از کربلا به کوفه و از کوفه به شام منتقل کرده بودند، ۷۸ یا ۷۹ و یا ۷۲ سر ذکر کرده اند که بعداً بیان خواهیم کرد.(۱)

ج- جدا کردن سرهای شهدای کربلا

پس از حادثه جگرگداز کربلا- و به شهادت رساندن فرزند پیامبر صل الله علیه و آله و سلم (حضرت امام حسین علیه السلام و یارانش) عمر بن سعد ملعون فرمان داد که سرهای شهدا را از بدن جدا کنند. جلّادان وحشی لشکر یزید سرهای شهدا را قطع کردند، آنگاه به شکل قبایلی سرهای شهدا را به در بین اقوام تقسیم کردند.

د - تقسیم کردن سرهای مبارک شهدا علیهم السلام

عمر بن سعد با مشورت سایر سردمداران جانی سرهای مطهر شهدا را با روش خاص قبایلی به شرح زیر در بین طوایف مختلف سهمیه بندی کرد تا هر طایفه ای با بردن آنان جوایزی را دریافت کنند:

۱- - لهوف ابن طاووس ، ترجمه عقیقی بخشایشی : ۱۷۲ .

ص: ۱۳۱

۱- طایفه بنی اسد تعداد «۱۶» سر مبارک.

۲- قبیله کنده به ریاست محمد بن اشعث کندی «۱۳» سر.

۳- قبیله هوازن به ریاست شمر بن ذی الجوشن «۱۲» سر.

۴- طایفه و قوم بنی تمیم تعداد «۱۷» سر.

۵- قبیله مذحج تعداد «۷» سر مبارک.

۶- سایر سرهای مطهر شهدا را که «۱۳» سر بودند سایر مردم حمل کردند.

در روایت آمده است که مجموع سرهای شهدا جز سر مبارک سیدالشّهدا امام حسین علیه السلام تعداد «۷۸» سر بوده اند.(۱)

[با سر امام حسین ۷۹ سر رقم خورده است] البته برخی از نویسندگان ۷۲ سر نوشته اند.

ه- آیا سر «حر بن یزید ریاحی» را از بدن جدا کردند؟

از مهمترین شـهدای نامدار و سرشناسـی که سرش را از بدنش جدا نکردند [سر او را نتوانستند از بدن جدا کنند] حرّ بن یزید ریاحی بود و افزون بر آن که، بدن حر پامال اسبان نشد، پیکرش را هم نتوانستند برهنه کنند؛ زیرا در این باره طایفه حربن یزید ریاحی (بنی تمیم) وارد عمل شدند و پیکر حر را از معرکه بیرون بردند و در فاصـله نه کیلو متری غرب شـهر کربلا دفن کردند از این جا فلسـفه دستمال بستن امام

۱- - لهوف ، ترجمه ی عقیقی بخشایشی : ۱۷۲ و عمده القاری فی شرح البخاری : ۷/۶۵۶ .

ص: ۱۳۲

حسین علیه السلام به سر حر روشن می شود که تا قیامت آن مدال افتخار را با خود خواهد داشت.(۱)

در سال ۹۱۴ ه ق شاه اسماعیل صفوی بغداد را فتح کرد و در همان سال به کربلا مشرف شد او درباره مطمئن نبود دستور داد تا قبر حر را بشکافند دید پیکر حر تر و تازه است و دستمالی بر پیشانی او بسته است، شاه درباره آن دستمال پرسید به او گفتند این دستمال را امام حسین علیه السلام با دست مبارک خود بر زخم سر حر بسته است. به دستور شاه دستمال را باز کردند خون تازه از پیشانی حر جاری شد، هر چه سعی کردند با دستمال دیگری جلو خون را بگیرند ممکن نشد؛ شاه اسماعیل دستور داد تا همان دستمال را مجدّداً بستند و خون بند آمد، سپس شاه اساعیل برای مرقد، گنبد و حرم ساخت و نیز خادم و موقوفاتی برای آن تعیین کرد.

قابل یادآوری است که شاه اسماعیل اولین کسی بود که به ساختن مرقد حر اقدام کرد و سپس آن مرقد بارها بازسازی شده است.

و - وارد کردن سرهای شهدا به کوفه

درباره وارد کردن سرهای مقدس شهدای کربلا به کوفه مطالب فراوانی وجود دارد که به برخی اشاره می شود :

۱- - الکبریت الاحمر و مقتل سید عبدالرزاق موسوی مقرم، ترجمه: عقیقی بخشایشی : ۲۹۰ .

ص: ۱۳۳

۱- اولین سری را که ابن سعد در روز عاشورا به کوفه فرستاد سر مبارک فرزند پیامبر صل الله علیه و آله و سلم امام حسین علیه السلام بود که توسط خولی بن یزید و حمید بن مسلم فرستاد.(۱)

۲- چون خولی در روز عاشورا به ابن زیاد نتوانست برسد، شب یازدهم سر امام حسین علیه السلام را درمنزل خود برد و در مطبخ خود و بنا به برخی از روایات در داخل تنور مطبخ خود جا داد. در تاریخ است که هر دو زن خولی به نام های «عیوف» و «نوار» با خولی ستیزه کردند و به عزاداری پرداختند و آنان با چشم شان می دیدند که نور تا آسمان از آن سر مبارک بالا می رود و مرغان سفیدی در اطراف آن پرواز می کنند. «عیوف» زن خولی به خاطر مصیبت حسین علیه السلام تا آخر عمرش آرایش نکرد اما «نوار» زن دیگر خولی از همان شب از شوهرش جدا شد.(۲)

۳- ابن سعد سایر سرهای شهدا را در روز یازدهم محرم توسط طوایف مختلف نزد ابن زیاد فرستاد و...

۴- ابن زیاد ملعون سرهای شهدا را واپس به بیرون شهر کوفه فرستاد تا بر فراز نیزه ها کرده دوباره همراه اسرای خاندان پیامبر صل الله علیه و آله و سلم وارد شهر کوفه کنند.

۱- - منتهی الامال : ۱/۷۳۸ ، مقتل مقرم : ۲۹۰ به نقل از ارشاد

۲- - البدایه لابن کثیر : ۸/۱۹۰، مقتل مقرم . ۲۹۱ و روضه الشهداء کاشفی .

ص: ۱۳۴

۵- در موقعی که ابن زیاد ناهار زهرِ مار می کرد، سر مبارک امام حسین علیه السلام و سرهای سایر شهدا را همرای اسرای پیامبر صل الله علیه و آله و سلم وارد مجلس او کردند و سخت سوزناک بود که امام سجاد علیه السلام گاهی از آن درد و مصایب طاقت فرسای دیگر می نالید .

۶- بعد از ختم مجلس، ابن زیاد دستور داد تا سر فرزند زهرا علیهما السلام را در تمام کوچه های کوفه بگردانند و...(۱)

ز – اهل بیت علیهم السلام در کوفه

اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با سرهای مبارک شهدا در اوج جشن و سرور و پایکوبیِ طاغوتیان وارد شهر کوفه شدند، اما عقیله بنی هاشم، عمه سادات حضرت زینب علیها السلام با سخنان متین و خطابه آتشین خویش انقلاب نوینی را پایه گذاری کرد؛ همان هایی که چند لحظه جلوتر شادمانی و جشن داشتند به سکوت مرگبار فرو رفته بودند یا حتی با چشم گریان ناله سر می دادند. تنها چیزی که حضرت زینب علیها السلام را به سکوت واداشت دیدن سر پر خون امام حسین علیه السلام برفراز نیزه بود و نیز در مجلس جشن ابن زیاد، سخنان زینب علیها السلام و سخنان امام سجاد علیه السلام انقلابی را بر پا کرد و یزید و ابن زیاد و بیدادگران را رسوا گردانید. سپس ابن زیاد دستور داد تمام اسیران خاندان رسالت را

۱- – لهوف سید بن طاووس ، ترجمه ی عقیقی بخشایشی : ۱۹۵ .

ص: ۱۳۵

زندانی کنند(۱) تا بیشتر از این با خطابه های آنان دودمان بنی امیه و زاده مرجانه رسوا نشوند. آنگاه ابن زیاد نامه ای برای یزید نوشت و هدایت خواست و نامه ای هم به مدینه فرستاد تا والی مدینه را بشارت دهد. در جواب نامه ابن زیاد، یزید دستور داد که سرهای حسین علیه السلام و یارانش را با اهل بیت علیهم السلام به شام روانه کند لذا مطابق دستور و فرمان یزید، عبیدالله بن زیاد دستور داد که زحر بن قیس، ابا برده بن عوف و طارق بن ظبیان به اتفاق گروهی سرهای شهدا را به سوی شام ببرند. نتیجه این که همه سرها به شام فرستاده شدند.(۲)

ح- ورود سرهای شهدا و اسرا به شام

چون گشت سیه چادر زینب علیها السلام به ره شام

زان روست که اندر سر اسلام حجاب است(۳)

راه طولانی و غمبار شهرکوفه تا شام با هزاران رنج پیموده شد. روز اول ماه صفر کاروان اسیران به شام رسید. یزید دستور داد که سه روز اسرا را در دروازه شام نگه دارند تا شهر را تزیین کنند و زمینه جشن را فراهم سازند. تنها حدود نیم میلیون نفر مرد و زن مطرب و

۱- - مقتل مقرّم : ۳۵۵.

۲- - تاریخ طبری : ۷/۳۷۹ و ابن اثیر : ۴/۳۴ و...

۳- - از سروده های علامه شهید سید اسماعیل بلخی

ص: ۱۳۶

رقاص و رقاصه به استقبال اهل بیت علیهم السلام آمدند و مشغول نواختن و... بودند.(۱)

آنگاه سرهای مبارک شهدا را با اسیران در میان هلهله زنان و مردانِ تماشاچی و با ضربات شلاق و غلاف شمشیر از دروازه ساعات درهنگام طلوع آفتاب،در حالی که سر مبارک حضرت ابوالفضل علیه السلام جلوتر از همه و سر مقدس امام حسین علیه السلام در آخر سرها قرار داشت، وارد شهر شام و سپس وارد مجلس یزید کردند .(۲)

ط – سرهای شهدا در شام

پس از وارد کردن سرهای شهدا به مجلس یزید و مصائب جگرگداز و شرارت های وحشیانه یزید علیه اسیرانِ اهل بیت پیامبر صل الله علیه و آله و سلم و سرِ مبارک امام حسین علیه السلام، یزید ملعون فرمان داد که سرهای شهدا را به مدت سه روز بر دروازه های شهر، مسجد اموی و جاهای حساس شهر بیاویزند، تا پیروزی شان را به تصویر بکشند و به مصائب و سوز وگداز اهل بیت علیهم السلام بیافزایند.(۳)

پس از این تحولات جگرگداز این سؤال مطرح می شود که با سرهای شهدا چه کردند و در کجا دفن شان کردند؟

۱- – مقتل العوالم : ۱۴۵ ، منتهی الآمال به نقل از کامل بهایی و...

۲- – بحار : ۴۵/۱۲۸ – ۱۲۴ ، حیات الامام الحسین : ۳/۳۶۸ و...

۳- – نفس المهموم : ۲۴۷ ، مقتل مقرم عقیقی بخشایشی : ۳۷۳ .

ص: ۱۳۷

با بررسی کوتاه پاسخ این سؤال تا حدودی به دست خواهد آمد.

ی- مدفن مطهر سرهای شهدای کربلا

بر جلوه ی تابنده ی اختر صلوات

بر چشمه ی جوشنده کوثر صلوات

بر رأس حسین و سرِ عباس علی

هم بر سر خون خفته اکبر صلوات

درباره محلّ دفن سرهای مقدس شهدای کربلا از دیدگاه تاریخی نظریات مختلفی جلب توجه می کند که به طور گذرا به بیان آن خواهیم پرداخت :

۱- پس از تحولات حیرت انگیز استقرارِ اسرا در شهر شام که جوِّ سیاسی و اجتماعی به نفع اهل بیت علیهم السلام و علیه یزید به سرعت تغییر می کرد، امام زین العابدین علیه السلام در مذاکره با یزید موفق شد تا سرهای مبارک شهدا را از یزید بازستاند و به کربلا منتقل و به پیکرهای پاک آنان ملحق نماید.(۱)

۲- نظر دوم این است که امام سجاد علیه السلام ممکن است سایر سرها را به کربلا منتقل کرده باشد، اما سه سر مبارک در شام مانده بوده و در قبرستان باب الصغیر دفن شده اند که عبارتند از: سرهای مقدّس

۱- - دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه جزء دوم / ۳۲ - اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه : ۹۸ .

ص: ۱۳۸

عباس بن علی (ابوالفضل علیه السلام) علی اکبر بن حسین علیه السلام و حبیب بن مظاهر رحمه الله .

چنانچه سید محسن امین در سال ۱۳۲۱ ه ق کتیبه ای بر بالای در ورودی این مقام دیده است که این گونه بر آن نوشته بوده است :

«هذا رأس عباس و علی بن الحسین علیهما السلام و حبیب بن مظاهر رحمه الله »

بعدها که ضریحی بر روی آن گذاشته شد، نام شانزده تن از شهدا ذکر گردید.(۱)

۳- احتمال سوم و یا نظر سوم این است که تعداد شانزده سر مقدس شهدا در این محل دفن شده باشند که نام های مبارک شان بر سقف گنبد آن حرم به این ترتیب ثبت شده اند:

۱- عباس ۲- علی اکبر ۳- حبیب بن مظاهر

۴- قاسم بن الحسن ۵- عبدالله بن علی ۶- عمر بن علی

۷- حرّ ریاحی ۸- محمد بن علی ۹- عبدالله بن عون

۱۰- علی بن ابی بکر ۱۱- عثمان بن علی ۱۲- جعفر بن علی

۱۳- جعفر بن عقیل ۱۴- محمد بن مسلم ۱۵- عبدالله بن عقیل

۱۶- حسین بن عبدالله.(۲)

[درباره حربن یزید ریاحی قبلاً سخن گفته شد که سرِ حر را از بدنش جدا نکرده بودند.]

۱- - اعیان الشیعه : ۱/۶۲۷ و دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه : ۱/۳۲ .

۲- - تحقیقات میدانی و اماکن زیارتی - سیاحتی سوریه : ۹۸ .

ص: ۱۳۹

۴- احتمال دیگر این است که برخی از سرهای شهدای مهم را امام سجاد علیه السلام به کربلا منتقل کرده باشد و تعداد زیادی از سرهای مبارک سایر شهدا، در قبرستان باب الصغیر دفن شده باشند. البته تعداد آنان ثبت نشده است.

۵- احتمال پنجم و علی القاعده این است که همه سرهای مبارک شهدا در شام مخفیانه به خاک سپرده شده اند و سردمداران یزیدی نخواستند مردم، از محل و اسرار آن آگاه شوند تا آن که به مرور زمان مرقد سرهای شهدا در باب الصّغیر مطرح و یکی از زیارتگاه های مؤمنان شد.

و اما این که سر امام حسین علیه السلام در کربلا به بدن حضرت ملحق شده باشد و یا در نجف اشرف در حرم مطهر أمیرالمؤمنین علیه السلام دفن شده باشد و یا ... تحقیق آن را در کتاب همگام با فرشتگان اثر مؤلف مطالعه خواهید فرمود. «إن شاء الله» و در مقام رأس الحسین نیز به آن موضوع پرداخته شده است.

[خلاصه آن که این پنج احتمال یا نظریه از تاریخ برداشت می شود. و الله العالم بحقایق الامور]

با توجه به برداشت های تاریخی و تحقیقات میدانی روشن می شود که در قبرستان باب الصغیر مرقدهای مقدّسی وجود دارد که به ترتیب به معرفی آن ها پرداخته می شود:

ص: ۱۴۰

۱/۴– مرقد مطهّر سرهای شهدا

در بیرون قبرستان باب الصغیر در فاصله پنجاه متری دروازه اصلی آن در داخل محوطه، حرم کوچکی به نام سرهای مبارک شهدا ست. در داخل آن حجره در قرن چهارم ضریح جالبی را از نقره «جوهر صقلی» فرمانده سپاه فاطمی مصر ساخته بود و اخیراً ضریح نقره ای دیگری بر آن ساخته اند و بر سقف آن حرم، نام های شانزده تن از شهدای کربلا به چشم می خورد.(۱) [شاید همان جا، یا آن جا و چند جای دیگر مدفن همه سرهای مبارک شهدا باشد]

[در نتیجه این که آن حجره یکی از جایگاه هایی است که به یاد برخی از شهدای کربلا زیارت می شود و الله العالم] (زیارت نامه در صفحه ی ۲۸۱ کتاب حاضر.)

۲/۴– مرقد حضرت سکینه دختر امام حسین علیهما السلام

در داخل قبرستان باب الصغیر در دروازه اصلی آن، مرقد حضرت سکینه دختر امام حسین علیه السلام است که نام اصلی او آمنه است و مادرش رباب بنت امرء القیس می باشد.(۲)

۱- – تحقیقات میدانی و همان .

۲- – الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه : ۱۸۵ و بحار : ۱۵/۳۲۹ ودائره المعارف ... امین : ۲/۲۵ .

ص: ۱۴۱

سکینه با عبدالله بن الحسن یا حسن بن الحسن ازدواج کرده بود، اما همسرش پیش از زناشویی با او به شهادت رسید.(۱)

سکینه (آمنه) با اسیران به کوفه و شام آمد و با ایراد خطابه ها، بنیان ستم یزیدیان را متزلزل کرد و... .

او در سال ۱۱۷ ه ق در سن هفتاد سالگی رحلت کرد. (۲)

مرحوم سید محسن امین بر این باور است که سکینه در بقیع دفن شده است اما سایر منابع به آن اشاره نکرده اند.(۳)

حرم حضرت سکینه علیها السلام دارای گنبد و مناره بزرگی است و دو گنبد دیگر در اطراف آن وجود دارد.

از تاریخ دقیق ساخت و تأسیس حرم سکینه علیها السلام مدرکی به دست نیامد اما سنگ قبری از قرن پنجم هجری، مزیّن با آیاتی از قرآن به خط کوفی موجود است و بر اساس تابلوی موجود به درِ ورودی روشن می شود که مرقد حضرت سکینه علیها السلام در سال ۱۳۳۰ ه ق مرمت و بازسازی شده است.

در داخل حرم، دو ضریح وجود دارد که ضریح چوبی سمت راست متعلق به حضرت سکینه و ضریح سمت چپ، به حضرت ام کلثوم صغری بنت علی علیها السلام تعلق دارد و در زیر زمینی آن نیز دو

۱- - مختصر تاریخ دمشق : ۲/۳۵۹ .

۲- - وفیات الاعیان ... : ۱/۲۹۷ و اعیان الشیعه : ۷/۲۷۴ .

۳- - وفیات الاعیان ... : ۱/۲۹۷ و اعیان الشیعه : ۷/۲۷۴ ....

ص: ۱۴۲

ضریح و دو تابوت در دو اتاق کوچک منسوب به آن دو بزرگوار می باشند.(۱) زیرت نامه در صفحه ۲۸۰ کتاب حاضر.

۳/۴- مرقدِ اُم کلثوم صغری دختر امام علی علیه السلام

قبلاً یادآوری شد که حضرت أمیرالمؤمنین علیه السلام چهار دختر با لقب ام کلثوم داشت .

۱- زینب کبری (امّ کلثوم) علیها السلام از حضرت زهرا.

۲- رقیه (ام کلثوم کبری) از فاطمه زهرا علیها السلام

۳- نفیسه (ام کلثوم صغری) همسر عبدالله اکبر بن عقیل

۴- زینب صغری (ام کلثوم) همسر محمد بن عقیل ،(۲).

این حرم و مرقد متعلق به نفیسه (ام کلثوم صغری) همسر عبدالله اکبر بن عقیل است که در حادثه جانسوز کربلا حضور داشت و پشتوانه قوی خواهرش زینب علیها السلام بود. و در هنگام اسارت در کوفه و شام با خطبه های آتشین بنیان ستم را متزلزل نمود.(۳) (زیارت نامه در صفحه ی ۲۷۹ کتاب حاضر.)

۱- - همان : ۹۳ و تحقیقات میدانی : ۱/۲۹۷ .

۲- - نسب قریش :۴۴.

۳- - اسد الغابه : ۵/۴۶۹ و بحار : ۱۵/۱۱۲ .

ص: ۱۴۳

۴/۴- مرقد عبدالله بن امام سجاد علیهما السلام

اشاره

در بیرون قبرستان پس از درِ اصلی ، کنار دیوار شرقی باب الصغیر مرقد مطهر عبدالله بن الحسین علیه السلام (معروف به علی بن عبدالله باهر) قرار دارد. این حرم نیز در سال (۱۳۳۰ ه ق) بازسازی شده است.

پیش از بیان مدفن فاطمه صغری نگاهی به زندگانی او بجا خواهدبود.

الف - زندگانی فاطمه صغری دختر امام حسین علیهما السلام

حضرت فاطمه صغری دختر امام حسین علیهما السلام از «ام اسحاق بنت طلحه بن عبیدالله بن تیمی» بوده است .(۱)

فاطمه صغری در سال سی ام هجری متولّد شد و در حادثه کربلا سی ساله بود.(۲) برخی از تاریخ نویسان او را فرزند ارشد امام حسین علیه السلام دانسته اند .(۳)

ب - جایگاه فاطمه صغری علیها السلام از نظر دینی و علمی

فاطمه صغری دختر امام حسین علیهما السلام بدون تردید یکی از زنان برجسته زمانش بود؛ او از نظر علمای علم رجال نیز دارای مقام ویژه ای است؛ زیرا آن حضرت از امام حسین و امام سجاد علیهما السلام روایات فراوانی

۱- - همان : ۴۵ /۳۳۱ ، دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه ج ۱ / ۲۵ و نسب قریش : ۵۹ .

۲- - تهذیب التهذیب : ۱۲/۴۴۲ و الکامل فی التاریخ : ۴/۳۵

۳- - اماکن زیارتی سیاحتی سوریه : ۹۵ .

ص: ۱۴۴

نقل کرده است و نیز واسطه روایاتی از اسماء بنت عمیس، ابن عباس و عمه اش زینب علیها السلام بود.

ام جعفر، زهیر بن معاویه و ابوالمقدام و... از او احادیثی را روایت کرده اند؛ حدیث نگاران اهل سنت همانند ابن ماجه، ترمذی، ابوداود، نسائی، ابن حجر و... از آن بی بی روایات و احادیث فراوانی را نقل کرده اند.(۱)

فاطمه صغری علیها السلام مهمترین دستیار حضرت زینب علیها السلام در کاروان اسیران کربلا بود، افزون بر رسیدگی به احوال اسیران، تاریخ های معتبر، سخنان و خطبه های کوبنده ای ازآن بانو ثبت کرده اند.(۲) او در شهر کوفه، در مجلس ابن زیاد و مجلس یزید بن معاویه خطبه های کوبنده و آتشین ایراد فرمود.(۳)

خلاصه آن که حضرت فاطمه صغری علیها السلام از نظر تقوا، معنویت، عبادت، دانش، اخلاق، شهامت و رشادت، دارای جایگاه والاـ و ارزنده ای بود. پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام در هنگامی که حسن مثنی برای خواستگاری یکی از دخترانش در محضر عمویش آمده بود، فاطمه صغری را چنین توصیف فرمود: « من فاطمه را برای تو انتخاب می کنم که در ظاهر به مادرم فاطمه علیها السلام ، دخترِ

۱- - اماکن زیارتی سیاحتی سوریه : ۹۵ .

۲- - الاحتجاج – طبرسی : ۲/۳۰۲ ، البحار : ۱۵/۳۳۱ .

۳- - بحار: ۱۵/۳۳۱ ، مقتل الحسین بن علی : ۶۹ ، احتجاج طبرسی ۲/۳۰۲ .

ص: ۱۴۵

رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم شباهت فراوان دارد در عبادت، شب ها را به نماز و روزها را به روزه سپری می کند و در شکل و شمایل مشابه حورالعین است.(۱) »

ج – فاطمه صغری علیها السلام در مدینه

پس از حادثه جانسوز عاشورا، فاطمه صغری در مدینه منوره اقامت گزید و در خانه حضرت زهرا علیها السلام زندگی می کرد و به محراب تاریخی آن حضرت به عبادت و راز و نیاز می پرداخت. وقتی که عمر بن عبدالعزیز به فرمان ولید بن عبدالملک خانه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وخانه ی حضرت زهرا علیها السلام را به نام توسعه مسجدالنّبی تخریب کرد؛ او در خارج مسجد، خانه ای ساخت و چاهی حفر کرد که برکت فراوانی داشت. مردم مدینه این چاه را چاه زمزم می گفتند و از آن تبرک می جستند.(۲)

[در کتاب زمزم نور تألیف این جانب نقشه ی تخریب خانه های پیامبر صل الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام از سوی ولید مستدلّ بیان شده است. خوانندگان را به مطالعه آن کتاب تشویق می کنم]

۱- - مقتل مقرم : ۴۰۵، به نقل از اسعاف الراغبین : ۲۰۲ .

۲- - وفاء الوفا باخبار دار المصطفی : ۳/۹۰۹ .

ص: ۱۴۶

۵/۴- حرم منسوب به فاطمه صغری علیها السلام

اشاره

در داخـل قبرسـتان باب الصـغیر پشت حرم سـکینه و ام کلثوم گنبـد سبزی است که در داخل حجره ی آن قبری با تابوت چوبی قرار دارد که معروف شده است به قبر فاطمه صـغری بنت الحسـین علیه السـلام اما در حجره ی زیر زمینی کتیبه ای است بر سنگ قبر که آیه الکرسـی با خط کوفی بر آن نوشـته شـده و در پایین آن این جمله جلب توجه می کنـد: «هـذا قبر فاطمه بنت أحمـد بن الحسـین الشهید»

و تاریخ (۴۳۹ هجری) بر آن کتیبه نقش بسته است. (۱)

این کتیبه بر خلاـف آن چیزی است که فعلاًـ مشـهور شـده است البته امـام حسـین علیه السـلامفرزندی به نام احمـد نـداشت و به نام محمد در تاریخ آمده است، ممکن است که در نوشتن مسامحه شده باشد و یا آن که احمد یکی از نوادگان امام حسین علیه السلام باشد که واسطه ها ساقط شده باشد و آن مرقد از یکی از نوادگان آن حضرت باشد.(۲)

مدفن فاطمه صغری علیها السلام در کجاست ؟

از منابع مهم تاریخی به دست می آید که فاطمه صـغری علیها السـلام در مدینه منوره در سال سـی ام هجری قدم به عالم گذاشت و در سال

۱- - تحقیقات میدانی و کتاب اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه : / ۹۶

۲- - تحقیقات میدانی و کتاب اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه : / ۹۶

ص: ۱۴۷

۱۱۰هجری یا در سال ۱۱۷ هجری در مدینه منوره در خانه خود در سن ۸۰ سالگی یا ۸۷ سالگی وفات یافت و در بقیع دفن شد. برخی نوشته اند که فاطمه صغری و حضرت سکینه دختران امام حسین علیهم السلام در یک سال (۱۱۷ ه) در مدینه به رحمت حق پیوستند و هر دو در بقیع دفن شدند.(۱)

[درباره خواندن نماز میّت برای سکینه علیها السلام داستان شگفت انگیزی وجود دارد.]

گفتنی است که شوهر فاطمه صغری، حسن مثنّی علیهما السلام در سن ۳۵ سالگی وفات کرد و در بقیع دفن شد و فاطمه صغری یک سال بالای قبر او سوگواری کرد .(۲)

نکته دیگر این که از فاطمه صغری همسر حسن مثنی پنج فرزند (۳ پسر و ۲ دختر) به دنیا آمدند.(۳)

۶/۴- مرقد عبدالله بن امام صادق علیهما السلام

مرقد حضرت عبدالله بن امام جعفر صادق علیهما السلام در قبرستان باب الصّغیر بالاتر از مقام فاطمه صغری در سمت چپ آن در داخل حجره

۱- - همان ومنتهی الامال : ۱/۸۵۴ .

۲- - همان ومنتهی الامال : ۱ / ۴۵۴ و ۴۵۵ ،

۳- - همان ومنتهی الامال : ۱ /۴۶۸ .

ص: ۱۴۸

کوچکی با گنبد سبز رنگ قرار دارد. بر روی قبر تابوتی از چوب در محفظه ای فلزی دیده می شود.(۱)

۷/۴- قبر منسوب به عبدالله ابن جعفر طیار علیهما السلام

اشاره

در کنار قبر بلال حبشی قبری منسوب به عبدالله بن جعفر، همسر حضرت زینب علیهما السلامقرار دارد که بدون تردید صحت ندارد و منابع تاریخی آن را تأیید نمی کند.

عبـدالله بن جعفر بن ابی طـالب علیهم السـلام اولین نوزادی بود که در حبشه از اسـماء بنت عمیس به دنیـا آمـد و پـدرش جعفر طیار بزرگِ مهاجرین در حبشه بود.

عبدالله بن جعفر شوهر حضرت زینب علیهم السلام ، شخصیت عابد، خوش اخلاق، بخشنده، شجاع و فداکار بود؛ او خدمات شایانی در محضر امیرالمؤمنین علیه السلام و حسنین علیهما السلام انجام داد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم او را از لحاظ شکل ظاهری و اخلاق پسندیده شبیه خود معرفی فرموده است .(۲)

۱- - تحقیقات میدانی.

۲- - تاریخ طبری ۲۲۰ ، اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه : ۱۰۱ .

ص: ۱۴۹

مدفن عبدالله بن جعفر طیار علیهما السلام در کجاست؟

از نظر تاریخ نگاران اسلامی مدفن مطهر حضرت عبدالله بن جعفر در مدینه منوره در بقیع است. او در سال ۸۰ هجری (سال جحاف، سالی که در مکه سیل آمد و حجاج را غرق کرد) در سن ۹۰ سالگی در مکه رحلت کرد و پیکرش را به مدینه منتقل و در بقیع در کنار مدفن عقیل بن ابی طالب علیهما السلام دفن کردند که فعلاً یکی از زیارتگاه های معروف بقیع است .(۱)

۸ و۹و۱۰/۴– مرقدهای حمیده، اسماء و میمونه علیهما السلام

۸ و۹و۱۰/۴– مرقدهای :

۱– حمیده دختر مسلم بن عقیل علیهما السلام.

۲– اسماء بنت عمیس علیها السلام .

۳– میمونه دختر امام حسن علیهما السلام.

در قبرستان باب الصغیر، در سمت چپ قبر عبدالله بن امام صادق علیهما السلام و نزدیک حرم سکینه و ام کلثوم، مدفن این سه بانوی باعظمت قرار دارد. در بالای این حجره گنبد سبز رنگ و در داخل آن تابوت چوبی بزرگی است که سه قبر را در برگرفته است.

قبر اول: از «حمیده دختر مسلم بن عقیل متوفای سال ۷۰ هجری» قبردوم: از «اسماء بنت عمیس متوفای سال ۶۵ ه ق» است. او مادر عبدالله بن جعفر طیار علیهما السلام و مادر محمد بن ابی بکر و نیز مادر یحیی و

۱– – اسد الغابه فی معرفه الصحابه : ۳ /۱۳۵ ، تاریخ و اثار اسلامی مکه ومدینه : ۳۲۶ .

ص: ۱۵۰

عون از امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد. و قبرسوم: متعلق به «میمونه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام» است.(۱) زیارت نامه در صفحه ۲۹۲ کتاب حاضر.

۱۱/۴ - مرقد فضه، خادمه حضرت زهرا علیها السلام

اشاره

در قبرستان باب الصغیر بالاتر از مرقد عبدالله بن امام صادق علیه السلام به طرف سمت چپ در انتهای دیوار غربی قبرستان، مرقد «فضه نوبیه» کنیز شایسته ی حضرت زهرا علیها السلام قرار دارد. او دختر یکی از شاهان حبشه و یا دختر یکی از شاهان هند است.(۲) مرقد او که در حجره ی کوچک، زیر گنبد سبزی واقع شده است یکی از زیارتگاه های مؤمنان است.

ویژگی های فضه، کنیز حضرت زهرا علیها السلام

فضه خادمه دارای ویژگی هایی است که به برخی اشاره می شود:

۱- مفسران وتاریخ نگاران می گویند که فضه مشمول آیه ی ایثار سوره هل أتی است. «یُوفُونَ بِالنَّذرِ ...»

۲- امیرالمؤمنین علیه السلام درباره فضه دعا کرده است. «اللَّهُمَّ بَارِك لَنا فِي فِضَّتِنا» « خدایا فضه را برای ما خجسته قرار بده »(۳)

۱- - اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه : ۱۰۵ .

۲- - الاصابه : ۴ / ۳۸۷ .

۳- - اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه ، ۱۰۴ .

ص: ۱۵۱

۳- از افتخارات بزرگ او کنیزی و خدمت گزاری برای حضرت زهرا علیها السلام و فرزندانش بوده است.

۴- او در عبادت، زهد و تقوی، علم و دانش از زنان شایسته ی زمانش بود .

۵- او محرم اسرار خانـدان رسالت بود تا آن جایی که علی علیه السـلام می فرماید: «فاطمه از من پیمان گرفت که هیچ کس را بر مرگ او آگاه نکنم جز ام سلمه، ام ایمن و فضه را و از مردها ...(۱) »

۶- یکی ازافتخارات اوکه شاهددینمداری ودانش اوست این است که بیش از بیست سال سـخنی جزکلمات قرآنی ازاوشـنیده نشـد !!!.

۷- او در سـفر کربلاـ تـا کوفه و شـام در خـدمت اهل بیت پیامبر صل الله علیه و آله و سـلم بود، و احتمال می رود که در سـفر دوم حضـرت زینب علیهـا السـلام نیز همراه آن بی بی به شـام سـفر کرده باشـد. به هر حال او در شام رحلت کرد و در آن جای معروف قبرستان باب الصغیر دفن شد.(۲) (زیارت نامه در صفحه ی ۲۹۱ کتاب حاضر.)

۱- - اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه ، ۱۰۴ ....

۲- - اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه ، ۱۰۴ ....

ص: ۱۵۲

۱۲و۱۳/۴- مرقدهای امّ سلمه و امّ حبیبه همسران پیامبر صل الله علیه و آله و سلم

در کنار دیوار شرقی قبرستان، دو مرقد در داخل حجره ای قرار دارد که به نام های ام سلمه و ام حبیبه همسران پیامبر صل الله علیه و آله و سلم مشهور شده اند در حالی که نه نفر همسران آن حضرت در داخل بقیع نزدیک مراقد عقیل بن ابی طالب و عبدالله دفن شده اند.(۱) این مطلب در کتب معتبر فریقین موجود است.و بایست توجه داشت که در هیچ تاریخی از مسافرت و زندگی ام سلمه و ام حبیبه در شام سخنی گفته نشده است. (زیارت نامه همسران رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم در صفحه ی ۲۸۴ کتاب حاضر.)

۱۴/۴- مقبره باب الصغیر ومدفن برخی از دودمان رسالت

از دیدگاه تاریخ تعداد دیگری از خاندان رسالت و دودمان امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در مقبره باب الصغیر دفن شده اند که حرم و بارگاه ندارند همانند عبدالله بن امام باقر علیه السلام، ابوالحسن بن علی، خدیجه دختر امام سجاد علیه السلام و...

۱- عبدالله بن امام محمد باقر علیه السلام که با امام صادق علیه السلام از یک مادر بودند به نام ام فروه بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر، عبدالله توسط مردی از بنی امیه با زهر شهید شد و در قبرستان باب الصغیر دفن گردید.(۲)

۱- - آثار اسلامی مکه و مدینه : ۳۴۳.

۲- - منتهی الامال : ۲ / ۲۲۸ وزیارات الشام

ص: ۱۵۳

۲- ام الحسن دختر حمزه بن جعفر الصادق علیه السلام

۳- حسن بن عبدالله بن ... عمر بن علی علیه السلام

۴- خدیجه دختر علی بن الحسین علیه السلام که با علی بن علی بن الحسین از یک ام ولد بودند و او همسر محمد بن عمربن علی بن ابی طالب علیه السلام بود و در شام از دنیا رفت و در باب الصغیر دفن گردید.

۵- ابوالحسن بن علی بن... از نوادگان امام زین العابدین علیه السلام

۶- محسن بن جعفر بن امام علی النقی الهادی علیه السلام

ابوالرضا محسن ابن جعفر بن امام الهادی علیه السلام مردی شجاع بود و در زمان خلافت مقتدر بالله در سال ۳۰۰ در دمشق قیام کرد، او را کشتند و سرش را به بغداد فرستادند و بدنش را در باب الصغیر دفن کردند.(۱)

۷- عبدالله بن محمد بن اطرف بن أمیرالمؤمنین علیه السلام

این عبدالله از طرف مادر یکی از نوادگان امام سجاد علیه السلام است و مادر او خدیجه بود که هر دو در باب الصغیر دفن شده اند.(۲)

۱- - منتهی الامال : ۲/۶۹۰ .

۲- - منتهی الامال : ۱/۳۶۱ .

ص: ۱۵۴

۱۵/۴– زیارت مرقدهای مؤمنان

زائران گرامی که به قصد زیارت مشرف می شوند، تنها اهل ایمان را زیارت می کنند؛ زیرا زیارت هر مؤمنی اجر و پاداش دارد. اما زیـارت امام زاده های متـدین، دانشـمند، خـدمت گزار و احیاناً زجر دیـده و شـهید در راه خـدا پاداش فراوان و ویژه ای دارد و نیز زیارت اصـحاب متدین و اخلاصـمند پیامبراکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم و سـزامند است که مؤمنان قربهً إلی الله، رجاءً و به امید ثواب آنان را زیارت کننـد و برای آن ها دعا بنماینـد. (با خوانـدن سـلام نامه ، قرآن ، حمد و سوره آنان را شاد و خود نیز بهره مند شود.) (زیارت نامه اهل قبور در صفحه ۲۹۳ کتاب حاضر.)

۱۶/۴– مدفن سر مبارک محمد بن ابی بکر

محمـد بن ابی بکر که جوان وارسـته و از خواص امیرالمؤمنین علیه السـلام و به منزله فرزند او بود، در سن ۲۸ سالگی به عنوان والی مصـر از طرف امیرالمؤمنین علیه السـلام تعیین شده بود. معاویه بن ابی سـفیان، عمربن العاص و معاویه بن خدیج را به مصـر فرسـتاد. آنان با محمد بن ابی بکر جنگیدند و او را دسـتگیر و با لب تشـنه شـهید کردند و سـرش را از بدن جدا نمودند و بدنش را به شـکم حمـاری گذاشـته و آتش زدنـد. امـا درباره مـدفن سـر مبارک او دو نظریه وجود دارد: یک روایت آن که سـر محمـد را به شام نزد معاویه فرستادند و سپس در

ص: ۱۵۵

مقبره باب الصغیر دفن گردید و روایت دیگر مدفن سر محمد را در مصر گفته است.(۱)

۱۷/۴- قبرِ منسوب به بلالِ مؤذن

در قبرستان باب الصغیر، بالاتر از قبر سکینه و ام کلثوم در بقعه عبدالله بن جعفر قبری است که به نام مرقد بلال مؤذن مشهور شده است. بلال که از شخصیت های مهم صدر اسلام و مؤذن پیامبر بود، در راه اسلام شکنجه های فراوانی را تحمل کرد اما از دین اسلام و از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم برنگشت و بعد از شهادت پیامبر صل الله علیه و آله و سلم اذان نگفت. او با لشکر اسلام در زمان خلیفه اول، برای فتح شام رفت .(۲) بعد ها بلال در یکی از روستاهای اطراف دمشق به نام « داریا » اقامت گزید و در همان سرزمین رحلت کرد ... .

در تاریخ رحلت بلال و در محل دفن او اختلاف است. عده ای ارتحال بلال را در سال بیستم هجری و تعدادی در سال هفدهم هجری در سن ۶۳ سالگی دانسته اند.(۳)

و نیز در محل دفن بلال اختلاف است. عده ای باب الصغیر همان مکان مشهور را دانسته اند. اما یک عده مثل ابن کثیر قبر او را در همان

۱- - مراقد اهل بیت در قاهره : ۱۰۵

۲- - الفتوح : ۱/۹۶ .

۳- - زیارات الشام : ۴۴

ص: ۱۵۶

روستای «داریا» معرّفی کرده اند. و این قبر باب الصغیر را از «بلال بن ابی درداء» دانسته اند که مرد زاهد و پارسایی بوده است.(۱)

۱۸/۴- سایر قبرهای معروف

در این مقبره بنـا به یـک روایت قبر معاویه بن ابی سـفیان و قبر معاویه دوم، قبر بهلول و قبور برخی از اصـحاب و مـدفن دانشـمندان، محدّثین و ... وجود دارد که این مختصر را گنجایش ذکر آن ها نیست.

۱- - غوطه دمشق : ۱۱۴ .

ص: ۱۵۷

فصل پنجم :مسجد جامع اُموی

اشاره

ص: ۱۵۸

فصل پنجم :مسجد جامع اُموی

تاکنون درباره مهمترین زیارتگاه های سوریه مطالبی ارائه شد اینک در فصل پنجم درباره مسجد جامع اموی که از مهمترین و بزرگترین مساجد جهان اسلام است، سخن خواهیم گفت إن شاء الله .

۱/۵- جایگاه محل مسجد اموی در ادیان پیش از اسلام

تاریخ نگاران پیشینه مسجد جامع اموی را به بیش از چهار هزار سال به عنوان معبد انسان های هر دوره خاطر نشان کرده اند چنانچه نوشته اند : در هنگام بنای مسجد، کتیبه ای مربوط به هزاران سال پیش به زبان های مختلف از دیوار قبله و مناره شرقی پیدا شد که برآن پندها و اندرزهای اخلاقی نوشته شده بود.(۱) نقطه تاریخی مکان مسجد در آیینه تاریخ به این شرح جلب توجه می کند:

۱- - تاریخ مدینه ی دمشق : ۲/۸ .

ص: ۱۵۹

۱- اولین انسان هایی که این مکان را به عنوان معبد انتخاب کردند، آتش پرستان بودند که به نام «قبیله ی حَدَد» آرامی شناخته شده اند.

۲- پس از سلطه مصری ها به این سرزمین آن را معبد خدایان شان «رامون» و «آمون» قرار دادند .

۳- در دوره تسلط یونانیان به سرزمین شامات آن بنا، نیز به عنوان معبد مورد بهره برداری قرار گرفت.

۴- پس از آن رومیان به این سرزمین مسلّط شدند. این معبد را بازسازی و توسعه دادند و محل عبادت خدای شان «ژوپیتر» قرار دادند.

۵- وقتی که مسیحیت در سرزمین شامات گسترش پیدا کرد، مسیحیان یک قسمتی از معبد «ژوپیتر» را کنیسه ساختند که به نام «قدیس یوحنا» یا «ماری یوحنا» خوانده می شد، و این کنیسه تا زمان فتح شامات به دست مسلمانان از رونق گسترده ای برخوردار بود.

۲/۵- مسجد جامع اموی در تاریخ اسلام

در سال هفدهم هجری که مسلمانان موفق به فتح دمشق شدند با مصالحه ای که صورت گرفت نیمی از آن کلیسا را مسجد ساختند که به عنوان یک پایگاه مهم عبادت و نماز و نیز امور اجتماعی از آن

ص: ۱۶۰

استفاده می کردند، اما مزاحمت مسیحیان که نیمی دیگر را به عنوان کلیسا در اختیار داشتند ادامه داشت.

مساحت اولیه آن را پانزده هزار متر مربع نوشته اند، در طول ۱۵۰ متر و عرض ۱۰۰ متر(۱) .

یزید بن ابی سفیان اولین حاکم شام و سپس معاویه ابن ابی سفیان و عبدالملک ابن مروان می خواستند که نیمه دیگر کلیسا را به دست آورند و به مسجد تبدیل کنند اما مسیحیان نپذیرفتند تا آن که ولید بن عبدالملک با پرداخت اموال فراوان برای مسیحیان و نیز با تهدید جدّی و یا واگذاری چند کلیسا در داخل شهر، توانست نیمه باقی مانده کلیسا را به دست آورد و به مسجد بیافزاید.(۲)

۳/۵- مهمترین بنای مسجد در زمان ولید

اشاره

مسجد اموی از شاهکارهای معماری اسلامی و رومی است که توسط ولید بن عبدالملک ساخته شده است. در سال ۸۶ ه ق ولید بن عبدالملک برای ساختن آن مسجد اقدام کرد و برای تبدیل کلیسا به مسجد و ساختن آن، مالیات هفت سالِ کشور را خرج آن کرد. نوشته اند وقتی اسناد مخارج آن را به هجده شتر بار کردند (تنها اسناد

۱- - الجامع الاموی ، تحقیق مطیع الحافظ : ۱۳ .

۲- - الرحله « تحفه النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار» : ۶۳ و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه : ۶۱ ، الجامع الاموی نعیمی : ۹۹ .

ص: ۱۶۱

مخارج، بارِ هجده شتر شده بود !!!) و برای تصویب نزد خلیفه آوردند بدون بررسی همه را امضا کرد و گفت : این چیزی است که در راه خدا دادیم و در مقابل آن حسابی نمی خواهیم(۱) .

نکته های قابل توجه

در ساختن مسجد جامع اموی نکته های مهمّی وجود دارد که به برخی اشاره می شود :

۱- ولید طرح اولیه ساخت مسجد را به روم فرستاد و هزار نفر مهندس و معمار رومی را برای ساخت مسجد دعوت کرد(۲) .

۲- پولی را که ولید برای ساخت مسجد تهیه کرد در صد صندوق، در هر صندوق۰۰۰/۲۲۸ دینار قرار داد که مجموع آن به بیش از ۰۰۰/۸۰۰/۲۲ دینار بالغ می شد.(۳)

۳- در ساخت مسجد دوازده هزار سنگ رخام و مرمر به کار بردند که هزینه هر قطعه ۱۴۴ قنطار دمشقی بود.(۴)

۱- - تاریخ السیاسی الاسلام : ۱/۲۷۶ و اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه : ۶۲ .

۲- - الرحله ... : ۶۳ .

۳- - الجامع الاموی ابن العمری : ۵۲ .

۴- - تاریخ مدینه دمشق : ۲/۸ .

ص: ۱۶۲

۴- بر فراز شبستان مسجد گنبدی به نام «نسر» یا «عقاب» ساخت و ستون هایی در زیر آن قرار داد که با طلا، جواهر و پوشش های حریر مزیّن کرده بودند.(۱)

۵- محراب مسجد را با قندیل های طلا و نقره و معرق های زیبا و زنجیرهای طلا آراست .(۲)

۶- مردم می گفتند: ولید پول بیت المال را در ساخت مسجد اسراف کرده است .

۷- ساخت مسجد در دوران ولید هفت سال طول کشید با آن هم نیمه تمام ماند و بقیه را برادرش سلیمان به پایان رسانید.(۳)

۴/۵- فهرست گونه ای از توسعه و بازسازی مسجد

مسجد جامع اموی پس از بنای اولیه در سیر تاریخی خود، از توسعه، اصلاحات، تعمیرات و باز سازی هایی به این شرح برخوردار بوده است:

۱- سال ۱۶۰ ه ق، ساخت گنبد شرقی در صحن صخره قربان .

۲- ۱۷۲ ه ق، ساخت گنبد غربی به نام قبه المال .

۳- ۳۹۶ ه ق، ساخت گنبد نوفره مقابل باب جیرون(باب ساعات)

۱- - اماکن زیارتی و سیاحتی : ۶۲ .

۲- - اماکن زیارتی و سیاحتی : ۶۲ .

۳- - اماکن زیارتی و سیاحتی : ۶۲ .

ص: ۱۶۳

۴- ۴۷۵ ه ق، تعمیر گنبد و طاق ها در ایام پادشاه سلجوقی تتش بن آلب ارسلان .

۵- ۵۰۳ ه ق، تعمیر رواق شمالی .

۶- ۵۵۵ ه ق، تجدید مناره عروس .

۷- ۵۶۵ ه ق، اصلاحات و تجدید داخل مسجد .

۸- ۶۰۲ ه ق، سنگفرش مرمر کف مسجد .

۹- ۶۰۷ ه ق، تعمیر درهای مسجد .

۱۰- ۶۰۷ ه ق ، فواره مسجد.

۱۱- ۶۱۳ ه ق، ترمیم قبه نسر (عقاب).

۱۲- ۶۱۴ ه ق، اتمام شبستان های داخلی .

۱۳- ۶۱۷ ه ق، ساخت محرابی برای حنبلی ها در رواق سوم (غربی)

۱۴- ۶۶۸ ه ق، تعمیر و سنگ مرمر ستون ها و دیوارها.

۱۵- ۷۲۷ ه ق، تزیین دیوار شمالی مسجد با سنگ مرمر.

۱۶- ۷۲۹ ه ق، تزیین دیوار قبله مسجد با سنگ مرمر.(۱)

۵/۵- آتش سوزی های مسجد

مسجداموی درسیر تاریخی خویش چندین بار دچار آتش سوزی گردیده و سپس بازسازی شده است که شرح آن از این قرار است:

۱- - اماکن زیارتی وسیاحتی : ۷۸ به نقل از الجامع الاموی ، نعیمی ۱۲۸- ۱۲۲

ص: ۱۶۴

الف - نخستین آتش سوزی

در نیمه شعبان سال ۴۶۱ ه ق در اثر درگیری سپاهیان «بدر الجمالی» امیر سپاه مصر که خانه ای را در کنار مسجد آتش زدند؛ آتش به مسجد سرایت کرد و تا صحن، شبستان، محراب و قبه ی مسجد رسید.(۱)

ب - آتش سوزی دوم

در سال ۷۴۰ ه ق در اثر آتش سوزی بازار مجاور (طرائفیین) بخشی از دیوار مسجد و مناره شرقی آن را آتش فرا گرفت .(۲)

ج - آتش سوزی سوم

در شعبان ۸۰۳ ه ق مسجد دچار آتش سوزی مختصری شد که علت آن روشن نیست.(۳)

د - آتش سوزی چهارم

در سال ۸۸۴ ه ق به علت ناپیدایی مسجد دچار حریق گردید.(۴)

۱- - اماکن زیارتی وسیاحتی : ۱۱۹ ، البدایه و النهایه ابن کثیر : ۱۲/۹۷ .

۲- - الدراس فی تاریخ المدارس : ۲/۳۰۲ .

۳- - دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی ، اکرم العلبی : ۲۸۸ .

۴- . دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی ، اکرم العلبی : ۲۸۸ .

ص: ۱۶۵

ه – آتش سوزی پنجم

در چهارم ربیع الثانی سال ۱۳۱۱ ه ق در حین تعمیر سقف صحن غربی، جرقه ای، سقف مسجد و شبستان غربی آن را به کلی به آتش کشید. این بار آتش سوزی خیلی گسترده بود. مقام رأس یحیی علیه السلام و مقام رأس الحسین علیه السلام نیز دچار حریق شد و مصحف عثمان که به خط کوفی بود در آتش سوخت و... .

سپس سلطان عبد الحمید عثمانی برای بازسازی مسجد اقدام کرد که در سال های ۱۳۱۶ ، ۱۳۱۷ و ۱۳۲۰ ه ق مسجد را کاملاً بازسازی نمود و به جای منبر و محراب که سوخته بود محراب جدیدی ساخت. [مثل آن که مسجد از نو ساخته شد چون از بنای قدیم جز دیوار ها و برخی از کتیبه ها چیزی باقی نمانده بود(۱)] .

۶/۵- قبّه ها (گنبدها) ی مسجد اموی

اشاره

مسجد اموی دارای چهار قبه و گنبد مهم به این شرح می باشد :

۱- قبه المال

که در سال ۱۷۲ ه ق توسط عموی منصور عباسی امیر دمشق (فضل بن صالح) در غرب صحن مسجد برفراز هشت استوانه مرمر

۱- - دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی ، اکرم العلبی : ۲۸۸ و ...

ص: ۱۶۶

ساخته شد؛ چون اموال مسجد در آن جا نگهداری می شد به قبه المال معروف گردید.(۱)

۲- قبّه الفواره یا صخره قربان

این قبه در سال ۳۶۹ ه ق، در وسط صحن بر فراز شش ستون مرمر ساخته شده است، در زلزله ۱۱۷۳ ه ق تخریب شد و در سال ۱۱۸۲ ه ق عثمان پاشا آن را بازسازی کرد. نوشته اند که حضرت هابیل گوسفند قربانی خود را به این صخره قرار داد و قبول شد و به آتش سوخت. لذا این مکان به صخره ی قربان معروف شده است و قربانی قابیل که گندم بود پذیرفته نشد از آن رو به برادرش حسد برد و او را درکوه قاسیون به قتل رسانید.(۲)

۳- قبّه الساعات

در شرق صحن مسجد وکنار باب الساعات این قبه در قرن پنجم هجری در محل ساعت آبی مسجد ساخته شد.(۳)

۴- قبّه النسر یا عقاب

قبه النّسر یا گنبد عقاب از چهار قبه و گنبد تشکیل شده است که به شکل یک عقاب در آمده است که در میان آسمان در حال پرواز است. از این رو به نام قبه النسر یا عقاب نامگذاری شده است .(۴)

۱- - دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی ، اکرم العلبی : ۲۸۸ .

۲- - مروج الذهب ، حاشیه ج ۲/۱۱۲ ، دمشق الاسرار : ۱۲ .

۳- - الجامع الاموی مطیع الحافظ : ۱۸ .

۴- - اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه : ۶۶ .

ص: ۱۶۷

قبه های کوچکی دیگری نیز در این مسجد وجود دارد همانند قبه های روی مأذنه ها و...

۷/۵- منار های مسجد جامع اموی

اشاره

مسجد جامع اموی دارای سه مناره بزرگ به این شرح است :

۱- مناره البیضاء = مناره سفید

که در قسـمت شرقی قرار دارد و این مناره به نام (مناره عیسی) نیز معروف است. برخی بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان بر این مناره فرود خواهـد آمد. با توجه به کتیبه یونانی که به تاریخ ۲۲۴ قبل از میلاد بر روی مأذنه بوده است، روشن می شود که این مناره مربوط به کلیسا و بنای قبلی آن بوده است.(۱)

۲- مناره و مأذنهُ العروس

این مناره در شـمال مسـجد واقع شده است و در زمان قدیم در هنگام عروسی این مناره را با آویزان کردن دستمال و پارچه و نصب کردن چراغ تزیین می کردند و آن را باعث خیر و برکت می دانستند.(۲)

۱- - همان و الجامع الاموی نعیمی : ۲۸ .

۲- - اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه : ۶۷ .

ص: ۱۶۸

۳- مأذنة الغربی

منـاره سوّم همـان مـأذنه غربی است که به مـأذنه «آق بـای» معروف شـده است؛ نوشـته انـد که امـام محمـد غزالی در کنار این مأذنه تدریس می کرد.(۱)

۸/۵- درهای مسجد اموی

اشاره

در زمان معاویه، مسجد جامع چهار در به نام های «۱- باب المِسکِیه -۲- باب العماره -۳- باب النوفره -۴- باب الخلفا» داشت. دلیل نام گذاری آن ها از این قرار است:

۱- « بابُ المِسـکِیّه»: گفته اند: زیرا که سر مبارک امام حسین علیه السلام را به این دروازه گذاشته بودند و در آن زمان بوی مِشک از آن سر مبارک به مشام می رسید لذا این عنوان به زبان افتاد.

۲- «باب العماره»: محل ورودی اسـرای کربلا و حضـرت زینب علیها السلام از این در بوده است. گویند آن حضرت، از این دروازه تا مصلا و محراب مسجد شش بار از فرط خستگی و شدت مصیبت بر زمین نشست.

۳- «باب النوفره»: گفته شده است که سرهای شهدا را از این در وارد مسجد کرده بودند.

۱- - ماذن دمشق : صص : ۵۷ ، ۶۵ .

ص: ۱۶۹

۴- «باب الخلفا»: که خلفای اموی از این در، وارد مسجد می شدند.

درهای فعلی مسجد جامع

درهای کنونی مسجد عبارتند از :

۱- «باب الزیاده»: که «باب العنبرانیین» و «باب القوافین» نیز گفته شده است، این درب از سمت قبله به داخل شبستان باز می شود.

۲- «باب الناطفین»: که به «باب الفرادیس» و «باب العماره» نیز معروف است، که در شمال مسجد قرار دارد.

۳- «باب الساعات» که در مقابل قبّه الساعات و در شرق مسجد واقع شده است.

۴- «باب الحمیدیه»: که در مقابل بازار حمیدیه در غربِ مسجد قرار دارد.(۱)

۹/۵- شبستان مسجد جامع اموی

این شبستان مثل صحن و سایر بخش های مسجد، با معماری اعجاب انگیز و بسیار عالی ساخته شده است. شبستان مذکور دارای سه در و چهار محراب می باشد. این شبستان چهل ستون دارد، بیست

۱- - برگرفته از اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه : ۶۷ -۶۶ .

ص: ۱۷۰

ستون در سمت شرق و بیست ستون در سمت غرب که بر روی آن چهل ستون، چهل ستون کوچک و به صورت هلالی شکل، سقف مسجد که شاید بلند ترین سقف مساجد جهان باشد را نگه داشته اند. چهار ستون اصلی و بزرگ به ابعاد ۳ × ۲ در وسط پایه های گنبد بزرگ مسجد، یعنی «قبه النسر» را تشکیل می دهند. ارتفاع داخلی مسجد بیش از سی متر گفته شده است.(۱)

۱۰/۵- محراب های چهارگانه شبستان مسجد

پس از فتح دمشق به دست مسلمانان که مسجد جامع اموی را بنا کردند، محرابی برای آن مسجد ساختند که در نزدیک منبر قرار دارد و به نام محراب الصحابه خوانده می شد و مالکی ها در همان محراب تا قرن هشتم نماز می خواندند. لذا به نام محراب مالکی شهرت یافت، بعدها در سمت راست آن محراب، دو محراب دیگر برای حنفی ها و حنبلی ها به وجود آوردند و در سمت چپ محراب اصلی، محرابی را برای شافعی ها ساختند. در عصر ممالیک در هر چهار محراب نماز می خواندند و مؤذن، خطیب، امام جماعت و فقیه جداگانه داشتند.(۲)

۱- - برگرفته از اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه : ۶۷ -۶۶ .

۲- - دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی : ۱۶۶ و الرحله ، ابن بطوطه : ۶۴ .

ص: ۱۷۱

البته این روش پسندیده نبوده است و منشأ نفاق و اختلاف است؛ چنان چه قبلاً در مسجدالحرام نیز چهار مقام و چهار جماعت بود که جلو آن گرفته شد و امروزه مسلمانان جماعت واحد دارند.

۱۱/۵- منبر مسجد جامع

در صدر اسلام و پس از فتح شام که مسجد را بنا کردند در سمت راست محراب، منبری از چوب ساختند که در آتش سوزی سال ۴۶۱ ه ق از بین رفت؛ سپس منبر دیگری درست کردند و در آتش سوزی ۱۳۱۱ هجری سوخت. و بعدها دولت عثمانی منبری را بسیار زیبا از سنگ مرمر با معماری اسلامی ساخت که تاکنون موجود است.(۱)

۱۲/۵- مشاهد چهارگانه خلفا

در زوایای چهارگانه مسجد، چهار مشهد به نام سه خلیفه و أمیرالمؤمنین علی علیه السلام موجود است:

۱- مشهد ابی بکر؛ در شرق دیوار قبله است.

۲- مشهد امام علی علیه السلام؛ در جایگاه کنونی مقام رأس الحسین علیه السلام در شمال شرقی مسجد قرار دارد و در داخل آن مکانی به نام «السجن» بوده است. گفته اند امام زین العابدین علیه السلام هنگامی که بر ضد یزید سخنانی ارائه کرد، در آن جا زندانی شد.

۱- - برگرفته از حریق الجامع الاموی : صص : ۱۳ و ۵۹ ، دمشق بین عصر ممالیک و عثمانی: ۲۸۸ ، و اماکن زیارتی وسیاحتی دمشق : ۷۲ .

ص: ۱۷۲

۳- مشهد عمر؛ در غرب دیوار قبله مسجد بوده است ... .

۴- مشهد عثمان؛ در شمال مسجد قرار داشته است.(۱)

[بدون تردید این مشاهد چهارگانه از ابداع های حاکمان دمشق بوده است و اساس دیگری ندارد.]

۱۳/۵- مصحف عثمانی

در گوشه شرقی محراب اصلی مسجد مخزنی است که در داخل آن صندوق بزرگی وجود دارد و در این صندوق یکی از قرآن های عثمان (خلیفه سوم) نگهداری می شود و در روزهای جمعه به عنوان تبرّک خواستنِ مردم از آن قرآن، این مخزن را باز می کنند؛ البته تاریخ نشان می دهد که در آتش سوزی ۱۳۱۱ ه ق متأسفانه آن قرآن سوخت، شاید قرآن فعلی جایگزین آن قرآن باشد.

۱۴/۵- مسجد اموی و مقام های پیامبران علیهم السلام

اشاره

در مسجد جامع اموی مقام هایی به نام برخی از پیامبران الهی وجود دارد که به طور فشرده بیان می شود:

۱- - اماکن زیارتی وسیاحتی دمشق : ۷۶- ۷۵ .

ص: ۱۷۳

۱– مرقد و مقام حضرت هود علیه السلام

تعداد زیادی از تاریخ نگاران دمشق گفته اند که قبر هود پیامبر علیه السلام در دیوار جنوبی مسجد اموی قرار دارد. و برخی گفته اند: ! سنگ قبری در این جا بوده است که بر آن نوشته شده بود: «من، هود بن جلود بن عاد ... هستم که به رسالت نزد قوم خود آمدم و مدت عمرم را نزد آنان بودم، مرا تکذیب کردند و خداوند ایشان را به باد شدید عذاب کرد.»(۱)

این مکان در سمت چپ «مقام رأس یحیی» در دیوار قبله قرار دارد وبر سنگ دیوار قبله نوشته شده است:«هذا مقام هود النَّبی علیه السلام»؛ در زمان ولید که مسجد را می ساختند از این مکان کتیبه ای به دست آمد، وقتی آن را ترجمه کردند معلوم شد که اندرزهایی از حضرت هود علیه السلام بوده است.(۲) (زیارت نامه پیامبران در صفحه ۲۸۳ کتاب حاضر)

توجه به دو نکته

در قبرستان وادی السلام مرقد و گنبدی به نام حضرت هود علیه السلام موجود است و در یمن نیز قبری منسوب به حضرت هود علیه السلام وجود

۱- - اماکن زیارتی وسیاحتی دمشق : ۶۸ ومراقد اهل بیت در شام : ۲۴ .

۲- - الجامع الاموی ابن عمری : ۴۷ .

ص: ۱۷۴

دارد.(۱) بنابراین مسلّم است که جز یک جا، سایر جاها مقام آن حضرت خواهد بود.

۲- مقام حضرت خضر علیه السلام

گفته شده است که حضرت خضر علیه السلام همواره در مسجد جامع اموی عبادت می کرده است.(۲)

مقام آن حضرت نزدیک محراب اصلی مسجد قرار دارد و بر دایره سبز روی دیوار قبله نوشته است: «هذا مقام خضر النبی علیه السلام»؛ قابل توجه آن که حضرت خضر علیه السلام تا ظهور حضرت مهدی (أرواحنا له الفداء) زنده است و گفتنی است که مقام خضر علیه السلام در بسیاری از اماکن متبرکه موجود است.(۳)

۳- مکان نزول حضرت عیسی علیه السلام

مُسلِم، از اوس بن اوس و او از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که حضرت عیسی علیه السلام کنار مناره شرقی مسجد اموی فرود خواهدآمد و در کنار آن مناره، قطعه سنگی است که حضرت

۱- - الرحله ۶۵

۲- - زیارات الشام : ۱۴ و ۱۵ .

۳- - اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه : ۶۹ .

ص: ۱۷۵

موسی علیه السلام در «کوه طور» با عصای خود بر او زد و از او دوازده چشمه جاری شد .(۱)

۴- محل غسل تعمید مسیحیان

در کنار در ورودی شرقی شبستان، به فاصله بیست متری، آثار و نشانه های چاهی است که مسیحیان فرزندان شان را در آن غسل تعمید می داده اند. و آنجا را مقدس می دانسته اند. فعلاً آن چاه و استوانه های آن که از سنگ مرمر ساخته شده است، موجود است اما چاه آن پوشیده شده است. گفته شده است که سر مبارک حضرت یحیی علیه السلام را در این چاه شستشو و غسل داده اند.(۲)

۵- مقام و مرقد حضرت یحیی علیه السلام

اشاره

خداوند دعای حضرت زکریا علیه السلام که از خداوند فرزند خواست را مستجاب کرد و برای پدر و مادر پیر، فرزندی عنایت کرد و او را در کودکی به مقام نبوّت رسانید. او به پیامبری حضرت عیسی علیه السلام شهادت داد. او در ورع، تقوی و عبادت سرآمد بود و با بیان حقایق جامعه را رهبری می کرد، سرانجام به دستور «سردوس» پادشاه

۱- - اماکن زیارتی وسیاحتی سوریه : ۶۹ .

۲- - تحقیقات میدانی .

ص: ۱۷۶

بنی اسرائیل به شهادت رسید. (زیرا به پادشاه اجازه نداد که با ربیبه اش (دخترِ زنش) که از شوهر قبلی او بود، ازدواج کند)

پس از شهادت حضرت یحیی علیه السلام خداوند انسان خون خواری را بر قوم بنی اسرائیل مسلط کرد تا هفتاد هزار نفر آن ها را در بیت المقدس به هلاکت رسانید.(۱)

داستان شگفت آور

هنگامی که ولید اقدام کرد که مسجد اموی را توسعه داده و بازسازی کند «زید بن واقد» را به عنوان سرپرست و کارفرما تعیین کرد.

زید بن واقد می گوید: در هنگام کار، شکافی را در مسجد یافتم. به ولید گزارش دادم. او آمد و بررسی کرد. در داخل شکاف صندوقی بود وقتی صندوق را باز کردیم، سر بریده ای را در داخل سبد یافتیم و بر روی سر نوشته بود «هذا رأس یحیی بن زکریا علیه السلام»؛ ولید دستور داد تا سر را به جای آن گذاشته، ستون هایی بر آن قرار دادیم .(۲)

«ولید بن مسلم» می گوید: آن سر را از زوایای دیوار قبله مسجد در آوردیم که پوست و مو داشت و هیچ گونه تغییری نیافته بود.

۱- - ریاض السیاحه : ۲/۴۷۸

۲- - زیارات الشام : ۱۶ و ۱۷ ، تاریخ مدینه دمشق : ۲/۱۰.

ص: ۱۷۷

تاریخ نگاران می گویند: سر حضرت یحیی علیه السلام در ابتدا از دمشق به بعلبک، سپس به حمص و بعد از آن در قلعه حلب منتقل شد. در زمان سلطه مغول بر قلعه حلب، سر حضرت یحیی علیه السلام به مسجد جامع دمشق انتقال داده شد.(۱)

۶- مرقد مبارک سر حضرت یحیی علیه السلام

بر عاشق وارسته یکتا صلوات

بر بنده دلداده مولا صلوات

بر جمع پیمبران و آیات خدا

هم بر خون جوشیده یحیا صلوات

در نیمه شرقی شبستان مسجد، مقام و مدفن سر حضرت یحیی بن زکریا علیهما السلام قرار دارد که به صورت مربع و بسیار عالی، با ۲۲ ستون سنگ سفید و دارای قبه کوچک سبز رنگ ساخته اند و در داخل مقام، سنگ قبر بزرگی است که با پارچه سبز پوشانیده شده است.(۲)

۱۵/۵- مقام رأس الحسین علیه السلام

اشاره

آن گونه که قبلاً بیان شد یزید بن معاویه نسبت به سر مبارک امام حسین علیه السلام بسیار اسائه ادب کرد و بعد از آن، سه روز آن سر مطهر را

۱- - الجامع الاموی ، نعیمی : ۹۷ .

۲- - تحقیقات میدانی واماکن زیارتی وسیاحتی سوریه : ۷۰

ص: ۱۷۸

به باب القصر آویزان کرد، سپس آن سر پاک را در اتاقی در شمال شرقی مسجد قرار داد. گویا آن سر مطهر را زندانی یا مخفی کرد؛ بعدها برخی از مؤمنان به خاطر احترام امام حسین علیه السلام بقعه ای را در همین مکان ساختند که به نام مقام رأس الحسین علیه السلام مشهور شد.(۱)

مرقد مطهر رأس الحسین علیه السلام

با توجه به بیان مقام رأس الحسین، مناسب به نظر می رسد که درباره مدفن سرمبارک امام حسین علیه السلام نیز مطالبی بیان شود.

تاریخ نگاران اسلامی درباره محل دفن سر مطهّر فرزند پیامبر صل الله علیه و آله و سلم، حضرت امام حسین علیه السلامنظریات گوناگونی دارند که تمام آن نظریات در «کتاب همگام با فرشتگان» (= زیارت های عراق) «کتاب دیگر نگارنده» مستند و مستدل ذکر شده است. در کتاب حاضر به سه نظریه اشاره می شود:

۱- سر امام حسین علیه السلامرا امام سجاد علیه السلامبه کربلا برد و به بدن مبارک فرزند پیامبر صل الله علیه و آله و سلم ملحق ساخت؛ بنابراین مدفن سر امام حسین علیه السلام در مرقد شش گوشه آن حضرت است.(۲)

۲- نظر دوم این است که سر امام حسین علیه السلام در نجف اشرف داخل حرم امیرالمؤمنین علیه السلام در قسمت بالای سر آن حضرت

۱- - الرحله : ۶۵ ، نهایه الارب فی فنون الادب ترجمه دامغانی ج ۷ ، صص ۲۰۵ - ۲۰۳ .

۲- - لهوف سید بن طاووس ترجمه عقیقی : ۲۳۲ ، المناقب الائمه علیهم السلام : ۲/۲۰۰ .

ص: ۱۷۹

دفن شده است. از این رو زیارت امام حسین علیه السلام در آن جا سفارش شده است.(۱)

۳- تعـدادی از تاریـخ نگاران اهل سـنت، از آن میان، مقریزی، ابن ایاس، ابن جوزی و.... می نویسـند: سـر مبارک امام حسـین علیه السـلام که در خزانه یزید قرار داشت را در مقبره باب الفرادیس (نزدیک حرم حضرت رقیه علیها السلام) دفن کردند. بعدها خلفای فاطمی آن سـر را به عسـقلان مصـر، سپس به قاهره منتقل و در قصر زمرد دفن کردند و فعلاً به عنوان مقام رأس الحسین علیه السلام در داخل مسجدی دارای ضریحی مجلل، مشهور است و یکی از زیارتگاه های معروف قاهره است.

اهل سنت شافعی مصر همه ساله از اول تا ۱۵ ماه مبارک شعبان در همین مکان جشن ولادت آن حضرت را بسیار باشکوه و گسترده برگزار می کنند.(۲)

[علی رغم نظریات یاد شده احتمال قوی این است که سر آن حضرت در شام دفن شده باشد و محل دقیق آن هم روشن نیست.]

نتیجه

در نتیجه این که در کنار حرم حضـرت رقیه علیها السـلام نیز رجاءً از زیارت سـر امام حسین علیه السلام نباید غفلت کرد که زیارت مقام رأس

۱- - البحار : ج ۴۵/۱۷۸ وج ۱۰۰ / صص : ۲۹۳- ۲۵۷ سفینه البحار : ج ۱ / ۴۹۲ .

۲- - مراقد اهل البیت بالقاهره : صص ۴۵- ۲۷ .

ص: ۱۸۰

الحسین علیه السلام و بیان این مطلب مهم، به آگاهی زائران خواهد افزود تا هر چه با معرفت و باورمندانه از زیارت بهره مند شوند. (زیارت نامه سر امام حسین علیه السلام در صفحه ی ۲۷۶ کتاب حاضر.)

۱۶/۵- محل استقرار اسیران خاندان پیامبر صل الله علیه و آله و سلم

در شبستان مسجد اموی مقابل محراب اصلی و منبر جایگاهی از سنگ با نرده هایی از چوب ساخته شده است که به صورت مربع مستطیل در ابعاد ۱۲×۶ متر و ارتفاع چهل سانتی متر می باشد؛ نوشته اند که در همین محل اسرای اهل بیت رسالت علیهم السلام را جا داده بودند، بنابراین یکی از جاهایی که امام زین العابدین علیه السلام و اسرای أهل بیت پیامبر علیهم السلام عبادت کرده و نماز خوانده اند همین مکان است.(۱)

۱۷/۵- مقام و محراب امام سجاد علیه السلام

در زمان اسارت اهل بیت علیهم السلام ، امام زین العابدین علیه السلام در شمال شرقی مسجد جامع در یک جایگاه خاصی به تهجّد، راز و نیاز و عبادت می پرداخت.

ابن عساکر نوشته است که امام سجاد علیه السلام در این مکان هر شب و روز هزار رکعت نماز می خواند.(۲)

۱- - تحقیقات میدانی واماکن زیارتی وسیاحتی سوریه : ۷۷ .

۲- - نهایه الارب فی فنون الادب ، ترجمه دامغانی : ۷/ص : ۲۱۳- ۲۰۸ .

ص: ۱۸۱

قابل توجه است که در محل عبادت امام سجاد علیه السلام محراب سنگی زیبایی ساخته اند که دارای محفظه ای شیشه ای می باشد. محراب امام سجاد علیه السلام در کنار مقام رأس الحسین علیه السلام قرار دارد.(۱)

۱- - تحقیقات میدانی.

ص: ۱۸۲

فصل ششم – زیارتگاه های کوه قاسیون و...

اشاره

ص: ۱۸۳

فصل ششم - زیارتگاه های کوه قاسیون و...

در این فصل از آثار دینی مهم و زیارتگاه های کوه قاسیون و منطقه صالحیه مطالبی را بیان خواهیم داشت. (إن شاء الله)

کوه قاسیون

یکی از مهم ترین جاهای دمشق کوه قاسیون است که از غرب به سلسله کوه های لبنان و از ناحیه شرق و شمال به سلسله کوه های قلمون و حِمص متّصل است، و در شمال دمشق موقعیّت دارد و به خاطر سکونت «خاندان بنی قدّامه» در دامنه این کوه از قرن ششم هجری به نام صالحیّه مشهور شد.

این کوه نزد مردم دمشق از قِداسَت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا محل زندگی پیامبران علیهم السلام و حتّی مدفن برخی از آنان بوده است و نیز روایاتی در برتری این کوه بیان شده است.

ص: ۱۸۴

از جمله این که از ابو قتاده نقل شده است : «که منظور از تین در قرآن (و التّینِ وَ الزَّیتونِ) همین کوه است.» (۱)

ویژگی های کوه قاسیون (صالحیّه)

اشاره

تاریخ نگاران ویژگی های فراوانی را برای کوه قاسیون بیان کرده اند که برخی از این قرار است:

۱/۶- قاسیون و سکونت حضرت آدم علیه السلام

حضرت آدم علیه السلام در مناطق مختلفی در روی زمین زندگی و سکونت داشته اند که از جمله دامنه کوه قاسیون نیز محل سکونت ایشان بوده است.(۲)

۲/۶- محل سکونت مادر حضرت مریم علیها السلام

گفته اند که «ام حنه» مادر حضرت مریم علیها السلام در پایین همین کوه سکونت داشته اند. [و شاید ولادت حضرت مریم علیها السلام در دامنه همین کوه واقع شده باشد.](۳)

۱- - زیارات الشام:۹۶

۲- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه : ۱۴۳.

۳- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه : ۱۴۳.

ص: ۱۸۵

۳/۶- پناهگاه حضرت عیسی و مادرش علیهما السلام

در سمت غربی کوه قاسیون، پناهگاه حضرت عیسی علیه السلام و مادرش حضرت مریم علیها السلام از ترس یهود، بوده است.

! در این باره از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: «در دمشق کوهی است که به آن قاسیون گویند. در آن کوه، فرزندِ آدم برادرش (هابیل علیه السلام) را به قتل رسانید، و خداوند عیسی علیه السلام و مادرش مریم علیها السلام را از خطر یهود پناه داده است؛ پس اگر به آن مکان رفتید از دعا در آن مکان غفلت نکنید.»(۱)

۴/۶- محلّ کشته شدن حضرت هابیل علیه السلام (مغاره الدم)

در هنگامی که حضرت هابیل علیه السلام و قابیل، قربانی های شان را در محل مسجد جامع اموی ارائه دادند قربانی هابیل علیه السلام پذیرفته شد ولی قربانی قابیل پذیرفته نگردید و نیز روی علل و عوامل دیگری قابیل تصمیم گرفت برادرش را به قتل برساند.

تا آن که بر فراز کوه قاسیون در محله «الاربعین» و در کنار «مغاره الجوع»، قابیل سنگی را برداشت و بر سر هابیل علیه السلام کوبید و او را (در شب چهارشنبه) به قتل رسانید. وقتی که حضرت آدم علیه السلام از کشته شدن فرزندش هابیل با خبر شد، در سوک او چهل شب گریست. مکانی که خون هابیل علیه السلام در آن ریخت به نام مغاره الدم معروف

۱- - زیارات الشام، ابن حورانی: ۱۱۸.

ص: ۱۸۶

شـد. گفته شـده است که دعا در آن جا مسـتجاب است. [این اولین خونی بود که از فرزنـدان آدم به ناحق بر زمین ریخت آن هم به دست برادرش. !!!] (۱)

نوشته اند که حضـرت یحیی با مادرش علیهما السلام چهل روز در این غار «مغاره الدم» اعتکاف کرده اند و معروف است که مردم برای دعا و طلب باران به این مغاره رفته دعا می نمودند و دعای شان مستجاب می شد. (۲)

۵/۶- قبر حضرت هابیل علیه السلام

در ۴۵ کیلومـتری غرب دمشـق در مسـیر خیابـان المِزه بـه بیروت در نزدیـک روسـتای «زُبـدانی» در دامنـه ی کـوه قاسـیون، مقـبره و بارگـاهی مجلّـل بـا صـحن و ایوان هـای قـدیمی به نـام مرقـد حضـرت هابیل علیه السـلام وجود داردکه نشانِ از معماری های دوره عثمانی می باشد. در سمت راست جاده، تابلویی با عنوان «نبی هابیل علیه السلام» جلب توجه می کند.

امـا در منابع تاریخی جای دقیق مرقـد حضـرت هابیل علیه السـلام معرفی نشـده است، تنها گفته شـده است که محل دفن هابیل کوه «قاسیون» است.

۱- - زیارات الشام، ابن حورانی:۱۱۸و... .

۲- - زیارات الشام، ابن حورانی: ۱۱۸

ص: ۱۸۷

گفتنی است که بر فراز مرقد هابیل، گنبد بزرگ و بر روی مرقدش سنگ قبر حیرت انگیزی به طول هفت متر و عرض یک متر قرار دارد که با پارچه آن را پوشانیده اند.

نخستین کسی که این مقبره را ساخت، اسکندر مقدونی بود و در طول زمان، بر روی آن بازسازی هایی صورت گرفته است اما گنبد آن در دوره حکومت عثمانی ساخته شد.(۱) (زیارت نامه در صفحه ی ۲۸۵ کتاب حاضر)

۶/۶- جامع القدم

در پایین کوه قاسیون در فاصله چهار کیلومتری شرق دمشق در قریه «نیرب» در نزدیکی ربوه مسجد بزرگی را به نام «جامع القدم» ساخته اند. علت نام گذاری آن اثر پاهایی است که بر روی سنگی پیداست و گفته شده که جای قدم های مبارک حضرت موسی علیه السلام است. (۲)

و روایت کرده اند که در این مکان حضرت خضر علیه السلام نماز خوانده است. گفتنی است که این مسجد در سال ۱۰۴۴ هجری به وسیله سلطان سلیمان عثمانی و احمد پاشا بازسازی شده است.

۱- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه : ۱۵۷.

۲- ۸ - الرحله: ۷۰.

ص: ۱۸۸

۷/۶– مقبره منسوب به حضرت موسی علیه السلام

در مسجد جامع القدم، یک چهار دیواری است که بنا به روایتی مرقد مطهّر حضرت موسی علیه السلام در آن قرار دارد و ! بر روی آن دیوار نوشته اند که «بعضی از صلحا، پیامبر اسلام علیه السلام را در خواب دیده که فرموده است: این جا قبر برادرم موسی علیه السلام است.»

مقبره مذکور به وسیله شیخ صالح البَرَکه ساخته شده است و همواره اهالی محل، آن جا را زیارت کرده از آن تبرّک می گیرند.(۱)

بنای موجود از دوره حکومت عثمانی است. بنا به برخی از روایات این قبر متعلق به «ام حنه» مادر مریم علیها السلام است. والله العالم

۸/۶– محل ولادت حضرت ابراهیم علیه السلام

در دامنه شرقی کوه قاسیون، قریه «اَلبَرزَه» قرار دارد، در آن قریه «مسجد جامع ابراهیم علیه السلام» را ساخته اند، برخی بر این باورند که حضرت ابراهیم علیه السلام در این محله به دنیا آمده و تا سیزده سالگی در آن مکان تحت مراقبت جدّی مادرش می زیسته است. اما روایات دیگر، شهر «اُور»، در فلسطین کنونی را محل ولادت حضرت ابراهیم علیه السلام دانسته اند.(۲)

۱- - الدراس فی تاریخ المدارس:۲/۳۳۹ و زیارات الشام: صص:۹۶و ۸۲.

۲- - برگرفته از مروج الذهب : ۲/۱۱۳ و اماکن زیارتی و کتب دیگر.

ص: ۱۸۹

! از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم این گونه روایت شده است: «در دمشق کوهی است که در پایین آن حضرت ابراهیم علیه السلام متولد شده است.»(۱)

۹/۶- ویژگی های «مسجد جامع ابراهیم علیه السلام»

این مسجد در مکانی ساخته شده است که از ویژگی های جالبی برخوردار بوده است:

۱- در همین محل حضرت ابراهیم علیه السلام ستاره زهره را دید و برای زنده کردن فطرت توحیدی مبارزه خویش را آغاز کرد، چنان چه در قرآن عظیم الشأن آمده است؛ «فَلَمّا جَنَّ عَلَیهِ اللَّیلُ رَأی کَوکَباً، قالَ هَذا رَبِّی فَلَمّا أفَلَ قالَ: إنِّی لا اُحِبُّ ألآفِلینَ...»(۲)

۲- در این نقطه حضرت لوط پیامبر علیه السلام و تعدادی از پیامبران دیگر نزول اجلال فرموده اند؛ و گفته شده است که آن جا محل اقامت یا اعتکاف عدّه ای از شیوخ و بزرگان نیز بوده است.

۳- چنان چه گفته شد برخی، ولادت حضرت ابراهیم علیه السلام را در این محل دانسته اند.

۱- - زیارات الشام : ۹۶.

۲- - الانعام : ۷۶.

ص: ۱۹۰

۴- در خارج مسجد، جایگاهی است که می گویند پناهگاه حضرت ابراهیم علیه السلام از دست نمرود بوده است.

۵- روایات فراوانی را در فضیلت این جایگاه نقل کرده اند. (۱)

۶- در روایت آمده است که خواندن چهار رکعت نماز در این مکان سبب آمرزش گناهان می شود.(۲)

۱۰/۶- مغاره الجوع (جوعیه) و مغاره الدم

در سرزمین شامات در زمانی که پیامبران، صالحان و خدا جویان از ناحیه ی حاکمان ستمگر، تحت تعقیب قرار داشتند و مواجه با خطر بودند، چهل نفر از پیامبران یا اولیاء خداوند در این مغاره پناه برده بودند، و از فرط گرسنگی جان دادند.(۳) از این رو آن غار «مغاره الجوع» و «مغاره الاربعین» نامیده شده است، و چون در کنار آن غار، خون هابیل علیه السلام به زمین ریخته شد؛ آن جا را به نام مغاره الدّم گفته اند. در این مکان قبّه و مسجد کوچکی به رنگ سبز ساخته شده است که «مغاره الدّم» و «مغاره الجوع» را در بر می گیرد ؛آن غار را در بعضی از

۱- – برگرفته از مروج الذهب: ۲/۱۱۳ و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه: ۱۵۹.

۲- – زیارات الشام ، ابن حورانی:۱۱۵.

۳- – ریاض السیاحه:۲/۴۲۱ و الرحله:۷۲.

ص: ۱۹۱

روزها جهت زیارت باز می کنند. یادآوری می شود که این مسجد را احمد پاشای عثمانی در سال ۱۰۱۸ ه ق ساخته است.(۱)

۱۱/۶- جایگاه عبادت و نماز پیامبران

از منابع تاریخی و روایات به دست می آید که در کوه قاسیون پیامبران بزرگ الهی به عبادت و اقامه نماز پرداخته اند.

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که: «بر این کوه حضرت ابراهیم، لوط، موسی، عیسی و ایوب نبی علیهم السلام نماز گزارده اند؛ لذا از دعا در کنار آن نباید غافل شد.»(۲)

۱۲/۶- ربوه و محل سکونت حضرت عیسی و مادرش علیهما السلام در ربوه

قریه «رَبوَه» در انتهای غربی دامنه کوه قاسیون واقع شده است. در این محل، مسجدی است و بر بالای آن کتیبه ای به خط کوفی وجود دارد و در کنار این مسجد غار کوچکی است که آن جا را مردم، محل ولادت حضرت عیسی علیه السلام می دانند.(۳)

۱- – شمار القاصد فی ذکر المساجد: ۱۹۲.

۲- – فی رحاب دمشق : ۹.

۳- – المعجم البلدان، یاقوت حموی: ۳/۲۶.

بنا به یک نظریه همین محله «ربوه» محل سکونت حضرت عیسی علیه السلام و مادرش بوده است.(۱)

در قرآن کریم کلمه ربوه دو بار آمده است که یک بار آن درباره ی حضرت عیسی علیه السلام است: «وَ جَعَلْنَا ابنَ مَریمَ و َاُمَّهُ آیهً و آوَیناهُما إلَی رَبوَهٍ ذَاتِ قَرَارٍ و َمَعینٍ »(۲)

و ما فرزند مریم (عیسی) و مادرش علیهما السلام را آیت و نشانه ای قرار دادیم؛ و آنان را در «ربوه» = سرزمین مرتفعی، که از امنیت و آب جاری بهره مند است، جای دادیم.

اگر مراد از ربوه، ربوه اسمی باشد یعنی اسم آن محل؛ با این آیه ی شریفه، محل سکونت حضرت عیسی و مادرش علیهما السلام بدون تردید مشخص می شود. عدّه ای که این قریه را محلّ سکونت آنان دانسته اند، ربوه اسمی را در نظر داشته اند، نه ربوه ی وصفی و مفهومی را. اما بیشتر مفسرین از ربوه، مفهوم آن را دانسته اند. «ربوه» یعنی سرزمین مرتفع و بلند. بنابراین درباره مصداق آن «ربوه» که کدام نقطه ی جهان بوده است، نظریات گوناگونی مطرح شده است که برخی از این قرار اند:

۱- – المعجم البلدان، یاقوت حموی: ۳/۲۶.

۲- – المؤمنون :۵۰.

ص: ۱۹۳

۱- برخی گفته اند: «ربوه» ای که در قرآن آمده است، همان شهر «ناصره» یکی از شهرهای شامات است که حضرت عیسی علیه السلام در آن جا به دنیا آمده و در همان جا زندگی کرده است.

۲- عده ای دیگر می گویند: مصداق آیه، سرزمین«مصر» است؛ زیرا حضرت عیسی و مادرش علیهما السلام مدتی از عمرشان را به «مصر» پناه برده بودند.

۳- بعضی می گویند: منظور سرزمین دمشق است که در این صورت همان محله «ربوه» که قبلاً مطرح شد، خواهد بود.

۴- تعدادی بر این باورند که منظور آیه ی شریفه سرزمین «رمله» (یکی از شهرهای شمال شرقی بیت المقدس) است؛ چون حضرت مسیح و مادرش علیهما السلام مدتی در آن جا سکونت داشته اند.

۵- برخی می گویند: شاید منظورِ آیه ی شریفه، محل ولادت حضرت عیسی علیه السلام باشد که در وادی بیت المقدس صورت گرفت و از نعمتِ امنیت که خدا عنایت فرموده بود، بهره مند بود.(۱)

۱۳/۶-کوه قاسیون و غار منسوب به اصحاب کهف

اشاره

یکی از مهم ترین داستان هایی که در هیچ یک از کتاب های آسمانی جز در قرآن کریم (حتی در انجیل) نیامده است، داستان

۱- - تفسیر نمونه: ۱۴/۲۷۴، ذیل آیه ی شریفه.

ص: ۱۹۴

آموزنده، تاریخی و حیرت انگیز اصحاب کهف است. در این نوشتار به تناسب مکانی لازم دیده شد درباره آن به طور فشرده سخن گفته شود.

در کوه قاسیون در غرب «مغاره الدّم» و «مغاره الجوع» غار و مقامی به نام اصحاب کهف وجود دارد که مورد توجّه مردم منطقه است، امّا از نظر منابع تاریخی تأیید نشده است.

غار «اصحاب کهف» در کجاست؟

تاریخ نگاران در محل و مکان غار اصحاب کهف اختلاف نظر دارند که برخی از این قرار است:

۱- از نظر عده ای از پژوهشگران معاصر، محل این غار در هشت کیلومتری شهر «عمّان» پایتخت «اردن» در نزدیکی روستایی به نام «رجیب» است.(۱)

در بالای این غار، آثار صومعه ای است که از قرن پنجم میلادی، پس از پیروزی مسلمین آن را به مسجد تبدیل کردند و دارای محراب و مأذنه است.(۲)

۱- – تاریخ الحلب: ۶۶، تفسیر نمونه: ۱۲/۴۳۹.

۲- – تاریخ الحلب: ۴۴۰.

ص: ۱۹۵

۲- از دیدگاه برخی دیگر، محل غارِ اصحاب کهف، شهر اُفسوس، یکی از شهرهای «آسیای صغیر» (در روم شرقی قدیم و ترکیه کنونی) و در نزدیکی رود «کاستر» می باشد.(۱)

۳- از نظر مردم منطقه، غار اصحاب کهف در کوه قاسیون در ۴۰ کیلومتری شهر دمشق قرار دارد که طول آن ۵ متر و ارتفاع آن ۵/۲ متر است. گفته می شود که در کنار این غار مسجدی بوده است که فعلاً ـ از آن خبری نیست، و به جای آن مدرسه ای به نام «مدرسه فرقان» ساخته اند و غار معروف در داخل طبقه فوقانی مدرسه قرار گرفته است.(۲)

۴- عده ای بر این باورند که این غار در شهر نخجوان قفقاز قرار دارد.

۵- برخی گفته اند که در فلسطین در شهر بتراء این غار وجود دارد.

۶- تعدادی نوشته اند که غار اصحاب کهف در شبه جزیره ی اسکاندیناوی در شمال اروپا قرار دارد که در داخل آن هفت جسد سالم در هیئت رومیان وجود دارد .

اما بایست توجه داشت که قراین و شواهد قطعی وجود ندارد که کدام یکی از این غارها همان است که قرآن بیان کرده است؛ و از این

۱- - تاریخ الحلب:۴۴۴ و مروج الذهب:۱/۳۰۲.

۲- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه: ۱۴۷- ۱۴۶.

ص: ۱۹۶

نظر که قصّه ی اصحاب کهف مربوط به روم و رومیان بوده است، بعضی از این احتمال ها را بی اساس می سازد .(۱)

از این شش نظریه، نظر اول بیشتر مورد تأیید است.

۱۴/۶- مرقد دحیه کلبی

در قسمت شمال شرقی دمشق در قبرستان عمومی «قریه المِزَّه» در فاصله ی پانصد متری خیابان عمومی «المِزه»، قبر یکی از صحابه ی بزرگ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به نام «دحیه کلبی» قرار دارد.

طبق روایات چندین بار جبرئیل امین علیه السلام به صورت دحیه کلبی بر پیامبر صل الله علیه و آله و سلم نازل شده است، از جمله در ایّامی که پیامبر صل الله علیه و آله و سلم می خواست «بنی قُریظه» را محاصره کند.(۲)

مرقد دحیه کلبی در وسط قبرستان، داخل اتاق کوچکی واقع شده است. در کتیبه ی روی سنگِ قبر، با خط کوفی این گونه نقش بسته است:

«هذا قَبرُ صَحابیّ الجلیل سیدی دَحیهُ کلبی، الذی کان یهبِطُ الوَحی أَحیاناً بِصُورَتِهِ علی النَّبی۹» در پایین کتیبه تاریخ ۱۷۴ هجری نوشته شده

۱- – تفسیر المیزان: ج ۱۳/۴۱۳ – ۴۰۸ و برخی کتب دیگر

۲- – المفازی النبویه: ۸۱.

ص: ۱۹۷

است.(۱) به خاطر همان قبر، این قریه به نام «مِزّه الکلب» مشهور شده است.

۱۵و۱۶/۶- مرقد محمّد بن حسن و ابوالقاسم بن محمّد بن حسن علیهم السلام

در داخل قریه ی مذکور در فاصله ی ۳۰۰ متری خیابان «المِزّه» در سمت چپ کوچه، دیواری است دارای پنجره کوچک، در داخل آن دیوار، دو قبر موجود است، یکی قبر «محمـد بن امام حسن مجتبی علیهما السـلام» و دیگری قبر فرزنـد او «ابوالقاسم بن محمد بن الحسن علیهم السلام » است که نام و نشان آنان بر سنگ قبرشان نوشته شده است. (۲)

۱۷/۶- مقبره فرمانده والامقام اسامه بن زید رحمه الله

دانشـمند محترم آقای «دکتر قائـدان» نوشـته انـد: کمی پایین تر از قبور فرزنـد و نوه ی امام حسن مجتبی علیه السـلام در سـمت چپِ کوچه ی اصـلی، کوچه ی فرعی دیگری است که جـامع و مسـجد کوچکی به نـام «اسامه بن زیـد» در آن قرار دارد. ظاهراً اسامه بن زید در این محل زندگی کرده و در آن جا فوت نموده است ... . اهالی آن محل

۱- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه : ۱۶۵.

۲- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه :۱۶۴.

ص: ۱۹۸

می گویند: «اسامه بن یزید، در این محل مدفون است، اما در منابع تاریخی چنین چیزی بیان نشده است.»(۱)

۱۸/۶- قبر منسوب به سعد بن ابی وقاص

در قریه «المِزّه» قبر دیگری است که منسوب است به یکی از اصحاب پیامبر صل الله علیه و آله و سلم (سعد بن ابی وقاص) عضو انتصابی شورای شش نفره خلافت از سوی خلیفه دوم. اما از نظر برخی از منابع قبر ایشان در بقیع قرار دارد.(۲)

۱۹/۶- ضریح حزقیل

در چهار کیلومتری شهر دمشق در قریه ای به نام «داریا» ضریح «حزقیل، مؤمن آل فرعون» که در «سوره غافر» از او یاد شده است، قرار دارد. و بنا به قول دیگر او «حزقیل بن بوری نبی» است که خداوند قومش را به سبب نافرمانی به طاعون گرفتار کرد و آیات ۲۴۳ سوره بقره را در مورد آنان نازل فرمود.(۳)

۱- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه: ۱۶۴.

۲- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه : ۱۶۴.

۳- - تاریخ الحلب: ۶۳

ص: ۱۹۹

۲۰/۶- قبر منسوب به سکینه بنت علی علیه السلام

در ۱۰ کیلومتری دمشق در قریه «داریا» بقعه و بارگاهی است به نام سکینه بنت علی علیه السلام، که حدوداً ۲۳ سال پیش در هنگام تأسیس خیابان جدید پیداشد؛ راننده لودر به مسؤلان گزارش داد و آنان برخی از مسؤلان ایرانی از جمله حجت الاسلام واحدی (سرپرست حرم) را دعوت کردند. پس از بررسی به این نتیجه رسیدند که صاحب این قبر، فرزند علی علیه السلام است اما در تاریخ ، از أمیرالمؤمنین علی علیه السلام دختری به نام سکینه ثبت نشده است. احتمال دارد که از نوادگان آن حضرت باشد و واسطه ها حذف شده باشند، یا ممکن است که این دخترِ حضرت با نام دیگری شهرت داشته و به نام سکینه هم خوانده می شده است، که نمونه های تاریخی زیادی وجود دارد. و اما این که او از حضرت زهرا علیها السلام باشد بعید است. والله العالم.

در این باره روایاتی هم نقل کرده اند، از آن جمله دعبل از امام رضا علیه السلام و آن حضرت از اجداد بزرگوارش از امام حسین علیه السلام روایت کرده است:

! مِنَ الحُسین علیه السلام قال: «اَدخَلَ عَلَی اُختِی سَکینَه بِنتِ عَلی علیه السلام خَادِمٌ فَغَطَّت رَأسَها مِنهُ...»(۱)

۱- - وسائل الشیعه، چاپ اسلامیه ۱۴، ۱۶۷

ص: ۲۰۰

- امام حسین علیه السلام: «بر خواهرم سکینه دختر علی علیه السلام خادمی وارد شد؛ آن حضرت سرش را از او پوشاند ... »

! عن الحسین بن ابراهیم القمی ... عن زید بن علی عن أبیه عن سَکِینَه وَ زَینب اِبنَتَی علی علیه السلام عَن علی علیه السلامقال: «قال رسولُ الله۹: اِنَّ فاطمهَ خُلِقَت حُورِیَهٌ فِی صُورَهِ إنسِیَّهٍ وَاِنَّ بَناتَ الاَنبیاءِ لَایَحِضنَ.»(۱)

- حسین بن ابراهیم قمی با هشت واسطه از امام سجاد علیه السلام روایت می کند که آن بزرگوار از عمّه هایش سکینه و زینب، دختران علی علیه السلام و آنان از پدرشان علی علیه السلام و او از پیامبر صل الله علیه و آله و سلم که فرمود: «همانا فاطمه حوریه بهشتی به صورت انسان است و این که دختران انبیا به عادت ماهانه گرفتار نمی شوند.»

در این دو روایت به وجود دختری از أمیرالمؤمنین علی علیه السلام به نام سکینه تصریح شده است. و اخیرا در این باره کتاب های هم نوشته اند. (زیارت نامه در صفحه ی ۲۷۸ کتاب حاضر.)

۲۱/۶- قبر مؤذن پیامبر صل الله علیه و آله و سلم حضرت بلال حبشی رحمه الله

بنا به قول ابن کثیر، مؤلف کتاب «البدایه و النّهایه»، و برخی دیگر، قبر و مدفن حضرت بلال مؤذن پیامبر صل الله علیه و آله و سلم، در قریه «داریا» قرار دارد؛ زیرا او پس از هجرت به شام در این جا زندگی می کرد و در این

۱- - بحارالانوار: ۷۸، ۱۱۲

ص: ۲۰۱

محل از دنیا رفت.(۱) اما اکثر مورّخین مدفن او را در قبرستان باب الصغیر می دانند.

حضرت بلال در زمان خلافت عمر، در اثر بیماری طاعون چشم از جهان فرو بست، برخی بر این باورند که بلال در باب الاربعین شهر حلب، یا در قریه خولان، یا در مقبره کیسان به خاک سپرده شده است. (زیارت نامه در صفحه ی ۲۹۰ کتاب حاضر.)

۲۲/۶- قبر سعد بن عباده

در چهار کیلومتری شرق دمشق در قریه «منیحه» قبر یکی دیگر از صحابی معروف پیامبر صل الله علیه و آله و سلم «سعد بن عباده» رئیس قبیله خزرج در داخل مسجدی قرار دارد. او به خاطر بیعت نکردن با خلیفه اول از مدینه تبعید شد و در دوران خلیفه دوم در «حوران» (یکی از استان های سوریه کنونی) اقامت گزید و به طرز مرموزی به قتل رسید.(۲) و جالب است که قتل او را بعدها به جنیان نسبت دادند.

در کتیبه آن که به خط کوفی نوشته شده است، این گونه است: «هذا قبر سعد بن عباده، رئیس الخزرج»

۱- - بحارالانوار: ۱۱۲،۷۸

۲- - العقد الفرید : ۵/۱۴.

ص: ۲۰۲

۲۳/۶- زیارتگاه مهم- مرقد حُجرُ بن عُدَی و یارانش(ره)

یکی از مهم ترین زیارتگاه های اطراف دمشق مرقد پاک صحابی راستین و وارسته پیامبر صل الله علیه و آله و سلم و یار وفادار امیرالمؤمنین علیه السلام پرچمدار شجاع، حُجرُ بنُ عُدَی و یاران باصفای اوست، که در «مرج عذراء» ۳۶ کیلومتری شرق دمشق در سال ۵۱ یا ۵۳ هجری قمری، با سعایت زیاد بن ابیه، به دستور معاویه بن ابی سفیان با وضع جانگدازی به شهادت رسیدند و بدن های پاک آنان در این مکان دفن شده اند که تا کنون زیارتگاه مسلمانان به ویژه شیعیان است، اما سرهای نورانی آن ها را که به شهر آورده بودند در «مسجد الاقصاب» نزدیک حرم حضرت رقیه علیها السلام دفن کردند.(۱)

حُجر و یارانش در یک مقبره به خاک سپرده شده اند و فعلاً دارای ضریح فلزی زرد رنگی است که توسط حاج عبدالنبی کویتی در سال ۱۴۱۳ه ق ساخته شده است.(۲) و فضای مقبره حدود ۲۵×۲۵ متر مربع می باشد.(۳) (زیارت نامه در صفحه ی ۲۸۸ کتاب حاضر.)

۱- - فصل سوم از کتاب حاضر.

۲- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه :صص:۱۶۰ و ۱۶۳.

۳- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه :صص:۱۶۰ و ۱۶۳.

ص: ۲۰۳

۲۴/۶- ویژگی های شخصیتی حُجر بن عُدَی

حجر بن عدی دارای اوصاف بسیار خجسته و نقش مؤثر عملی بود که برخی از این قرار است:

۱- حجر بن عدی بن معاویه بن جبله از فضلا و بزرگان صحابه پیامبر صل الله علیه و آله و سلم بود.

۲- پیرو حقیقی امیرالمؤمنین علیه السلام و معتقد به ولایت آن حضرت بود و با تمام قبیله اش (قبیله کنده) از بیعت با خلفا سر باز زدند.

۳- در زهد، تقوا و عبادت در بین عرب مشهور بود و گفته شده است که در شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند و مستجاب الدعوه بود.(۱)

۴- او فاتح «مرج عذراء» و فرمانده جناح چپ سپاه اسلام در حمله به «جلولاء» بود و در فتح ایران نیز شرکت داشت.

۵- در جنگ های جمل و صفین فرمانده نیروهای قبیله «کنده» و در جنگ نهروان فرمانده جناح چپ سپاه امیرالمؤمنین علیه السلام بود.

۶- او مفسر برجسته و تربیت شده امیرالمؤمنین علیه السلام بود و همواره با آیات قرآن سخن می گفت.

۷- او بی پرده حقایق را بیان می کرد و در برابر ظلم و ستم با شهامت می ایستاد، حتی در مسجد کوفه که مغیره بن شعبه والی معاویه

۱- - منتهی الامال (به نقل از کامل بهائی)۱/۳۶۹

ص: ۲۰۴

به امیرالمؤمنین علیه السلام دشنام داد، با شهامت و شجاعت در برابر او به پا خاست و به او پرخاش کرد که حاضران ناخن حیرت به دندان می گَزیدند.

۸- حجر در برابر تحوّلات سیاسی زمان خویش همانند کوه استوار و پا برجا ایستاد. او نه شیفته قدرت شد، نه دلباخته زر و زیور. او نه نگران تهدید بود و نه خود باخته تطمیع، همه نقشه های دشمن را نقش بر آب کرد تا سرانجام جام شهادت سرکشید.

۹- تاریخ نگاران نوشته اند: هنگامی که معاویه با ام المؤمنین عایشه در مدینه دیدار کرد، عایشه به معاویه گفت: چه واداشت تو را بر کشتن «اهل عذراء» (حجر و یارانش) گفت: ای أم المؤمنین! دیدم در قتل ایشان صلاح امّت و در بقاء ایشان فساد امّت است، لاجرم آن ها را کشتم !!!

! أم المؤمنین عایشه گفت: «از پیامبر صل الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «کشته خواهند شد بعد از من در «عذراء» کسانی که خداوند و اهل آسمان به خاطر آن ها غضب خواهد کرد.»(۱)

۱۰- شهادت حجر بن عدی و اصحابش افزون بر آن که عده کثیری را به یاد فرمایش پیامبر صل الله علیه و آله و سلمانداخت، تأثیر شگفت آوری بر روان مسلمانان آگاه گذاشت، نوشته اند که «ربیع بن زیاد الحارثی»

۱- - منتهی الامال: ۱/۳۷۰ و برخی کتب دیگر.

ص: ۲۰۵

عامل معاویه در خراسان با شـنیدن شـهادت حجر دست به دعا برداشت و گفت: ای خدا ! اگر ربیع در پیشگاه تو قرب و منزلتی دارد هر چه زودتر جان او را بگیر. او هنوز سخن به لب داشت که جان سپرد.(۱)

۱۱- ایمان و وفاداری حجر رحمه الله چشم مسلمانان را روشن می کند.

!از أمیرالمؤمنین علیه السـلام روایت شده است: «چگونه خواهی بود آنگاهی که تو را به بیزاری از من و دشـنام و ناسزا گفتن به من وارد کنند؟ حجر عرض کرد: به خدا سوگند اگر با شمشیر قطعه قطعه ام کنند و بسوزانند آن را بر این کار ترجیح می دهم.»(۲)

خلاصه آن که حجر از نظر معنوی و کمالات نفسانی آن قدر برجسـته بود که صاحب مسـتدرک نوشته است: «حجر راهب اصحاب محمد (رسول الله)۹ بوده است.»(۳)

۲۵/۶- دستگیری و شهادت حُجر بن عُدَی

از هنگامی که حکومت کوفه به زیاد بن ابیه یا به تعبیر دیگر زیاد بن ابی سفیان رسید، روزگار شیعیان أمیرالمؤمنین علی علیه السلام به شب تار مبدّل شد؛ او با تمام توان علیه شـیعیان دست به کار شد و از همه فزون تر از حُجر و اصحابش احساس خطر می کرد و با انواع حیله،

۱- – منتهی الامال: ۱/۳۷۰

۲- – نفس المهموم ، ترجمه شعرانی: ۶۴

۳- – صلح الحسن، ال یس: ۳۲۴

ص: ۲۰۶

تهدید و تطمیع متوسّل شد اما در برابر آن رادمرد، زیاد بن ابیه مواجه با شکست گردید. سرانجام زیاد بن ابیه، حُجر را با تعدادی از اصحابش دستگیر کرد و از بزرگان کوفه خواست تا علیه او اتهاماتی ارائه کنند. آنان نیز نامه ای برای معاویه تنظیم کردند و اتهاماتی را به حُجر بستند، اما نظر زیاد را تأمین نکرد؛ آنگاه خود زیاد، نامه ای به معاویه نوشت و این اتهامات را بر او بست:

۱- حُجر پیمان خود با خلیفه را شکسته است.

۲- به خلیفه دشنام می دهد.

۳- مردم را به خلع خلیفه و پیمان شکنی با او تحریک می کند.

۴- باعث ایجاد اختلاف در جامعه شده است.

۵- حُجر بن عُدَی به خدا اعتقاد ندارد. (نعوذ بالله) (۱)

زیاد این نامه جعلی و خطرناك را به همراه حجر بن عدی و اصحاب او (چهارده تن) برای معاویه در شام فرستاد. هفت تن از یاران او به وساطت و شفاعت بستگان شان آزاد شدند.

معاویه حجر و شش تن یاران او را مخیر گذاشت که در محضر عام به علی علیه السلام ناسزا و دشنام بگویند و جان شان را نجات بدهند یا تن به شمشیر بدهند و کشته شوند.!!!

۱- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه : ۱۶۲-۱۶۱ به نقل از تاریخ طبری.

ص: ۲۰۷

از میان آن هفت تن عبدالرحمان بن حسان شرط کرد که در حضور معاویه به امام علی علیه السلام ناسزا بگوید، آنگاهی که مقابل معاویه آمد باکمال شجاعت به ستایش و مدح علی علیه السلام پرداخت و به معاویه و خاندان او ناسزا گفت. معاویه به شدت خشمگین شد، فرمان داد او را نزد زیاد برگردانند تا با وضع فجیع کشته شود. زیاد لعین آن بزرگ مرد را زنده به گور کرد.

حُجر و یاران او گفتند: «به خدا سوگند! ضربه های شمشیر از آن چه که ما را به آن می خوانید گوارا تر و لقای خدا و رسول۹ و وصی او بر ما از داخل شدن به آتش بهتر است.»

سپس جلّادان در برابر چشمان حضّار، یاران حجر را یکی پس از دیگری گردن زده به شهادت رساندند. وقتی نوبت به حُجر رسید از آنان مهلت گرفت و دو رکعت نماز خواند و دعای جالبی کرد، آنگاه گفت: «... بعد از مرگ من، زنجیر از دست و پایم باز نکنید و خون پیکرم را نشویید؛ زیرا می خواهم در روز قیامت با همین وضع با معاویه روبرو شوم» پس از آن سرِ حجر را نیز از بدن جدا کردند و بدن های شان در مرج عذرا دفن شد و سرهای شان را برای معاویه فرستادند تا سرانجام در مسجد الاقصاب نزدیک حرم حضرت رقیه علیها السلام به خاک سپرده شدند.(۱)

۱- – مروج الذهب : ۳/۱۹. وزیارات الشام: ۲۵۴

ص: ۲۰۸

۲۶/۶- یاران حُجر بن عُدَی

اشاره

در تاریخ نام های شهدای والامقامی که همراه حُجر در راه خدا و دفاع از ولایت جام شهادت سرکشیده اند به این شرح آمده است:

۱- شریک بن شدّاد الحضرمی.

۲- صیفی بن شِبل الشَیبانی.

۳- قبیصه بن صبیعه العیسی.

۴- محرز بن شهاب المنقری یا فهری که آنان با حجر دفن شده اند.(۱)

۵- کدام بن حیان العنزی.

۶- عبد الرحمان بن حسان العنزی.

داستانی از صیفی رحمه الله

یکی از یاران حجر بن عُدَی، صیفی بن شِبل الشیبانی بود. ابن زیاد از او سؤال کرد.گفت: ای دشمن خدا درباره ابوتراب چه می گویی؟

صیفی: من ابوتراب را نمی شناسم.

زیاد: چه اندازه او را می شناسی؟

صیفی: من اصلاً او را نمی شناسم.

زیاد: علی بن ابی طالب علیه السلام را نمی شناسی؟

صیفی: چرا می شناسم.

زیاد: همان علی علیه السلام ابوتراب است.

۱- – منتهی الامال : ۱/۳۷۰، و اماکن زیارتی ...سوریه :۱۶۲.

ص: ۲۰۹

صیفی: این سخن تو صحیح نیست، علی علیه السلامابوالحسن و ابوالحسین است.

زیـاد دسـتور داد آن قـدر او را بزنیـد تـا به زمین بچسـبد و بلنـد نشود. پس از آن همه زجر و شـکنجه، زیـاد گفت: درباره علی علیه السـلامچه می گویی؟ صـیفی گفت: «وَ اللهِ لَو شَـرَحتَنِی بِالمُوسی وَ المُدی ما قُلتُ اِلّا ما سَمِعتَ مِنِّی» - «به خدا سوگند اگر مرا با تیغ آبدار و کارت ریز ریز کنی، سخنی جز آنچه درباره علی علیه السلام گفتم، از من نخواهی شنید.»-

زیاد: باید حتماً او را لعنت کنی وگرنه گردنت را می زنم.

صیفی: زودتر گردنم را بزن که حاضـر نیسـتم به علی علیه السـلام بـد بگویم.(۱) [آنگـاه زیـاد در حالی که در آتش خشم خود می سوخت صیفی را به شهادت رساند.]

۲۷/۶- مقبره ابی مسلم خولانی

در چهـار کیلومتری غرب دمشق در قریه «داریـا» مقبره «ابی مسـلم عبـدالله بن ثوب خولاـنی» که از زهاد تابعین بوده، قرار دارد. از او کراماتی نقل کرده اند؛ اکنون ضریح او یکی از زیارتگاه های اهالی منطقه است.(۲)

۱- - ذخیره الدّارین : ۳۰.

۲- - زیارات الشّام :۱۲۵.

ص: ۲۱۰

۲۸/۶- مقبره ابی مرثد کنّاز

در یکی از قریه های اطراف دمشق به نام «بیت رانس» قبر «اَبِی مَرثَد کَنّاز» یکی از اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم قرار دارد.(۱)

۲۹/۶- مقبره تمیم الداری انصاری

در غرب شهر دمشق در قریه دیر مُرّان قبر «تمیم الدّاری بن حبیب انصاری» قرار دارد. او از اصحاب صُفّه و از دانشمندان و زهّاد صحابه و دارای کرامات بوده است.(۲) قبر او دارای گنبد و بارگاه و محل زیارت اهل منطقه است.

۳۰/۶- دیر صیدنا یا مقام حضرت مریم علیها السلام

در ۲۰ کیلومتری شمال شهر دمشق «دیر صیدنایا» وجود دارد که محل حضور حضرت مریم علیها السلام بوده است، و اکنون آن دیر با نام «کنیسه مریم عذراء» خوانده می شود.(۳)

۱- – زیارات الشّام :۱۳۷ و معجم البلدان :۱/۵۱۹.

۲- – زیارات الشام : ۱۳۲.

۳- – زیارات الشام : ۱۳۷.

ص: ۲۱۱

فصل هفتم- اماكن زيارتى برخى از استان هاى سوريه

اشاره

ص: ۲۱۲

فصل هفتم- اماکن زیارتی برخی از استان های سوریه

در این فصل تعدادی از اماکن زیارتی که در برخی از استان های سوریه قرار دارند معرفی شده اند و در مجموع از ذکر مساجد، مدارس و اماکن سیاحتی صرف نظر شده است و از سایر استان هایی که اماکن زیارتی در آن ها وجود ندارد یا مورد توجه بیشتر نبوده اند نیز ذکری به میان نیامده است.

الف- استان حلب

اشاره

یکی از مشهورترین مناطق شام و دارای تمدّن تاریخی و یکی از استان های مهمّ سوریه، استان حلب است که مرکز آن شهر حلب در شمال این کشور به فاصله «۲۸۰» کیلومتری پایتخت واقع شده است و بیش از چهار میلیون جمعیّت دارد که اکثریّت قاطع آنان از اهل سنّت و اقلّیت ناچیزی از شیعیان می باشند.

ص: ۲۱۳

نام گذاری حلب

از نظر لغوی حلب به معنای شیر دوشیده و مرادف با حلیب است.

دلیل نام گذاری آن این است که حضرت ابراهیم علیه السلامدر روزهای جمعه از گوسفندانش شیر دوشیده، به عنوان صدقه به فقرا می داد، آنان برای بدست آوردن شیر می گفتند «حَلَب، حَلَب» تا در اثر کثرت استعمال این نام بر شهر اطلاق شد.(۱)

بنیان گذار حلب و نام های آن

درباره پایه گذاران حَلَب اختلاف است، اما بیشتر تاریخ نگاران آن را به عمالیق نسبت داده اند. عدّه ای نخستین ساکنان آن را فرزندان حام بن نوح دانسته اند.(۲) و اقوام حیثون، آشوری ها، مصری ها و... در آن ساکن بوده اند،(۳) و هر کدام آنان این شهر را به نامی خوانده اند، حیثون آن را «حلبا و حلباس»، آشوریان «حلوان»، یونانیان «باروا»، مصریان «حَلَب» و مسلمانان آن را « حَلَب الشّهباء » خوانده اند.(۴)

۱- – تحف الانباء فی تاریخ حَلَب الشهباء: ۸ و معجم البلدان۲/۲۸۲

۲- – تحف الانباء فی تاریخ حلب الشهباء: ۸

۳- – تحف الانباء فی تاریخ حلب الشهباء و الرحله:۵۳

۴- – الشام الحضاره :۱۵۳-۱۵۲، و اماکن زیارتی ...:۱۷۴-۱۷۳

ص: ۲۱۴

اهمّیت فتح حلب

شهر حلب از اهمّیت ویژه در قرن چهارم و پنجم برخوردار بوده است تا جایی که سیف الدوله حمدانی آن را پایتخت کشور انتخاب کرد و رونق خاصی به آن داد، حلب در سال هفدهم هجری توسط ابا عبیده بن جراح و به فرماندهی عیاض بن غنم فهری با صلح تسخیر شد، در حالی که دارای دیوار محکم و هفت دروازه بود.(۱)

در جنگ های صلیبی، حلب یکی از مراکز مهم نظامی مسلمانان علیه صلیبی ها بود. در دوره مغول این شهر تسخیر و دستخوش ویرانی شد و باقی مانده آن در دوران تیمور تخریب گردید.(۲)

در زمان دولت عثمانی این شهر دوباره آباد شد و رونق خوبی پیدا کرد و پس از جنگ جهانی اول مثل سایر شهرهای سوریه تحت استعمار فرانسه قرار گرفت و... .

شهر حلب یکی از مراکز شیعه بوده است، مورخین سه چیز را از عوامل نفوذ شیعه در حلب دانسته اند:

۱- حضور و تلاش ابوذر غفاری در شام.

۲- هجرت آل ابی شعبه از عراق به این سرزمین.

۱- - بغیه الطلب فی تاریخ الحلب:۱۱

۲- - تحف ابناء.../۱۷

ص: ۲۱۵

۳- تلاش های فاطمی ها در دوران بنی حَمدان و بنی مرداس، برای گسترش شیعه.

اما با آن سابقه ی رو به گسترشِ شیعه در حلب، امروزه شیعیان در این شهر کاملاً در اقلّیّت قرار دارند که علّت آن نیز سه چیز است:

۱- ظلم و ستم و حتی قتل عام شیعیان توسط حکومت های متعصّب و خون ریز.

۲- هجرت علمای شیعه از این سرزمین به عراق و جاهای دیگر.

۳- تلاش نکردن علما و مبلغین برای ترویج فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و...

اماکن زیارتی شهر حلب

اشاره

شهر حلب همانند سایر شهرهای سوریه با داشتن سابقه تاریخی دارای اماکن زیارتی فراوانی است که برخی با رعایت اختصار به این شرح ارائه می شود:

(۱) مشهد الحسین علیه السلام یا مسجد النّقطه

اشاره

یکی از زیارتگاه های مشهور و قابل توجه نزد شیعیان «مشهد الحسین علیه السلام یا مسجد النّقطه» است که در غرب حلب قرار دارد و به نام « مشهد الطّرح » و «مشهد الدکّه» نیز خوانده شده است.

ص: ۲۱۶

از نظر تاریخی و کتب مقاتل، هنگامی که کاروان اسیران و سرهای شهدا را از کوفه به طرف شام می بردند، شبی را در غرب حلب در کنار معبدی به نام «مَارت مُرُوثا» توقّف کردند.

راهبی نصرانی که در آن معبد به سر می برد، در دل شب که همه خواب بودند متوجّه شد که آن سر مطهّر از بالای نیزه به ذکر خدا و تسبیح و تهلیل مشغول است و نوری درخشان از آن سر تا آسمان بالا می رود و صدایی را شنید که می گوید: « أَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أباعَبدِاللهِ ... » وقتی راهب قضیه را از مأموران پرسید آنان گفتند: این سر، سر حسین بن علی بن ابیطالب علیهم السلام است که مادرش فاطمه دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. راهب خشمگین شد و آنان را این گونه نفرین کرد: (تبّاً لَکُم أَیَّتُهَا الجَماعَهُ صَدَقَت الأخبارُ فی قَولِها إذا قُتِلَ تَمطُرُ السَّماءُ دَماً) – ای گروه نابود شوید اخبار راست گفته اند که: هرگاه اوکشته شود آسمان اشک خون و باران خون می بارد.

از این بیان راهب به روشنی پیداست که مصیبت شهادت امام حسین علیه السلام و باریدن خون از آسمان در شهادت آن حضرت در اخبار و کتب سابق به عنوان یک مصیبت بزرگ و بی مانند ذکر شده است.

خلاصه آن که راهب با دادن مبالغی پول به نگهبانانِ پول پرستِ کاروان، سرِ امام حسین علیه السلام را از آنان برای یک شب گرفت و در داخل دَیر برد و آن سرِ مبارک را با عطر و گلاب معطّر کرد و روی

ص: ۲۱۷

صخره ای که داخل دَیر بود گذاشت و خود در کنار آن به راز و نیاز و گریه و زاری پرداخت و به برکت آن سر مطهر مسلمان شد.

سه نکته شگفت آور:

۱- مأموران فرو مایه ی یزید و ابن زیاد چون خواستند از آن جا حرکت کنند دیدند بر روی آن پول های شان نوشته شده است: «وَ سَیَعلَمُ الَّذینَ ظَلَمُوا أیَّ مُنقَلَبٍ یَنقَلِبونَ».(۱)

۲- در معجم البلدان و کتاب فریده العجائب ابن الوری نوشته اند: «یکی از اسرای اهل بیت علیهم السلام از یکی از کارگران آن جا تقاضای آب و نان کرد و او جواب رد داد. آن اسیر نفرین کرد. از آن روز مردم آن محل از سود مناسبی بهره ندارند.(۲)

۳- نوشته اند که در این محل معدنی از مس وجود داشت و چون مردم آن منطقه از اسارت اهل بیت خوشحالی و شادمانی کردند و نیز حضرت زینب یا همسر امام حسین علیه السلام از آنان آب و نان خواست آن ها امتناع نموده و به اهل بیت علیهم السلام دشنام دادند حضرت زینب و همسر امام حسین علیه السلام بر آنان

۱- - تذکره الخواص ابن جوزی :۱۵۰

۲- - معجم البلدان: ۳/۱۷۳ و کتاب فریده العجائب ابن الوری: ۱۲۸

ص: ۲۱۸

نفرین کردند؛ لذا آن معدن مس تباه و نابود شد و مردم آن جا از خیر و برکت محروم شدند.(۱)

امواج قطره خون

فشرده سخن این که هنگام طلوع خورشید که سر امام حسین علیه السلام را از روی آن صخره برداشتند، دیدند که چند قطره خون تازه بر آن صخره چکیده است؛ این خبر به مردم حلب رسید. در اطراف آن صخره جمع شدند و به سوگواری برای فرزند پیامبر صل الله علیه و آله و سلمپرداختند.(۲)

بر اساس روایات شیعه همه ساله در روز عاشورا، آن خون بر سنگ می جوشید و توجّه بسیاری از مردم شام را به خود جلب کرده بود. [بدون تردید دشمنان اهل بیت علیهم السلام از این معجزه خیره کننده و ستم شکن و توجه مردم، نگران بودند و رنج می بردند اما نمی توانستند خورشید حق را با دو انگشت مخفی کنند.]

برخی از تاریخ نگاران نوشته اند که عبدالملک بن مروان، دستور انتقال آن سنگ را صادر کرد و از آن پس اثری از آن سنگ دیده نشد.(۳)

۱- – مقتل مقرم : ۳۵۸ پاورقی وبا کاروان شام به نقل ازنفس المهموم وکتب دیگر

۲- – اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه : ۱۷۵.

۳- – اماکن زیارتی و...سوریه :۱۷۵. و نهر الذهب فی تاریخ الحلب :۲/۲۰۹ و معالم حلب الاثریه :۱۳۶.

ص: ۲۱۹

اما برخی دیگر می گویند: این سنگ در جای خود بود ولی در سال ۱۹۲۰ میلادی که مشهد الحسین علیه السلام پایگاه ذخیره اسلحه عثمانی ها بود، منفجر شد و این زیارتگاه تخریب گردید.

لذا موقتاً این سنگ را در نزدیکی آن محل به مشهد المحسن علیه السلام (زیارتگاه دیگری) منتقل کردند و چهل سال در آن جا ماند که پس از بازسازی مشهد الحسین در سال ۱۹۶۰ میلادی (توسط مؤسسه بازسازی و احسان اسلامی جعفری)، این سنگ را به جای اصلی آن قرار دادند.(۱)

سرآغاز مسجد النقطه

در سال ۳۵۰ ه ق، نخستین کسی که در محل این سنگ مسجدی را بنا کرد، «سیف الدوله حمدانی شیعه» بود و آن را «مسجد النقطه» نام گذاری کرد و با اعتقادی که به آن داشت، همواره آن جا را زیارت می کرد. و تا کنون زائران فراوانی دارد و نام دیگر آن «حی الانصاری» است.

مشهد الحسین علیه السلام در سمت راست خیابان اصلی، نزدیک پل هوایی قرار گرفته است و دارای صحن بزرگ، شبستان ها، ایوان، گنبدهای کوچک و ضریح زیبایی در ابعاد ۱×۵/۱ متر به رنگ طلایی است. بر در ورودی آن بارگاه، کتیبه ای به خط کوفی است که بر آن

۱- - اماکن زیارتی و...سوریه :۱۷۶و حلب و التشیع :۳۱.

ص: ۲۲۰

نوشته شده است: «هذا مقام و مشهد الحسین علیه السلام» و پایین آن نام سیف الدوله حَمدانی به چشم می خورد. در داخل این ضریح بر روی یک استوانه، سنگی است که گفته می شود سر فرزند پیامبر صل الله علیه و آله و سلم را بر آن گذاشته بودند و قطره هایی خون از آن سر مبارک بر آن سنگ جاری شده است. در شعاع این زیارتگاه، مسجد، مرکز پزشکی تخصّصی و حوزه علمیّه نیز ساخته شده است که مورد استفاده مسلمانان می باشد.(۱)

(۲) مشهد المحسن بن الحسین علیهما السلام

اشاره

در نزدیکی شهر حلب در کوه جوشن، به فاصله ۳۰۰ متری مشهد الحسین علیه السلام زیارتگاه محسن بن الحسین بن علی علیهم السلام قرار دارد.

در این مرقد محسن فرزند امام حسین علیه السلام به خاک سپرده شده است. درباره محسن بن الحسین علیه السلام دو نوع روایت در کتب تاریخ نقل شده است:

الف- هنگامی که کاروان اسیران در این مکان توقّف کرد، از همسر امام حسین علیه السلام که حامله بود، فرزندی سقط شد که مادرش نام او را محسن گذاشته بود که تداعی می کند از محسن سقط شده

۱- - اماکن زیارتی و...سوریه:۱۷۷.

ص: ۲۲۱

فاطمه زهرا علیها السلام و شاید مادر آن طفل نیز با این اندیشه فرزندش را محسن نامیده باشد.(۱)

ب – نظر دوم این است که از امام حسین علیه السلام طفل شیرخواری بوده است و در محل مذکور از دنیا رفت و در این مکان دفن شده است. (۲) [اما نظردوم ضعیف است؛ چون در تاریخ برای امام حسین علیه السلام فرزندی به نام محسن ذکر نشده است.]

پیدایش معجزه آسای مشهد المحسن علیه السلام

در تاریخ حلب دارد که در سال ۳۵۱ ه ق سیف الدوله حَمدانی شبی در خواب دید که در یک نقطه این شهر نوری درخشید؛ صبح به آن محل آمد و دستور کندن آن جا را داد. سنگی را پیدا کردند که بر روی آن نوشته شده بود: «هذا قبر محسن بن الحسین بن علی علیهم السلام »

پس از پیدا شدن این کتیبه، سیف الدوله فرمان داد تا بر روی آن مرقد و بارگاهی ساختند.(۳) آن بارگاه از آن تاریخ تا کنون یکی از زیارتگاه های مشهور و معروف برای مسلمانان است.

۱- – اماکن زیارتی و...سوریه :۱۷۷.

۲- – آرامگاه های خاندان پاک پیامبر و ائمه... : ۱۰۱ و معالم حلب الاثریه:۱۳۹.

۳- – نهر الذهب فی تاریخ الحلب :۲/۲۷۸ و الدار المنتخب...:۸۵.

ص: ۲۲۲

ساختار مشهد المحسن بن الحسین علیه السلام

مرقد محسن بن الحسین علیهما السلام با ساختار قدیمی و دارای صحن، شبستان و ضریح آهنی است و بر فراز آن مرقد، دو گنبد کوچک با نمای قدیمی وجود دارد. و بالای سردر، دو کتیبه قرار دارد که یکی به نام سیف الدوله و دستور ساختن مرقد و زیارتگاه در سال «۳۵۱ ه ق» و کتیبه دوم از سلطان عبد الحمید عثمانی و دستور بازسازی این بنا در سال «۱۳۱۴ه ق» است.

کتیبه های پیرامون مشهد المحسن علیه السلام

در این مشهد کتیبه هایی جلب توجه می کند که برخی از این قرار است:

الف– در داخل شبستان و صحن کتیبه بسیار جالب و مهمّی است که نام های مبارک ۱۴ نور مقدس «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت زهرا و أئمه طاهرین علیهم السلام » بر آن نقش بسته است که از آثار سیف الدّوله حمدانی است.

ب– در سمت چپ دیوار بیرونی، کتیبه نورالدین زنگی شهید، از امرای ایوبی قرار دارد.

ج – کتیبه یکی دیگر از اُمرای ایوبی به نام «ملک ظاهرالدین بیبرس» با تاریخ ۶۹۰ ه ق وجود دارد.

ص: ۲۲۳

(۳) مرقد حضرت زکریّای پیامبر علیه السلام

در شهر حلب مسجد جامع دیگری است که به نام مسجد جامع اموی شناخته می شود، در داخل شبستان و در سمت چپ محراب، مرقد مطهر حضرت زکریّا علیه السلام قرار دارد.

در تاریخ دارد که آن حضرت از دست یهودیان فرار کرد و به درختی پناه برد و در داخل درخت پنهان شد. دشمنان از پیدا کردن او مأیوس شدند. شیطان مطلب را برای آنان گفت. آن مردم پلید، اَرّه آوردند و درخت را با حضرت زکریّا علیه السلام به دو نیم کردند.(۱)

قبر آن حضرت دارای ضریحی است که در داخل آن، تابوت چوبین با پوشش سبز به چشم می خورد.

امروزه این مقبره یکی از زیارتگاه های مهمّ شهر حلب است و زائران حضرت زینب علیها السلام اکثراً آن را زیارت می کنند.

حضرت زکریا ابن «ایم»، همسر «ایشاع» یا «هیانه» دختر عمران و خواهر امّ حنه (مادر مریم علیها السلام) آخرین پیامبر عهد قدیم است که هدایت و رهبری جامعه را بر عهده داشت و افزون بر آن بیت المقدس و خادمان آن و به ویژه حضرت مریم علیها السلام را سرپرستی می کرد.

۱- - قصص قرآن به قلم علی آقای قاضی زاهدی گلپایگانی:۶۱۳

ص: ۲۲۴

او و همسرش فرزند نداشتند و در سنّ پیری دعا کردند و خداوند حضرت یحیی علیه السلام را برای آن ها عنایت فرمود (یا زَکَرِیّا إنّا نُبَشِّرُکَ بِغُلامٍ اسمُهُ یَحیَی...)(۱)

(۴) مرقد امام زاده شهید، معروف بن جُمر

شهید شجاع، فرمانده بلند آوازه و جهادگرِ در راه خدا، سید معروف بن جمر از نوادگان حضرت اسماعیل بن امام صادق علیه السلام است. او در سال ۵۵۵ ه ق چشم به جهان گشود و در جهاد مسلمانان علیه صلیبی ها به عنوان یکی از سرداران سپاه «ملک ظاهر بَیبرَس» سالیانی از عمر خود را سپری کرد تا سرانجام در سال(۶۴۰ ه ق) در جنگ انطاکیه در سن ۸۵ سالگی جام شهادت را سرکشید و در این محل در داخل مدرسه ای که در سال (۵۹۰ ه ق) توسط ملک ظاهر بَیبرَس ساخته شده بود به خاک سپرده شد و تا کنون کلاهخود و لوازم جنگی او در کنار قبرش موجود است.(۲)

(۵) محلِ مقام سر مبارک حضرت یحیی علیه السلام

در مرکز شهر حلب، بر روی تپه ای قلعه بسیار بزرگ، مهم و زیبا، به وسعت حدوداً ۳۷۵ × ۳۷۳ متر مربع توسط رومیان یا یونانیان ساخته شده است. و در طول تاریخ مورد استفاده حاکمان به ویژه در امور

۱- – سوره مریم: آیه ۷

۲- – اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه:۱۸۱ و ۱۸۲

ص: ۲۲۵

نظامی بوده است ... در سمت راست این قلعه ایوانی است که در داخل آن قبری است و نیز صندوقی در آن وجود دارد که در سال ۴۳۵ ه ق کشف شده است و گفته می شود که پاره ای از سر مبارک حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام در آن صندوق است.(۱)

[قبلاً بیان شد که سر حضرت یحیی در مسجد اموی شام است و در این صندوق ممکن است نشانه هایی از سر و صورت حضرت باشد، والله العالم.]

(۶) مقام حضرت ابراهیم و حضرت خضر علیهما السلام

در محل یاد شده داخل ایوان این قلعه، مقام حضرت ابراهیم علیه السلام و مقام حضرت خضر علیه السلام مشهور و معروف است.(۲)

(۷) مشهد علی بن ابیطالب علیه السلام

در کنار مقام سر حضرت یحیی علیه السلام، مشهد (امام) علی بن ابیطالب علیه السلام یا باب الجنه وجود دارد، و دلیل این نام گذاری برای این است که کتیبه ای در آن جا وجود دارد که بنا به قول برخی از مورّخین به خط حضرت علی علیه السلام می باشد.(۳)

۱- - برگرفته از معجم البلدان: ۲/۳۸۴، و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه:۱۸۴.

۲- - برگرفته از معجم البلدان: ۲/۳۸۴، و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه:۱۸۴.

۳- - برگرفته از معجم البلدان: ۲/۳۸۴، و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه:۱۸۴.

ص: ۲۲۶

(۸) مرقد ابن شهر آشوب رحمه الله

در فاصله ی بیست متری جنوب مشهدالحسین علیه السلام در داخل چهار دیواری مقبره ای است که در آن جا علمای بزرگی از سده های سوم و چهارم هجری به خاک سپرده شده اند که سنگ های نوشته شده با خط کوفی معرّف آنان و تاریخ درگذشت شان است.(۱)

در این مقبره مورخ بزرگ و نام دار شیعه، ابوجعفر رشیدالدین، معروف به ابن شهرآشوب (۵۸۸ ه ق) نویسنده کتاب معروف «مناقب الائمه علیهم السلام » دفن شده است.(۲)

(۹) مقابر علمای بنی زهره

در فاصله ۵۰ متری مکان یاد شده در بین یک چهار دیواری دیگر، علمای بنی زهره از معروف ترین قبایل شیعه در قرن چهارم و پنجم هجری به خاک سپرده شده اند، و متأسّفانه که قبرها و کتیبه هایی که به خط کوفی روی سنگ ها بوده منهدم شده اند.(۳) اخیراً که شیخ ابراهیم نصرالله، مسجد النقطه را توسعه داده است مرقدهای یادشده در داخل محوطه مسجد قرار گرفته اند.

۱- – اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه:۱۷۸ و برخی کتب دیگر.

۲- – اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه:۱۷۸ و برخی کتب دیگر.

۳- – اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه:۱۷۸ و برخی کتب دیگر.

ص: ۲۲۷

(۱۰) مرقد شهید شیخ اشراق

در سـمت شـمال غربی میدان باب الفرج داخل جامع سـهروردی در سـمت چپ شبستان، مدفن و مرقد فیلسوف بزرگ «شیخ شهاب الدین سـهروردی، یحیی بن حبش بن امیرک، معروف به شیخ اشراق» پایه گذار حکمت اشراق قرار دارد. روی مقبره آن دانشمند و حکیم الهی، سنگ قبر کوچکی است. و بر بالای مرقد، شرح مختصری از زندگی او نوشته شده است.

شیخ اشراق در سال ۵۴۹ ه ق در سـهرورد - از توابع زنجان- به دنیا آمد و پس از تحصیل و تبحّر در فلسفه و حکمت طریقه اشراق را ابـداع کرد و ده هـا رسـاله و کتاب در این باره نوشت و موجی ایجاد کرد که مخالفان و موافقان زیادی در حوزه های علمی پیـدا کرد، عدّه ای او را یکی از علمای شیعه معرفی کرده اند...

سرانجام مخالفان شـیخ اشـراق، در نزد سلطان صلاح الدّین ایّوبی که علیه شیعیان تعصّب شدید داشت، علیه او سعایت کردند، تا آن که شیخ را زندانی و در تاریخ ۵۸۷ ه ق به شهادت رساندند.(۱)

۱- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه: ۱۷۹ به بعد.

ص: ۲۲۸

ب استان رقه = صفین

اشاره

در فاصله ۵۴۷ کیلومتری شمال شرقی دمشق، ۱۸۰ کیلومتری حلب و ۶۰ کیلومتری مرز جنوبی ترکیه شهر تاریخی «رَقّه» یا «رافقه» که به «رقه البیضاء» نیز معروف بوده است، واقع شده است.

این شهر در «منطقه صفین» قرار دارد، که این نام پس از جنگ ۲۱ یا ۲۳ ماهه ی صفین، شهره آفاق شد و در این جنگ جبهه حق (أمیرالمؤمنین علی علیه السلام)، در برابر جبهه باطل (معاویه و عمرو بن العاص) به نبرد پرداختند.(۱)

در این نبرد بهترین یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام به درجه بلند شهادت نایل آمدند و حدود ۲۵ هزار نفر از یاران حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام جام گوارای شهادت را سر کشیدند؛ که از آن میان عدّه ای از صحابه بدری، عمار بن یاسر، اُویس قرنی و... بودند.

در این شهر آثار تاریخی، دینی و مذهبی فراوانی است که به برخی با رعایت اختصار اشاره می شود:

(۱) باب علی علیه السلام

در سال ۱۵۵ ه ق در زمان منصور عباسی در اطراف شهر «رقه» دیواری از خشت و گِل جهت امنیت شهر ساخته شد. بلندی آن دیوار ۴ متر و عرض آن ۵ متر و دارای ۴ برج بود.

۱- – اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه: ۱۹۶–۱۹۵

ص: ۲۲۹

برای این دیوار دروازه ساخته بودند که از همان نقطه، حضرت أمیرالمؤمنین علی علیه السلام وارد منطقه صفّین شده بود لذا این باب معروف شد به باب علی علیه السلام و تاکنون این باب و بخشی از همان دیوار قدیمی موجود است.

گفتنی است که هارون عباسی در سال ۱۸۰ ه ق و سیف الدّوله حَمدانی در قرن پنجم هجری آن را بازسازی کردند.(۱)

(۲) مرقد مطهر شهید عمار بن یاسر رحمه الله

اشاره

در کنار شـهر «رقّه» - در منطقه صفین - در سمت راست باب علی علیه السلام، مرقد شهید والا مقام، یار وفادار پیامبر صل الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام، حضرت عمار بن یاسر العنسی رحمه الله قرار دارد.

حرم و بارگاه او خیلی با عظمت و با شـکوه است. بر فراز مرقـد او ضـریح زیبایی با پوشـش سبز جلب توجه می کند. بالای ضـریح، گنبدِ آبی بلند از بتن و سـیمان و در کنار آن گلدسته ای جالب با معماری اسلامی - ایرانی ساخته شده است، داخل و خارج حرم با کاشی های زیبا تزیین گردیده است که نقش جمهوری اسلامی ایران در ساخت آن روشن است.

امروزه مرقد پاک او یکی از زیارتگاه های مهمّ مسلمانان به ویژه شیعیان امامیّه است.(۲)

۱- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه:۱۹۶

۲- - تحقیقات میدانی

ص: ۲۳۰

ویژگی های عمّار بن یاسر

عمّار بن یاسر دارای ویژگی های فراوانی است که به برخی با رعایت اختصار پرداخته خواهد شد:

۱- عمّار بن یاسر و پدر و مادرش در راه اسلام سخت ترین شکنجه ها را تحمّل کردند.

۲- اوّلین زن شهید شده در راه اسلام «سمیه» مادر عمّار است که پس از شکنجه های فراوان توسط ابوجهل خبیث، به شهادت رسید و اولین مردی که در راه اسلام به درجه والای شهادت نایل آمد « یاسر بن مالک » پدر عمّار بود.

۳- پیامبر صل الله علیه و آله و سلم درحق خاندان یاسر رحمه الله دعا فرموده است:

!«... اللّهُمَّ لا تُعَذِّب أحَداً مِن آلِ یاسِرِ بِالنّارِ.» (۱)

هنگامی که والدین عمّار رحمه الله در پنجه کفّار مکه شکنجه می شدند، ! عمار به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم عرضه داشت: ای پیامبر خدا! مادرم را به شدیدترین شکنجه ها گرفتار کرده اند. حضرت فرمود: ای ابا یقظان! شما را به صبر و پایداری سفارش می کنم. آن گاه دعا کرد: خدایا! هیچ یک از خاندان یاسر را به آتش عذاب نکن.

۴- ! در دعای دیگر فرمود: «خدایا خاندان یاسر را بیامرز. ای آل یاسر! صبر کنید؛ زیرا موعد شما بهشت است.»(۲)

۱- – منتهی الامال :۱/۲۳۸.

۲- – تهذیب التهذیب :۷/۴۰۹.

ص: ۲۳۱

۵- پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در وصف عمّار فرموده است: «عمّار تا استخوان سرش از ایمان آکنده است. هر که عمار را دشمن بدارد خداوند او را دشمن می دارد.»(۱)

۶- کفّار مکّه بـدن عمّار را با آتش می سوزانیدنـد تا آن که روزی او را در بین آتش افکندنـد،! پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سلم برای نجـات او این گونه فرمود: «یـا نَارُ کُونِی بَرداً وَ سَـلاماً عَلی عَمّار کَما کُنتِ بَرداً وَ سَـلاماً عَلی اِبرَاهیمَ علیه السـلام»(۲) لذا آتش به عمار آسیبی نرساند.

۷- ! از پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم روایت شده است که فرمود: «عَمّارٌ مَعَ الحَقِّ و الحَقُ مَع عَمّارٍ حَیثُ کانَ عمّارٌ جَلدَةٌ بَینَ عَینِی وَ أنفی، تَقتُلَهُ الفِئَهُ البَاغِیهُ»(۳)

- پیـامبر صل الله علیه و آله و سـلم: «عمار با حق و حق با عمار است هر جا باشـد، عمار هماننـد پرده میانه ی چشم و دماغ من است؛ دسته ای گمراه و سرکش عمّار را خواهند کشت.»

۸- ! از پیامبر مکرّم اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم سؤال کردنـد: اگر فتنه روی آورد و اختلاف ایجاد شود به ما چه دسـتور می دهید؟ حضرت فرمود:

۱- – المغازی :۳/۶۷۴.

۲- – منتهی الامال: ۱/۲۳۹.

۳- – منتهی الامال :۱/۲۳۹.

ص: ۲۳۲

«بر شما باد به پسر سمیّه، به راستی که او هرگز حق را ترک نمی کند تا آن که بمیرد.»(۱)

۹- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، در حین شهادتِ عمّار سر او را به زانوی مبارک خویش گذاشت و ! فرمود: «... هر که از رحلت عمّار دلتنگ و غمگین نشود از مسلمانی بی بهره است، خدای تعالی بر عمّار رحمت فرماید آن گاهی که از او از نیک و بد سؤال کند ... بهشت بر عمّار یک بار واجب نشده است بلکه بارها او مستحق بهشت شده است، بهشت عدن برای او مهیّا است، او را کشتند در حالی که حق با او بود و او با حق.»(۲)

۱۰- عمار رحمه الله در آخرین روز زندگانی پربارش مناجات ویژه ای داشت و سخنانی می گفت که حاکی از نهایت تسلیم و رضا در برابر خداوند بود. او به پرچم معاویه اشاره کرد و گفت: ما در خدمت پیامبر خدا ۹سه بار با دارندگان این عَلَم ها جنگ کرده ایم و در این زمان با اصحاب این علم ها باید جنگید. ! آن گاه فرمود: بدانید که من امروز کشته می شوم ... و کار من حواله به لطف خداوند است، و مطمئن باشید که أمیرالمؤمنین علیه السلام مقتدای ماست... .(۳)

۱- – الاستیعاب فی معرفه الاصحاب:۲/۴۷۲.

۲- – منتهی الامال :۱/۲۴۰-۲۴۱.

۳- – منتهی الامال :۱/۲۴۰-۲۴۱.

ص: ۲۳۳

هنگامه شهادت عمّار بن یاسر

عمّار بن یاسر رحمه الله که در جنگ صفّین شرکت فعّال داشت در آخرین ساعات زندگانی خویش به قصد شهادت بر اسب خود نشست و شجاعانه وارد معرکه شد و با صدای رسا رجز می خواند و بی وقفه بر دشمنان می تاخت تا آن که در محاصره سنگین قرارگرفت و ابوالعادیه ملعون ضربت کشنده ای بر او وارد نمود که توان مقاومت را از او سلب کرد، با همان حال به اردوگاه برگشت و آب طلبید. غلامش قدح شیری برایش آورد. تا چشم عمّار به قدح شیر افتاد، !گفت: «صدق رسول الله ۹» از او سؤال کردند، گفت: «پیامبر اسلام به من فرمود که آخرین روزی تو از دنیا شیر خواهد بود.»(۱)

آن شیر را نوشید. آن گاه با بال خونین شهادت در سن ۹۰ یا ۹۱ و یا ۹۳ سالگی تا جوار رحمت حق پرواز کرد. «... عِندَ رَبّهِم یرزَقُون.» [اگرچه در برخی از کتب عُمر او را ۷۳ سال نوشته اند که ظاهراً ضعیف است.]

امیرالمؤمنین علیه السلام و یاران آن حضرت در کنار پیکر آن بزرگ مرد جمع شدند و به سوگ نشستند. أمیرالمؤمنین علیه السلام بر او نماز خواند و پیکر خون بار او را بدون غسل در همان معرکه به خاک سپرد که

۱- - منتهی الامال :۱/۲۴۰-۲۴۱.

ص: ۲۳۴

امروزه بارگاه باشکوه او زیارتگاه مسلمانان است.(۱) (زیارت نامه در صفحه ی۲۸۶ کتاب حاضر)

(۳) مرقد و بارگاه اویس قرنی

در سمت چپ مرقد عمار در شبستانی دیگر مرقد پاک سهیل یمن و آفتاب قرن، «اویس قرنی رحمه الله » یکی از برترین صحابه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و شیعه أمیرالمؤمنین علیه السلام قرار دارد که بر فراز قبر او نیز گنبد بلندی وجود دارد.(۲)

اویس قرنی یکی از بهترین عبّاد و زهّاد بود که برخی از شب ها را به رکوع و برخی از شبها را به سجده سپری می کرد و ! می گفت: «ای کاش از ازل تا ابد یک شب می بود و من آن را با یک سجده به پایان می رساندم.»(۳)

! از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که به اصحاب خویش فرمود: «بشارت باد شما را به مردی از امّت من که او را اُویس گویند، همانا او مانند ربیعه و مضر را شفاعت می کند.»(۴)

۱- - همان و مروج الذهب: ۲/۳۸۰.

۲- - مروج الذهب:۲/۱۱۸

۳- - منتهی الامال: ۱/۳۶۷

۴- - منتهی الامال: ۲/۳۶۶

ص: ۲۳۵

! و نیز از آن حضرت روایت شده است: «یَفُوحُ رَوائِحُ الجَنَّهِ مِن قِبَلِ القَرَنِ، وَا شَوقَاهُ إلَیکَ یَا اُوَیسُ القَرَنِ.»(۱)

- پیامبر صل الله علیه و آله و سلم: «بوهای بهشت از جانب قرن می وزند چه اشتیاقی به سوی تو ای اُویس قرنی.»

! و نیز می فرمود: «هر که او را ملاقات کرد سلام مرا به او برساند.»

و او یکی از صد نفری بود که در صفّین با أمیرالمؤمنین علیه السلام به تقدیم خون قلب شان بیعت کردند.(۲)

اویس قرنی دارای اوصاف فراوانی است که به همین مختصر بسنده شد. (زیارت نامه در صفحه ی۲۸۷ کتاب حاضر.)

نکته قابل توجه

قابل توجه این که در اسکندریه و دیار بکر مرقد و مقبره ای منسوب اُویس قرنی رحمه الله است اما این روایت یا این آثار به نام او قابل قبول نیست زیرا به اتفاق مورخین، او در جنگ صفین شهید شده است و همانند سایر شهدای صفین در همان جا دفن شده است.

۱- - منتهی الامال: ۲/۳۶۶

۲- - منتهی الامال: ۲/۳۶۶

ص: ۲۳۶

(۴) محل دفن شهدای صفین

بدون تردید هزاران نفر (حدوداً ۲۵۰۰۰ نفر) از مؤمنان مخلص و فداکار در رکاب أمیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفّین به دست شقی ترین انسان ها به شهادت رسیدند و عدّه ای از آنان در آن سرزمین با بدن های خونین دفن و در جوار رحمت بی منتهای خداوند آرمیده اند، اما حرم و بارگاه، نام و نشان ظاهری از آنان وجود ندارد، درود خداوند بر آن پاکبازان راه حق و عدالت. (زیارت نامه شهدا در صفحه ی ۲۸۲ کتاب حاضر.)

(۵) مقبره منسوب به اُبی بن کَعب

در سمت چپ قبر اُویس قرنی در داخل شبستان، مقبره ای وجود دارد که به نام اُبی بن کعب مشهور شده است امّا بدون تردید واقعیت ندارد؛ زیرا که نام اُبی بن کعب در جمع شهدای صفین ذکر نشده است و از منابع مهم تاریخی به دست می آید که او در مدینه از دنیا رفت و در داخل خانه خود که در کنار قبر عقیل قرار داشت دفن شد و در همان جا مسجد ابی بن کعب بود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در آن نماز خوانده است.(۱)

۱- – نزهه الناظرین : ۲۸۰ ، آثار اسلامی مکه و مدینه: ۳۵۰ و اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه: ۱۹۹

ص: ۲۳۷

ممکن است که این مقبره محل دفن یکی دیگر از یاران أمیرالمؤمنین علیه السلام باشد که در جنگ صفین شهید و در این نقطه دفن شده باشد.

ج- استان حِمص

اشاره

یکی از استان هایی که برخی از زیارتگاه های قابل توجه در آن وجود دارد، حمص است که به طور گذرا به آن پرداخته می شود:

(۱) مرقد قنبر غلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام

قنبر انسان پرهیزگار، شجاع، با شهامت و شیعه مخلص أمیرالمؤمنین علیه السلام بود که همواره در خدمت آن بزرگوار بود.

قنبر در اواخر عمر پربار خویش در شام زندگی می کرد و شاهد ستم های دشمنان اهل بیت علیهم السلام به ویژه حَجّاج علیه شیعیان أمیرالمؤمنین علیه السلام بود تا نوبت به خود او رسید.

تاریخ نگاران نوشته اند که روزی حجاج به یارانش گفت: امروز می خواهم یکی از اصحاب علی علیه السلامرا به قتل برسانم، آنان گفتند: کسی بهتر از قنبر غلام علی علیه السلام سراغ نداریم. حَجاج او را احضار کرد و به او گفت: قنبر تویی؟ گفت: بلی. گفت: تو در خدمت علی علیه السلام چه می کردی؟ گفت: در خدمت او بودم. آب وضوی او را

ص: ۲۳۸

حاضر می کردم و... حجاج گفت: از دین علی علیه السلام بیزاری خود را اعلام کن.

قنبر: دین بهتری برایم بیاور تا دست از دین علی علیه السلام بردارم.

حجاج: چه خواهی کرد اگر سر از بدنت بردارم؟

قنبر: آن گاه من سعادتمند خواهم بود و تو شقی.

! و أمیرالمؤمنین علیه السلام به من فرمود: «... تو را بدون جرم و گناه همانند گوسفند سر خواهند برید.»

آنگاه حجاج در حال خشم و غضب دستور داد تا قنبر را گردن زدند.(۱)

پس ازشـهادت بـدن مبارک آن یار و غلام وفادار علی علیه السـلام در حمص به خاک سپرده شـد. امروزه مرقد او یکی از زیارتگاه های مشهور است.

(۲) ابو حمراء هلال بن حرث

یکی از غلامان با اخلاص پیامبر اکرم۹ و شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام هلال بن حرث است که از سرزمین ایران بوده و در

۱- - منتهی الآمال:۱/۳۹۳ و برخی کتب دیگر.

ص: ۲۳۹

خدمت حضرت علی علیه السلام به عنوان خزانه دار بیت المال بود و در شام در حمص وفات کرد و در همان جا دفن گردید.(۱)

(۳) مقبره ثوبان

یکی از غلامان پیامبر صل الله علیه و آله و سلم ثوبان بود که افتخار خدمت گزاری پیامبر صل الله علیه و آله و سلم را داشت و در سال ۴۵ ه ق رحلت کرد و در حمص به خاک سپرده شد.

(۴) مسجد و مقبره خالد بن ولید

یکی از آثار شهر حمص مسجد خالد بن ولید و مقبره اوست.

خالد که در اواخر عمر خویش شام را برای زیستن برگزیده بود، در سال (۲۱ ق) از دنیا رفت و در محل کنونی به خاک سپرده شد.

مسجد بزرگ خالد دارای پنج گنبد زیبا و مأذنه ای بلند است. در گوشه شمال غربی شبستانِ مسجد، قبر او قرار دارد که قبه جالب و ضریح نقره ای با پایه ها و دیوارهایی از سنگ مرمر با معماری اسلامی و رومی وجو دارد و در همین مکان همسر خالد و پسر او عبد الرحمان نیز دفن شده اند. اما برخی از تاریخ نویسان این قبر را از خالد بن یزید

۱- – آرامگاه های خاندان پاک پیامبر(ص): ۱۰۳.

ص: ۲۴۰

بن معاویه دانسته اند و بر این باورند که قبر خالد بن ولید در دو کیلومتری حمص قرار دارد.(۱)

(۵) سفینه، مهران بن فروخ

یکی از غلامان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که در حمص به خاک سپرده شده است، سفینه، مهران بن فروخ می باشد که ایرانی تبار است و سال هایی از عمر خویش را در خدمت پیامبر صل الله علیه و آله و سلم سپری کرد.

(۶) مرقد فرزندان جعفر طیار رحمه الله

کمی بالاتر از جامع خالد، به فاصله ۳۰۰ متری، مسجدی به نام جامع طیار معروف است. در شبستان این مسجد دو قبر وجود دارد که تابلویی بر بالای آن نام عبد الله و عبیدالله را به عنوان شهید نشان می دهد، اما در تاریخ از جعفر طیار یک فرزند به نام عبد الله ثبت شده است که شوهر حضرت زینب علیهما السلام بود و در بقیع به خاک سپرده شده است. ممکن است این قبور از نوادگان حضرت جعفر طیار باشد.(۲)

۱- – معجم البلدان : ۲/۲۰۳.

۲- – اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه : ۲۱۵.

ص: ۲۴۱

(۷) مسجد و مقبره عمر بن عبدالعزیز

اشاره

در فاصله کمی از مسجد طیار، مسجدی به نام عمر بن عبدالعزیز است که در داخل شبستانِ آن، مقبره او با نمای سنگی قرار دارد، اما برخی از تاریخ نگاران قبر او را در نزدیکی شهرک معره النعمان در اطراف حلب دانسته اند.

نیم نگاهی به کارنامه عمر بن عبدالعزیز

عمر بن عبدالعزیز که پس از فوت سلیمان بن عبدالملک در سال ۹۹ ه ق به خلافت رسید. در مدت دو سال و پنج ماه و پنج روز خلافت خود، کارهای شایسته ای انجام داد که برخی از این قرار است:

۱- فدک که حق فاطمه زهرا علیها السلام بود را به اهل بیت پیامبر مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برگرداند.

۲- سب و دشنام به أمیرالمؤمنین علی علیه السلام را که معاویه پایه گذاری و سنت کرده بود و تا زمان عمر بن عبدالعزیز رسماً رواج داشت، با تدبیر جالب از میان مردم برداشت و در سراسر قلمرو اسلام دستور داد که سبّ علی علیه السلام ممنوع و در جای آن آیه های «رَبَّنَا اِغفِر لَنا وَ لِإخوَانِنا اَلَّذِینَ سَبَقُونَا بِالإیمَان» (۱) و «إِنَّ اللّهَ یأمُرُ بِالعَدلِ وَ الِاحسَانِ»(۲) را در خطبه ها بخوانند.(۳) [و بدون تردید

۱- - سوره حشر:۱۰.

۲- - سوره نمل :۹۰.

۳- - مروج الذهب : ۳/۲۲۴.

ص: ۲۴۲

امیرالمؤمنین علیه السلام اولین مردی بود که اسلام خویش را در محضر پیامبر صل الله علیه و آله و سلم اظهار کرد.]

۳- او عمّال بنی امیّه را عزل کرد و افراد صالح و شایسته را به جای آنان منصوب کرد.(۱)

۴- به فرماندار خود در مدینه منوره دستور داد که ده هزار دینار در بین اولاد أمیرالمؤمنین علی علیه السلام توزیع کند.(۲)

۵- در قلمرو حکومت خویش به عدل و داد رفتار می کرد تا جایی که درباره او و یزید بن ولید گفته اند: «اَلنَّاقِصُ وَ الاَشَجُّ أعدَلا بَنِی مَروَان»(۳)

۶- در دوران خلافت خود، اهل بیت علیهم السلام و شیعیان را نه تنها معترض نشد که مورد لطف و احسان ویژه قرار می داد.(۴)

۷- تشریفات بی جا، ریخت و پاش ها، اسراف و تبذیرهای معمول طاغوتی و... را تا حدودی از بین برد.

اما چه سود که خلافت غصب شده را به صاحب اصلی آن، امام محمّد باقر علیه السلام، تحویل نداد و غاصبانه همانند گذشتگانش بر آن

۱- - تتمه المنتهی: ۱۴۵.

۲- - مروج الذهب: ۳/۲۲۷.

۳- - شفاء الصدور: ۱/۳۶۴.

۴- - تاریخ الخلفاء :۲۳۱.

ص: ۲۴۳

جایگاه تکیه زد تا مرگش فرا رسید. ! و به فرموده امام باقر علیه السلام که فرمود: «عمر بن عبدالعزیز مرد در حالی که اهل زمین بر او درود فرستادند و اهل آسمان او را لعنت کردند.»

سرانجام عمر بن عبدالعزیز در ۳۹ سالگی پس از دو سال و پنج ماه و پنج روز خلافت، در ماه رجب سال (۲۱۰ ه ق) در «دیر سِمعان» از توابع «حِمص» از دنیا رخت بربست و در همان جا به خاک سپرده شد.(۱)

برخی بر این باورند که او را همانند معاویه دوم مسموم کردند. گفتنی است که بنی عباس پس از پیروزی بر بنی امیه، جنازه های آنان را از مقبره ها درآورده به آتش کشیدند اما متعرِّض قبر عمر بن عبدالعزیز نشدند.(۲)

(۸) مقبره تعدادی از صحابه

تاریخ نگاران نوشته اند که تعداد کثیری از صحابه و تابعین در حِمص رحلت کرده و در آن جا به خاک سپرده شده اند. در این نوشتار به منظور رعایت اختصار از بیان آن ها صرف نظر شد.

۱- – تاریخ الخلفاء :۲۴۶.

۲- – تتمه المنتهی : ۱۴۶

ص: ۲۴۴

د- استان سویدا

اشاره

سویدا یکی از مهم ترین استان های سوریه است که در جنوب این کشور واقع شده است؛ و از مهم ترین شهرهای این استان، شهرهای سویدا، بُصری و شهبا است و شهر بُصری در تاریخ اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

شهر بُصری در تاریخ اسلام

شهر بصری در جنوب دمشق به فاصله ۱۳۲ کیلومتری آن قرار دارد. این شهر همواره واسطه تجارتی شبه جزیره و شام بوده است. اولین برنامه تاجران شبه جزیره در این شهر بوده است سپس به دمشق می رفتند.

از آن جایی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حدود سی سال پیش از بعثت در یک سفر تجاری همراه عموی بزرگوارش حضرت ابوطالب علیه السلام در این شهر آمده و مورد توجه راهب قرار گرفته است، این شهر در نزد مسلمانان به ویژه تاریخ نگاران اسلامی دارای اهمّیّت و موقعیّت ویژه ای است.

کلیسای بُحیرای راهب «محل ورود پیامبر صل الله علیه و آله و سلم»

در کنار مخروبه های شهر بصری، دیوارهای بلند بدون سقف با دروازه آهنی مسدود قرار دارد که یادآور اوّلین سفر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

ص: ۲۴۵

در دوران نوجوانی همراه عموی باعظمتش حضرت ابوطالب علیه السلام در این جاست.

بحیرای راهب با دیدن علائم نبوت در چهره آن حضرت که خود در کتاب های آسمانی خوانده بود، حقیقتی را برای ابوطالب بیان کرد و به او سفارش نمود که از این نوجوان خوب نگه داری کند... .(۱)

سفر تجارتی پیامبر صل الله علیه و آله و سلم، دعوت راهب از کاروانیان، مذاکره ی او با پیامبر صل الله علیه و آله و سلم، بیان راز شگفت انگیز شخصیت و موقعیت آن حضرت را برای عمویش ابوطالب علیه السلام و سفارش های راهب در مورد نگه داری آن حضرت، خود تاریخ ارزنده و مفصّلی است که این مختصر، گنجایش آن را ندارد. پوینده ی حقیقت از کتب تاریخی می تواند استفاده کند.

مسجد مبرک یا ناقه «محل نشستن شتر پیامبر صل الله علیه و آله و سلم»

یکی از آثار قابل توجه شهر بصری مسجد مبرک است که حدود ۳۰۰ متر بالاتر از کلیسای بحیرای راهب قرار دارد.

مشهور است که شتر پیامبر صل الله علیه و آله و سلم در این محل بر زمین نشسته است و به همین جهت در جای آن مسجدی ساخته اند به نام مبرك و «مبرک» یعنی محل نشستن شتر. در داخل این مسجد شبستان کوچکی است که مردم در آن نماز می گزارند. در سمت راست این شبستان

۱- – سیره النبی :۱/۱۹۴.

ص: ۲۴۶

حجره ی کوچکی است که در داخل آن سنگی به ابعاد ۵ /۱*۵ /۱ متر وجود دارد که چهار گودال کوچک به اندازه زانو و پای شتر بر این سنگ دیده می شود. مردم محل می گویند: این گودال ها جای زانوهای شتر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. «والله العالم»(۱)

تا این جا زیارت های مهم و مورد توجّهی که در سرزمین سوریه قرار دارند با توجه به منابع موجود و تحقیقات میدانی مطرح شد؛ ضمن اظهار ناتوانی خویش از راهنمایی پژوهشگران مخلص، باکمال ادب استقبال خواهم کرد.

۱- - اماکن زیارتی و سیاحتی سوریه :۲۳۷.

ص: ۲۴۷

خاتمه

اشاره

پایان بخش کتاب حاضر مطالبی است به این شرح:

الف- یادآوری های مناسب و شایسته

۱- با عنایت به این که زیارت نامه های مشخص و مأثوری درباره ی زیارت پیامبرِ عظیم الشّأن اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ، ائمه ی طاهرین علیهم السلام ، و برخی از شخصیت های مهم همانند حضرت زینب علیها السلام ، حضرت ابی الفضل العباس علیه السلام، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و... روایت شده است که می توان از آن ها استفاده کرد و اما حضراتی را که زیارت نامه های مخصوصی برای آنان وارد نشده است می توان با زیارت نامه های عمومی به پیشگاه آنان عرض ارادت کرد و اساساً زیارت حاضر شدن زائر در محضر مزور با نیّت سالم است.

۲- برای آنانی که نماز زیارت تشریع شده است به همان روش بایست عمل کرد و برای سایرین به عنوان نماز زیارت نمی توان انجام داد اما می توان نماز را قربةً الی الله خواند و ثواب آن را هدیه کرد.

۳- استحباب غسل برای زیارت پیامبر صل الله علیه و آله و سلم، أئمه و حضرت زهرا علیهم السلام و برخی دیگر که در شریعت وارد شده است مستحب است و ثواب دارد اما برای بعضی از زیارت ها که غسل تشریع نشده است نباید غسل کرد.

ص: ۲۴۸

۴- آنچه که در کتب مراجع عالیقدر یا برخی از کتب دیگر درباره آداب زیارت مطرح شده است، رعایت آن مستحب و دارای اجر و پاداش خواهد بود. مؤمنان نباید به سلیقه خودشان چیزی را به حساب شرع بگذارند.

۵- برخی از زیارت نامه ها همانند زیارت نامه های رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم، جامعه کبیره، جامعه صغیره، زیارت امین الله علیه السلام، زیارت نامه های ایام هفته و... مورد توجه بوده و مستحب است که زائران از آن ها بهره بگیرند.

۶- زیارت نامه ها و دعاهای مأثوره را در خواندن و نوشتن نباید تغییر داد و دخل و تصرف در آن ها مجاز نیست و باید درست خوانده شود تا معنا تغییر نکند. [متأسفانه یک عدّه بسیّار بی توجّه هستند که نماز، قرآن و دعاها را طوری می خوانند که معنا کاملاً تغییر می کند و حتی کفر آمیز می شود مانند قدر را که غدر می خوانند یا آن که تشدید حروف را تلفظ نمی کنند.] اما در دعاها و سلام نامه های غیر مأثوره تا حدّی دخل و تصرّف مجاز است که معنا و مطلب مخالف شرع نباشد و انسان می تواند به عربی و غیر عربی راز و نیاز داشته باشد (دعا کند و سلام و زیارت داشته باشد).

۷- در زیارت، دعا، نماز، نذر نباید ریا کرد زیرا ریا شرک خفی، گناه بزرگ و نابود کننده اعمال است.

ص: ۲۴۹

۸- در کلیه زیارت ها افزون بر این که رضای خدا و اخلاص ضروری است از خرافات و برنامه های خلاف شرع و عقل جداً باید پرهیز کرد.

۹- برخی از امام زادگان که دارای مقام بس بلند و شخصیت فوق العاده هستند همانند حضرت زینب، حضرت ابوالفضل، سیّد محمد علیهم السلام و... شناخت آنان، زیارت شان و دعا برای آنان وظیفه ای است بس مقدّس و دارای پاداش والا و ارزنده.

۱۰- یکی از برترین جلوه های ارزنده در زیارت ها این است که زائران به نیابت والدین، اساتید، علما، شهدا، حق داران، سفارش کنندگان و... زیارت، دعا و طلب آمرزش کنند.

۱۱- خرج و مصرف زیارت ها را همانند سایر برنامه های دینی باید از پول حلال کرد. با مال حرام و با پولی که خمس، سهم و زکات آن داده نشده است نباید به زیارت رفت که نه تنها ثواب ندارد که خود معصیت دیگری خواهد بود.

۱۲- زیارت یک شعار خشک و بی روح نباید باشد؛ بلکه زیارت یک فرهنگ، یک اوج معنوی، یک سیر و سلوک و یک بندگی ویژه برای خداست. بنابراین از عمق ایمان، عقیده و با معرفت بایست انجام پذیرد.

۱۳- زیارت یک تعهد و تجدید پیمان با خدا و پیشوایان دین و ادای حقی است که در راستای فرمان خداوند انجام می شود.

ص: ۲۵۰

۱۴- زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، امامان معصوم، حضرت زهرا، خاندان رسالت و ذریه ی طیبه ی رسول خدا علیهم السلام یکی از مصادیق مودّت ذَوِی القُربی است که در قرآن تنها پاداش رسالت معرّفی شده است و بدون تردید درجات آن بستگی به کیفیّت ایمان و اخلاص زائر دارد.

۱۵- تنها زیارتی ارزنده و ثمربخش است که وسیله ی تقرب به خداوند و تحوّل آفرین باشد. و زائر پس از زیارت، این امانت و نورانیّت را باید حفظ کند و تا روز رستاخیز چراغ روشن راهش باشد .

۱۶- مستحب است که زائر از سفر زیارتی سوغات مناسب برای خانواده، بستگان و دوستانش بیاورد.

۱۷- آنچه که همواره بویژه در طول سفر اجتناب ناپذیر است، رعایت تقوا، امانت داری، صداقت، اخلاق نیک، برخورد سالم و منطقی و بردباری و تحمل است.

۱۸- سزامند است که زائران در طول سفر یادداشت های دقیق و پژوهشگرانه از زیارت ها، عملکردها و خاطره ها داشته باشند که فواید فراوانی خواهد داشت.

۱۹- مستحب است که زائران در زیارت های پایانی (زیارت وداع) از خداوند تکرار زیارت وتشرف را بخواهند.

۲۰- در بازگشت از زیارت ها از تشریفات، ریاکاری، خود نمایی و خرج های بی جا، باید پرهیزکرد و... .

ص: ۲۵۱

ب- برخی از اشعار و سروده ها

در این بخش بر اساس خواسته برخی از مداحان مخلص، سروده هایی درباره ی عقیله ی بنی هاشم، حضرت زینب و عمّه کوچک سادات حضرت رقیّه علیهم السلام ارائه شده است تا شاید برای زائران و مدّاحان سودمند باشد.

به یاد سرزمین شام

این جا محیط سوز و اشک و آه و ناله است این جا زیارتگاه زهرای سه ساله است این جا دمشقی ها گُل پژمرده دارند در زیر گِل مهمان سیلی خورده دارند این جا دل شب کودکی هجران کشیده گلبوسه بگرفته ز رگ های بریده این جا بهشت دسته گل های مدینه است این جا زیارتگاه کلثوم و سکینه است این جا زیارتگاه جبریل امین است این جا عبادتگاه زین العابدین است این جا ز چشم خود گلاب افشانده زینب این جا نماز شب نشسته خوانده زینب

ص: ۲۵۲

این جـا بخـاکش هر وجب دردی نهفته است این جـا سه ساله دختری بی شام خفته است این جا نخفته چشم بیـدار رقیه این جا حسـین آمـد بدیـدار رقیه این جا قضا بر دفتر هجران ورق زد این جا رقیه پرده یکسو از طبق زد این جا همای فاطمه پر واز کرده این جـا کبـوتر از قفس پرواز کرده این جـا شـرار از دامن افلاـک می ریخت زینب بر انـدام رقیّه علیهـا السـلام خـاک می ریخت

* * *

حضرت زینب علیها السلام

روشنگر نکته های عشقی زینب یک سینه پر از هوای عشقی زینب ای گُلبن سایه پرور چار امام پیغامبر خدای عشقی زینب هم عشق بلند پایه همراه تو بود هم عاطفه مثل سایه همراه تو بود

ص: ۲۵۳

ای سوره صبر هر کجا می رفتی هشتاد و چهار آیه همراه تو بود ای پر چم کربلا- به دوشت زینب فریاد علی است گل خُروشَت زینب هفتاد و دو داغ را تحمل کردی قربان دل بنفشه پوشت زینب ظهر عاشورا که عزم دیدن گل داشتی خنده بر لب خون به دل از چیدن گل داشتی آفتاب از هر طرف پر می زد و سر می کشید یا تو بی صبرانه شوق دیدن گل داشتی گلشن یاسین و آغوش پر از گل های یاس عطر جنت با خود از بوییدن گل داشتی پیش چشم نازنینت هر نفس جان می گرفت خاطرات خوش که از خندیدن گل داشتی بس که گل های تو دل ازحسن یوسف برده بود همچو گلچین اشتیاق چیدن گل داشتی نخل ها را غرق حیرت کرد در حال قنوت شوق ایثاری که در بخشیدن گل داشتی باغبانا در کنار خیمه گاه لاله ها

ص: ۲۵۴

اشک در چشم، از به خون غلطیدن گل داشتی سینه خورشید از دل واپسی آتش گرفت تشنه لب چون نیت بوسیدن گل داشتی می کنی شکر خدا از انتشار عطر عشق کی شکایت از به هم پا شیدن گل داشتی

* * *

رباعی

زینب! تو شمیم ناب عاشورایی گلواژه انقلاب عاشورایی همراه ستارگان و همسایه ماه هم سنگر انقلاب عاشورایی از جذبه عشق در نگاهت زینب ای آینه ها چشم براهت زینب بر هستی بیدادگران آ تش زد سوز سخنت و شعله آ هت زینب زینب ای شیرازه ام الکتاب ای به کام تو زبان بوتراب ای بیانت سر به سر طوفان خشم

ص: ۲۵۵

نوح می دوزد به طوفـان تو چشم در کلاـمت هیبت شـیر خـدا در زبانت ذوالفقار مرتضـی خطبه هایت کرد ای اخت الولی راستی را کار شمشیر علی جان ز تنها برده از اسکوتوا ای تو روح آیه لاتقنطوا

* * *

زینب الگوی صبر

آنکه نامش کرده عالم را مسـخّر زینب است آنکه وصـفش می ربایدهوش ازسـر،زینب است گر علی ابن ابی طالب بود الگوی صبر آن که صبرش بـا علی باشـد برابر زینب است گفت پیغمبر حسـینم هست کشتی نجـات بادبـان و محور و سـکان و لنگر زینب اسـت مادرش استاد دانشگاه صبر و عفت است فارغ التحصیل دانشگاه مادر زینب است یک دَر از درهای جنّت نام شد باب الحسین

ص: ۲۵۶

فاش می گویم کلید قفل آن در، زینب است آن که از ایراد نطقش کاخ استبداد را واژگون کرد بر سر قوم ستمگر زینب است زبان حال زینب علیها السلام در بازار شام

شامیان خنده به زخم جگر ما نزنید ساز باناله ی ذریه ی زهرا نزنید سرمردان خدا را به سر نیزه زدید مرد باشید دیگر سنگ به زن ها نزنید به زنان سنگ اگر بر سر بازار زدید دختران را به کنار سر بابا نزنید کشتن فاطمه بین در و دیوار بس است تازیانه به تن زینب کبری نزنید رقص و شادی جلو محمل زینب نکنید پای سرهای بریده به زمین پا نزنید گر به دیدار سر پاک حسین آمده اید این قدر دست به هنگام تماشا نزنید بگذارید برای شهدا گریه کنیم خنده بر داغ دل سوخته ی ما نزنید

ص: ۲۵۷

بر خوشه خورشید رسالت صلوات بر جلوه ی تابان امامت صلوات دردانه ی جانانه ی زهرا و علی علیهما السلام بر عمّه ی جانان سیادت صلوات بر جلوه ای از مریم عذرا صلوات بر پرتوی از عترت طاها صلوات بر وارث شایسته ی زهرا و علی علیهما السلام بر جان حسین، زینب کبرا صلوات بر اختر و ماه و آفتابش صلوات بر نسل سرافراز شهابش صلوات بر جامه ی سبز حسن و سرخ حسین بر زینب و بر مادر و بابش صلوات بر فصل بهار و گل و گلشن صلوات بر لاله و بر یاس و به سوسن صلوات بر ماه حسین و حسن و محسن و زینب بر نسل دو آیینه ی روشن صلوات بر عاشق دلداده ی یکتا صلوات بر صاف ترین شوکت حوّا صلوات بر آل علی و دودمان عمران علیهما السلام

ص: ۲۵۸

بر سرِّ علی، زینب کبرا علیهما السلام صلوات

* * *

به یاد حرم رقیّه علیها السلام

مرغ دلم خرابه شام آرزو کند تا با سه ساله دخترَکی گفتگو کند آن دختر که قبله ی ارباب حاجت است حاجت رواست هر که به این قبله رو کند تاریکی خرابه به چشمان اشکبار با رأس باب، شکوِه زجور عدو کند خونین چو دید رأس پدر را رقیه خواست با اشک خویش خون ز رخش شستشو کند خوابید در خرابه که تا کاخ ظلم را با ناله ی یتیمی خود زیر و رو کند

* * *

حضرت رقیه علیها السلام

ای تا به ابد شام بلا مدیونت

ص: ۲۵۹

ای جاری عصمت خدا در خونت هر چند شود روی تو از سیلی سرخ این رنگ خدا است بر رخ گلگونت

* * *

ای لاله ی چار ساله در هاله ی ناز امشب که پدر به دیدنت آ مد باز از روی طبق پرده به یک سوی مزن در شام سیه نیست به خورشید نیاز

* * *

من آن شمع سراپا آتشم کز ناله خاموشم رخم نیلی و اندامم کبود و خود سیه پوشم همیشه طفل کوچک جا، در آغوش پدر گیرد من ویران نشین رأس پدر باشد در آغوشم

* * *

چندی بود به غصّه و غم خو گرفته ام از غصّه سر به کُنده ی زانو گرفته ام بابا ببین که بر اثر ظلم اشقیا از فرط درد دست به پهلو گرفته ام

* * *

ص: ۲۶۰

بیا ای عمّه جان امشب ز مرگ خود خبر دارم هوای دیـدن روی پـدر را من بسـر دارم بگو وقت سـحر آینـد نزدم دختران شام که تا ثابت کنم بر مردمان من هم پدر دارم

* * *

پـدر را عمّه جان در خواب دیـدم هلال ماه نو در آب دیدم من از دیدار او بی تاب گشـتم پدر را همچو خود بی تاب دیدم سـروده هایی از مؤلف

بر جلوه ی جانـانه ی یزدان صـلوات بر گلشن خوشـرنگ بهـاران صـلوات بر خوشه ی خورشـید و به هر پرتو پاکش بر دخت علی حامی قرآن صلوات

گنجی در ویرانه

حسین جان ای مهِ اسرار زینب خرابه آمدی سردار زینب به شام غم همین غم خانه داری

ص: ۲۶۱

عجب گنجی در این ویرانه داری رسیدی از سفر ای جان خواهر بباید بنگری پیمان خواهر پیامت را به لوح دل نوشتم برای دختر زارت گریستم حسین جانم رقیه بی قرار است زِ داغ جانگدازت اشکبار است رقیه از غمت آه و فغان کرد سرت را در خرابه میهمان کرد ندارد میزبان جز جان شیرین به مهمانش دهد با قلب خونین خدایا میزبان با میهمان رفت به عشق سرورش سوی جنان رفت شکوهت را همه عالم بداند پیامت را «مدرسی» بخواند ۱۲/۹/۱۳۹۰ مدرسی

* * *

عیادت رقیه علیها السلام

در خرابه ی غمبار سبط مصطفی آمد

ص: ۲۶۲

بر عیادت طفلش سر ز تن جدا آمد چون سر حسین آمد در خرابه محشر شد از خرابه تا افلاک بانگ وا ابا آمد زینب ستمدیده با رقیه اش گفتا جان من به قربانت یار و مقتدا آمد عابدین بیا بنگر میزبان شده خواهر باب مهربان او از ره وفا آمد صورت پدر را چون رقیه محزون گفتُ و ای پدر جانم از چه این جفا آمد کی بریده رگهای گردن تو ای بابا بعد تو برای ما از ستم چه ها آمد آن رقیه ی مظلوم آخر از نفس افتاد ناله و فغان برخواست محشری به پا آمد آسمان همی گرید این زمین همی نالد عابدین از این غم ها قامتش دو تا آمد ۱۴/۹/۱۳۹۰ مشهد مقدس - مدرسی

ص: ۲۶۳

ج– برخی از زیارت نامه ها :

اشاره

در اخیر به عنوان حسن ختام دو نسخه از زیارت نامه ی امام زادگان و برخی از زیارت نامه های خوشه های خورشیدِ خاندان رسالت و امامت، حضرت زینب کبری علیها السلام ، حضرت رقیه، ام کلثوم، رأس الحسین، حضرت سکینه علیهم السلام و... ارائه شد تا مورد استفاده ی زائران عزیز قرار بگیرد، امید آن که نویسنده را در آن حرم های نورباران مشمول فیض و عنایت قرار داده سلام و ارادت مان را نیز ابلاغ نمایند.

پیش از آن که آن زیات نامه ها ارائه شود سلام نامه را که سروده ام تقدیم می کنم امید آن که مورد قبول عمّه ی سادات واقع شود.

ص: ۲۶۴

سلام نامه ی خوشه ی خور شید

السلام ای جلوه نور خدا السلام ای یادگار مرتضی السلام ای خوشه ارض و سما السلام ای برگ سبز آسمان السلام ای صفحه ی پاک سحر السلام ای پرده ی اسرار عشق السلام ای وارث بیت الحزین السلام ای کاروان سالار عشق السلام ای زرق و برق ذوالفقار السلام ای وارث فرهنگ ناب السلام ای قهرمان انقلاب السلام ای زاده ی ختم رُسُل السلام ای مادر صبر و صفا السلام ای یادگار هل اتی السلام ای وارث آل خلیل السلام ای داغدار مصطفی السلام ای نور چشم مصطفی السلام ای شوکت خیرالنّسا السلام ای بانوی آیینه ها السلام ای خوشه ای از کهکشان السلام ای آفتاب بحر و بر السلام ای خواهر سردار عشق السلام ای خطبه های آتشین السلام ای مادر دلدار عشق السلام ای کهکشان پرشرار السلام ای خوشه ای از آفتاب السلام ای پاره ی پاک شهاب السلام ای دخت زهرای بتول السلام ای خواهر مهر و وفا السلام ای پرتو عرش عُلاـ السلام ای رهگشای بی بدیل السلام ای غمگسار مرتضی

ص: ۲۶۵

السلام ای خوشه ی مهتاب خون السلام ای دخت زهرای جوان السلام ای جانگداز مجتبی السلام ای پرتو عشق حسین صدسلام ازعرش وکرسی وقلم السلام ای شاهد محراب خون السلام ای شاهد برگ خزان السلام ای وارث آلاله ها السلام ای آفتاب مشرقین بر تو باد ای وارث درد و الم

۲۲/۹/۱۳۹۰ مشهد مقدس- «مدرسی»

ص: ۲۶۶

إذن دخول حرم حضرت زینب علیها السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

بِإذنِ اللهِ وَ إذنِ رَسولِهِ وَ إذنِ مَلائِکَتِهِ المُقَرَّبِین وَ أنبِیائِهِ المُرسَلِینَ وَ الأئِمَّهِ المَعصُومِینَ،وَ بِإذنِ « السَّیِّدَهِ زَینَبَ الکُبری بِنتِ الإمامِ أمِیرالمُؤمِنینَ عَلَیهِ السَّلامُ»، أدخُلُ هذِهِ الرَّوضَهَ المُبارَکَه، وَ أدعُوَ اللهَ بِفُنُونِ الدَّعَواتِ، وَ أعتَرِفُ لِلّهِ بِالعُبُودِیَّهِ، وَ لِلنَّبِیِّ و الأئِمَّهِ بِالطّاعَهِ، رَبِّ أدخِلنِی مُدخَلَ صِدقٍ، وَ أخرِجنِی مُخرَجَ صِدقٍ، وَ اجعَل لِی مِن لَدُنکَ سُلطاناً نَصِیراً .

توجه: این اذن دخول در حرم هر یکی از امام زادگان خوانده می شود و نام آن امام زاده را بایست ذکر کرد. مثلًا در زیارت نامه حضرت رقیه علیها السلام این گونه گفته می شود:

«وَ بِإذنِ السَّیِّدَهِ رُقَیَّهَ بِنتِ الحُسَینِ الشَّهیدِ»

ص: ۲۶۷

زیارت نامه مخصوص حضرت زینب (سلام الله علیها)

B;B

أَلسَّلامُ عَلَیکِ یا بِنْتَ بِضْعَهِ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ سَیِّدِ المُرسَلینَ، أَلسَّلامُ عَلَیکِ یا سُلالَهَ مَنْ لاتُحْصی فَضآئِلُهُ وَ لاتُسْتَقصی مَناقِبُهُ، أَلسَّلامُ عَلَیکِ یانَبْعَهَ المَبْعوثِ بِالرِّسالَهِ وَ مُنْقِذِ العِبادِ مِنَ الجَهالَهِ وَ حَیرَهِ الضَّلالَهِ وَ العَظیمِ المُظَلَّلِ بِالغَمامِ وَ النُّورِ المُهْتَدای بِهِ فی اللّیالی وَ الأَیّامِ حَبیبِ إِلهِ العالَمینَ سَیِّدِنا أَبی القاسِمِ مُحَمَّدِ بنِ عَبْدِاللهِ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ . أَلسَّلامُ عَلَیکِ یَا ابْنَهَ سَیِّدِ الأَوْصِیآءِ وَ رُکنِ الأَوْلِیآءِ وَ عِمادِ الأَصْفِیآءِ أَمیرِالمُؤمِنینَ وَ یَعسوبِ المُتَّقینَ وَ قُدْوَهِ الصِّدیقینَ وَ إِمامِ الصّالِحینَ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ. أَلسَّلامُ عَلَیکِ یَا ابْنَهَ أَفْضَلِ الأَوْلِیآءِ وَ أَوَّلِ السّابِقینَ لِدینِ اللهِ وَ أَوْفاهُم لِرَسولِ اللهِ، أَلسَّلامُ عَلَیکِ

ص: ۲۶۸

یاابْنَهَ صاحِبِ بَیْعَهِ یَوْمِ الغَدیرِ وَ المُشْتَقُّ اسْمُهُ مِنْ إسْمِ العَلِیّ القَدیرِ قآئِدِ البَرَرَهِ وَ قاتِلِ الکَفَرَهِ وَقامِعِ الفَجَرَهِ وَ المَنْدوبِ فِی الشَّدآئِدِ وَ المَشْهُودِ بِحَقِّهِ فِی مُخْتَلَفِ المَشاهِدِ وَمَنْ أَخلَصَ لِلّه تَعالی بِقَلْبِهِ وَ لِسانِهِ وَ نَصَرَ الحَقَّ بِسَیْفِهِ وَ سِنانِهِ. أَلسَّلامُ عَلَیکِ یَا سَلیلَهَ السَّیِّدِ الأَکْبَرِ وَ الشّافِعِ بِیَوْمِ المَحشَرِ وَ السّاقی مُحِبّیهِ مِنْ نَهْرِ الکَوْثَرِ أَلسَّلامُ عَلَیکِ یَا بِنْتَ حَیْدَرِ الکَرّارِ وَ خَلیفَهِ المُخْتارِ وَ قَسیمِ الجَنَّهِ وَالنّارِ وَ صاحِبِ الحَوْضِ وَ حامِلِ اللِّواءِ فی یَوْمِ الجَزاءِ إِمامِ المُتَّقینِ أَمیرِالمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ، أَلسَّلامُ عَلَیکِ یَا مُهْجَهَ قَلْبِ البَتولِ وَ قُرَّهَ عَیْنِ الرَّسولِ یَا حَبیبَهَ خَیْرِ خَلقِ اللهِ وَ رَبیبَهَ بَیْتِ وَحیِ اللهِ وَ شَقیقَهَ السِّبْطَینِ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ وَ عَمَّهَ الأَئِمَّهِ المَیامینِ مِنْ آلِ طه وَ یاسینَ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ السَّلامُ عَلَی ابْنَهِ مَکَّهَ وَ مِنی وَ زَمْزَمَ وَ الصَّفا سَلامٌ عَلی مَنْ جَدُّها مُحَمَّدٌنِ المُصْطَفی وَ أَبُوها عَلِیٌنِالمُرْتَضی وَ

ص: ۲۶۹

أُمُّها فاطِمَهُ الزَّهْرآءِ سَیِّدَهُ النِّسآءِ السَّلامُ عَلَی ابْنَهِ الدَّلائِلِ الواضِحاتِ و الآیاتِ البَیِّناتِ وَ المُعْجِزاتِ الباهِراتِ وَ البَراهینِ الظّاهِراتِ السَّلامُ عَلَی المَوْلُودَهِ فی مَعْقِلِ العِصْمَهِ وَ التُّقی وَ مَهْبَطِ الوَحْیِ وَ الهُدی وَ المَوْرُوثَهِ عَظیم الفَضْلِ وَ النَّدی سَلامٌ عَلَی المَرأَهِ الصّالِحَهِ وَ المُجاهِدَه النّاصِحَهِ وَ الحُرَّهِ الأَبِیَّهِ وَ اللَّبْوَهِ الطّالِبِیَّهِ وَ المُعْجِزَهِ المُحَمَّدیَّهِ وَ الذَّخیرَهِ الحَیْدَرِیَّهِ وَ الوَدیعَهِ الفاطِمِیَّهِ السَّلامُ عَلی مَنْ أَطاعَتِ اللهَ تَعالی فی السِّرِّ وَ الْعَلَنِ وَ تَحَدَّتْ بِمَواقِفِها أَهْلَ النِّفاقِ وَ الفِتَنِ السَّلامُ عَلی مَنْ أَرْهَبَتِ الطُّغاهَ فی صَلابَتِها وَ أَدْهَشَتِ العُقُولَ بِرَباطَهِ جَأْشِها وَ مَثَّلَتْ أَباها عَلِیّاً بِشَجاعَتِها وَأَشْبَهَتْ اُمَّهَا الزَّهْرآءِ فی عَظَمَتِها وَبَلاغَتِها السَّلامُ عَلَی المَنْسوبَهِ لِاُسْرَهِ النُّبُوَّهِ وَ الْإمامَهِ وَ المَوْهُوبَهِ وِسامَ الشَّرَفِ وَ الْمَجْدِ وَ الکَرامَهِ السَّلامُ عَلی مَنْ رَضَعَتْ بِلُبانِ الإیمانِ وَ تَرَبَّتْ بِتِلاوَهِ القُرْآنِ فَشاعَ فَخْرُها بِکُلِّ زَمانٍ وَ مَکانٍ وَ یَتَمَجَّدُ بِإسْمِها لِسانُ کُلِّ إنْسانٍ

ص: ۲۷۰

السَّلامُ عَلى مَنْ حَباها الجَليلُ جَلَّ اسْمُهُ بِالصِّفاتِ الحَميدَهِ وَ زادَها قُوَّهً وَ ثَباتاً عَلَى الدّينِ وَ الْعَقيدَهِ وَ شَدَّ اللهُ عَزْمَها فى مَواطِنِ المِحَنِ الشَّديدَهِ وَ أَلهَمَها جَميلِ الصَّبْرِ وَ أ كْرَمَها جَزيلَ الأَجْرِ سَلامٌ على مَنْ أَحْيَتْ لَياليها بِالتَّهجُّدِ وَ الْعِبادَهِ فَنالَتْ مِنَ اللهِ أَعلى دَرَجاتِ السّعادَه سَلامٌ عَلى مَنْ أَولاهَا الإمامُ زَيْنُ العابِدينَ عَلَيْهِ السَّلام بِشهادَتِهِ إذْ قالَ مُخاطِباً لِعَمَّتِهِ : « أَنْتِ عالِمَهٌ غَيْرُ مُعَلَّمهٍ وَ فَهِمَهٌ غَيْرُ مُفَهَّمَهٍ » سَلامٌ عَلَى الاُخْتِ الَّتى واسَتْ أَخاها فى مُهِمَّتِهِ وَ شارَكَتْهُ فى نَهْضَتِهِ وَ تَباهَتْ بِالإسْلام وَ عِزَّتِهِ سَلامٌ عَلى مَنْ ناصَرَتِ الحُسَيْنَ فى جِهادِهِ وَ لَمْ تَضْعُفْ عَزيمَتُها بَعْدَ اسْتِشْهادِهِ سَلامٌ عَلى قَلْبِ زَيْنَبِ الصَّبُورِ وَ لِسانِهَا الشَّكُورِ سَلامٌ عَلى مَنْ تَظافَرَتْ عَلَيْهَا المَصآئِبُ وَ الكُرُوبُ وَ ذاقَتْ مِنَ النَّوآئِبِ ما تَذُوبُ مِنْهَا القُلُوبُ سَلامٌ عَلى مَنْ تَجَرَّعَتْ غُصَصَ الآلامِ وَ المَآسى وَ ما لاتَقوى عَلَى احْتِمالِهَا الجِبالُ الرَّواسى فَأَصبَحَتْ لِلبَلايا

ص: ۲۷۱

قِبلَتَها وَ لِلرَّزایا کَعْبَتَها سَلامٌ عَلی مَنْ شاطَرَتْ اُمَّها الزَّهْراءَ فی ضُرُوبِ المِحَنِ وَ الأرْزآءِ وَ دارَتْ عَلَیها رَحَی الکَوارِثِ وَ البَلآءِ یَوْمَ کَرْبَلآءَ سَلامٌ عَلی مَنْ عَجِبَتْ مِنْ صَبْرِها مَلآئِکَهُ السَّمآءِ سَلامٌ عَلی مَنْ فُجِعَتْ بِجَدِّها وَ أَبیها وَ اُمِّها وَ بَنیها وَ الخِیَرَهِ مِنْ أَهْلِها وَ ذَویْها أَبْکی عَلی زَیْنَبِ الکُبْری وَ کُرْبَتِها أبْکی عَلی زَیْنَبِ الثَّکْلی وَ غُرْبَتِها أبْکی عَلی زَیْنَبِ حُزْناً لِمِحْنَتِها أبْکی عَلی هَضْمِها مِنْ بَعْدِ عِزَّتِها أَبْکی عَلَی المَظْلُومَهِ الْغَریبَهِ أَبْکی عَلَی المَحْزونه الْکَئیبَهِ أَبْکی عَلی مَنْ داهَمَتْها الدُّنْیا بِالمَشاهِدِ الرَّهیبَهِ وَ لَمْ تَشْبَهْ مُصیبَتَها مُصیبَهٌ أَبکی عَلی مَن عایَنَتْ أَشْلآءَ الضَّحایا مُجَزَّرینَ عَلی صَعیدِ المَنایا وَ رَأَتْ مَصارِعَ الشُّهَدآءِ مِن عَشیرَتِها وَ إخوَتِها وَ بَنی عُمُومَتِها قَد فَرَّقَ السَّیفُ بَینَ الرُؤُسِ مِنهُمْ وَ الأَبدانِ وَ حَرارَهُ الشَّمْسِ قَد غَیَّرَتْ مِنهُمُ الألوانِ وَ بَینَهُمْ رَیحانَهُ المُصْطَفی سَیِّدُ شَبابِ أَهْلِ الجَنَّهِ صَریعاً عَلَی الرَّمضآءِ فَأَجْهَشَتْ بِالبُکآءِ وَ نادَتْ بِهذَا

ص: ۲۷۲

الـدُّعآءِ : « إلهی تَقَبَّلْ مِنَّا هـذَا القُربانَ » ثُمَّ انْثَنَتْ شاکِیَهً وَجْـدَها إِلی جَدِّها وَ هِیَ تَقُولُ: «یامحمَّداهُ ! هذا حُسَـیْنٌ بِالعَرآءِ مُرَمَّلٌ بِالدِّماَءِ مُقَطَّعُ الأَعْضـآءِ وَ بَناتُکَ سَـبایا وَ ذُرِّیَّتَکَ مُقَتَّلَهٌ أَبْکی عَلی مَنْ أَبْکَتْ کُلَّ عَـدُوٍّ وَ صِـدّیقٍ حَتّی جَرَتْ دُمُوعُ الخَیْلِ عَلی حَوافِرِها أبْکی عَلی مَنْ أبْعَـدَهَا الزَّمـانُ عَلَی الأَهْلِ وَ الأَوْطانِ وَ طافَ بِها الأَعْـدآءُ سَبِیَّهً فی البُلْـدانِ وَ سَـرَواْ بِها أسـیرَهً مِنَ الکُوفَهِ إِلَی الشّام بِجَمعٍ مِنَ الأرامِـلِ وَ الأَیْتام السَّلامُ عَلی عَزیزَهِ الصِّدّیقَهِ الزَّهْرآءِ وَ ابْنَهِ خَـدیجَهِ الکُبْری السَّلامُ عَلی مَن أَصـبَحَ حَرَمُها مَوْئِلَ آمالِ الآمِلینَ وَ مُلْتَقی وُفُودِ الزآئِرینَ وَ یَتَمَسَّکُ بِضَـریحِها جَمیعُ المُحِبّینَ وَ المُحْتـاجینَ وَ یَؤُمُّ قَبْرَها الخلآئِقَ فی کُلِّ حینٍ سَـلامٌ عَلی سَـیِّدَتِنا وَ مَولاتِنا زَیْنَبٍ بِنْتَ أَمیرِالمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بْنِ أَبی طالبٍ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ.

ص: ۲۷۳

سید علی ابن طاووس رحمه الله زیارنامه امامزادگان را به این صورت ذکر کرده اند؛ که برای زیارت هر امام زاده ای می توان از آن استفاده کرد.

متن زیارت نامه امام زادگان علیهم السلام

السَّلامُ عَلَیکَ أیُّهَا السَّیِّدُ الزَّکِیُّ، ألطّاهِرُ الوَّلِیُّ، وَ الـدَّاعِیُ الحَفِیُّ، أشْـهَدُ أنَّکَ قُلْتَ حَقّاً، وَ نَطَقْتَ حَقّاً وَ صِدْقاً، وَ دَعَوْتَ إلَی مَوْلَایَ وَ مَوْلاـکَ عَلانِیَّةً وَ سِـرّاً فَازَ مُتَّبِعُکَ وَ نَجا مُصَـدِّقُکَ،وَ خَابَ وَ خَسِـرَ مُکَـذِّبُکَ،وَ المُتَخَلِّفُ عَنْکَ، إشْـهَدْ لِی بِهَـذِهِ الشَّهَادَهِ لِأَ کُونَ مِنَ الفَائِزِینَ بِمَعرِفَتِکَ، وَ طاعَتِکَ، وَ تَصْـدِیقِکَ وَ اتِّباعِکَ، وَ السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَـیِّدی و ابْنَ سَـیِّدی، أنْتَ بابُ اللهِ المُؤْتَی مِنْهُ، وَ المَأْخُوذُ عَنْهُ أَتَیْتُکَ زَائِراً، وَ حَاجَاتِی لَکَ مُسْتَوْدِعاً وَ هَا أنَا ذَا أسْتَوْدِعُکَ دِیْنِی وَ أمَانَتِی، وَ خَوَاتِیمَ عَمَلِی، وَ جَوَامِعَ أَمَلِی، إلَی مُنْتَهَی أجَلِی، وَ

ص: ۲۷۴

السَّلامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ(۱) ضمائر در این جا مذّکر آمده اند و در نسخه بعدی مؤنّث.[همان برای طبقه اناث]

زیارت نامه حضرت رقیه علیها السلام (باضمائر مؤنث)

[از این زیـارت نـامه در زیـارت هر یک از دختران أئمه علیهم السـلام (امام زادگان زن) به عنوان یک أمر مسـتحب قربهً إلی الله می توان استفاده کرد.]

C P C

السَّلامُ عَلَیْکِ أیَّتُهَا السَّیِّدهُ الزَّکِیَّهُ، اَلطّاهِرَهُ الوَلِیَّهُ و الـدّاعِیَهُ الحَفِیَّهُ، أشْـهَدُ أنَّکِ قُلْتِ حَقّاً، وَ نَطقْتِ حَقّاً وَ صِدْقاً، وَ دَعَوْتِ إلی مَوْلایَ وَ مَولاکِ عَلانِیَهً و سِـرّاً، فازَ مُتَّبِعُکِ، وَ نَجا مُصَدِّقُکِ، وَخابَ وَخَسِـرَ مُکَذِّبُکِ، وَ المُتَخَلِّفُ عَنْکِ، اِشْـهَدِی لِی بِهذِهِ الشَّهادَهِ، لِأ کونَ مِنَ الفائِزِینَ بِمَعرِفَتِکِ وَ طاعَتِکِ، وَ تَصْدِیقِکِ وَاتِّباعِکِ، وَ السَّلامُ عَلَیْکِ یا سَیِّدَتی وَ ابْنَهَ

۱- – البحار: ۹۹/۷۱۵ و مصباح الزائر:۲۶۰

ص: ۲۷۵

سَیِّدِی، أنْتِ بابُ اللهِ المُؤْتی مِنْهُ، وَ المَأْخُوذُ عَنْهُ، أتَیْتُکِ زائِراً وَ حاجَاتِی لَکِ مُسْتَودِعاً، وَ ها أَنَا ذا أسْتَودِعُکِ دِینِی وَ أمانَتِی وَ خَواتِیمَ عَمَلِی، وَ جَوامِعَ أمَلِی إلی مُنتَهی أجَلِی، وَ السَّلامُ عَلَیْکِ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ.(۱)

باتوجه به فرهنگ مذهبی؛ علما فرموده اند: زیارت با معرفت پیامبران و امامان علیهم السلام مستحب و یک حق مسلم است، زیارت پیامبرزادگان، امام زادگان، صحابه پیامبراسلام و اصحاب امامان علیهم السلام با عنایت به تقوی و درجات ایمانی آنان مستحب و دارای اجر و پاداش فراوانی است؛ و نیز زیارت قبور مؤمنان و دعا و طلب آمرزش برای آنان.

زیارت نامه دیگری برای امام زادگان علیهم السلام

¢بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ¢

ألسَّلامُ عَلی جَدِّکَ المُصْطَفی، السَّلامُ عَلی أَبیکَ المُرْتَضی الرِّضا، السَّلامُ عَلی السَّیِّدَیْنِ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ، السَّلامُ عَلی خَدیجَهَ سَیِّدَهِ

۱- – البحار: ۹۹/۷۱۵

ص: ۲۷۶

نِساءِ العَالَمینَ، السَّلامُ عَلی فاطِمَهَ اُمّ الأئِمَّهِ الطّاهِرینَ، السَّلامُ عَلی النُّفُوسِ الفَاخِرهِ، بُحُورِ العُلُوم الزَّاخِرَهِ، شُفَعائی فِی الآخِرَهِ، وَ أَوْلِیائی عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ إلَی العِظامِ النَّاخِرَهِ أئِمَّهِ الخَلقِ وَ وُلاهِ الحَقِّ، ألسَّلامُ عَلَیْکَ أیُّهَا الشَّخْصُ الشَّرِیفُ الطّاهِرُ الکَریمُ أشْهَدُ أن لّا إلهَ إلّا اللهُ، وَ أنَّ محمَّداً عَبْدُهُ وَ مُصْطَفَاهُ، وَ أنَّ عَلِیاً وَلِیُّهُ وَ مُجْتَبَاهُ وَ أنَّ الإمامَهَ فی وُلدِهِ إلی یَوْمِ الدِّیْنِ، نَعْلَمُ ذلِکَ عِلْمَ الیَقینِ، وَ نَحْنُ لِذلِکَ مُعْتَقِدونَ وَ فی نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدونَ.(۱)

زیارت نامه مقام رأس الحسین علیه السلام

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

ألسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللهِ، ألسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ أمِیرِالمُؤْمِنِینَ، ألسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ الصِّدِّیقَهِ

۱- – البحار: ۹۹/۷۱۵ و مصباح الزائر:۲۶۱

ص: ۲۷۷

الطّاهِرَهِ سَیِّدهِ نِساءِ العالَمِینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا أباعَبْدِاللهِ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ، أشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أقَمْتَ الصَّلاهَ وَ آتَیْتَ الزَّکاهَ وَ أمَرْتَ بِالمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ المُنْکَرِ وَ تَلَوْتَ الکِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ وَ جاهَدْتَ فِی اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَ صَبَرْتَ عَلَی الأَذَی فِی جَنْبِهِ مُحْتَسِباً حَتّی أتاکَ الیَقِینُ، وَ أشْهَدُ أنَّ الَّذِینَ خالَفُوکَ وَ حارَبُوکَ وَ أنَّ الَّذِینَ خَذَلُوکَ وَ الَّذِینَ قَتَلوکَ مَلْعونُونَ عَلی لِسانِ النَّبِیِّ الأُمِّیِّ وَ قَدْ خابَ مَنِ افْتَرَی لَعَنَ اللهُ الظّالِمِینَ لَکُمْ مِنَ الأَوَّلِینَ وَ الآخِرِینَ وَ ضاعَفَ عَلَیْهِمُ العَذابَ الأَلِیمَ، أتَیْتُکَ یا مَوْلایَ یَابْنَ رَسُولِ اللهِ زائِراً عارِفاً بِحَقِّکَ مُوالِیاً لِأولِیائِکَ مُعادِیاً لِأَعْدائِکَ مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَی الَّذِی أَنْتَ عَلَیْهِ؛ عارِفاً بِضَلالَهِ مَنْ خالَفَکَ، فَاشْفَعْ لِی عِنْدَ رَبِّکَ.(۱)

۱- – مفتاح الجنات: ۳۷۳

ص: ۲۷۸

زیارت نامه حضرت سکینه دختر أمیرالمؤمنین علیه السلام

¢بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ¢

السّـلامُ عَلی أنبیَاءِ اللهِ المُرسَـلِینَ، اَلسَّلامُ عَلی مَلائِکَهِ اللهِ المُقَرَّبینَ، اَلسَّلامُ عَلی عِبادِ اللهِ الصّالِحِینَ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ یَا رَسُولَ اللهِ، خَاتَم النَّبِیِّینَ وَ عَلی اَهـلِ بَیتِکَ الطَّیِّبینَ الطَّاهِرینَ، اَلسَّلامُ علیکِ یَا بِنتَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلیکِ یا بِنتَ فاطِمهَ الزَّهراءِ، اَلسَّلامُ علیکِ یَا بِنتَ خَدِیجَه الکُبرَی، اَلسَّلامُ عَلیکِ یَا بِنتَ اَمیرِالمُؤمِنینَ، اَلسَّلامُ عَلیکِ یَا أُختَ الحَسَنِ وَ الحُسَـینِ، اَلسَّلامُ علیکِ یَا بِنتَ وَلِیِّ اللهِ، اَلسّلامُ علیکِ یَا اُختَ وَلِیِ الله، اَلسَّلامُ عَلَیکِ یَا عَمَّهَ وَلِیِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَیکِ یَا سُکَینَهُ بِنتُ الإمَام عَلِیٍّ بنِ اَبی طَالِبٍ وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ. أَسأَلُ اللهَ أن یُّرِیَنَا فِیکُمُ السُّرُورَ وَ الفَرَجَ، وَ أن یَّجمَعَنَا وَ إیّاکُم فِی زُمرَهِ جَدِّکُم مُحَمَّد صلَّی اللهُ علیهِ وَ آله و سَلَّمَ، وَ أن لَّا یَسلُبَنَا

ص: ۲۷۹

مَعرِفَتِکُم إِنَّهُ وَلِیٌّ قَدِیرٌ. اَللّهُمَّ تَقَبَّل مِنّا بِکَرَمِکَ وَ عِزَّتِکَ وَ بِرَحمَتِکَ، وَ صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ و آله اَجمَعینَ و سَلّم تسلیماً کثیراً.(۱)

زیارت نامه حضرت ام کلثوم دختر أمیرالمؤمنین علیه السلام

¢بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ¢

أَلسَّلامُ عَلَیْکِ یـا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ، أَلسَّلامُ عَلَیْکِ یـا بِنْتَ نَبِیِّ اللهِ، أَلسَّلامُ عَلَیْکِ یـا بِنْتَ أمیرالمُؤْمِنینَ، أَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ فاطِمَهَ الزَهْراءِ سَیِّدَهِ نِساءِ العالَمینَ، أَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا اُخْتَ الحَسَنِ المَسْمُوم، السَّلامُ عَلَیْکِ یا اُخْتَ الحُسَینِ الشَّهیدِ المَظْلُوم، السَّلامُ عَلَیْکِ وَ عَلی جَدِّکِ وَ أَبیکِ وَ اُمِّکِ وَ أَخَوَیْکِ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ. لَعَنَ اللهُ اُمَّهً قَتَلَتْکُمْ وَ اسْتَحَلَّتْ مِنْکُمْ المَحارِمَ وَ انْتَهَکَتْ فی قَتْلِکُمْ حُرْمَهَ الإسْلامِ، فَیا

۱- – راهنمای مصور:۱۱۵ و با کاروان شام ۲۰۰

ص: ۲۸۰

لَیْتَنا کُنّا مَعَکُمْ فَنَفُوزَ فَوْزاً عَظیماً وَ السَّلامُ عَلَیکِ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ.(۱)

زیارت نامه حضرت سکینه دختر امام حسین علیه السلام

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

أَلسَّلامُ عَلَیْکِ یـا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ، أَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنتَ أَمِیرِالمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طالِبٍ، أَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ فاطِمَهَ الزَّهراءِ سَیِّدَهِ نِساءِ العالَمینَ، أَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ الحُسَینِ الشَّهیدِ، السَّلامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الرَّضِیَّهُ المَرْضِیَّهُ، أَلسَّلامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الفاضِلَهُ الزَّکِیَّهُ، أَلسَّلامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا التَّقِیَّهُ النَّقِیَّهُ، فَیا لَیْتَنَا کُنّا مَعَکُمْ فَنَفُوزَ فَوْزاً عَظِیماً، أَلسَّلامُ عَلَیْکِ وَ عَلی آبائِکِ الطّاهِرینَ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ.(۲)

۱- – ادعیه و زیارات شام: ۲۰۷ و با کاروان شام:۱۳۱.

۲- – ادعیه و زیارات شام:۲۰۰ و با کاروان شام ۱۳۰

ص: ۲۸۱

زیارت نامه سرهای مطهر شهدا علیهم السلام

¢بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ¢

ألسَّلامُ عَلَی سَیِّدِنا وَ مَوْلانا رَسُولِ اللهِ محمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ، ألسَّلامُ عَلی سَیِّدِنا وَ مَوْلانا أمیرالمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بْنِ أبی طالِبٍ، ألسَّلامُ عَلَی الحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ ألسِّبْطِ الشَّهیْدِ، ألسَّلامُ عَلَی الحُسَینِ بْنِ عَلِیٍّ سَیِّدِ الشُّهَداءِ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ الحُسَینِ الأ کْبَرِ، أوَّلُ شَهیدٍ بِکَرْبَلاءَ مِنْ أهْلِ بَیْتِ النُّبُوَّهِ، أشْبَهُ النَّاسِ خَلْقاً وَ خُلْقاً وَ مَنْطِقاً بِرَسولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ و آله و سلم، ألسَّلامُ عَلی أبِی الفَضْلِ العبّاسِ بْنِ أمیرالمُؤْمنینَ عَلَیهِ السَّلامُ قَمَرُ بَنی هاشِمَ وَ صاحِبُ لِواءِ الحُسَینِ عَلَیهِ السَّلامُ، ألسَّلامُ عَلی حَبیبِ بْنِ مَظاهِرِ الأسَدیِّ الصَّابِرِ المُجاهِدِ فی سَبیلِ اللهِ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ ألسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أنْصارَ أمیرِالمُؤْمِنینَ، ألسَّلامُ عَلَیْکُم یا أنْصارَ فاطِمَهَ الزَّهراءِ سَیِّدَهِ نِساءِ

ص: ۲۸۲

العَالَمینَ، أَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَنْصارَ أبی محمَّدٍ الحَسَنِ، أَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَنْصارَ أبی عَبْدِ اللهِ الحُسَینِ، أَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ، لا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ العَهْدِ مِن زِیارَتِکُم، وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ.(۱)

زیارت نامه شهدا علیهم السلام

¢بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ¢

السَّلامُ عَلیکُم أَیُّهَا الرَّبَّانِیُّونَ، أنتُم لَنا فَرَطٌ وَ نَحْنُ لَکُم تَبَعٌ وَ أنْصارٌ. أَشْهَدُ أَنَّکُمْ أنْصارُ اللهِ جَلَّ إسْمُهُ، وَ سادَهُ الشُّهَداءِ فِی الدُّنْیا وَ الآخِرَهِ، صَبَرْتُمْ وَ احْتَسَبْتُمْ، وَ لَمْ تَهِنُوا وَ لَمْ تَضْعُفُوا وَ لَمْ تَسْتَکینُوا، حَتّی لَقیتُمُ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلی سَبیلِ الحَقِّ وَ نَصْرِهِ، وَ کَلِمَهُ اللهِ التّامَّهِ، صَلَّی اللهُ عَلَیکُم وَ عَلی أَرْوَاحِکُمْ وَ أَبْدانِکُمْ وَ سَلَّمَ تَسْلیماً.

۱- – مفتاح الجنات: ۲ / ۲۶۲

ص: ۲۸۳

أبْشِرُوا رِضْوانَ اللهِ عَلَیکُم بِمَوْعِدِ اللهِ الَّذی لاخُلْفَ لَه، اللهُ تَعالی مُدْرِکٌ بِکُمْ ثَأرَ ماوَعَدَکُم إنَّهُ لایُخْلِفُ المیعادَ. أشْهَدُ أنَّکُمْ جاهَدْتُمْ فی سَبیلِ اللهِ، وَ قُتِلْتُمْ عَلی مِنْهاجِ رَسُولِ اللهِ صَلی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَ ابْنِ رَسُولِ اللهِ عَلَیْهِ السَّلامُ، فَجَزاکُمُ اللهُ عَنْ رَسُولِهِ وَ ابْنِهِ وَ ذُرِّیَّتِهِ أفْضَلُ الجَزاءِ، ألْحَمْد للهِ الَّذی صَدَقَکُمْ وَعْدَهُ وَ أراکُمْ ما تُحِبُّونَ.(۱)

زیارت نامه پیامبران علیهم السلام

¢بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ¢

ألسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللهِ، ألسَّلامُ عَلَیْکَ (یا فُلان = به جای کلمه فلان نام پیامبر مورد نظر را ذکرشود.) ألسَّلامُ عَلَیْکَ وَ عَلی رَسُولِ اللهِ محمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ، ألسَّلامُ عَلَیْکَ وَ عَلی جَمیعِ النَّبِیِّینَ وَ

۱- مصباح الزائر، ص ۲۱۲ به نقل از: المفید فی مزاره،۹۱.

ص: ۲۸۴

الْمُرْسَلِینَ وَ الْأَوْصِیاءِ الْمَرْضِیِّینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصّالِحینَ، أشْهَدُ لَقَدْ أدَّیْتَ ماحُمِّلْتَ وَ حَفِظْتَ مَا اسْتُوْدِعْتَ وَ بَلَّغْتَ عَنِ اللهِ کَما اُمِرْتَ وَ حَلَّلْتَ حَلالَ اللهِ وَ حَرَّمْتَ حَرامَهُ وَ أقَمْتَ أحْکامَهُ فَصَلَّی اللهُ عَلی رُوحِکَ الطَّیِّبِهِ وَ بَدَنِکَ الطّاهِرِ وَ حَشَرَنا اللهُ فی زُمْرَتِکَ تَحْتَ لِواءِ محمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمْ وَ أهْلِ بَیْتِهِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ وَ لاحَرَّمْنا بَرَکَتِکَ وَ رَزَقَنَا العَوْدَ إلی زِیارَتِکَ وَالسَّلامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ.(۱)

زیارت نامه همسران رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم که جز خدیجه همه در بقیع اند.

¢بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ¢

أَلسَّلَامُ عَلَیکُنَّ یَا زَوَجاتِ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیکُنَّ یَا زَوَجاتِ نَبیِّ اللهِ، اُمَّهَاتِ الْمُؤمِنِینَ وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ، اَللَّهُمَّ ارضَ عَنهُنَّ، وَ ارفَع

۱- – مفتاح الجنات: ۲ / ۲۴۷

ص: ۲۸۵

دَرَجاتِهِنَّ، وَ اَ کرِم مَقَامَهُنَّ، وَاَجزِل ثَوَابَهُنَّ، آمِینَ یَا رَبَّ العَالَمِینَ.(۱)

زیارت نامه حضرت هابیل فرزند حضرت آدم علیهما السلام

¢بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ¢

اَلسَّلامُ عَلَی آدَمَ صَفوَهِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَی هَابِیلَ بنِ آدَمَ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ وَ عَلَی رَسُولِ اللهِ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیکَ وَ عَلَی جَمِیعِ النَّبِیِّینَ وَ المُرسَلِینَ وَ الأَوصِیَاءِ المَرضِیِّینَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ، اَللَّهُمَّ احشُرنَا فِی زُمرَهِ الأَنبِیَاءِ، تَحتَ لِوَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَی الله عَلیهِ وَ آلهِ وَ سَلَّم وَ أَهلِ بَیتِهِ عَلَیهِمُ السَّلاَمُ، اَللَّهُمَّ لاَ تَحرِمنَا بَرَکَتَکَ وَ ارزُقنَا العَودَ إِلَی زِیَارَتِهِ، وَ السَّلاَمُ عَلَیهِ وَرَحمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ.(۲)

۱- – ادعیه و آداب حرمین: ۲۳۸ و با کاروان شام:۱۶۵

۲- –مفتاح الجنات: ۲ / ۲۴۷

ص: ۲۸۶

زیارت نامه عمار یاسر رحمه الله

¢بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ¢

أَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللهِ، أَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا أَمینَ اللهِ محمَّدَ بْنَ عَبْدِاللهِ، أَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ الوَصِیِّینَ وَ حُجَّةِ اللهِ عَلَی النّاسِ أَجْمَعینَ، أَلسَّلامُ عَلی فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَیِّدَةِ نِساءِ العَالَمینَ، أَلسَّلامُ عَلَی الحَسَنِ وَ الحُسَینِ سَیِّدَیْ شَبابِ أَهْلِ الجَنَّةِ، أَلسَّلام علی أَئِمَّةِ الطّاهِرینَ مِنْ وُلْدِ أَمیرِالمُؤمِنینَ، أَلسَّلامُ عَلَیکَ یا عَمّارُ بنُ یاسِرٍ، أَلسَّلامُ عَلَیکَ یا ناصِرَ الإِسْلام، أَلسَّلامُ عَلَیکَ یا رافِضَ الأَسْنام، أَلسَّلامُ عَلَیکَ یابنَ أَوَّلِ الشَّهیدَهِ فِی الإِسْلام، أَلسَّلامُ عَلَیکَ یافَخْرَ المُؤْمِنینَ، أَلسَّلامُ عَلَیکَ یا ناصِرَ رَسُولِ رَبِّ العالَمینَ، وَ وَصِیِّهِ عَلیٍّ أَمیرِالمُؤمِنینَ، أَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیُّهَا المُخْلَصُ فی جِهادِ الباغینَ وَ المُحامی عَنْ أَمیرِالمُؤْمِنینَ علیه السلام، أَلسَّلامُ عَلَیکَ وَ عَلی

ص: ۲۸۷

جَمیعِ الشُّهَداءِ وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ وَ صَلّی اللهُ عَلی محمَّدٍ وَ آلِ محمَّدٍ وَالحمدُ للهِ رَبِّ العالمینَ.(۱)

زیارت نامه اُوَیس قرنی رحمه اللّه

¢بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ¢

ألسَّلامُ عَلَیکَ یَا رَسُولَ اللهِ، ألسَّلامُ عَلَیکَ یَا أمِینَ اللهِ محمدُ بنُ عَبدِاللهِ، ألسَّلامُ عَلَیکَ یَا سَیِّدَ الوَصِیِّینَ وَ حُجَّهَ اللهِ عَلَی النَّاسِ أجمَعِینَ، ألسَّلامُ عَلَی فاطمَهَ الزَّهراءِ سَیِّدَهِ نِساءِ العَالمَینَ، ألسَّلامُ عَلَی الحَسنِ وَ الحُسینِ سَیِّدَی شَبَابِ أهلِ الجَنَّهِ، ألسَّلام علَی الأَئِمَهِ الطَّاهِرینَ مِن وُلدِ أمیرالمُؤمنینَ، ألسَّلامُ عَلَیکَ یا اُوَیْسُ القَرَنِیُّ، ألسَّلامُ عَلَیکَ یا ناصِرَ الإسْلامِ، ألسَّلامُ عَلَیکَ یا مُطیعَ وَلِیِّ اللهِ، ألسَّلامُ عَلَیکَ وَ عَلی صاحِبِکَ عَمّارِ بنِ یاسِرٍ، سَیِّدِی وَ

۱- – ادعیه و زیارات شام: ۲۶۵ با تلخیص و اختصار

ص: ۲۸۸

مَولاى أَتَيتُكَ زائِراً وَ حاجَتِى لَكَ مُستَودِعاً، فَأَسألُ اللهَ الَّذِى أكرَمَكَ بِالشَّهادَهِ أن يَحشُرَنِى فِى مَرتَبَتِكُم يَومَ القِيامَهِ، أشهَدُ أنَّكَ قَد نَصَحتَ وَ جاهَدتَ حَتَّى استُشهِدتَ فَيا لَيتَنِى كُنتُ مَعَكُم سَيِّدِى فَأَفُوزَ فَوزاً عَظِيماً، وَ السَّلامُ عَلى جَمِيعِ شُهَداءِ الإِسلامِ وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ.(۱)

زیارت نامه حجر بن عدی و یارانش

﴿بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ﴾

ألسَّلامُ عَلَيكُم أيُّهَا الشُّهَداءُ الصّابِرُونَ، ألسَّلامُ عَلَيكُم أيُّها الأتقِياءُ الصّالِحُونَ، صَبَرتُم عَلَى عَظِيمِ البَلاءِ حَتَّى قَتَلتُم فِى حُبِّ سَيِّد الأوصِياءِ، وَ فُزتُم بِالدَّرَجاتِ العُلَى مَعَ الأنبِياءِ وَ المُرسَلِينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصِّدِّيقِينَ فَما أَعظَمَ مَقامَكُم وَ أَجَلَّ رُتبَتَكُم، صَبَرتُم عَلى حَدِّ السُّيُوفِ وَ شُربِ الحُتُوفِ وَ لَم تَبرَّؤُوا مِن ابنِ عَمِّ رَسُولِ اللهِ صَلَّى

۱- - ادعیه و زیارات شام: ۲۶۱

ص: ۲۸۹

اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم وَ لا ضَعُفتُم وَ لا وَهَنتُم و آثَرتُمُ الدّارَ الباقِیَهَ عَلَی الدّارِ الفانِیَهِ حَتّی قُتِلتُم صَبراً فِی سَبِیلِ اللهِ وَ نُصرَهِ ابنِ عَمِّ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم صابِرینَ مُحتَسِبینَ غَیرَ ناکِلِینَ وَ لا خائِفِینَ، فَلَعَنَ اللهُ مَن قَتَلَکُم وَ ظَلَمَکُم وَ استَحَلَّ مِنکُم المَحارِمَ وَ ضاعَفَ عَلَیهِمُ العَذابَ الألِیمَ، ألسَّلامُ عَلَیکُم یا أنصارَ اللهِ، ألسَّلامُ عَلَیکُم یا أنصارَ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، ألسَّلامُ عَلَیکُم یا أنصارَ أمِیرِالمُؤمِنِینَ عَلِیِّ بنِ اَبِی طَالِبٍ وَ أنصَارَ الإسلَامِ، ألسَّلامُ عَلَیکُمْ بِمَا صَبَرتُم فَنِعمَ عُقبَی الدَّارُ، رَزَقَنَا اللهُ مُرَافَقَتَکُم مَعَ الأَبرَارِ فِی جِوَارِ النَّبِیِّ المُختَارِ، مَعَ الأَئِمَّهِ الأَطهَارِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیهِم، وَ السَّلَامُ عَلَیکُم وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرکاتُهُ.(۱)

۱- – ادعیه و زیارات شام: ۲۵۷

ص: ۲۹۰

زیارت نامه بلال حبشی مؤذن پیامبر صل الله علیه و آله و سلم

¢بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ¢

ألسَّلامُ عَلَیکَ یا صاحِبَ رَسولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ مُؤَذِّنَهُ، ألسَّلامُ عَلَیکَ یا خِیَرَهَ الصّالِحینَ، ألسَّلامُ عَلَیکَ یا مَن کانَت سِینُهُ عِنـدَ اللهِ شِیناً، أَشـهَدُ أَنَّکَ آمَنتَ بِرَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهِ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم، وَ والَیتَ أَهلَ بَیتِهِ عَلَیهِمُ السَّلامُ وَ نَصَحتَ لَهُ وَ لَهُم فِی السِّرِّ وَ العَلَنِ، وَ مَضَیتَ عَلی مِنهاجِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ لَم تُغَیِّر وَ لَم تُبَدِّل، فَرَفَعَ اللهُ فِی الآخِرَهِ دَرَجَتَکَ وَ أَعلی مَقامَکَ وَ حَشَرَکَ اللهُ مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِم اَجمَعِینَ فِی أَعلی عِلّیینَ وَ حَشَرَنَا اللهُ مَعَکُم وَ لا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ العَهدِ مِنِّی لِزِیارَتِکَ، وَ السَّلامُ عَلَیکَ وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ.(۱)

۱- – ادعیه و زیارات شام: ۲۳۴ و مفتاح الجنات: ۲ / ۲۶۹

زیارت نامه فضّه، کنیز حضرت زهرا علیها السلام

¢بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ¢

ألسَّلامُ عَلَیکِ یا مَولاتِی وَ سَیِّدَتِی یا فِضَّهُ یا أَمَهَ فاطِمَهَ الزَّهراءِ عَلَیهَا السَّلامُ، ألسَّلامُ عَلَیکِ یا مُرَبِّیَهَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ عَلَیهِمَا السَّلامُ، ألسَّلامُ عَلَیکِ أَیَّتُهَا الفاضِلَهُ الرَّشیدَهُ، ألسَّلامُ عَلَیکِ أَیَّتُهَا الحَلِیمَهُ الکَرِیمَهُ، ألسَّلامُ عَلَیکِ عَرَّفَ اللهُ بَینَنا وَ بَینَکُم فِی الجَنَّهِ وَ حَشَرَنا فِی زُمرَتِکُم وَ سَقانا مِن یَدِ عَلیٍّ بنِ اَبی طالِبٍ، ألسَّلامُ عَلَیکِ وَ عَلی فاطِمَهَ الزَّهراءِ، ألسَّلامُ عَلَیکِ وَ عَلی النِّساءِ المَسبِیّاتِ، ألسَّلامُ عَلَیکِ وَ عَلی نِساءِ الأَئِمَّهِ الطّاهِرینَ وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرکاتُهُ، أللّهُمَّ اغفِرلِی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِلمُؤمِنینَ وَ المُؤمِناتِ، بِرَحمَتِکَ یا أَرحَمَ الرّاحِمِینَ.(۱)

۱- – ادعیه و زیارات شام: ۲۴۳

ص: ۲۹۲

زیارت نامه اسماء بنت عمیس، حمیده و میمونه

¢بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ¢

ألسَّلامُ عَلَیکِ یا مَولاتِی وَ سَیِّدَتِی یا أَسماءُ بِنتَ عُمَیسٍ وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرکاتُهُ. ألسَّلامُ عَلَیکِ یا مَولاتِی وَ سَیِّدَتِی یا حَمیدَهُ بِنتَ مُسلِمِ بنِ عَقِیلٍ وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ. اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا مَولاتِی وَ سَیِّدَتِی یا مَیمُونَهُ بِنتَ الإمامِ الحَسَنِ وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرکاتُهُ. ألسَّلامُ عَلَی الطّاهِراتِ الأَنسابِ الشَّرِیفاتِ الأَحسابِ، ألسَّلامُ عَلَی المُطَهَّرِینَ مِنَ العَیبِ وَ المُنَزَّهِینَ عَنِ الرَّیبِ، ألسَّلامُ عَلی شَجَرَهِ النُّبُوَّهِ وَ مَوضِعِ الرِّسالَهِ وَ مُختَلَفِ المَلائِکَهِ وَ مَهبِطِ الوَحیِ وَ التَّنزِیلِ، ألسَّلامُ عَلی آلِ طه وَ یس وَ ذُرِّیَّهِ سَیِّدِ المُرسَلینَ، ألسَّلامُ عَلی أَسماءَ وَ حَمِیدَهَ وَ مَیمُونَهَ بِنتِ إمامِنا الحَسَنِ عَلَیهِ السَّلام. أللّهُمَّ اجعَل سَعیَنا مَشکُوراً وَ ذَنبَنا مَغفُوراً وَ عَمَلَنا مَبرُوراً وَ مُوالاتَنا بِهِم حَمِیدَهً. أللّهُمَّ اغفِرلَنا وَ لِوالدَینا وَ

ص: ۲۹۳

لِأَهلِنا وَعَیالِنا وَ أَولادِنا وَ لِلمُؤمِنینَ وَ المُؤمِناتِ، بِرَحمَتِکَ یا أَرحَمَ الرّاحِمینَ وَ صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ عَلی آلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ.(۱)

زیارت نامه اهل قبور

¢بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ¢

! از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: هر که داخل قبرستان شود و بگوید:

أَلسَّلامُ عَلی أَهلِ لا إِلهَ إِلَّا اللهُ، مِن أَهلِ لا إِلهَ إِلَّا اللهُ، یا أَهلَ لا إِلهَ إِلَّا اللهُ، بِحَقّ لا إِلهَ إِلَّا اللهُ، کَیفَ وَجَدتُم قَولَ لا إِلهَ إِلَّا اللهُ، مِن لا إِلهَ إِلّا اللهُ، یا لا إِلهَ إِلّا اللهُ، إغفِر لِمَن قالَ لا إِلهَ إِلّا اللهُ، وَ احشُرنا فِی زُمرَهِ مَن قالَ لا إِلهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ رَسُول اللهِ، عَلِیٌّ عَلَیهِ السَّلامُ وَلِیُّ اللهِ. خداوند ثواب پنجاه سال

۱- – ادعیه و زیارات شام: ۲۲۸ و با کاروان شام: ۱۶۹

ص: ۲۹۴

عبادت برای او بنویسد و گناه پنجاه ساله را از او و پدر و مادرش محو گرداند .

! و نیز به سند صحیح روایت شده است: که عبدالله بن سنان به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: که بر اهل قبور چگونه باید سلام کرد؟ امام علیه السلام فرمود: این گونه به اهل قبور بایست، سلام کرد:

أَلسَّلامُ عَلی أَهلِ الدِّیارِ مِنَ المُؤمِنینَ وَالمُسلِمینَ أَنتُم لَنا فَرَطٌ وَ نَحنُ إِن شَاءَ اللهُ بِکُم لَاحِقُونَ.

! و از حضرت امام حسین علیه السلام روایت شده، هر که داخل قبرستان شود و بگوید:

اَللّهُمَّ رَبَّ الأَروَاحِ الفَانِیَهِ وَ الأَجسَادِ البَالِیَهِ وَ العِظامِ النَّخِرَهِ الَّتِی خَرَجَت مِنَ الـدُّنیا وَ هِیَ بِکَ مُؤمِنَهٌ أَدخِل عَلَیهِم رَوحاً مِنکَ وَ سَلاماً مِنِّی.

خداوند برای او به عدد آفرینش از زمان آدم تا رستاخیز پاداش بنویسد.(۱)

۱- – هدیه الزائر: ۴۶۵ و مفتاح الجنات: ۲ / ۲۷۵

ص: ۲۹۵

چند پیشنهاد مهم:

۱- اگر مراجع عالیقدر افزون بر کُتُب فتوایی شان توضیح مسائل سیاسی هم بنویسند منشأ تحول بزرگی در جهان بشریت خواهدشد.

۲- اکثر پژوهشگران دینی ما تنها به روایات برادران اهل سنّت استشهاد می کنند؛ در حالی که شیعه از منابع غنی و مهم، بهره ور است، بنابراین، اگر از منابع معتبر فریقین استفاده شود بسیار به جا خواهد بود.

۳- اگر علما و اندیشمندان جهان اسلام بسترسازی کنند که سالروز شهادت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم همانند دهه عاشورا گسترده و جوشان در جهان برگزار شود شایسته و دارای نقش مهمّ حیاتی خواهد بود.

۴- افزون بر تجلیل های موجود از انقلاب امام حسین علیه السلام شایسته است که پرچمداران جهان اسلام کنفرانس های بین المللی در تجلیل و تحلیل انقلاب کربلا و شناساندن شهدا و اسرای آن برگزار کنند تا بیشتر اثرگزار و ثمربخش باشد.

۵- با توجه به بیداری اسلامی، وقت آن رسیده است که کلامِ مقارن، تفسیرِ مقارن، فقهِ مقارن بویژه دراُمورِ سیاسی و نظامِ حکومتی و... توسط علما و اندیشمندان اسلامی ایجاد و مهم ترین قلّه ها فتح شوند.

ص: ۲۹۶

۶- وقت آن رسیده است که در کنفرانس های علمی – سیاسی، نامه های أمیرالمؤمنین به استاندارانش بویژه نامه ی آن حضرت به مالک اشتر به عنوان منشور حکومتی، تحلیل و تفسیر و به زبان های مهمّ دنیا ترجمه شوند، تا مورد توجّه و استفاده مجامع بین المللی سیاسی و علمی قرار بگیرند.

۷- با توجه به سلطه ی ماهواره، گسترش رسانه ها و توسعه ی شگفت انگیز ارتباطات و... نیاز جدّی به مسائل شرعی آن احساس می شود، که کلید حل آن به دست های توانمند مراجع عالی قدر است. (آری پاسخ مسائل مستحدثه آسان است، زیرا درِ اجتهاد باز است.)

قابل توجّه مبلّغان و مدّاحان

نکات قابل یادآوری برای مبلّغان و مدّاحان عالیقدر:

۱- باید فتوای مراجع تقلید در تمام برنامه های ما حاکم باشد تا اعمال عبادی مان باطل نشود.

۲- بیان اصول، فروع و احکام دین واجب و مداحی و عزاداری مستحب و ارزنده است. اهمّیت همه را بایست در نظر داشت. توجه نکردن به منابع، افراط و غلو سخت خطرناک است.

ص: ۲۹۷

۳- اهانت به پیشوایان برادران اهل سنت ناروا، اشتباه بزرگ و باعث نفاق است و عواقب خطرساز خواهد داشت.

۴- از اشعار شاعران عزیز بهره مند بایست شد اما از شعر نباید نثر ساخت که مبادا زبان حال تبدیل به مَقال گردد.

۵- در پایانِ اکثرِ مجالس به سه امام عرض سلام می شود، آیا پیامبر صل الله علیه و آله و سلم، حضرت زهرا و سائر ائمه علیهم السلام حق ندارند؟ لذا شایسته است که به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام به طور خلاصه عرض سلام شود.

۶- سزامند است که به جای کلمه ارباب پیش از اسامی پیامبر اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام از الفاظ آقا، مولا، سرور، امام و... استفاده شود. و نیز از گفتن کلمه خانم درباره حضرت زهرا و حضرت زینب علیهما السلام و... خودداری شود. درود بر شما سربازان حسین علیه السلام

با عرض پوزش ؛التماس دعا

مؤلف:سیّدمحمّدطاهر «مدرّسی»

منابع عمده ی تحقیق:

[تمام منابع در پاورقی آمده است اما در این جا منابع مهم و عمده ذکر شده اند.]

· ذکر منبع، دلیل تأیید مطلب نخواهد بود.

۱- قرآن عظیم الشأن.

۲- الإثار الاسلامیه و التاریخیه فی حلب، محمد اسعد، طلس، مطبعه الترقی، دمشق (۱۹۵۶ م)

۳- الإثار التاریخیه فی الدمشق، دار الطباع ۱۴۱۲ه ق.

۴- الِاحتِجاجِ لأبی منصور أحمد بن علی الطبرسی، نشر المرتضی- مشهد المقدس ۱۴۰۳ ه ق

۵- أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم لابی عبدالله محمد بن احمدبن بناء ابوبکر مقدسی بشاری (ت،۳۸۰ه) دار إحیاء التّراث العربی ۱۴۰۸ ه

۶- أخبار الزینبات، لابی الحسین یحی بن الحسن عبیدلی (م۲۲۱ه ق)

۷- الِاستِراتیجیّاتِ العَسکَریَهِ لِلحُروبِ العَرَبیهِ الِاسلامِیَّهِ، هیثم گیلانی، بیروت، مرکز الدّراسات الوحده العربیّه، ۱۹۹۱م

۸- أسدالغابه فی معرفه الصّحابه، لعلی بن عبدالکریم المعروف بإبن أثیر الجزری (۶۳۰ ه ق) دار الکتب المصریه (۱۳۵۸ ه ق)

۹- أعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، محمد راغب طباخ الحلبی، دارالقلم العربی، الطبع الثانی (۱۴۰۸ ه ق)

ص: ۲۹۹

۱۰- أعیان الشیعه، للعلامه محسن الامین العاملی، دارالتّعارف للمطبوعات (۱۴۰۶ ه ق)

۱۱- اماکن زیارتی سیاحتی سوریه،دکتر اصغر قائدان،نشر مشعر،۱۳۸۰ ه ش

۱۲- انساب الاشراف، لمحمد باقر المحمودی، مؤسسه الاعلمی (۱۹۷۴ م)

۱۳- بحارالَانوار محمد باقر مجلسی تهران، چاپ اسلامیه.

۱۴- البدایه والنهایه فی التاریخ، لعماد الدین اسماعیل بن عمر المعروف بابن کثیرالدمشقی (۷۰۰-۷۷۴ ه ق) مطبعه السعاده، مصر (۱۳۵۱ه ق)

۱۵- بشاره المصطفی۹ لشیعه المرتضی علیه السلام، لأبی جعفر محمد بن محمد بن علی الطبری (ت۵۲۵ ه ق) النجف الأشرف، الطبعه الثانیه ۱۳۸۳ه ق.

۱۶- تاریخ الحلب، محمد بن علی، عظیمی الحلبی،(۵۵۶-۴۸۲ ه ق) دمشق ۱۹۸۴ م.

۱۷- تاریخ بلاد الشام، لاحسان عباس، مطبعه جامعهالاردنیه(۱۴۱۰ه ق)

۱۸- تاریخ فتوح الشام، لمحمد بن عبدالله، ازدی بصری، تحقیق: عبدالله عامر، بیروت دار ناصیف، ۱۹۷۰م

۱۹- تَتِمَّهُ المُنتَهی (تاریخ خلفا و علما)، ثقه المحدّثین مرحوم حاج شیخ عباس قمی، تحقیق: صادق حسن زاده چاپ اعتماد- قم ۱۳۸۰ ه ش

۲۰- تذکرهُ خَواصِّ الاُمَّهِ فی مَعرِفَهِ أحوالِ الاَئِمَّه، یوسف بن حسام الدین المعروف بابن جوزی، طبع ۱۲۸۵ه ش.

۲۱- ترجمه لهوف سید بن طاووس، عقیقی بخشایشی چاپ هشتم ۱۳۷۹قم

۲۲- تفسیر العیاشی، لمحمد بن مسعود السلمی السمرقندی، (ت ۳۲۰)، تحقیق: السید هاشم الرسولی المحلاتی، المکتبه العلمیه- طهران ۱۳۸۰ه ق.

ص: ۳۰۰

۲۳- تفسیر نمونه، حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی مد ظلّه.

۲۴- تَنقیحُ المَقالِ، للشیخ عبدالله المامقانی- المطبعه المرتضویه فی النجف الاشرف ۱۳۵۲ه ق.

۲۵- تهذیبُ الاَحکامِ، للشیخ أبی جعفر محمد بن حسن «الطوسی رحمه الله » (ت ۴۶۰ ه) دارالکتب الإسلامیه تهران.

۲۶- تهـذیب التهـذیب، لأبی الفضل أحمد بن علی بن حجر العسـقلانی (ت۸۵۲ ه ق)، تحقیق: مصـطفی عبـد القادر عطاء، دارالکتب العلمیه بیروت، الطبعه الاولی ۱۴۱۵ ه ق

۲۷- الجامِع الاموی بدمشق، لمحمد مطیع الحافظ، دار ابن کثیر، بیروت (۱۴۰۵ه ق)

۲۸- حریق الجامع الاموی و بناوه (۱۳۱۱-۱۳۲۰ه ق) لحافظ محمد مطیع، مکتب دارالعروبه لنشر و التوضیع، کویت (۱۴۰۹ه ق)

۲۹- حلب و التشیع، لإبراهیم، نصرالله، بیروت دار الوفاء ۱۴۰۳ ه ق

۳۰- الخصائص الزینبیه- للسید نورالدین الجزائری انتشارات الشریف رضی المطبعه قم۱۳۷۶

۳۱- خطط الشام، بیروت دارالعلم للملایین، چاپ دوم ۱۳۹۱ ه ق .

۳۲- خطط دمشق، أکرم حسن العلبی، دارالطباع، دمشق، ۱۴۱۰ ه ق .

۳۳- دائره المعارف الاسلامیّه الشّیعیّه، لسید حسن الامین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات (۱۴۱۰ه ق)

۳۴- دائره المعارف الإِسلامیه، احمد الشنتاوی، ابراهیم زکی خورشید، عبدالحمید یونس.

ص: ۳۰۱

۳۵- الدرالمنتخب من تاریخ الحلب، لابن شحنه، دمشق، دارالکتاب العربی (۱۴۰۴ه ق)

۳۶- الدرالمنثور فی التفسیر المأثور، لجلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، بیروت، الطبعه الأُولی ۱۴۱۴ ه ق

۳۷- دلائلُ الاِمامَهِ، لأبی جعفر محمد بن جریرالطبری(ت ۳۱۰ ه ق)، مؤسسه البعثه قم

۳۸- ذخائرالعقبی فی مناقب ذوالقربی، محب الدین أحمد بن عبد الله، طبری

۳۹- راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق - دکتر احسان مقدس، نشر مشعر ۱۳۸۸

۴۰- الرحله = تحفه النظّار فی غرایب الامصار و... ، دارالکتب العالمی (۱۹۹۱م)

۴۱- زبده الحلب من تاریخ الحلب، لابن عدیم (۶۶۰ ه ق)، دمشق (۱۹۵۹م)

۴۲- زیارات الشام، عثمان بن احمد دمشقی المعروف بابن حورانی، مکتب الغزالی (۱۹۸۱ م)

۴۳- سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، للشیخ عبّاس القمی ، تهران.

۴۴- سَکینَهُ بنتُ الحُسَین علیهما السلام، لعایشه عبد الرحمان بنت الشاطی، دارالکتب العربی، بیروت (۱۴۰۶ ه ق)

۴۵- سیده زینب علیها السلام عقیله بنی هاشم، لعایشه عبدالرحمان بنت الشاطی، دارالکتب العربی، بیروت (۱۴۰۶ ه ق)

۴۶- سیره الأَئِمه الاِثنی عشر، هاشم، معروف الحسنی، بیروت ۱۴۱۱ ه ق

۴۷- سیرهُ النّبی۹، لمحمد بن عبدالملک بن ایوب حمیری= ابن هشام (۲۱۸ه ق) قاهره، مصر (۱۳۵۶ه ق)

ص: ۳۰۲

۴۸- الشام الحضاره، البهنسی، دمشق، وزاره الثقافه، ۱۹۸۶م

۴۹- الشام فی صدرالإِسلام، نجدت خمّاس، دمشق دار طلاس، ۱۹۸۷م

۵۰- شرح نهج البلاغه، لعزالدین عبدالحمید بن محمد بن أبی الحدید المعتزلی، بیروت، الطبعه الثانیه ۱۳۸۷ ه ق

۵۱- الطبقاتُ الکُبری، لأبی عبدالله محمد بن سعد الزهری بصری (۱۶۸-۲۳۰ ه ق) دار البیروت (۱۳۷۶ه ق)

۵۲- عمده الطالب فی انساب آل أبی طالب، لجمال الدین احمد بن علی الحسن (ابن انبه) (۸۲۸ - ۷۴۸ ه ق) بیروت، دار المکتبه الحیاه.

۵۳- الفصول المهمه فی معرفه احوال الأئمه، لابی بن محمد بن احمد المعروف بابن صباغ مالکی (۵۸۸ ه ق)

۵۴- القلائد الجوهریه فی التاریخ الصالحیه، لابن طولون، دمشق (۱۹۵۶م)

۵۵- الکافی، لأبی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی (ت۳۲۹ ه ق)، تحقیق: علی اکبر الغفّاری، الطبعه الثانیه، ۱۳۸۹ ه ق

۵۶- کامل الزیارات، لابی القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن قولویه قمی (ت،۳۶۸ه ق)

۵۷- الکامل فی التّاریخ، ابن أثیر، عزّالدین أبی الحسن علی بن عبدالکریم (۶۳۰ ه ق) بیروت، دارالصادر (۱۹۶۵م)

۵۸- کتاب نسب قریش، دارالمعارف، چاپ دوم.

۵۹- کنزالعمال، لعلاءالدین علی المتقی الهندی، مؤسسه الرساله ۱۴۰۵ه ق.

۶۰- گزیده ی ستاره درخشان شام حضرت رقیه(س)، علی ربانی خلخالی چاپ ششم ۱۳۸۵ انتشارات مکتب الحسین(ع)

ص: ۳۰۳

۶۱- مجتمع مدینه دمشق، لیوسف جمیل، نعیسه، (۱۱۸۶-۱۲۵۶ ه ق) دمشق، دار طلاس، ۱۹۸۶م

۶۲- مراقد أهل البیت علیهم السلام بالقاهرهِ، محمد زکی ابراهیم، مطبوعات العشیرهِ المحمدیه، مصر، چاپ چهارم، ۱۴۰۶ ه ق

۶۳- مرقد العقیله زینب، حسنین سابقی، بیروت [بی تا]

۶۴- مروج الذهب و معادن الجوهر لأبی الحسن علی بن الحسین، مسعودی، مطبعه البهیه المصریه ۱۳۴۶ ه ق .

۶۵- مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، للحاج میرزا حسین النّوری (ت۱۳۲۰ ه ق) مؤسسه آل البیت قم الطبعه الاولی ۱۴۰۸ ه ق

۶۶- المستدرک علی الصّحیحین، لأبی عبد الله محمد بن عبد الله الحاکم النیسابوری (ت۱۳۲۰ ه ق) بیروت ۱۴۱۱ ه ق

۶۷- مصباح الزائر للسید علی بن طاووس،

۶۸- معالی السبطین فی أحوال الحسن والحسین علیهما السلام، للشیخ محمد مهدی الحائری منشورات الشریف الرضی- الطّبعه الثّانیه.

۶۹- المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری، العماد مصطفی طلّاس، مرکز الدراسات العسکریه، دمشق ۱۹۹۰م.

۷۰- المغازی، محمد بن عمر بن سعد بن کاتب، واقدی، بیروت [بی تا]

۷۱- مفتاح الجنات، للعلّامه السید محسن، الامین العاملی

۷۲- مقتل الحسین (مقتل ابی مخنف) انتشارات رضی قم ۱۳۶۲ ش

۷۳- مقتل الحسین علیه السلام أو حدیث کربلا، لعبد الرزاق، موسوی المقرّم، مکتبه بصیرتی، قم ۱۳۹۴ ه ق .

ص: ۳۰۴

۷۴- مناقب آل أبی طالب، ابوجعفر رشید الدین- ابن شهر آشوب (۵۸۸ ه ق) قم مطبعه العلمیه.

۷۵- میزان الحکمه، لمحمدمحمدی الری شهری نشر دارالحدیث ۱۳۸۵ش.

۷۶- النجوم الزّاهره فی أخبار ملوک مصر و القاهره، إبن تغری بردی (۸۷۲ ه ق) دار الکتاب المصریه (۱۹۲۹ م)

۷۷- نهر الذهب فی تاریخ حلب، کامل، غزی البابی الحلبی، دارالقلم العربی.

۷۸- وفاء الوفاء بإخبار دارالمصطفی۹، ابو الحسن علی بن أحمد المعروف بسمهودی (۹۱۱ ه ق)

۷۹- وقعه الصّفین، نصر بن مزاحم بن سیار، منقری، مکتبه المرعشی النّجفی، ۱۴۰۳ ه ق .

۸۰- هدیه الزائر، للمحدث الشیخ عباس القمی

۸۱- یَنابیعُ المَوَدَّهِ، للشیخ سلیمان بن ابراهیم الحسینی البلخی القندوزی (ت۱۲۹۴ه ق) الطبعه الاُولی- منشورات مؤسسه الأعلمی- بیروت

ص: ۳۰۵

آثار چاپ شده مؤلف:

۱-زمزم نور ... (دائرهالمعارف مکّه و مدینه، حج وعمره و...)

۲-دستور و وصیت نامه شرعی و قانونی

۳-ارمغان ازدواج (ارمغان ۱) جالب وخواندنی

۴-خوشه های خورشید در سوریه (کتاب حاضر)

آثار چاپ نشده:

۱- آبشار رحمت

۲- صلوات (ارمغان خداوند)

۳- شکوفه های یاس (اشعار و سروده های مدرسی)

۴- ارمغان خانواده (ارمغان ۲)

۵- ارمغان تربیت (ارمغان ۳)

۶- أمیرالمؤمنین علیه السلام از دیدگاه اهل سنّت

۷- عقاید

۸- درس هایی پیرامون وهابیت

۹- برگی از انقلاب اسلامی

۱۰- پاسخ به پرسش های دینی

ص: ۳۰۶

۱۱- حدیث منزلت

۱۲- همگام با فرشتگان در عتبات (کتاب تحقیقی درباره زیارت های سرزمین عراق)

۱۳- تحقیق درباره ی امامت

۱۴- مقالات

۱۵- مصاحبه های سیاسی

۲۰-۱۶- بیانیه های کارشناسی رادیویی (۵ جلد)

خواهران و برادران عزیز را به مطالعه ی کتاب های دینی دعوت و تشویق می کنم.

مژده به پدران و مادران خردمند

علیهم السلام کتاب ارمغان تربیت (ارمغان۳) سرچشمه بزرگترین دانشگاه است. با عنایات خدا و دعای شما چاپ خواهد شد.

إن شاء الله

ص: ۳۰۷

کتاب «زمزم نور یا دائره المعارف حرمین» برای هر خانواده مذهبی، بویژه روحانیون حج و عمره، اهل منبر، پژوهشگران و... مفید است که بیانگر معارف زیر می باشد:

ü آیاتی از کلام وحی به تناسب موضوع.

ü معرفی دقیق و مستند اماکن حرمین.

ü احکام واجب، حرام و...در حج وعمره از نظر مراجع تقلید.

ü پاداش اعمال بر اساس روایات پیامبر و اهل بیت علیهم السلام .

ü گزیده های تاریخی و ظرافت ها و اشاره های عرفانی

ü فرهنگ زیارت؛ زیارت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ، أهل بیت علیهم السلام ، شهدا و ... ؛ مساجد مهم و تاریخی در مکّه و مدینه.

ü گنج های مخفی حرمین و... .

کتاب ارمغان ازدواج (ارمغان ۱) گنجینه اسراری است برای نسل جوان (اعم از پسران و دختران)

فهرست کتاب را لطفاً یکبار بخوانید

ص: ۳۰۸

}مؤسسه قرآنی پژوهشی پیامبر رحمت (ص) {

در موارد زیر اعلام آمادگی می شود:

ü پاسخ به سؤالات شرعی، امورحج، عتبات و ... و سخنرانی؛

ü برنامه های فرهنگی؛ مراسم عقد و دفترچه ازدواج؛

ü کتاب ها و سی دی های فرهنگی؛

ü کلاس های تجوید قرآن، احکام، عقاید، اخلاق و ...

تلفن تماس : ۰۹۱۵۳۲۲۶۳۲۴ (حاج آقا مدرسی)

دریافت کتاب : ۰۹۱۵۶۵۰۸۱۴۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹